



احکام و مناسک حج و عمره، ص ۳

[پیش در آمد]

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خير خلقه محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على اعدائهم اجمعين

این رساله به سه بخش تقسیم می شود:

بخش اول: بیان اجمالی اهداف معنوی و اجتماعی حج.

بخش دوم: بیان وجوب حج و شرائط، احکام، واجبات، و آداب و سنن عمره و حج در سه باب و يك پایانه.

بخش سوم: شامل اعمال و آداب مدینه منوره و بعضی دعاهاى وارده.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۵

بخش اول: بیان اجمالی اهداف معنوی و اجتماعی حج

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۷

بسم الله الرحمن الرحيم

آئین مقدس اسلام، ما را به دینی هدایت کرده که جهانی است. و کتابی را بما معرفی نموده که جاودانی است. پیرو پیامبری هستیم که رحمة للعالمین است. و بسوی مرکزی دعوت شده ایم که محور اجتماع همگانی است. موجودیت، استقلال، وحدت، حرکت و معنویت مسلمانان جهان کمال بستگی به این مرکز دارد. در سایه این مکان مقدس، و این کعبه آمال، همسوئی و مشارکت فعالانه و تبادل نظر در مسائل دینی بوجود خواهد آمد، و نیازهای دینی و سیاسی ملت های اسلامی طرح و چاره اندیشی خواهد شد. چنانکه اصلاح نفس و توجه به کمال معنوی نیز در توجه به این خانه مردم می باشد. خانه ای که بتصریح قرآن اولین خانه است که برای مردم بنا شده است. خداوند حکیم در قرآن کریم به همه این مسائل در کلمه جامع:

«**قِيَامًا لِلنَّاسِ**» اشاره می کند و می فرماید: **جَعَلَ اللهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ** (سوره مائده/ ۹۷) - خداوند، کعبه، خانه محترم خود را وسیله قوام مردم قرار داده است.

و در خطاب به حضرت ابراهیم فرموده است: **وَ اَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ .. لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ** (سوره حج آیه ۲۸) - ابراهیم مردم را به حج بسیج کن تا ببینند و منافع خویش را مشاهده نمایند.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۸

و فرموده است: **وَ اِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ اَمْنًا** (سوره بقره/ ۱۲۵) - و آنگاه که ما خانه کعبه را مرجع و

مأمن انسانها قرار دادیم -.

و نیز خانه کعبه را به عنوان خانه عتیق و دیرینه معرفی می کند تا ارزشمندی و سابقه‌داری آن را نشان دهد. و اختصاص آن را به شخص یا گروه یا قوم و نژاد خاصی نفی کند، و محور همیشگی اهل توحید را معرفی نماید: **وَلِيُطَوِّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ** (سوره حج / ۲۹) - باید بر این خانه دیرینه طواف کنند -.

با توجه به این نکات است که در میان احکام و دستورات اسلام نسبت به انجام حج و عمره بسیار تأکید شده است، و همین تأکیدات دلیل برآنست که در اعمال و مناسک حج اهداف مهم و اسرار دقیقی نهفته است. از اینرو حجاج محترم باید به اسرار این فریضه مهم الهی توجه کنند و از این سفر الهی در حد توان، بهره‌برداری معنوی و اجتماعی بنمایند.

هشام بن حکم از امام صادق علیه السلام درباره فلسفه حج سؤال می کند، و آن حضرت مصالح اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی حج را چنین بیان میکند و می فرماید:

«و امرهم بما يكون من امر الطاعة في الدين، و مصلحتهم من امر دنياهم، فجعل فيه الاجتماع من الشرق و الغرب ليتعارفوا و لينزع كل قوم من التجارات من بلد الى بلد، و لينتفع بذلك المكارى و الجمال، و لتعرف آثار رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم و تعرف اخباره و يذكر و لا ينسى. و لو كان كل قوم انما يتكلمون على بلادهم و ما فيها هلكوا و خربت البلاد و سقطت الجلب و الارباح و عميت الاخبار و لم تقفوا على ذلك، فذلك علة الحج.» (وسائل الشيعة ۱ / ۱۸ و جوب الحج)

یعنی: «خداوند در تشریح فریضه حج، مردم را به چیزی مأمور ساخت که علاوه بر تعبد و اطاعت دینی، مشتمل بر مصالح

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۹

و منافع دنیوی نیز می باشد. اجتماع و گردهمایی مسلمانان را با ملیتهای مختلف از شرق و غرب عالم در مراسم حج واجب کرد، تا مسلمانان یکدیگر را بشناسند (و با تفاهم به اتحاد برسند و به حل مشکلات اجتماعی بپردازند) و هر یک، از دادوستد با دیگری بهره‌مند گردد. و طبقات مردم در سایه این رفت و آمد از یکدیگر استفاده کنند. و هم چنین آثار و اخبار پیامبر و دستورات اسلامی شناخته شود و فراموش نگردد. و اگر این زمینه شناخت ملتها و تبادل فکری و انتقال منافع و دست‌آوردها فراهم نمی‌شد، و هر ملتی تنها روی منافع و مصالح خود سخن می‌گفت و از سایر ملتها غفلت می‌ورزید، بی‌یقین ملتها و کشورهای اسلامی هلاک می‌شدند و باب تجارت و اقتصاد مسدود می‌شد، و اخبار و آثار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم منتشر نمی‌شد و شما امروز از آنها اثری نمی‌دیدید. این است علت تشریح حج».

و در روایت فضل بن شاذان نیشابوری از حضرت امام رضا علیه السلام، آن حضرت پس از بیان جنبه‌های روحی و معنوی حج می‌فرماید:

«مع ما في ذلك لجميع الخلق من المنافع، لجميع من في شرق الارض و غربها، و من في البر و البحر، ممن يحج و ممن لم يحج: من بين تاجر و جالب و بائع و مشتري و كاسب و مسكين و مكار و فقير، و قضاء حوائج اهل الاطراف في المواضع الممكن لهم الاجتماع فيه، مع ما فيه من التفقه و نقل اخبار الائمة عليهم السلام الى كل صقع و

یعنی: «گذشته از منافع معنوی حج و خارج شدن از گناهان، و خضوع و خشوع در برابر خدای متعال - منافع اقتصادی نیز از ناحیه آن به همه اهل شرق و غرب عالم میرسد، و خواسته‌های مردم اطراف و بلاد مختلف در اثر گردهمائی در جاهائی که وسیله

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۰

تجمع فراهم می‌گردد، بررسی و حل و فصل می‌شود و علوم و اخبار امامان علیهم السلام به منطقه‌های گوناگون منتقل می‌شود».

بر این اساس از قرآن کریم و اخبار اهل بیت عصمت علیهم السلام بخوبی استفاده می‌شود که سفر بخانه خدا علاوه بر آثار معنوی و جذبه‌های روحی، دارای منافع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز برای مسلمانان جهان می‌باشد.

در این کنگره بزرگ اسلامی که هر سال ذی حجه در کانون وحی و رسالت تشکیل میشود باید مصالح و منافع همه مسلمین مورد توجه واقع شود، و قدرتهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام با یکدیگر تماس بگیرند و در امور مهم با یکدیگر تفاهم کنند. و صفوف موحدین حقیقی و پیروان واقعی حضرت ابراهیم علیه السلام در برابر جبهه‌های کفر جهانی فشرده شود. و دست‌آوردهای فکری، علمی، اقتصادی و صنعتی آنان به یکدیگر منتقل گردد. و آثار و علوم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و عترت آن حضرت تبیین و تشریح و هم‌چنان زنده و فروزان به همه مسلمین جهان ابلاغ گردد. و اگر در گوشه‌ای از جهان اسلام حادثه ناگواری رخ داد، سایر ملل مسلمان در راه علاج و رفع گرفتاری آن کوشش نموده و چاره جوئی نمایند. بالاتر از همه مسائل گذشته، حج یک آزمون بزرگ الهی و زمینه‌ساز تحول معنوی و تحرك باطنی حج‌گزاران است که باید از گناهان گذشته خود توبه کنند و نسبت به آینده خویش تجدید نظر کنند، و با تحمل مشکلات و انفاق مال و چشم‌پوشی از لذتهای جسمانی، خود را در برابر آزمایش الهی قرار دهند. و بدانند که این سفر، سفر روحانی و معنوی است نه سیر و سیاحت و تفریح. درباره این جنبه حج، یعنی اسرار روحی اعمال و مناسک آن علماء اعلام و بزرگان اهل معرفت کتابها نوشته‌اند که خوب

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۱

است حجاج محترم پیش از قصد سفر، آنها را مطالعه کنند و ما در اینجا به نقل حدیثی از امام صادق علیه السلام از کتاب مصباح الشریعه (باب ۲۱) قناعت می‌کنیم، باشد که اهل معنی از آن بهره برند و اینجانب و علماء پیشین را که وسائط نقل روایات می‌باشند مشمول دعاء خویش سازند:

«قال الصادق علیه السلام: اذا اردت الحج فجرد قلبك لله عز و جل من قبل عزمك، من كل شاغل و حجب كل حاجب. و فوض امورك كلها الى خالقك، و توكل عليه في جميع ما يظهر من حرکاتك و سکنتك، و سلم لقضائه و قدره، و ودع الدنيا و الراحة و الخلق.»

«چون خواستی حج به جا آوری پیش از تصمیم نهائی و شروع در عمل، دل خود را متوجه خدا کن و آن را از

هرگونه مشغول کننده و بازدارنده‌ای نگه‌دار، و همه کارهای خود را به آفریدگارت واگذار، و در همه مراحل بر او توکل کن، و تسلیم فرمان قضا و قدر او شو. و از اتکاء بر دنیا و رفاه و مردم آزاد شو.

«و اخرج من حقوق تلزمك من جهد المخلوقين، و لا تعتمد على زادك و راحلتك و اصحابك و قوتك و شبابك و مالك مخافة ان تصير لك اعداء و بالا، ليعلم انه ليس قوة و لا حيلة و لا حد الا بعصمة الله تعالى و توفيقه، و استعداد استعداد من لا يرجو الرجوع، و احسن الصحبة و راع اوقات فرائض الله و سنن نبيه صلى الله عليه وآله و سلم و ما يجب عليك من الادب و الاحتمال و الصبر و الشكر و الشفقة و السخاء و ايثار الزاد على دوام الاوقات.»

«و پیش از حج، حقوقی را که از مردم در ذمه تو است، ادا کن. و اعتماد به توشه و مرکب و یاران و نیرو و جوانی و مالت نداشته باش. زیرا بسا آنها همه، دشمن تو شوند و تو را تنها گذارند و برای تو کاربردی نداشته باشند. باید بدانی هیچ نیرو و پناهی جز خدا نیست. در این راه خود را مانند کسی که امید به

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۲

برگشتن ندارد، آماده ساز. و با همراهانت در این سفر، خوش رفتاری کن. و مراقب واجبات الهی و سنتهای پیامبر گرامی باش تا آنها را بخوبی و در اوقات خود انجام دهی، و آداب آنها را رعایت کنی، و تحمل و صبر در برابر ناراحتیها، و شکر خدا و مهربانی نسبت به خلق خدا را پیشه خود کن. و با سخاوت باش، و در همه اوقات نسبت به آنچه داری دیگران را بر خود مقدم مدار.»

«ثم اغتسل بماء التوبة الخالصة من الذنوب، و البس كسوة الصدق و الصفاء و الخضوع و الخشوع. و احرم عن كل شئ يمنعك عن ذكر الله عز و جل و يحجبك عن طاعته. و لب بمعنی اجابة صافية خالصة زاكية لله عز و جل فی دعوتك له مستمسكا بالعروة الوثقى.»

«و پس از رسیدن به محل احرام در یکی از میقاتها، با آب توبه خالص از همه گناهانت غسل کن. و لباس صدق و صفا، خضوع و خشوع را بپوش، و محرم شو از آنچه ترا از یاد خدا باز می‌دارد و بین تو و بندگی او مانع میشود. سپس لبیک بگو بدین معنی که دعوت خدا را با دل صاف و با نیت پاک و خالص در دعاء خویش، با تمسک بوسائل محکم الهی اجابت کن» - قرآن و بیت نبوت - (و بر این اساس در حال احرام، آنچه شائبه تعلق و وابستگی بظواهر طبیعت و زیباییهای آن دارد تحریم شده، و احرام کامل هنگامی حاصل می‌شود که گذشته از جسم و بدن، روح و دل و فکر و اراده انسان نیز محرم شوند، و جز در مسیر رضای خدا سیر نکنند.)

«و طف بقلبك مع الملائكة حول العرش كطوافك مع المسلمين بنفسك حول البيت.»

«در حال طواف باید علاوه بر طواف در اطراف کعبه که کانون توحید است، دل تو نیز هم آهنگ با ملائکه در حریم عرش خدا

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۳

طواف کند.»

«و هرول هرولة فرا (هربا) من هواك و تبريا من جميع حولك و قوتك. و اخرج من غفلتك و زلاتك بخروجك الى منى، و لا تمن ما لا يحل لك و لا تستحقه و اعترف بالخطا بعرفات و جدد عهدك عند الله تعالى بوحدانيته، و تقرب

الیه و اتقه بمزدلفة، و اصعد بروحك الى الملاء الاعلى بصعودك الى الجبل.»

«پس برای سعی صفا و مروه حاضر شو، و با هروله، سعی را انجام بده، در حالی که خود را از هوی و هوس و خودبینی و توکل بر غیر خدا دور کرده باشی. (و در حقیقت سعی تو سعی الی الله باشد.) و پس از آن بطرف منی رهسپار شو، و از غفلت و لغزشهای بیرون آی و دل خود را متوجه خدا کن و مبادا چیزهایی را که حلال نیست و یا استحقاق آنها را نداری آرزو کنی. و در عرفات بخطاهایت اعتراف کن و عهد و پیمان خود را با خدای یکتا تجدید نما. و در مزدلفه بخدا تقرب بجوی و حریم او را نگهدار و تقوی پیشه کن. و با رفتن بالای کوه مشعر، روح و روان خود را متوجه عالم بالا کن.»

«و اذبح حنجره الهوی و الطمع عند الذبیحة. و ارم الشهوات و الخساسة و الدنائة و الافعال الذمیمة عند رمی الجمرات.»

«و هنگام قربانی در منی حلقوم هوی و طمع را ببر و هنگام رمی جمرات سه گانه شهواتهای نفسانی و زشتیها و پستیها را از خود دور کن.»

«و اخلق العیوب الظاهرة و الباطنة بحلق شعرك. (راسك) و ادخل فی امان الله تعالی و كنفه و ستره و حفظه و كلائه من متابعة مرادك بدخول الحرم. و زر البيت متحققا (متحفظا) لتعظیم صاحبه و معرفة جلاله و سلطانه. و استلم الحجر رضی بقسمته و خضوعا لعظمته، و ودع ما سواه بطواف الوداع.»

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۴

«هنگام تراشیدن سر در روز عید قربان عیبهای ظاهری و باطنی خود را برطرف نما، پس از اعمال عرفات و مشعر و منی بمرکه که کانون حرم خدا است بازگرد، و خود را در امان و حفظ و حراست خدا قرار بده تا بدین وسیله از پیروی هوی و هوسها محفوظ باشی. خانه خدا را با حالت تعظیم و شناخت کامل از جلال و قدرت او زیارت کن. و با استلام و لمس حجر الاسود (که نشانه بیعت با خدا است) رضایت خود را از قسمت الهی و خضوع خود را در برابر عظمت خدا نشان بده و بوسیله طواف وداع با غیر خدا وداع کن.»

«و صف روحك و سرک للقاء الله تعالی يوم تلقاه بوقوفك على الصفا، و كن ذا مروة من الله بفناء اوصافك عند المروة. و استقم على شروط حجك و وفاء عهدك الذي عاهدت ربك و اوجبه له الى يوم القيامة.»

«و در وقوف برکوه صفا روح و باطن خود را صاف و پاکیزه کن تا در روز لقاء خدا از هر جهت پاک باشی. و چون بکوه مروه رسیدی با مردانگی دریافت شده از ناحیه خدا، شخصیت و کمالات خود را در برابر خدا محو و فانی ببین و خود را در مقام فقر و فناء محض بنگر. و کوشش نما بر تعهدات خود که با خدای خودت در یکایک اعمال حج داشته‌ای ثابت و پایدار باشی تا روز قیامت.»

«و اعلم بان الله لم يفترض الحج و لم يخصه من جميع الطاعات الا بالاضافة الى نفسه لقوله تعالی: **وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا** و لا شرع نبيه صلى الله عليه و آله و سلم سنة في خلال المناسك على ترتيب ما شرعه الا للاستعداد و الاشارة الى الموت و القبر و البعث و القيامة. و فصل بيان السبب من دخول الجنة اهلها و دخول النار اهلها بمشاهدة مناسك الحج من اولها الى آخرها لاولى الالباب و اولى النهى.»

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۵

«و بدانکه خدا حج را واجب نفرمود و آن را از میان عبادتها ممتاز نساخت مگر بوسیله اضافه آن بذات خود که فرمود: **وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا**» (برای خدا است بر عهده مردم، حج خانه خدا هرکس بتواند به آن راه یابد.) و پیامبر خدا تشریح نفرموده است عملی را در ضمن اعمال و مناسک حج مگر جهت مستعد ساختن مردم برای مرگ و قبر و بعث و قیامت، و امتیاز پیشی گیران از اهل بهشت از اهل جهنم با مشاهده مناسک حج از اول تا آخر که صاحبان عقل و خرد صحنه‌های مرگ و بعث و قیامت را می‌نگرند.»

این بود حدیث شریف مصباح الشریعه. و با توجه به اهداف یاد شده و غیره است که حج یکی از ارکان دین مقدس اسلام و از ضروریات آن بشمار آمده و انکار آن - با توجه باینکه از اسلام می‌باشد - موجب کفر و بهر حال ترك عمدی آن از گناهان کبیره محسوب شده است. و علاوه بر قرآن کریم، روایات زیادی از پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام در بیان واجب بودن حج و اهمیت آن وارد شده است که این مختصر، گنجایش آنها را ندارد. از باب نمونه باین روایت توجه فرمائید: شیخ کلینی (رحمة الله علیه) بسند معتبر از امام صادق علیه السلام روایت نموده که آن حضرت فرمود:

«من مات و لم یحج حجّة الاسلام، لم یمنعه من ذلك حاجة تجحف به او مرض لا یطیق فیہ الحج او سلطان یمنعه فلیمت یهودیا او نصرانیا» یعنی: «هرکس از دنیا برود در حالی که حجّة الاسلام را بجا نیاورده بدون اینکه حاجتی مانع او شده باشد یا به جهت بیماری از آن باز مانده باشد یا قدرت جباری از رفتن او جلوگیری کرده باشد چنین کس در حال مردن به کیش یهودیت یا نصرانیت خواهد مرد.»
و چون مستحبات حج بیش از آن است که در این رساله بیان

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۶

شود، لذا به بیان مقداری از آنها اکتفا کرده و باقیمانده را به کتابهای مفصل ادعیه و زیارات ارجاع میدهیم، بجا آوردن مستحباتی که در آن کتابها ذکر شده به امید ثواب اشکالی نداشته ثواب هم دارد. و نظر باینکه این کتاب مناسک برای فارسی زبانان نوشته شده و تکلیف آنان معمولا عمره و حج تمتع است، به بیان آنها اکتفا می‌شود و از حج قران و افراد بطور اجمالی بحث می‌کنیم.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۸

بخش دوم: مشتمل بر بیان وجوب حج و عمره و شرائط، احکام، واجبات و آداب و سنن عمره و حج

در سه باب و یک پایانه

باب اول:

مسائل خاص حجّة الاسلام واجب.

اقسام عمره و حج، و کیفیت و شرائط آنها

وصیت به حج

نیابت در حج

حج استحبابی

میقاتها و احکام آنها در دوازده فصل

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۹

فصل اول: وجوب فوری حجة الاسلام

مسألة ۱- حجة الاسلام بر شخص مکلف مستطیع، واجب است و در تمام عمر بیش از یک مرتبه واجب نیست.

مسألة ۲- وجوب حج بر شخص مستطیع فوری است، یعنی واجب است در سال اول استطاعت آن را بجا آورد و تأخیر آن جائز نیست. و در صورت تأخیر، وجوب آن ساقط نمی شود و واجب است در سال بعد انجام دهد، و اگر باز هم انجام نشد، در سالهای بعد هر چه فوری تر انجام دهد.

مسألة ۳- اگر رسیدن به حج بعد از حصول استطاعت توقف بر مقدماتی - مانند تهیه اسباب مسافرت داشته باشد - بدست آوردن آن مقدمات لازم است به طوری که در همان سال به حج برسد. و در صورتی که شخص، کوتاهی کند و در آن سال به حج نرسد حج برعهده او ثابت شده و پس از آن باید در هر شرائطی به حج برود هر چند استطاعت او از بین رفته باشد.

فصل دوم: شرائط وجوب حجة الاسلام

حج با چند شرط، واجب میشود و بدون آن شرائط، حج واجب نیست: اول و دوم: بلوغ و عقل، پس بر کودک و شخص دیوانه، حج واجب نیست.

مسألة ۴- اگر غیر بالغ حج بجا آورد حج او صحیح است، هر چند از حجة الاسلام کفایت نمی کند.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۰

مسألة ۵- اگر بچه ممیز برای حج محرم شود و در وقت وقوف به مشعر الحرام بالغ شود، گرچه مشهور معتقدند که در صورتی که مستطیع باشد، حج او از حجة الاسلام کفایت می کند. لیکن مشکل است بلکه با احتیاط واجب باید حج واجب را بعدا انجام دهد ولی اگر پیش از میقات بالغ شود اگر مستطیع باشد کفایت می کند و باید نیت حج واجب نماید. و همچنین است دیوانه اگر پیش از رسیدن به مشعر عاقل شود.

مسألة ۶- کسی که گمان می کرد بالغ نشده و قصد حج استحبابی کرد و پس از حج معلوم شد بالغ بوده کفایت حج او از حجة الاسلام محل اشکال است مگر در صورتی که در وقت نیت، قصد وظیفه واقعی خود یا ما فی الذمه را نموده و آن را از روی اشتباه بر حج استحبابی تطبیق کرده باشد.

مسألة ۷- حج برای طفل ممیز مستحب و حج او صحیح است، ولی با احتیاط واجب باید باذن ولی او باشد، و پس از بالغ شدن اگر استطاعت داشت باید دوباره به حج برود و حج زمان کودکی کافی نیست.

مسألة ۸- مستحب است ولی طفل غیر ممیز، او را محرم کند و لباس احرام به او بیوشاند و نیت کند که این بچه را برای عمره تمتع یا حج تمتع محرم می کنم. و اگر می شود تلبیه یعنی گفتن لبیک را به او تلقین کند، و گرنه خودش بجای او بگوید. و باید او را از محرّمات احرام پرهیز دهد. و هر چه از کارهای حج را که طفل بتواند، انجام دهد و آنچه را نتواند ولی او بنیابت او انجام دهد. و هزینه سفر و حج طفل، آنچه علاوه بر مخارج متعارف او است به عهده

ولی او است مگر اینکه خصوص سفر حج به مصلحت بچه باشد مثل اینکه حفظ بچه توقف داشته باشد بر اینکه او را با خود به سفر ببرد. این حکم در مجنون جریان ندارد

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۱

لیکن اگر ولی بتواند بقصد رجاء او را محرم نماید اشکال ندارد.

مسئله ۹- مقصود از ولی در این مقام ولی شرعی طفل است مانند پدر و جد پدری و هرکس از ناحیه آنان یا حاکم شرع با اختیارات تام اجازه داشته باشد.

مسئله ۱۰- پس از آنکه طفل، محرم شد یا او را محرم کردند باید ولی او، او را از محرمات احرام باز دارد، و اگر طفل، ممیز نیست خود ولی، او را از محرمات احرام حفظ کند.

مسئله ۱۱- اگر پس از احرام طفل، ولی او، او را از محرمات احرام باز نداشت و در نتیجه، یکی از محرمات را بجا آورد، در صید، ولی او باید كفاره آن را از مال خودش بدهد نه از مال طفل. و در غیر صید، وجوب كفاره ثابت نیست هرچند در صورت عمد، احتیاط خوب است.

مسئله ۱۲- گوسفند قربانی حج كودك بعهدہ ولی او است که او را به حج آورده است.

مسئله ۱۳- اگر ولی طفل او را محرم کرده تلقین نمود اعمال را مطابق دستور شرع انجام داد، و آنچه را نتوانست به نیابت او انجام داد، بچه از احرام، خارج میشود و محرمات احرام بر او حلال می شود و پس از بزرگ شدن می تواند ازدواج کند.

شرط سوم: حریت و آزاد بودن است، بر بردگان (که سابقاً وجود داشته و یا در زوایای این جهان اگر کسی هنوز برده باشد). حج و عمره واجب نیست هرچند مال و توانایی داشته باشند.

افرادی که احیاناً از افریقا و غیر آن بزور و جبر آورده و یا اغفال و یا سرقت می شوند. برده نمی باشند ولی چون استطاعت ندارند حج بر آنها واجب نمی باشد.

شرط چهارم: اینکه انسان مستطیع باشد یعنی: ۱: از نظر مالی هزینه رفت و برگشت و هزینه عائله خود را تا وقت برگشتن

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۲

داشته باشد. ۲: توانایی بدنی برای سفر و انجام اعمال حج را داشته باشد. ۳: راه باز باشد، و اگر موانعی در کار هست بتواند آنها را برطرف نماید. ۴: زمان لازم برای رسیدن به مکه و انجام اعمال در ایام حج را داشته باشد. ۵: از ناحیه حج، زندگی کنونی و آینده او و عائله اش مختل نشود.

استطاعت مالی

مسئله ۱۴- استطاعت مالی یعنی داشتن توشه راه و وسیله رفت و برگشت و توان اداره عائله خود و لوازم زندگی بگونه ای که ناچار نباشد لوازم زندگی خود و عائله اش را به مصرف حج برساند و بالاخره از ناحیه حج زندگی مادی او مختل نشود. اگر وجه نقد یا سرمایه یا ملکی داشته باشد که بتواند بوسیله آن، مخارج خود و حج و عائله اش را تهیه نماید مستطیع می باشد.

مسئله ۱۵- در استطاعت مالی لازم است علاوه بر مخارج رفتن و انجام حج، مخارج برگشتن را نیز داشته باشد، مگر اینکه نخواهد برگردد و بنا داشته باشد در آنجا بماند. و همچنین لازم است مخارج عائله خود را نیز داشته باشد مگر اینکه کسی یا ارگانی آنان را بدون منت بخوبی اداره کند، و رفتن به حج در زندگی آنان خللی ایجاد نکند. بدیهی است که در استطاعت این دخالت ندارد که پول سوغاتها و تشریفات اضافی را نیز داشته باشد.

مسئله ۱۶- معتبر است در استطاعت مالی علاوه بر مخارج رفت و برگشت و مصارف حج و عائله، ضروریات زندگی از قبیل لباس و فرش و محل سکونت- هرچند وقفی یا اجاره‌ای اگر مناسب با نیاز و شأن او باشد- و سایر لوازم زندگی را داشته باشد و یا پول یا ملکی داشته باشد که بتواند آنها را در وقت نیاز تهیه نماید.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۳

مسئله ۱۷- اگر کسی مخارج حج را نداشته باشد و ضروریات زندگی خود و عائله یا پول آنها را بخواهد در حج، خرج کند، مستطیع نیست و حج او از حجّه الاسلام کفایت نمی‌کند.

مسئله ۱۸- کسی که فعلاً به ازدواج نیاز شدید دارد و باندازه مخارج متعارف آن، پول تهیه کرده است واجب نیست پول را بمصرف حج برساند و با این پول مستطیع نمی‌شود.

مسئله ۱۹- کسی که پول نقد یا مال موجود بمقدار استطاعت ندارد ولی از دیگری بهمین مقدار طلب دارد و باقی شرائط استطاعت را نیز دارا است، اگر طلب او مدت ندارد یا وقت آن رسیده و می‌تواند- هرچند با شکایت بدون مشقت- آن را بگیرد، واجب است مطالبه کند و آن را بگیرد و به حج برود. ولی اگر بدهکار نمی‌تواند آن را بدهد مطالبه جائز نیست و استطاعت حاصل نمیشود. و اگر وقت طلب او نرسیده ولی بدهکار می‌خواهد بدون منت بدهد باید آن را بگیرد و مستطیع می‌باشد.

بلکه اگر بدهکار بفکر دادن آن نیست ولی می‌داند بمجرد اظهار به او می‌پردازد و هیچگونه اهانت و منت هم در اظهار و گرفتن آن نیست، در این صورت نیز خوبست بنا بر احتیاط به او اظهار کند، و با پرداختن او بدون شک استطاعت حاصل میشود. ولی لازم نیست پیش از سررسید از بدهکار بخواهد.

مسئله ۲۰- بر شخص غیر مستطیع، واجب نیست پول، قرض کند و به حج رود، ولی اگر قرض گرفت و زائد بر ضروریات زندگی او است و میدانند اگر آن را صرف حج کند می‌تواند در وقت پرداخت بدون زحمت، آن را بپردازد، در این صورت واجب است آن را صرف حج کند و از حجّه الاسلام کفایت میکند. و اگر قرض کردن بدون اهانت و منت برای او

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۴

آسان باشد و در مقابل آن، مالی دارد که میدانند بعد از حج، تبدیل آن به پول بسهولت انجام میشود، و یا طلبی دارد که میدانند بعد از حج وصول میشود و بالاخره از ناحیه قرض بمشقت نمی‌افتد، در این صورت بنا بر احتیاط قرض کند و به حج برود و از حجّه الاسلام کفایت می‌کند ولی لازم نیست قرض کند بلکه در صورت قرض احوط استحبابی اعاده حج می‌باشد.

مسئله ۲۱- کسی که مخارج حج را دارد و بدهی نیز دارد، چنانچه بدهی او مدت دار باشد و مطمئن است در وقت

پرداخت بدهی، توان پرداخت آن را دارد اگر واقعا چنین باشد مستطیع است و واجب است به حج برود و همین طور در صورتیکه طلبکار راضی به تأخیر بدهی می باشد و بدهکار مطمئن است هنگام مطالبه می تواند بدهی را پرداخت نماید و منتهی نیز در بین نباشد.

مسأله ۲۲- کسی که خمس یا زکات بدهکار است و مقداری پول یا ملك یا کالا هم دارد که اگر زکات و خمس خود را با آن بدهد، باقیمانده برای مخارج زندگی و مصارف حج کافی نیست باید خمس و زکات خود را بدهد و حج براو واجب نیست، چه خمس و زکات در عین مالش باشد، چه در ذمه او.

مسأله ۲۳- شخص مستطیع اگر پول ندارد لکن ملك اضافه بر زندگی دارد، باید بفروشد و به حج برود، هرچند در اثر کمی مشتری بکمتر از قیمت متعارف بفروشد، مگر اینکه فروش باین نحو موجب حرج و مشقت شود و یا اجحاف در آن باندازه ای باشد که از نظر عرف تضييع مال محسوب شود.

مسأله ۲۴- کسانی که لوازم مازاد بر زندگی دارند، بگونه ای که قیمت آنها باندازه هزینه حج است و سایر شرائط را نیز دارا می باشند، واجب است وسائل مازاد را فروخته و به حج بروند. و از این قبیل است زر و زیور زنی که در اثر پیر شدن یا شرائط

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۵

زمان، نیاز او از آنها برطرف شده باشد و نیز کتابهای زیادی که همه آنها مورد نیاز نیست و اگر مقدار زائد را بفروشند باندازه مخارج حج است. بلکه اگر نیازش از طریق غیر کتابهای شخصی خود- مانند کتابخانه ها و کتابهای وقفی- بخوبی و بدون مشقت تامین میشود باید کتابهای خود را بفروشد و به حج برود.

مسأله ۲۵- اگر کرایه ماشین یا هواپیما زیاد باشد یا از اندازه متعارف زیادتر باشد و همچنین اگر قیمت اجناس مورد نیاز در سال استطاعت زیاد باشد یا زیادتر از متعارف باشد باید به حج برود و جائز نیست از سال استطاعت تأخیر بیندازد مگر اینکه بقدری زیاد باشد که موجب سختی و مشقت در زندگی او شود و یا تضييع مال حساب شود.

مسأله ۲۶- کسی که در راه حج برای رانندگی، خبرنگاری، حسابداری، یا بعنوان روحانی کاروان، ناظر، پزشک، پرستار یا عناوین دیگر خدماتی انتخاب میشود و مخارج او را در حج تأمین می کنند و می تواند با انجام خدمت، حج کامل بجا آورد و به اندازه احرام و قربانی پول دارد و زندگی عائله اش در وقت حج را نیز تأمین کرده است، پس از پذیرفتن این قبیل خدمات مستطیع میشود و حج بر او واجب می گردد و در این قبیل افراد، داشتن مال برای آینده زندگی شرط استطاعت نیست.

مسأله ۲۷- کسی که برای نیابت از دیگری اجیر میشود و اجرت آن بقدری است که او را مستطیع می کند، در صورتی که این اجاره برای سال اول باشد، باید حج نیابی را مقدم بدارد و چنانچه استطاعت او تا سال بعد باقی بماند برای خودش در سال بعد، حج بجا آورد. و اگر نائب شدن او برای سالهای آینده باشد، یا اینکه در تعیین سال، او را مخیر نمایند باید در سال اول برای خودش حج بجا آورد در صورتی که یقین داشته باشد که بعدا

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۶

می تواند حج نیابتی را انجام دهد.

مسأله ۲۸- اگر کسی منزل گران قیمتی دارد که اگر آن را بفروشد و منزل ارزانتری بخرد با تفاوت قیمت آن می تواند به حج برود و سایر شرائط استطاعت را نیز دارا است، اگر فروش و تبدیل آن برای او آسان و خلاف شأن او هم نیست باید آن را تبدیل کند و به حج برود. و اگر تبدیل آن مشقت دارد یا خلاف شأن او می باشد لازم نیست بفروشد و مستطیع نمی باشد. سرمایه و ملک و ابزار کار نیز همین حکم را دارد.

مسأله ۲۹- اگر کسی زمین یا چیز دیگری را بفروشد که منزل مسکونی مورد نیاز خود را تهیه کند با این پول مستطیع نمی شود، هر چند برای مخارج حج کافی باشد، مگر اینکه با منزل وقفی یا اجاره ای بتواند خوب و بدون مشقت زندگی نماید و خلاف شأن او هم نباشد.

مسأله ۳۰- زنی که مهرش برای مخارج حج کافی است و آن را از شوهر خود طلب کار است و مال دیگری ندارد، اگر شوهر او توان پرداخت آن را ندارد زن، حق مطالبه ندارد و مستطیع نیست. و اگر توان پرداخت آن را دارد ولی مطالبه آن برای زن مفسده دارد مانند اینکه ممکن است باختلاف و طلاق کشیده شود در این صورت نیز مطالبه لازم نیست و زن، مستطیع نمی باشد.

و اگر توان پرداخت آن را دارد و مطالبه آن هم مفسده ندارد و شوهر نیز مخارج زن را تأمین میکند، واجب است زن مهر خود را مطالبه کند و به حج برود و تأخیر آن جائز نیست. و اگر مهر زن ملک باشد و برای حج کافی است، ولی شوهر او گرفتاری و بدهکاری دارد، گرفتاری و بدهکاری شوهر مانع از استطاعت زن نمی شود. مگر اینکه موجب اختلافات و ناراحتی یا حرج در زندگی شود.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۷

مسأله ۳۱- زن اگر مستطیع باشد و می تواند بدون همراهی شوهر و محرم دیگر و بوجود آمدن مشکلی به حج برود، شوهر حق ندارد از رفتن او جلوگیری نماید، و لازم نیست همراه محرم داشته باشد.

مسأله ۳۲- اگر کسی در وقت ازدواج به همسر خود وعده يك حج بدهد، اگر به عنوان مهر باشد و در عقد ازدواج ذکر شده باشد، باید به آن عمل کند. و اگر تنها وعده باشد بدون اینکه در عقد، ذکر شده باشد، بنا بر احتیاط به آن عمل نماید لیکن واجب نمی باشد.

مسأله ۳۳- اگر زنی مستطیع است و برای حج ثبت نام کرده و شوهر او هم مستطیع است ولی ثبت نام نکرده است، جائز نیست نوبت خود را بهر بهانه ای بشوهر خود بدهد مگر اینکه خودش به تنهایی نتواند به حج برود. ولی اگر معصیت کرد و نوبتش را بشوهر داد حج شوهر صحیح و از حج واجب شوهر کفایت می کند.

مسأله ۳۴- اگر کسی مستطیع شد جائز نیست با بخشش پول خود به پدر و مادر یا دیگری و یا صرف آن در حج آنان، خود را از انجام حج عاجز کند، و اگر چنین کاری کرد گناه کرده و حج از او ساقط نمی شود ولی بخشش او و نیز حج آنان صحیح است.

مسأله ۳۵- کسی که استطاعت رفتن به حج دارد، نمی تواند پول حج را بمصرف غیر حج برساند و خود را از استطاعت بیندازد هر چند مصرف شرعی مهمی باشد، و اگر مصرف کرد باید بهرگونه شده به حج برود ولی اگر آن مصرف اهم از حج باشد حج واجب نیست و باید بمصرف اهم برساند مثل اینکه دشمن بکشور اسلام هجوم آورده و پولی برای تهیه وسائل دفاع نباشد. ولی اگر با این وصف حج بجا آورد حج او صحیح و

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۸

کافی است گرچه معصیت کرده است.

مسئله ۳۶- با وجوه شرعیه مثل سهم امام و سهم سادات که به انسان به اندازه نیاز سالانه پرداخت میشود، استطاعت حاصل نمیشود، لیکن کسی که زندگی او با وجوه شرعیه تأمین می‌شود اگر پولی بقدر مخارج حج پیدا کرد بطوریکه رفتن حج وضع زندگی او را بهم نزند مستطیع می‌باشد چنانکه با گرفتن زکات از سهم سبیل الله نیز برای حج، استطاعت حاصل میشود.

مسئله ۳۷- اگر کسی مستحق شرعی زکات یا خمس بود و از راه آنها زندگی می‌کند و تصادفاً از منافع و ثمرات آنها مستطیع شد، باید به حج برود در صورتی که گرفتن خمس بآن مقدار جائز بوده است.

مسئله ۳۸- اگر کسی شك کند مالی که دارد باندازه استطاعت حج هست یا نه، بنا بر احتیاط واجب باید تحقیق کند، و فرقی نیست در وجوب تحقیق احتیاطاً، بین اینکه مقدار مال خود را نداند یا مقدار مخارج حج را.

مسئله ۳۹- میزان در وجوب حج، استطاعت از جایی است که فعلاً در آنجا می‌باشد. پس اگر کسی در وطن خود می‌باشد و در آنجا مستطیع نیست حج براو واجب نیست هر چند مال بمقدار حج میقاتی داشته باشد، ولی اگر به میقات رفت برای کاری یا مثلاً برای تجارت به جده رفت و در آنجا استطاعت حج را با همه شرائط آن پیدا کرد، حج براو واجب میشود و از حجة الاسلام کافی است.

مسئله ۴۰- در مستطیع شدن فرقی نیست بین اینکه در ماههای حج یعنی شوال و ذی‌قعدة و ذی‌حجه مال پیدا کند یا پیش از آنها بنابراین اگر قبلاً استطاعت مالی حاصل شد انسان حق ندارد عمداً خود را از استطاعت خارج کند هر چند در آغاز سال و پیش

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۹

از ماههای حج باشد. و اگر با نام‌نویسی در لیست متقاضیان حج می‌تواند در سالهای بعد بحج مشرف شود از هم‌اکنون باید نام نویسی کند و نمی‌تواند استطاعت مالی خود را از بین ببرد.

استطاعت بذلی

مسئله ۴۱- اگر انسان مخارج سفر حج را ندارد، ولی به او گفته شد که حج بجا آور و مخارج رفت و برگشت و عائله‌ات بعهد من، پس با اطمینان به تعهد و پای‌بندی تأمین‌کننده، حج براو واجب میشود. و این حج را حج بذلی و استطاعت آن را استطاعت بذلی می‌نامند، و در آن، رجوع بکفایت یعنی داشتن مالی برای تأمین مخارج پس از بازگشت معتبر نیست. مگر اینکه قبول بذل و رفتن به حج، موجب اختلال و از هم پاشیدگی زندگی دائمی او شود که در این صورت قبول آن واجب نیست. و حج بذلی از حجة الاسلام کافی است هر چند احوط استحبابی و افضل، اعاده حج است اگر در آینده پولدار و متمکن شد.

مسئله ۴۲- اگر مالی را که برای حج کافی است به او ببخشند بشرط اینکه حج بجا آورد باید قبول کند و به حج برود. و همچنین است اگر بخشنده مال بگوید می‌توانی از این پول، حج بجا آوری و پول هم برای حج، کافی باشد. بلکه اگر اسم حج را نیاورد ولی مال زیادی که بمقدار مخارج حج می‌باشد به او ببخشد و در قبول آن هیچ‌گونه

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی
 منت و ذلت و خلاف شأن نباشد بنا بر احتیاط قبول کند، و به حج برود گرچه اقوی عدم لزوم قبول و عدم وجوب حج می باشد مگر اینکه شرایط استطاعت را داشته باشد.

مسئله ۴۳- اگر کسی توانائی مسافرت به حج را ندارد و از توانائی بعد از این هم مأیوس است و استطاعت مالی هم ندارد

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۳۰

اگر مخارج حج را به او ببخشند واجب نیست قبول کند و نایب بگیرد.

مسئله ۴۴- در حج بذلی پول قربانی بعهده بخشنده است ولی کفارات بعهده او نیست. و اگر دهنده مال، پول قربانی را نبخشید حج وجوب ندارد مگر اینکه شرایط استطاعت خود شخص محقق شود.

مسئله ۴۵- کسی که برای حج بدیگری پول می بخشد می تواند پس بگیرد، هر چند عمل زشتی است. بلکه خلاف احتیاط است. و اگر بخشش بقصد قربت یا بیکی از خویشان باشد حق ندارد پس بگیرد. و در مواردی که حق پس گرفتن دارد اگر طرف در بین راه باشد باید مخارج برگشت او را بدهد. و اگر بعد از احرام باشد باید مخارج حج او را بدهد.

رجوع به کفایت

مسئله ۴۶- در استطاعت حج لازم است بخاطر حج، سرمایه یا ملک یا محل کسب و شغلی که اساس زندگی او است و زندگی آینده او و عائله او بر آنها متوقف است از بین نرود و همین است معنی رجوع بکفایت. پس اگر انسان مالی دارد که در اداره زندگی خود و عائله اش به آن نیاز دارد و زائد بر مقدار نیاز نیست، واجب نیست آن را به مصرف حج برساند و از این ناحیه مستطیع نمی شود. ولی اگر با تبدیل آن به چیز ارزان تر مخارج حج تأمین میشود و به آبرو و شأن و زندگی آینده او نیز لطمه ای وارد نمیشود در این صورت باید تبدیل کند و به حج برود. و اگر برای آینده خود، پول و ملک و سرمایه و محل کسب ندارد ولی قدرت بر کار و صنعت مناسب خود دارد، و یا کارمند اداره یا مؤسسه ای می باشد و درآمد او کفاف زندگی او را می دهد در این صورت با

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۳۱

داشتن هزینه سفر و حج و مخارج عائله اش در وقت حج هر چند بصورت غیر پول باشد مستطیع می شود و باید جنس را بفروشد و به حج برود.

مسئله ۴۷- اگر باغ یا ملکی یا کارخانه ای دارد که فعلاً درآمدی ندارد و قیمت آن برای سفر حج کافی است، ولی اطمینان دارد که در سالهای آینده درآمد دارد و او نیز راهی برای زندگی جز درآمد آن نخواهد داشت، در این صورت حج بر او واجب نیست.

مسئله ۴۸- کسی که از راه کسب یا غیر آن، مخارج رفت و برگشت و مخارج عائله خود را در وقت حج دارد، و پس از برگشت، مقداری از مؤونه زندگی و یا همه آن را از وجوه شرعیه تأمین می کند، اگر در زندگی معمولی خود همواره باینطور اداره می شود واجب است حج برود و کفایت از حجة الاسلام می کند و همچنین است اگر می داند دیگران او و عائله اش را بدون منت و ذلت از راه نذورات و تبرعات اداره می کنند در صورتی که روش زندگی

معمولی او همواره باینطور اداره می‌شود.

استطاعت بدنی و باز بودن راه وسعت وقت

مسئله ۴۹- در وجوب حج - علاوه بر استطاعت مالی - استطاعت بدنی و باز بودن راه و وسعت وقت برای اعمال حج دخالت دارد. پس بر مریضی که قدرت رفتن بحج ندارد یا برای او حرج و مشقت زیاد دارد، واجب نیست خودش بحج برود. و هم‌چنین برکسی که راه برای او باز نیست یا پس از اینکه مال پیدا کرد وقت تنگ شده بگونه‌ای که نمی‌تواند بحج برسد، ولی در همه این موارد اگر مایوس است از اینکه خودش در آینده بتواند بحج برود و ممکن باشد کسی را بنیابت خود بفرستد، باید فوراً

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۳۲

دیگری را بنیابت خود به حج بفرستد و می‌تواند سروره، یعنی کسی را که تا حال به حج نرفته است نیز بفرستد. و اگر عذر او تا وقت فوت باقی بماند حج نایب از او کافی است. ولی اگر عذر او برطرف شد و شرائط دیگر استطاعت نیز وجود دارد، بنا بر احتیاط مستحب خودش هم حج را بجا آورد. و اگر امید دارد که خودش در آینده بتواند بحج برود در این صورت واجب نیست کسی را بنیابت خود بفرستد هرچند احوط است و اگر کسی را فرستاد و بعداً خوب شد واجب است مجدداً خودش حج بجا آورد. و بنا بر احتیاط واجب، باید مال را برای سالهای بعد حفظ نماید، یعنی عمداً تلف نکند، و اگر به یقین می‌داند که عذر او برطرف می‌شود حتماً واجب است مال را حفظ نماید.

مسئله ۵۰- کسی که از همه جهات استطاعت دارد و فقط وسائل رفتن را تهیه نکرده یا وقت حج نرسیده است، حق ندارد خود را از استطاعت خارج کند. و اگر کرد حج بر او ثابت و مستقر شده و باید بهر نحو می‌شود به حج برود و اگر نتوانست نایب بگیرد.

مسئله ۵۱- کسی که استطاعت حج پیدا کرد، باید خرجهای مقدماتی را مانند خرج گذرنامه و ویزا و ودیعه و آنچه بحج مربوط است بدهد. و این خرجها موجب سقوط حج نمی‌شود. ولی اگر تمکن این خرجها را نداشته باشد مستطیع نیست.

مسئله ۵۲- مسلمانان کشورهای فاسد و غیر اسلامی است و اگر بخواهند به حج بروند ناچارند مبالغی را بحکومت فاسد خودشان کمک نمایند، در صورتیکه استطاعت پیدا کردند و راهشان منحصر بهمان باشد، باید از همان طریق به حج بروند و حج آنان مجزی است و اگر راه دیگری دارند که کمک بان دولتها نشود باید آنرا انتخاب کنند.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۳۳

مسئله ۵۳- اشخاصی که در وقت اسم نوشتن برای حج، استطاعت مالی دارند و از طرف دولت برای سالهای بعد اسم می‌نویسند و راهی جز این طریق برای حج نیست، واجب است اسم خود را بنویسند هرچند احتمال ندهند که در همان سال اول، قرعه به نامشان اصابت کند. و اگر کوتاهی کردند و اسم ننوشتند حج بر آنان ثابت شده است. بلکه اگر کسی فعلاً استطاعت مالی ندارد، ولی می‌داند که بزودی استطاعت مالی پیدا می‌کند و در آن وقت، دیگر

اسم نمی‌نویسند یا مثلاً بلیط هواپیما پیدا نمی‌شود، در این صورت اگر می‌تواند باید اسم خود را بنویسد یا بلیط را تهیه نماید.

مسئله ۵۴- اگر کسی استطاعت مالی پیدا کرد، ولی هنوز از طرف دولت ثبت نام اعلام نشده و لکن انتظار می‌رود ثبت نام اعلام شود، نمی‌تواند پول حج را در مصارف دیگر خرج کند و خود را از استطاعت ببندازد، هرچند بداند نوبت او به سالهای آینده می‌افتد.

مسئله ۵۵- اگر کسی مستطیع شد و در اسم نوشتن و یا رفتن به حج و تهیه مقدمات کوتاهی کرد تا نوبت از دست رفت، واجب است بهر نحو می‌شود گرچه با التماس توصیه و سفارش و یا از راه کشورهای دیگر و صرف مبالغی زیاد تر به حج برود، مگر اینکه موجب عسر و حرج شدید باشد.

مسئله ۵۶- کسی که بعد از استطاعت مالی بدون تأخیر، در تهیه مقدمات حج کوشش نمود و در قرعه‌کشی شرکت کرد، ولی قرعه بنامش اصابت نکرد و از راه دیگری هم نمی‌تواند بحج برود، حج بر خودش واجب نیست، و اگر مایوس است که در آینده نیز بتواند شخصا حج برود لیکن می‌تواند دیگری را نایب کند، بنابر احتیاط واجب کسی را بجای خود بحج بفرستد. و

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۳۴

اگر بعد از استطاعت مالی در تهیه مقدمات کوتاهی کرد و در قرعه‌کشی شرکت نکرد و حج را عمداً تاخیر انداخت حج بر او ثابت شده است، و اگر در سالهای بعد خودش نتواند به حج برود باید دیگری را بجای خود بفرستد.

مسئله ۵۷- شخص مستطیع، خودش باید به حج برود و حج دیگری از طرف او کافی نیست مگر اینکه نتواند خودش برود.

مسائل متفرقه استطاعت

مسئله ۵۸- اگر زنی در زمان حیات شوهر، استطاعت مالی نداشت، و بعد از مردن شوهر از ارث او استطاعت پیدا کرد، ولی از جهت مرض یا پیری نمی‌تواند بحج برود در صورتی که امید بهبود در آینده ندارد، باید کسی را که حج بر او واجب نیست بجای خود بحج بفرستد و اگر ارثی که به او رسیده فقط برای رفت و برگشت حج کافی باشد، ولی برای زندگی به آن نیاز دارد و زراعت یا صنعت یا شغلی که بتواند پس از برگشتن از حج، زندگی خود را با آن اداره کند ندارد، مستطیع نمی‌شود و حج بر او واجب نیست.

مسئله ۵۹- کسیکه حج بر او واجب و مستقر شده اگر بجا نیاورد تا از کار افتاده عاجز شود و مایوس شود که خودش بتواند برود، باید کسی را فوراً به نیابت خودش بحج بفرستد. و اگر نفرستاد تا از دنیا رفت، باید از مالش برای او يك حج بجا آورند - وصیت کرده باشد یا نه - و حج میقاتی کافی است و لازم نیست از شهر او، کسی را بفرستد، مگر اینکه وصیت کند که از شهر خودش برایش بفرستند یا ظاهر وصیتش چنین باشد. و در حج واجب، مقدار پول میقاتی آن از اصل مال برداشت می‌شود و زائد بر آن از ثلث مال. و باید در همان سال وفاتش حج را بجا آورند،

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۳۵

و تاخیر آن جائز نیست. و چنانچه در آن سال، نیابت از میقات، ممکن نباشد باید از شهر وی نایب بگیرند و همه آن

از اصل مال برداشت می‌شود. و هم‌چنین اگر در آن سال از میقات نتوانند نائب بگیرند، مگر بزایدتر از اجرت متعارف، لازم است نائب بگیرند و تأخیر نیندازند. و اگر وصی یا وارث کوتاهی کند و تأخیر بیندازد و مال میت از بین برود ضامن می‌باشد. ولی اگر میت مال نداشته باشد بر وارث او انجام حج او واجب نیست هر چند خوب است.

مسئله ۶۰- اگر کسی از سالهای پیش مستطیع بوده و اکنون مسافرت با هواپیما مثلاً بجهت کسالت برای او مقدور نیست و جز هواپیما وسیله دیگری برای او فراهم نیست و امید ندارد که در آینده نیز خودش بتواند به حج برود، باید کسی را به نیابت خود به حج بفرستد و اگر نفرستد تا وفات کرد باید از مال او برایش نائب بگیرند.

مسئله ۶۱- اگر کسی با داشتن استطاعت مالی به چیزی چون تریاک عادت دارد و طبق مقررات کشور از رفتن او بحج جلوگیری می‌شود، اگر استطاعت او از سابق بوده و امکان رفتن بحج داشته و نرفته، حج بر او ثابت و مستقر شده است. و چنانچه ترك تریاک برای او میسر نیست و جانش بخطر می‌افتد و از رفتن در سالهای بعد نیز مایوس است باید نائب بگیرد. و اگر از سابق مستطیع نبوده و سال اول استطاعت او است، نیز در صورتی که مایوس از ترك عادت است نائب بگیرد.

مسئله ۶۲- اگر رفتن به حج موجب ترك واجب یا فعل حرامی می‌شود، باید ملاحظه کند حج مهمتر است یا آن واجب و حرام.

اگر اهمیت حج بیشتر است باید به حج برود. و اگر آن واجب یا حرام مهمتر است مثل نجات دادن مسلمانی از تلف شدن، در این

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۳۶

صورت حج، واجب نیست و نباید برود، ولی اگر رفت و حرامی را مرتکب یا واجبی را ترك کرد، هر چند معصیت کرده ولی حج او صحیح، و از حجة الاسلام کفایت می‌کند.

مسئله ۶۳- اگر کسی در مدینه منوره یا در راه حج، مریض شد و بردن او برای حج، میسر نیست، اگر سال اول استطاعت او است و از خوب شدن حتی در سالهای بعد مایوس است، اگر می‌تواند، باید نائب بگیرد تا برایش اعمال عمره و حج را بجا آورد. و نائب گرفتن از میقات کافی است. و اگر از سابق، حج بر او واجب و ثابت شده و از خوب شدن و انجام حج حتی در سالهای بعد مایوس است نیز واجب است نائب بگیرد. و اگر می‌تواند خودش اعمال حج را به صورت اضطراری انجام دهد، باید محرم شود و هر مقداری را می‌تواند گرچه با کمک دیگران انجام دهد و هر چه را نمی‌تواند نائب بگیرد. ولی در وقوف بعرفات و مشعر، نائب گرفتن کافی نیست.

مسئله ۶۴- اگر بخواهند مریض مزبور را بمکه معظمه منتقل نمایند، بنا بر احتیاط بقصد عمره مفرده محرم شود و با انجام اعمال عمره هر چند اضطراری آن و تقصیر - گرفتن مقداری از مو یا ناخن -، از احرام خارج شود.

مسئله ۶۵- اگر کسی بعد از انجام عمره تمتع مریض شد و قادر بانجام حج نیست و می‌خواهند او را بوطن باز گردانند، اگر می‌تواند خودش احتیاطاً يك طواف نساء بجا آورد، و اگر نمی‌تواند نائب بگیرد. و چنانچه از سابق، حج بر او واجب شده است و از خوب شدن و انجام حج در آینده مایوس است باید در همان سال یا سال بعد برای عمره و حج تمتع نائب بگیرد و نائب گرفتن از میقات کافی است. و اگر مایوس نیست هر وقت توانست خودش

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۳۷

استطاعت او است و از خوب شدن مایوس است نیز اگر می تواند از همانجا برای عمره و حج تمتع نائب بگیرد و کفایت از حجة الاسلام می کند.

مسئله ۶۶- اگر کسی به گمان اینکه استطاعت دارد بقصد عمره و حج تمتع واجب همه اعمال را انجام داد و بعد معلوم شد مستطیع نبوده است، اگر بعدا مستطیع شد، باید حجة الاسلام را بجا آورد و حج و عمره گذشته کافی نیست.

مسئله ۶۷- اگر کسی به گمان اینکه مستطیع نیست، قصد عمره و حج استحبابی کرد و بعد معلوم شد مستطیع بوده است، از حجة الاسلام کافی نیست و باید اعاده کند، مگر اینکه در وقت نیت در اساس ارتکاز ذهنی او قصد وظیفه واقعی خود را کرده باشد نه خصوص استحبابی را. و اگر بعد از عمره معلوم شد مستطیع بوده است، عمره را با احرام جدید بجا آورد مگر در صورت یاد شده مزبور.

مسئله ۶۸- کسی که در اثر ندانستن مسأله گمان می کرد مستطیع شده است و بقصد حجة الاسلام به حج رفت و در سالهای بعد واقعا مستطیع شد، ولی چون گمان می کرد حج خود را بجا آورده حج نیابتی قبول کرد و بجا آورد، حج نیابتی او صحیح است ولی قرار داد اجاره باطل بوده اجرة المثل بگیرد و باید بعدا حج خود را بجا آورد ولی بنابر احتیاط مستحب حج نیابتی را اگر وقت آن وسعت داشته دوباره بجا آورد، و اگر وسعت نداشته بصاحب پول مراجعه کند و پول را برگرداند یا از نو، نائب شود.

مسئله ۶۹- اگر کسی با تقلید صحیح در گذشته به حج مشرف شده ولی چون مجتهد او رجوع بکفایت را شرط نمی دانسته بدون داشتن کفایت، قصد حجة الاسلام کرده است،

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۳۸

و بعدا آن مجتهد فوت نمود و فعلا از مجتهدی تقلید می کند که رجوع بکفایت را شرط می داند و الآن همه شرائط استطاعت و از جمله مقدار کفایت را دارا است، احتیاط مستحبی است که حج خود را اعاده کند مگر اینکه مجتهد فعلی بقاء بر تقلید میت را جائز بداند و مقلد هم باقی بماند ولی اقوی صحت حج سابق است و اعاده لازم نیست.

مسئله ۷۰- کسیکه احتمال می دهد حجی که در سالهای پیش انجام داده صحیح نبوده یا مثلا مستطیع نبوده است و فعلا شرائط استطاعت را دارا است و می خواهد احتیاط کند، می تواند در نیت خود قصد مطلق امر - بدون قید واجب یا مستحب - کند و می تواند قصد حج احتیاطی کند.

مسئله ۷۱- کسی که حج واجب خود را انجام داده است، می تواند حج خود را احتیاطا اعاده کند، ولی اعاده حج، کفایت از اعاده اجزاء حج - در صورت صحت حج و بطلان اجزاء آن - نمی کند، بلکه باید خود آن جزء را - در صورتی که فقط جزء حج، باطل شده باشد که در مسائل آینده معلوم خواهد شد - تدارک کند.

مسئله ۷۲- اگر کسی مستطیع بود و بقصد عمره تمتع محرم شد و پس از ورود در حرم «۱» از دنیا رفت، حج و عمره از او ساقط می شود بشرط اینکه در منطقه حرم از دنیا رفته باشد، چه قبل از اعمال عمره باشد یا در وسط

عمره و یا بعد از آن، ولی اجراء این حکم در غیر عمره تمتع و حجة الاسلام محل اشکال است. و اگر پیش از احرام یا پیش از ورود در حرم از دنیا برود اگر از سابق، حج براو واجب و ثابت شده باید برای او نائب بگیرند و

(۱) بنا بر آنچه گفته شده: حد حرم از جانب شمال مکه، «مسجد تنعیم» با فاصله ۶ کیلومتر تا مسجد الحرام و از جانب جنوب، محلی بنام «اضائة لبن» با فاصله ۱۲ کیلومتر تا مسجد الحرام و از جانب شرق «جعرائنه» با فاصله ۳۰ کیلومتر و از جانب غرب «حدیبیه» با فاصله ۴۸ کیلومتر میباشد.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۳۹

نیابت از میقات کافی است. بلکه اگر سال اول استطاعت او است نیز بنا بر احتیاط برایش نائب بگیرند و مخارج آن را وارثهائی که بالغ هستند از سهم خود حساب نمایند و اگر در راه هر چند پیش از احرام فوت کند با احتیاط واجب مخارج مانده او را اگر چیزی باقی مانده در سفر حج شخص دیگری خرج نمایند.

مسألة ۷۳- بر مستطیع لازم نیست با پول خود به حج برود پس اگر با قرض یا گدائی یا مهمان شدن بر دیگران مجاناً یا در مقابل خدمات و حتی اگر با مال غصبی بحج برود از حجة الاسلام کافی است. ولی اگر لباس احرام و پول قربانی غضبی باشد کافی نیست.

مسألة ۷۴- جائز نیست انسان با مال حرام بحج برود، ولی با مالی که شك در حلال بودن آن دارد و از نظر شرعی حکم به حلال بودن آن شده مانعی ندارد. چنانکه اگر فقط لباس احرام و پول قربانی حلال باشد حج او صحیح می باشد. هر چند مثلاً کرایه از مال حرام باشد.

فصل سوم: وصیت به حج

مسألة ۷۵- اگر کسی حجة الاسلام بر او واجب شده باشد و آثار مرگ بر او ظاهر شد باید وصیت کند که حجش را انجام دهند. و چون از دنیا رفت و مخارج حج بمقدار میقات از اصل مال او برداشت می شود و اگر نائب گرفتن از میقات میسر نیست، همه مخارج حج از اصل مال او برداشت می شود- وصیت کرده باشد یا نه- و اگر وصیت کرده که از ثلث مال برداشت شود از ثلث برداشت می شود. و اگر امور دیگری مانند مخارج مجلس فاتحه و خیرات، و مستحباتی را نیز وصیت کرده است، اگر در وصیت او ترتیب در کار نیست یا اینکه حج را اول، وصیت کرده، حج،

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۴۰

مقدم است. و اگر سایر خیرات را اول ذکر کرده، اول، مقدار آنها از ثلث برداشت می شود و بقیه ثلث در حج، مصرف می شود و کمبود آن از باقی مال برداشت می شود.

مسألة ۷۶- اگر کسی فوت کرد و حجة الاسلام براو واجب شده باشد، واجب است در همان سال فوراً برایش نائب بگیرند و نائب گرفتن از میقات برای او کافی است، مگر اینکه وصیت کرده باشد که از شهر وی نائب بگیرند و یا ظاهر وصیت او چنین باشد، و در این صورت مقدار پول حج میقاتی از اصل مال برداشت می شود و ما بقی از ثلث مال. و اگر نائب گرفتن از میقات میسر نیست یا مورد اطمینان نیست و انجام حج توقف دارد بر نائب گرفتن از شهر وی در این صورت همه آن از اصل مال برداشت می شود. و احوط و اولی نائب گرفتن از شهر او است مطلقاً چه وصیت کرده باشد یا ظاهر وصیت این باشد که از شهر خودش نائب بگیرد یا نه. ولی زائد بر میقات را اگر وصیت

نکرده و ارتهائی که بالغ هستند از سهم خودشان بدهند.

مسأله ۷۷- اگر کسی از دنیا برود و حجة الاسلام بر او واجب باشد و در سال اول، نائب پیدا نشود مگر به اجرت بیشتر از متعارف، واجب است به اجرت بیشتر نائب بگیرند و همه آن از اصل مال برداشت می شود، و تأخیر آن برای سالهای بعد جائز نیست.

مسأله ۷۸- اگر کسی وصیت کرده باشد که شخص معینی برای او حج بجا آورد یا از شهر خاصی برای او نائب بگیرند، یا مبلغ معینی را برای حج او مصرف نمایند، عمل به وصیت واجب است، و مقدار حج میقاتی از اصل مال و بقیه از ثلث برداشت می شود. و اگر نائب گرفتن از میقات ممکن نباشد و آنچه وصیت کرده از اجرت متعارف ممکن، بیشتر نیست همه آن از اصل مال برداشت می شود.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۴۱

مسأله ۷۹- اگر وصیت کند برای او از مال معینی حجة الاسلام انجام شود و وصی می داند که آن مال، متعلق، خمس یا زکات شده و خمس یا زکات آن پرداخت نشده، باید اول، خمس یا زکات آن پرداخت شود و باقیمانده بمصرف حج برسد و کمبود آن از سایر مال او پرداخت شود.

مسأله ۸۰- اگر کسی از دنیا رفت و حجة الاسلام بر او واجب بود اگر مال میت فقط بمقدار حج باشد ورثه او حق ندارند قبل از نائب گرفتن برای حج یا پرداخت اجرت آن بوصی میت، در آن مال تصرف کنند، بلکه اگر بیشتر هم باشد بنابر احتیاط قبل از نائب گرفتن برای حج یا پرداخت مقدار آن بوصی، در آن مال تصرف نکنند مگر اینکه مال، خیلی زیاد باشد و ورثه، متعهد به پرداخت مقدار حج شوند. و همچنین است اگر میت بدهی دارد یا خمس یا زکات بدهکار است یا وصیت کرده باشد که برای او کارهایی را انجام دهند.

مسأله ۸۱- اگر حجة الاسلام بر میت واجب باشد و ورثه یا وصی او که مال میت در اختیارشان می باشد در نائب گرفتن برای او کوتاهی کردند تا مال تلف شد ضامن می باشند و باید از مال خود برای او نائب بگیرند.

مسأله ۸۲- بمجرد نائب گرفتن، ذمه میت بریء نمی شود.

پس اگر معلوم شد که نائب عمدا یا بجهت عذری، حج را بجا نیاورده، واجب است دوباره برای او نائب گرفته شود و مخارج آن از اصل مال یا ثلث بتفصیلی که گذشت پرداخت شود و مال اول در صورت امکان از نائب پس گرفته شود. هر چند احتمال دارد که در صورت قرار داد عقد ضمان ذمه میت بریء شده حج بعهدہ نائب ثابت شود. این احتمال در نماز و روزه استیجاری نیز جریان دارد.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۴۲

مسأله ۸۳- اگر حج بر میت واجب باشد و مال نداشته باشد بر بازماندگان واجب نیست برای او حج بجا آورند، ولی خوب است بویژه اولاد او به او احسان کنند و برای او حج بجا آورند.

مسأله ۸۴- اگر شخصی مثلا منزل یا ملک خود را به دیگری صلح کند به صلح قطعی، بشرط آنکه آن شخص پس از مرگ وی برای او يك حج بجا آورد یا مثلا ده سال نماز و روزه به نیابت او انجام دهد، منزل یا ملک یاد شده از ملک وی خارج شده است و ورثه او حقی نسبت به آن ندارند و بر آن شخص، واجب است حج بجا آورد.

مسئله ۸۵- اگر مالی که برای حج میّت در نظر گرفته شده بوسیّ میّت تحویل داده شد و مال در اثر تفریط و سهل انگاری وصی تلف شد، وصی، ضامن است و باید عوض آن را از مال خود بمصرف حج برساند. و اگر بدون تفریط و سهل انگاری او تلف شد در این صورت وصی، ضامن نیست و حج میّت باید از باقی مال میّت اداء شود: اگر حجّه الاسلام است از اصل مال و اگر حجّ مستحبی است از ثلث مال. و همچنین است حکم بدهی های میّت و از آن جمله خمس و زکات، اگر وجه آنها تحویل وصی شده باشد. و اگر ورثه میّت، مال را تقسیم کرده اند، باید هر کدام بنسبت سهم خود برگردانند تا حجّ و بدهی های میّت و وصایای او بانجام برسند. و اگر ندانیم تلف شدن مال در نزد وصی با تفریط و سهل انگاری بوده یا نه، ضمانت او ثابت نیست و نسبت باعمال میّت باید بدستور گفته شده عمل شود.

فصل چهارم: نیابت در حجّ

مسئله ۸۶- در نایب چند شرط معتبر است:

اول: بلوغ، بنا بر احتیاط واجب، پس نایب شدن غیر بالغ در

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۴۳

حجّ واجب هر چند ممیّز باشد محل اشکال است. لیکن در حجّ مستحب اشکال ندارد. دوم: عقل.

سوم: ایمان، یعنی نایب علاوه بر اعتقاد به خدا و نبوت و معاد، دوازده امام را هم قبول داشته باشد.

چهارم: مورد و ثوق باشد، یعنی اطمینان داشته باشیم که اعمال را انجام می دهد. ولی لازم نیست بصحّت اعمال او اطمینان داشته باشیم، بلکه با شكّ در صحّت هم، حکم بصحّت می شود مگر اینکه طرف، متهم بسهل انگاری و مسامحه کاری باشد که در این صورت حکم بصحّت، محل اشکال است.

پنجم: هنگام اجیر شدن، نایب اجمالاً اعمال و احکام حجّ را بداند تا اجاره مشتمل بر جهل و غرر نباشد.

ششم: نایب در آن سال، حجّ واجب برعهده نداشته باشد، پس شخص مستطیع که حجّه الاسلام براو واجب است و انجام نداده است چه سال اول استطاعتش باشد و چه از سابق، حجّ بر او واجب و ثابت شده باشد، جائز نیست از دیگری نیابت کند و اگر نیابت کند حجّ او صحیح است لیکن قرار اجاره باطل بوده اجرةالمثل طلب دارد.

هفتم: از انجام بعضی از اعمال حجّ معذور نباشد بلکه چنین شخصی اگر مجانی نیز به نیابت دیگری حجّ بجا آورد اکتفاء بعمل او محل اشکال است. ولی اگر در ارتکاب برخی محرمات احرام چون زیر سایه رفتن ناچار باشد نیابت او اشکال ندارد.

مسئله ۸۷- نایب لازم نیست در وقت اجیر شدن تمام اعمال و احکام حجّ را به تفصیل بداند پس اگر در وقت نایب شدن اعمال را اجمالاً میدانند و در وقت عمل، با ارشاد و راهنمایی دیگران اعمال را بجا می آورد کافی است.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۴۴

مسئله ۸۸- لازم نیست نایب هم جنس منوب عنه باشد پس نایب شدن مرد از زن و زن از مرد مانعی ندارد.

مسئله ۸۹- نایب شدن ضروره، یعنی کسی که تاکنون حجّ بجا نیاورده مانعی ندارد در صورتیکه حجّ بر خودش

واجب نباشد و مطمئن باشیم اعمال حج را بخوبی انجام می‌دهد هر چند مکروه است نایب شدن ضروره از مرد ضروره، بلکه از زن ضروره نیز.

مسئله ۹۰- در منوب عنہ یعنی کسی که به نیابت او حج بجا می‌آورند دو شرط معتبر است:

اول: اینکه مسلمان باشد. پس نایب شدن برای کافر در انجام حج، صحیح نیست هر چند مستطیع بوده باشد.
دوم: در حج واجب معتبر است که منوب عنہ مرده باشد یا اگر زنده است در اثر پیری یا مرضی که امید خوب شدن در آن نیست یا عذری دیگر، خودش نتواند بحج برود، ولی نیابت از زنده در حج مستحب، مانعی ندارد هر چند مریض و معذور هم نباشد.

مسئله ۹۱- در منوب عنہ بلوغ و عقل معتبر نیست، بلکه اگر شخصی در وقتی که عاقل بوده مستطیع شده و حج براو واجب گشته و سپس پیش از انجام آن، دیوانه شده و از دنیا رفته، واجب است در این صورت از مال او برایش نایب بگیرند تا حجش را بجا آورد.

مسئله ۹۲- معنای نیابت برای عرف معلوم است و نیازی به تحلیل نیست و اگر تحلیل آن را بخواهیم معنای آن این است که نایب، عمل را بجای منوب عنہ انجام دهد و در حقیقت، عمل منوب عنہ را انجام دهد تا امری که متوجه منوب عنہ شده امتثال گردد و ذمه‌اش بریء شود، خواه تبرعا و مجانا نیابت کند، یا با

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۴۵

اجیر شدن یا بعقد جعاله «۱» و یا شرط در ضمن عقد لازم. و مقصود از قصد تقرب در عبادت‌های نیابی، قرب منوب عنہ و امتثال امر متوجه به اوست نه قرب نایب پس قصد می‌کند انجام وظیفه الهی منوب عنہ را. و باید در عمل خود منوب عنہ را تعیین نماید و لو بنحو اجمال و اشاره. و لازم نیست اسم او را بزبان آورد، ولی مستحب است در همه مواقع حج و جاهای مختلف، نام او را بزبان آورد. البته اگر نایب از میان شغلها و کارهای ممکن، این کار را بجهت قداست آن قبول کرده هر چند با اجرت، برای او هم ثواب دارد.

مسئله ۹۳- نایب، طواف نساء را نیز باید به نیابت از منوب عنہ بجا آورد، هر چند بهتر است بقصد ما قی الذمه «۲» بجا آورد.

و اگر طواف نساء را بنحو صحیح انجام ندهد زن بر نایب حلال نمی‌شود. و برای منوب عنہ اشکال ندارد.

مسئله ۹۴- نایب نمودن کسی که وقتش از حج تمتع تنگ شده و وظیفه‌اش عدول بحج افراد است برای کسیکه وظیفه‌اش حج تمتع است صحیح نیست. ولی اگر در وسعت وقت، نایب شد و بعد تصادفا وقت او تنگ شده، بنا بر احتیاط واجب باید عدول کند بحج افراد، و از منوب عنہ کفایت می‌کند ولی استحقاق او نسبت بمال الاجاره محل اشکال است و احوط تصالح است.

مگر اینکه اجاره بعنوان بری الذمه نمودن منوب عنہ باشد نه خصوص تمتع.

مسئله ۹۵- در حج واجب، نایب شدن يك نفر از چند نفر در

(۱) جعاله، آنست که انسان قرار بگذارد در مقابل کاری (نظیر حج مثلا) که برای او انجام می‌دهند، هر کس که انجام دهد، مال معینی بدهد. و یا اجاره در معنی و در برخی

(۲) - ما فی الذمه یعنی آنچه واقعا برعهده انسان است و اینجا یعنی اعم از اینکه نیایه براو واجب باشد یا اصالة.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۴۶

یک سال جائز نیست ولی در حج مستحب مانعی ندارد. و همان یک حج را می تواند از طرف چندین نفر - زنده یا مرده - انجام دهد.

مسئله ۹۶- در حج نیایی، پول احرام و قربانی برعهده نایب است، مگر در صورتی که شرط کنند که مستاجر بدهد، و همچنین اگر نایب، موجبات کفاره را مرتکب شد کفاره برعهده خود اوست.

مسئله ۹۷- اگر از میت مالی نزد کسی بقرض یا امانت یا عاریه یا بنحوی دیگر وجود داشته باشد و میدانند که حجه الاسلام بعهده میت می باشد و ورثه او از نایب گرفتن برای او استنکاف دارند، در این صورت می تواند از آن مال، یک حج میقاتی و اگر ممکن نیست یک حج بلدی به کمترین اجرت برای میت استیجار نماید و یا خودش انجام دهد، ولی با دسترسی بحاکم شرع بنا بر احتیاط واجب از او اذن بگیرد و بقیه پول میت را بورثه او برساند.

مسئله ۹۸- ذمه منوب عنه فارغ نمی شود مگر باینکه نایب، اعمال را بطور صحیح انجام دهد. پس مجرد نایب گرفتن کافی نیست. هر چند با اجراء عقد ضمان با احتیاط واجب. و اگر نایب، در راه حج از دنیا برود باید دیگری را نایب بگیرند. ولی اگر نایب بعد از احرام عمره تمتع و داخل شدن در حرم - حد حرم را قبلا توضیح دادیم - در حرم از دنیا برود، عمره و حج او صحیح و از منوب عنه کفایت می کند هر چند اجراء این حکم در نیابت تبرعی و مجانی و نیز در غیر عمره تمتع و حجه الاسلام خالی از اشکال نیست. و اگر نایب بعد از احرام و قبل از داخل شدن در حرم و یا پس از احرام و داخل شدن در حرم، در غیر حرم از دنیا برود کافی بودن آن نیز محل اشکال است.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۴۷

مسئله ۹۹- نیابت چند جور تصور می شود: نایب یا اجیر می شود بر فارغ کردن ذمه میت، یا اجیر می شود بر اعمال و مناسک حج که از جمله آنها احرام است، یا اجیر می شود بر مجموع رفتن و برگشتن و همه اعمال، یا اجیر می شود بر انجام حج صحیح.

در فرض اول از چهار فرض مذکور اگر اجیر، پیش از احرام و دخول حرم از دنیا برود از مال الاجاره چیزی را مالک نشده است و اگر بعد از احرام و دخول حرم از دنیا برود همه مال الاجاره را مالک شده است.

و در فرض دوم اگر پیش از احرام از دنیا برود و چیزی را مالک نشده و اگر بعد از احرام از دنیا برود به نسبت آنچه از اعمال و مناسک انجام داده مالک شده است.

و چون در این صورت، مستاجر خیار تبعض «۱» صفاقه دارد، پس اگر اجاره را فسخ کند اجیر، اجرة المثل (دستمزد متعارف) اعمال انجام شده را طلب کار است.

و در فرض سوم هر جا اجیر از دنیا برود به نسبت آنچه از پیمودن راه و اعمال، انجام شده از اجرة المسمی (دستمزد تعیین شده) طلب کار است.

و در فرض چهارم اگر ارکان حج را بجا آورد و از دنیا رفت بطوریکه شرعا حکم بصحت حج می شود همه مال الاجاره را مالک شده هر چند بعضی از اعمال جزئی که مضر بصحت حج نیست ترك شده باشد. و اگر بعضی از

ارکان حج ترك شده باشد از مال الاجاره چیزی را مالك نشده است هر چند میت بریء

(۱) خيار تبعض صفة: اختیار بودن چیز مورد معامله. معامله ای که چیز مورد معامله یا عوض آن ناقص تحویل طرف داده شود. آن طرف حق فسخ دارد و در اینجا چیز مورد اجاره، تمام اعمال و مناسک حج بوده و چون اجیر، آن را تما نکرده، مستاجر اختیار فسخ دارد.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۴۸

الذمه شده باشد. و ظاهراً آنچه متعارف است در نائب گرفتن برای حج، فرض چهارم است. ولی چون در استیجار از بلد، معمولاً پیمودن راه را نیز مورد توجه قرار می دهند و بسا خصوصیات آن را تعیین می کنند و حج هم هر چند عنوان واحدی است، ولی منطبق بر اعمال و مناسک خاصه است. پس بنا بر احتیاط، در استیجار از بلد، نسبت بمقدار راه طی شده و اعمال انجام شده مصالحه نمایند.

مسألة ۱۰۰- کسیکه اجیر شده برای حج تمتع، می تواند برای خود یا دیگران، تبرعا یا باجاره و مانند آن طواف یا سعی یا ذبح یا عمره مفرده بعد از عمل حج، انجام دهد.

مسألة ۱۰۱- کسی که مستطیع نیست و از راه دور بنیابت دیگری بحج می رود بنا بر احتیاط مستحب، پس از انجام نیابت در صورت تمکن، يك عمره مفرده برای خودش بجا آورد و خوب است در حد توان این احتیاط رعایت شود.

مسألة ۱۰۲- يك نفر نمی تواند در يك سال برای دو نفر یا چند نفر، نائب در حج شود ولی می تواند از طرف چند نفر برای چند سال بطور جداگانه نائب شود چنانکه می تواند از طرف يك نفر نائب مباشری شود که خودش حج او را مباشرة بجا آورد و از طرف دیگری نائب اعم از مباشرت و واسطه. شود که برایش يك حج بجا آورد هر چند بوسیله نائب گرفتن شخص سومی باشد.

مسألة ۱۰۳- اگر کسی اجیر شود که در سال معینی برای میت حج بجا آورد جائز نیست. تأخیر بیندازد و اگر تأخیر انداخت و در سالهای بعد، حج را بجا آورد ذمه میت بریء شده است از حج، ولی، اجیر، مستحق اجرت نیست مگر اینکه مستاجر، بتأخیر، رضایت دهد.

مسألة ۱۰۴- اگر اجیر شد برای کسی حج بجا آورد و تصادفاً

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۴۹

مریض و ناتوان شد یا راه بسته شد اگر اجاره او مقید به همان سال اول بوده، اجاره باطل می شود و باید اجرت را پس بدهد. و اگر مقید به همان سال نبوده حج بعهدہ اوست و باید در سالهای بعد انجام دهد.

مسألة ۱۰۵- اگر کسی اجیر شد برای حج بمبلغ معینی و آن پول، کفاف حج را نداد کمبود آن بعهدہ خود اجیر است چنانچه اگر زیاد آمد باقیمانده، مال خود اجیر است.

مسألة ۱۰۶- اگر کسی اجیر شد که خودش بطور مباشری به نیابت دیگری حج بجا آورد، نمی تواند دیگری را نائب بگیرد مگر با اجاره مستاجر.

مسألة ۱۰۷- اگر کسی اجیر شد برای دیگری در سال معینی حج بجا آورد و پیش از انجام آن، خودش مستطیع شد،

اگر استطاعت او از ناحیه اجرت حج باشد حکم آن قبلاً گذشت.

ولی اگر از راه دیگری از هر جهت مستطیع شد بنابر احتیاط مستحب با تراضی با طرف، اجاره را بهم بزند و حج خودش را انجام دهد. ولی این احتیاط لازم نیست و حج نیابتی را انجام می‌دهد و اگر استطاعتش برای سال بعد باقی ماند برای خودش انجام می‌دهد.

مسئله ۱۰۸- اجیر باید اعمال حج را مطابق وظیفه خودش که از راه اجتهاد یا تقلید صحیح بدست آورده انجام دهد. مگر اینکه طور دیگری با او شرط شود مثلاً شرط شود که طبق نظر و وظیفه میت انجام دهد چنانکه اگر علاوه برواجبات و شرائطی که اعمال مخصوصی را مطابق با احتیاط یا مطابق نظر منوب عنه می‌داند در ضمن عقد اجاره بعهده او گذاشته‌اند باید آنها را نیز انجام دهد.

مسئله ۱۰۹- در حج مستحب، جاز است چند نفر در یک سال به نیابت یک نفر، حج بجا آورند، چه بنحو اجاره باشد یا

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۵۰

جعل یا شرط در ضمن عقد لازم یا مجانی. و همینطور در دو حج که یکی واجب و دیگری مستحب، مثلاً یک نفر نائب او شود در حجة الاسلام و دیگری در حج مستحب. و همچنین در حج واجب اگر متعدد باشد مثل حجة الاسلام و حج نذری بلکه در حجة الاسلام نیز اجیر کردن چند نفر برای یک نفر در یک سال، اگر منظور، احتیاط باشد مانعی ندارد.

فصل پنجم: حج استحبابی

مسئله ۱۱۰- مستحب است کسانی که شرائط و جوب حج را ندارند در صورت امکان بحج بروند. و همچنین کسانی که حج واجب خودشان را بجا آورده‌اند مستحب است دوباره به حج بروند. و مستحب است شخص متمکن هر ساله به حج برود بلکه مکروه است که پنج سال متوالی آن را ترك نماید. از رسول خدا صلی الله علیه و آله سلم، نقل شده که فرمودند: «حج و عمره، فقر و گناهان را برطرف می‌کنند همانطور که کوره آتش، زنگار را از آهن میزداید» و فرمودند: «اگر به وزن کوه ابی قبیس، طلای سرخ در راه خدا بدهی، ثواب حج را نخواهی یافت، و ثواب یک درهم در راه حج معادل ثواب دو هزار هزار (دو میلیون) درهم (صدقه) در راه خداست.» و از امام صادق علیه السلام، نقل شده که فرمودند: «کسی که پنج بار به حج برود، خداوند هیچگاه او را عذاب نمی‌کند.» و فرمودند: «اگر بر شخص متمکن پنج سال بگذرد و او بر پروردگار خود وارد نشود محروم خواهد بود.»

مسئله ۱۱۱- مستحب است انسان هنگام خارج شدن از مکه معظمه نیت برگشتن کند، و مکروه است که قصد برگشتن به مکه را نداشته باشد.

مسئله ۱۱۲- مستحب است کسی که هزینه سفر حج را ندارد

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۵۱

قرض کند و به حج برود در صورتی که در آینده بتواند قرض خود را بپردازد.

مسئله ۱۱۳- کسی که تمکن ندارد از مال خودش بحج برود، مستحب است گرچه به نیابت دیگری باشد به حج

برود.

مسأله ۱۱۴- مستحب است انسان کسی را که تمکن از حج ندارد بفرستد.

مسأله ۱۱۵- مستحب است انسان به نیابت ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین، و هم‌چنین به نیابت پدر و مادر و خویشان و برادران دینی خود در صورتی که غائب یا معذور باشند حج بجا آورد یا طواف کند، و یا پس از عمل، ثواب آنها را به آنان اهداء نماید.

مسأله ۱۱۶- زن شوهردار یا زنی که در عده رجعی «۱» است، جائز نیست به حج مستحبی برود مگر به اذن شوهر، ولی در زنی که در عده بائن «۲» یا عده وفات «۳» است اذن کسی شرط نیست.

فصل ششم: اقسام عمره

مسأله ۱۱۷- عمره نیز مانند حج گاهی واجب است و گاهی مستحب، و بر دو قسم می‌باشد یا عمره مفرده است و یا عمره تمتع که پیش از حج تمتع و متصل به آن می‌باشد.

مسأله ۱۱۸- عمره نیز مانند حج بر کسی که شرائط وجوب آن و از جمله استطاعت آن را داشته باشد يك مرتبه در عمر واجب می‌شود، و وجوب آن نیز مانند وجوب حج، فوری است، و در وجوب آن، استطاعت عمره معتبر است نه استطاعت حج،

(۱) عده رجعی: عده طلاق که شوهر می‌تواند در آن از طلاق صرف نظر نموده رجوع کند.

(۲) عده بائن: عده طلاق است که شوهر در آن حق رجوع ندارد.

(۳) عده وفات: عده زن است پس از مرگ شوهر.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۵۲

چنانچه در وجوب حج نیز استطاعت حج معتبر است نه استطاعت عمره. ولی چون وظیفه کسانی که از مکه معظمه دور هستند، عمره و حج تمتع است و این دو، به یکدیگر وابسته و متصل می‌باشند، پس قهرا استطاعت آنها غالباً از یکدیگر جدا نیست. و اگر کسی از آنان استطاعت عمره مفرده را بتهنائی پیدا کند، مانند کسانی که به نیابت دیگران به حج می‌روند، لازم نیست برای خودش عمره مفرده بجا آورد، هر چند مطابق احتیاط است، و خوب است تا جائی که ممکن است ترك نشود. ولی کسی که برای خودش عمره و حج تمتع بجا آورد، قطعاً عمره مفرده بر او واجب نیست.

مسأله ۱۱۹- واجب است بر کسی که می‌خواهد وارد مکه شود با احرام حج یا احرام عمره وارد شود، و اگر وقت حج نیست و می‌خواهد وارد شود، واجب است با احرام عمره مفرده وارد شود و عمره بجا آورد، مگر کسانی که بر اساس شغلشان، زیاد خارج و وارد می‌شوند و دائماً در رفت‌وآمد می‌باشند، و همچنین بیمارانی که قادر به اعمال عمره حتی اضطراری آنها نیستند، و یا کسانی که قبلاً در همین ماه با احرام بمکه وارد شده و اعمال حج یا عمره را بجا آورده‌اند. و بر این اساس، مدیران کاروانهای حج و عمره و کارمندانی که مکرراً به مکه مشرف میشوند در صورتیکه حج واجب خود را در سالهای پیش انجام داده‌اند جائز است در وقت حج يك عمره مفرده بجا آورند و پس از آن برای رسیدگی به کار حجاج در آن ماه بدون احرام بمکه و منی و عرفات رفت و آمد کنند.

مسأله ۱۲۰- عمره و حج همچنانکه به استطاعت، واجب می‌شوند به نذر و عهد و قسم و اجاره و مانند آن نیز واجب می‌شوند.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۵۳

مسأله ۱۲۱- تکرار عمره نیز مانند حج، مستحب مؤکد است. و مستحب است در هر ماه یک عمره مفرده بجا آورده شود. و در معتبر بودن فاصله زمانی بین دو عمره و مقدار آن بین فقهاء ما رضوان الله علیهم، اختلاف است. و مشهور بین آنان فاصله یک ماه است. و از بعضی اخبار استفاده می‌شود که مقصود از ماه در اینجا حلول ماه هلالی است نه فاصله سی روز بدین معنی که در هر ماه از ماههای دوازده گانه قمری یک عمره بجا آورده شود، هر چند فاصله دو عمره کمتر از سی روز باشد. ولی ظاهراً اصلاً فاصله معتبر نباشد چنانکه مسلماً بجا آوردن زیاده بر آن بقصد رجاء و امیدواری ثواب مانعی ندارد، مخصوصاً اگر ده روز فاصله باشد. و اگر هم فاصله معتبر باشد، فاصله بین دو عمره برای خود شخص می‌باشد. ولی بجا آوردن چند عمره در یک ماه بقصد اشخاص مختلف که یکی را به قصد خود و بقیه را به نیابت دیگران یا همه را به نیابت دیگران بطور مختلف انجام دهد هیچ مانعی ندارد.

مسأله ۱۲۲- عمره مفرده با عمره تمتع در بیشتر اعمال مساویند. واجبات عمره اجمالاً عبارت است از: ۱- نیت. ۲- احرام از میقات یا ادنی الحل - نزدیکترین محل خارج حرم - بتفصیلی که می‌آید. ۳- طواف خانه خدا. ۴- دو رکعت نماز طواف. ۵- سعی بین صفا و مروه. ۶- تقصیر، یعنی گرفتن مقداری از مو یا ناخن، یا حلق، یعنی تراشیدن سر. و تفصیل و شرائط این اعمال بعداً می‌آید.

مسأله ۱۲۳- عمره مفرده یا عمره تمتع چند فرق دارد: اول:

اینکه در عمره مفرده طواف نساء نیز واجب است و باید بعد از تقصیر یا حلق بجا آورده شود. ولی در عمره تمتع، طواف نساء واجب نیست. دوم: عمره تمتع فقط در ماههای حج یعنی شوال

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۵۴

و ذی قعدة و ذی حجه واقع می‌شود، ولی عمره مفرده در همه ماهها صحیح است، و بهترین وقت آن، ماه رجب است. سوم:

بیرون آمدن از احرام در عمره تمتع تنها با تقصیر کردن محقق می‌شود، و تراشیدن سر جایز نیست. ولی در عمره مفرده مخیر است بین تقصیر و تراشیدن سر. چهارم: اینکه عمره و حج تمتع باید متصل بیکدیگر و در یک سال واقع شوند. ولی عمره مفرده ممکن است از حج افراد یا حج قران جدا شود و در سال بعد انجام شود یا اگر استطاعت آن را ندارد اصلاً انجام نشود.

پنجم: اینکه در عمره مفرده اگر پیش از سعی علماً و عمداً با زن، نزدیکی کند عمره او باطل می‌شود و علاوه بر کفاره، باید تا ماه بعد در مکه بماند و بمیقات برود و عمره را اعاده نماید ولی بطلان عمره تمتع با نزدیکی با زن، محل خلاف و اشکال است چنانچه تفصیل آن در مبحث محرّمات احرام می‌آید. فرق ششم هم گفته شده و آن عدول از عمره مفرده بعمره تمتع است:

کسی که در ماههای حج به نیت عمره مفرده وارد مکه شود چنانکه عمره مفرده بر او واجب نباشد می‌تواند آن را

عمره تمتع قرار دهد و پس از آن حج بجاورد و عکس آن درست نیست، مگر در ضرورت چون کسیکه در عمره تمتع به وقت حج نرسد می تواند آن را عمره مفرده قرار داده با تمام برساند.

فصل هفتم: اقسام حج

مسأله ۱۲۴- حج بر سه قسم است: حج تمتع. حج افراد حج قران.

حج تمتع معمولاً، وظیفه کسی است که فاصله وطنش تا مکه معظمه چهل و هشت میل یعنی شانزده فرسخ (حدود ۷۸ کیلومتر) یا بیشتر باشد.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۵۵

حج افراد یا حج قران وظیفه کسی است که اهل خود مکه یا اطراف آن تا کمتر از شانزده فرسخ باشد. البته بسا افراد بیمار یا معذور، وظیفه آنان تبدیل می شود چنانچه شرح آن می آید. ولی در حال اختیار و بدون عذر اگر برخلاف وظیفه عمل شود کافی نیست. و اگر کسی هم در مکه منزل دارد و هم در عراق مثلاً، میزان، منزل غالب او است که بیشتر در آنجا سکونت دارد.

و هر سه قسم حج در بیشتر اعمال مشترک هستند ولی در حج تمتع، عمره پیش از حج و وابسته به حج و همچون جزء آن می باشد که باید اول، عمره و بعد حج در يك سال در ماههای حج بجا آورده شوند. ولی در حج افراد و حج قران، عمره کاملاً از حج جدا است و هر کدام عمل مستقل می باشد.

در حج تمتع در روز عید قربان در منی قربانی واجب است و از اعمال آن می باشد و هر کس متمکن نباشد باید بجای آن، روزه بگیرد. و در حج قران، قربانی از اول، مقرون با احرام است و باید تا روز عید در منی همراه باشد، ولی در حج افراد اصلاً قربانی واجب نیست.

مسأله ۱۲۵- آنچه در مسأله پیش گفته شد مربوط به حجة الاسلام است، اما در حج استحبابی همه افراد چه اهل مکه و اطراف آن، و چه اهالی شهرهای دور مخیرند بین اقسام سه گانه حج هر چند حج تمتع افضل است. و در حجی که بواسطه نذر و مانند آن یا باجاره، واجب شده است ملاک، کیفیت نذر و اجاره است. و حجی که بسبب فاسد کردن حج سابق واجب شده باید مطابق حج سابق فاسد شده، انجام شود.

مسأله ۱۲۶- کسی که از شهرهای دور بوده و بمکه معظمه آمده و در آنجا مجاور شده، اگر اقامتش در مکه بعد از استطاعت و وجوب حج بوده، باید حج تمتع بجا آورد. و همچنین است

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۵۶

اگر پیش از اقامت دو سال در مکه، استطاعت پیدا کرد و می توانست پیش از گذشتن دو سال، آن را بجا آورد. اما اگر بعد از اقامت دو سال در مکه، مستطیع شد باید حج افراد یا حج قران بجا آورد. و اگر کسی از شهرهای دور بمکه آمده و در آنجا مستطیع شده و قصد ماندن کرده و در آنجا بقدری مانده که میگویند مکه وطن او شده، وظیفه چنین شخصی حج افراد یا قران است هر چند دو سال هم نمانده باشد. چنانچه اهل مکه اگر در شهرهای دور از مکه ساکن و متوطن شوند و در آنجا مستطیع شوند پس از صدق وطن، وظیفه آنان به حج تمتع تبدیل میشود.

مسأله ۱۲۷- شخص مجاور مکه معظمه که تصمیم برگشت بوطن را داشته باشد بدیهی است که در استطاعت او

مخارج رفتن بمکه معتبر نیست ولی باید مخارج حج و برگشتن بوطن را داشته باشد.

مسئله ۱۲۸- کسیکه مجاور مکه معظمه شده ولی هنوز وظیفه اش به حج افراد و قران تبدیل نشده، بنا بر احتیاط باید برای احرام عمره تمتع بمیقات شهر خود یا به یکی از میقاتهای پنجگانه دیگر برود و از آنجا محرم شود. و اگر اهل مکه معظمه بخواهند حج تمتع استحبابی یا نذری یا اجاره‌ای انجام دهند بنا بر احتیاط بیکی از میقاتهای پنجگانه بروند، و در ادنی الحل یعنی نزدیکتر منطقه خارج حرم بحر م مثل منطقه تنعیم تجدید نیت کنند و لبیک را بگویند. البته اگر نذر و یا اجاره مطلق باشد و اگر خصوصیتی ذکر شده است باید بهمان عمل شود. تفصیل میقاتها بعدا ذکر خواهد شد.

فصل هشتم: صورت حج تمتع بنحو اجمال

مسئله ۱۲۹- حج تمتع مرکب است از دو عمل عبادی که یکی عمره تمتع و دیگری حج تمتع است، و عمره بر حج مقدم است و

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۵۷

هر دو باید در يك سال در ماههای حج یعنی شوال و ذی قعدة و ذی حجه انجام شوند.

مسئله ۱۳۰- در عمره تمتع شش چیز واجب است: اول:

نیت دوم: احرام از یکی از میقاتها به تفصیلی که می آید. سوم:

طواف دور خانه خدا. چهارم: دو رکعت نماز طواف. پنجم:

سعی یعنی رفت و آمد بین صفا و مروه که نام دو کوه کوچک در کنار مسجد الحرام است. ششم: تقصیر یعنی گرفتن مقداری از مو، یا ناخن. و بوسیله تقصیر، محرم از احرام خارج می شود و آنچه بسبب احرام براو حرام شده بود حلال می شود غیر از تراشیدن سر و با نزدیک شدن روز عرفه باید خود را برای اعمال حج تمتع آماده و مهیا سازد.

مسئله ۱۳۱- در حج تمتع چهارده چیز واجب است: اول:

نیت. دوم: احرام از مکه معظمه. سوم: وقوف بعرفات بعد از ظهر روز عرفه (نهم ذی الحجه). چهارم: وقوف در مشعر یعنی مزدلفه از طلوع فجر روز عید قربان تا طلوع آفتاب، و بنا بر احتیاط، شب دهم را در مشعر بسر برد. پنجم: ریگ زدن به جمره عقبه (ستون آخر) در منی در روز عید قربان. ششم:

قربانی در منی در روز عید. هفتم: تراشیدن سر یا کم کردن مو، یا ناخن در منی به تفصیلی که می آید، و با این عمل آنچه بوسیله احرام براو حرام شده بود حلال می شود غیر از بوی خوش و زن و شکار. هشتم: طواف خانه خدا. نهم: دو رکعت نماز طواف.

دهم: سعی بین صفا و مروه. و با این عمل، بوی خوش نیز حلال می شود. یازدهم: طواف نساء. دوازدهم: نماز طواف نساء، و با این عمل، زن نیز حلال می شود. سیزدهم: بیتوته یعنی ماندن شب در منی در شبهای یازدهم و دوازدهم بلکه سیزدهم نیز در بعضی صور. که بعدا توضیح داده می شود. چهاردهم: ریگ

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۵۸

زدن به جمره‌های سه‌گانه در روزهای یازدهم و دوازدهم بلکه سیزدهم: در بعضی صور. که بعدا توضیح داده

می شود.

فصل نهم: شرائط حج تمتع

مسأله ۱۳۲- در حج تمتع چند شرط معتبر است: اول: نیت عمره و حج تمتع، اگر نیت حج دیگری کند یا در نیت، تردید داشته باشد کافی نیست. دوم: اینکه عمره و حج هر دو با هم در ماههای حج یعنی شوال و ذی قعدة و ذی حجة واقع شوند. سوم:

اینکه عمره و حج هر دو در يك سال واقع شوند. پس اگر عمره را بجا آورد و حج را تاخیر انداخت برای سال بعد، حج تمتع او صحیح نیست چه در مکه بماند یا از آن خارج شود و چه در احرام عمره بماند یا از آن بیرون رود. چهارم: اینکه احرام حج در حال توجه و اختیار از خود مکه باشد، و از هر جای مکه باشد کافی است، ولی بهتر است از مسجد الحرام باشد. و بهترین مکان آن، مقام ابراهیم علیه السلام یا حجر اسماعیل علیه السلام است. اگر در حال اختیار از غیر مکه احرام ببندد احرام او باطل است و باید بمکه برگردد و از آنجا احرام ببندد. و چون مکه توسعه پیدا کرده بنا بر احتیاط مستحب هر چه نزدیکتر بمسجد الحرام احرام ببندد تا در مکه سابق، احرام واقع شود. ولی اگر احرام از مکه، ممکن نباشد از هر جا که ممکن است باید محرم شود.

مسأله ۱۳۳- لازم نیست انسان اعمال حج و عمره را پیش از احرام یاد گرفته باشد. کافی است که در وقت احرام، نیت کند عمره یا حج تمتع را قربة الی الله، و کیفیت و تفصیل هر یک از آنها را در وقت عمل از روی مناسک یا بتعلیم دیگران یاد بگیرد و عمل کند. هر چند یاد گرفتن آنها پیش از احرام بهتر و احوط است.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۵۹

مسأله ۱۳۴- پس از انجام عمره تمتع، بنا بر احتیاط واجب باید انسان در مکه بماند و خود را گرو حج بداند. و اگر برای کاری ناچار است از مکه خارج شود احرام ببندد به قصد احرام حجة و با احرام حج از مکه خارج شود به گونه ای که منجر بفوت حج نشود. و پس از فراغت از کار خود یا همان احرام بعرفات برود. و اگر بیرون رفتن از مکه برای او ضرورت دارد و احرام در آن حال، موجب حرج و مشقت است مانعی ندارد بدون احرام خارج شود. و چنانچه به هر جهت بدون احرام از مکه خارج شد اگر در همان ماهی که عمره تمتع را بجا آورده به مکه برمی گردد، بدون احرام برگردد، و در وقت حج از مکه احرام ببندد. و اگر يك ماه در خارج میماند در این صورت به میقات برود و به قصد عمره تمتع احرام ببندد و عمره تمتع را دوباره بجا آورد. و همچنین است بنا بر احتیاط واجب اگر در خارج، کمتر از يك ماه میماند ولی در همان ماهی که عمره تمتع را بجا آورده برنمی گردد. و در این صورت بنا بر احتیاط يك طواف نساء نیز بجا آورد.

مسأله ۱۳۵- همان طور که شخص متمتع (کسی که حج و عمره تمتع انجام می دهد) پس از انجام عمره تمتع بنا بر احتیاط واجب نباید از مکه خارج شود، در بین عمره تمتع نیز بنا بر احتیاط واجب نباید از مکه خارج شود. ولی اگر در اطراف و نواحی نزدیک مکه منزل دارد بنحویکه عرفا جزء مکه محسوب می شود- گرچه جزو مکه قدیم نباشد- بعد از عمره یا در بین آن مانعی ندارد بمنزل خود برود.

مسأله ۱۳۶- کسی که وظیفه اش حج تمتع است در حال اختیار و وسعت وقت نمی تواند به حج افراد یا به حج قران عدول نماید. ولی اگر پس از احرام برای عمره تمتع احساس کرد که

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۶۰

وقت عمره تنگ شده بگونه‌ایکه اگر بخواهد اعمال عمره را بجا آورد از وقوف بعرفات که اولین رکن حج است باز می‌ماند، در این صورت، نیت عمره خود را بنیت حج افراد تبدیل کند و خوب است احرام را نیز تجدید نماید و پس از اتمام حج افراد يك عمره مفرده بجا آورد، و در این صورت، حج تمتع از عهده او ساقط می‌گردد. و اگر پیش از احرام بقصد عمره تمتع، احساس کرد که وقت تنگ شده بنا بر احتیاط مستحب، احرام ببندد بقصد احرام حج افراد، و عمره مفرده را نیز بجا آورد ولی اکتفاء به آن محل اشکال است پس اگر استطاعت او باقی ماند یا اینکه از سابق، حج براو واجب و ثابت شده باشد در سال بعد، حج تمتع را بجا آورد لیکن اقوی عدم صحت حج او است. و این کشف از عدم استطاعت می‌کند مگر این که عمدا تاخیر انداخته باشد. ولی اگر در وسعت وقت، احرام بست بقصد احرام عمره تمتع، ولی عمدا اعمال عمره را تاخیر انداخت تا اینکه وقت تنگ شد بنحویکه انجام عمره موجب فوت حج می‌شود، در این صورت نیز بنا بر احتیاط واجب، عدول کند به حج افراد و بنا بر احتیاط، احرام را نیز تجدید نماید، ولی اکتفاء به آن، محل اشکال است. و بهتر است که اعمال عمره را تمام کند. بنیت اعم از عمره التمتع مثل مفرده واجب (اگر تاخیر عمره را در قران و افراد واجب ندانیم) یا مفرده مستحب (اگر تاخیر را لازم بدانیم) و یا بنیت تقدیم سعی در حج قران و افراد و سپس درك وقوف اضطراری، و عمره مفرده و سپس حج افراد و آنگاه در سال بعد حج بجا آورد.

چنانکه در مسأله ۳ حج تمتع شرح عروه بیان کرده‌ایم.

مسأله ۱۳۷- اگر زن در حال احرام در میقات، حائض یا نفساء باشد و اطمینان دارد برای طواف، پاك میشود در همان حال،

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۶۱

احرام ببندد بقصد احرام عمره تمتع ولی صبر کند اگر پیش از احرام حج پاك شد، عمره تمتع را انجام دهد. و اگر پاك نشد و احساس کرد وقت تنگ شده و اگر بماند از وقوف بعرفات باز می‌ماند، در این صورت نیت خود را به نیت حج افراد تبدیل کند و پس از فراغت از حج، يك عمره مفرده بجا آورد. و همچنین است اگر در حال احرام، پاك بود ولی پیش از طواف خانه خدا خون دید. و اگر بعد از طواف، خون دید بهمان حال، سعی و تقصیر را بجا آورد و عمره او صحیح است و می‌تواند به همان حال، محرم شود بقصد احرام حج.

مسأله ۱۳۸- اگر زن در حال احرام در میقات، حائض یا نفساء است و نمی‌داند برای طواف عمره پاك میشود یا نه و یا اطمینان دارد پاك نمیشود بنا بر احتیاط، احرام ببندد بقصد آنچه وظیفه او است از عمره تمتع یا حج افراد. اگر پیش از گذشتن وقت عمره تمتع پاك شد عمره تمتع را بجا آورد و بعد، احرام حج ببندد. و اگر پاك نشد با همان احرام، حج افراد بجا آورد و بعد از آن، يك عمره مفرده بجا آورد و حج او صحیح است.

مسأله ۱۳۹- زنیکه احتمال میدهد وقت عادتش برسد می‌تواند با خوردن قرص و یا از راه دیگر، جلو عادتش را بگیرد تا اعمالش را براحتی انجام دهد و اگر مختصری خود دید اعمال استحاضه انجام می‌دهد و اعمال عمره و حج او صحیح می‌باشد.

فصل دهم: صورت حج افراد و قرآن

مسئله ۱۴۰- حج افراد، عملی است مستقل و جدا از عمره و برکسی واجب میشود که اهل مکه یا اطراف آن تا کمتر از شانزده فرسخ باشد. و همچنین برکسی که وقت او از عمره تمتع تنگ

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۶۲

شده، و بر زن حائض و نفساء که نمی توانند عمره و حج تمتع را انجام دهند چنانچه گذشت (در مسائل قبلی). و واجب است بر کسیکه می توان و استطاعت آن را دارد، علاوه بر حج افراد و یا قرآن، يك عمره مفرده نیز بجا آورد.

مسئله ۱۴۱- حج افراد در صورت و اعمال مانند حج تمتع است، فقط چند فرق دارد: اول: اینکه حج افراد از عمره جدا است و شرط نیست هر دو در يك سال و متصل بیکدیگر انجام شوند. ولی حج تمتع بعد از عمره تمتع و متصل به آن می باشد و در حقیقت، حکم يك عمل را دارند. دوم: در حج افراد، قربانی واجب نیست، ولی در حج تمتع قربانی واجب و جزء آن می باشد. سوم: در حج افراد و همچنین در حج قرآن جائز است در حال اختیار، طواف حج و سعی را بر وقوف بعرفات مقدم بدانند، ولی در حج تمتع مقدم داشتن آنها محل اشکال است، مگر اینکه مضطر و ناچار باشند. مانند زنی که می ترسد بعدا حائض شود و نتواند طواف کند یا مریض یا پیری که می ترسد بعدا نتواند طواف یا سعی را انجام دهد، و همچنین کسی که بجهتی از جهات می ترسد بعدا وارد مکه شود، این اشخاص، طواف و سعی را بروقوف بعرفات مقدم می دارند.

و بنا بر احتیاط واجب در هیچ کدام از اقسام حج، طواف نساء را جلوتر بجا نیاورند، مگر اینکه اضطرار قطعی ایجاب کند که آن را مقدم بدانند. و هر جا طواف را پیش از وقوف بعرفات انجام دادند بنا بر احتیاط، پس از نماز طواف، لبیک را تجدید نمایند.

چهارم: محل احرام برای حج افراد یا حج قرآن یکی از میقاتها است به تفصیلی که بزودی ذکر خواهد شد. ولی محل احرام، برای حج تمتع، مکه معظمه است. پنجم: بنا بر احتیاط در حج افراد و قرآن، عمره بعد از حج واقع می شود ولی در حج تمتع،

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۶۳

عمره باید پیش از حج و متصل به آن واقع شود. ششم: در حج افراد و قرآن بجا آوردن طواف مستحب پس از احرام مانعی ندارد، ولی در حج تمتع احتیاط در ترك است. و هر جا طواف مستحب را بجا آوردند بنا بر احتیاط پس از آن، لبیک را تجدید نمایند.

مسئله ۱۴۲- حج قرآن که آن هم مثل حج افراد است وظیفه اهل مکه و اطراف آن تا کمتر از شانزده فرسخ می باشد، در صورت و اعمال، مانند حج افراد است، و فقط در حج قرآن باید در حال احرام و پس از آن، قربانی همراه شخص باشد تا در منی ذبح شود، ولی در حج افراد، قربانی واجب نیست. و در حج قرآن، احرام ممکن است با لبیک گفتن محقق شود و ممکن است با اشعار یا تقلید قربانی محقق شود، ولی بنا بر احتیاط واجب در این صورت نیز لبیک گفته شود. و اشعار، مخصوص به شتر است. و تقلید در همه قربانیها جاری است. و در شتر، جمع بین اشعار و تقلید، مستحب است. و اشعار، عبارت است از اینکه کوهان شتر از طرف راست مجروح گردد و بخون آغشته شود.

و تقلید، این است که حاجی، نعلین یا کفش کهنه‌ای را که در آن نماز خوانده «۱» بگردن حیوان آویزان کند و چون وظیفه مردم شهرهای دور معمولاً حج تمتع است، ما از توضیح بیشتر نسبت به خصوصیات حج افراد و حج قرآن صرف نظر می‌کنیم.

فصل یازدهم: میقاتهای احرام

برای احرام بستن، جاهای بخصوصی تعیین شده که به آنها میقات گفته می‌شود، و باید احرام از یکی از آن مکانها بسته

(۱) نماز خواندن با نعلین عربی یا هر کفش دیگر اگر هنگام سجده، نوك انگشتهای پاها روی زمین قرار گیرد نماز با آنها درست است.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۶۴

شود. و مجموع آنچه در این مقام گفته و تعیین شده یازده مکان است:

اول: مسجد شجره است که در مکانی بنام ذی الحلیفه در نزدیکی مدینه منوره در سر راه مکه واقع شده. و آن، میقات اهل مدینه و هرکسی است که خواسته باشد از راه مدینه منوره محرم شود.

مسأله ۱۴۳- بنا بر احتیاط واجب از خود مسجد و در داخل آن، احرام ببندند نه در خارج آن. و بهتر است که در محل قدیمی مسجد محرم شود ولی لزوم ندارد.

مسأله ۱۴۴- جائز نیست احرام را از مسجد شجره تأخیره اندازند مگر شخص مریض یا ضعیف و مانند آنان که نمی‌توانند زیاد در حال احرام بمانند که در این صورت، جائز است احرام را تأخیر اندازند و از جحفه که در راه آنان به مکه واقع شده محرم شوند.

مسأله ۱۴۵- جنب و حائض می‌توانند در حال عبور از مسجد شجره احرام ببندند و نباید در مسجد توقف کنند. پس می‌توانند در خارج مسجد، لباس احرام را بپوشانند و در حال عبور از مسجد - بطوریکه از يك در وارد شده از دریگر خارج شوند - نیت کرده و لبیک بگویند. چنانکه می‌توانند با نذر، پیش از میقات محرم شوند.

مسأله ۱۴۶- اگر جنب در اثر کثرت جمعیت نتواند در حال عبور از مسجد، احرام ببندد و غسل هم میسر نیست و نمی‌تواند صبر کند تا مقدمات غسل فراهم شود، در این صورت بنا بر احتیاط واجب تیمم کند و داخل مسجد شود و در آنجا احرام ببندد.

مسأله ۱۴۷- اگر زن حائض نتواند در حال عبور از مسجد

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۶۵

شجره احرام ببندد و نتواند صبر کند تا پاك گردد بنا بر احتیاط در کنار مسجد و بیرون از آن احرام ببندد و در صورت امکان، در جحفه، احرام را تجدید نماید. چنانچه میتواند با نذر، خود را ملزم کند که در خود مدینه احرام ببندد و بدون عبور از میقات بمکه برود، ولی نذر زن شوهردار بدون اذن شوهر، محل اشکال است.

دوم: جحفه است و آن میقات اهل شام و مصر و مغرب میباشد و همچنین هرکس از آنجا عبور کند و در مدینه احرام نبسته باشد.

سوم: وادی عقیق است و آن میقات اهل نجد و عراق و مشوق و هرکس از آنجا عبور کند، میباید. و جزء اول آن مسلخ و وسط آن غمره و آخر آن ذات عرق نامیده می شود.

مسئله ۱۴۸- افضل، احرام از مسلخ است و پس از آن غمره، و بنا بر احتیاط تأخیر نیندازند تا ذات عرق، بلکه پیش از رسیدن به آن، احرام ببندند مگر در حال ضرورت یا تقیه.

چهارم: یلملم است که نام کوهی است در جنوب مکه و آن، میقات اهل یمن است و هرکس از آنجا عبور کند.

پنجم: قرن المنازل است و آن، میقات اهل طائف است و هرکس از آنجا عبور کند.

ششم: منزل خود شخص است و آن، میقات کسی است که منزلش بعد از میقات، بین میقات و مکه واقع شده است.

پس چنین کسی می تواند از منزل و محل خودش احرام ببندد به قصد احرام عمره یا حج، و لازم نیست بمیقات برود، هر چند رفتن بمیقات هم مانعی ندارد بلکه بهتر است.

هفتم: مکه معظمه است و آن میقات حج تمتع است که پس از اتمام عمره تمتع از خود مکه، احرام می بندند بقصد احرام حج

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۶۶

و بعرفات می روند.

مسئله ۱۴۹- احرام حج تمتع در هر جای مکه واقع شود کافی است، ولی افضل، مسجد الحرام است و بهترین مکان، مقام ابراهیم علیه السلام یا حجر اسماعیل علیه السلام است. و چون شهر مکه توسعه پیدا کرده، بنا بر احتیاط مستحب، هر چه نزدیکتر، بمسجد الحرام احرام ببندد تا مطمئن شود احرام در حدود مکه در صدر اسلام، واقع شده است و این احتیاط حتی المقدور ترك نشود.

هشتم: جعرانه است و آن، مکانی است خارج از حرم، و بنا بر احتیاط، محل احرام اهل مکه است برای حج افراد یا قران، هر چند بنا بر مشهور جائز است از خود مکه و از منزل خود، محرم شود.

مسئله ۱۵۰- در حکم اهل مکه است کسی که دو سال یا بیشتر مجاور مکه معظمه شده است، هر چند قصد سکونت دائم نکرده باشد، ولی اگر کمتر از دو سال مانده باشد وظیفه او حج تمتع است. و بنا بر احتیاط واجب باید برای احرام عمره بمیقات بلد خود یا به یکی از میقاتهای پنجگانه دیگر برود، و برای احرام حج از مکه احرام ببندد. و کسانی که از شهرهای دور بقصد حج قران یا حج افراد می آیند، میقات آنان یکی از میقاتهای پنجگانه نخست است. نهم: ادنی الحل است، یعنی نزدیکترین منطقه خارج از حرم بحرم و آن، میقات عمره مفرده ای است که بعد از حج افراد یا حج قران بجا می آورند.

مسئله ۱۵۱- همه کسانی که در مکه تصمیم می گیرند عمره مفرده بجا آورند میقات آنان ادنی الحل است. پس باید بخارج حرم بروند و از آنجا احرام ببندند و بهتر است برای احرام

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۶۷

بجعرانه یا حدیبیه یا تنعیم بروند و از همه نزدیکتر بمسجد الحرام، تنعیم است. و اما کسانی که از شهرهای دور بقصد عمره حرکت می کنند و بیکی از میقاتها برمی خورند، باید برای عمره مفرده و همچنین برای عمره تمتع از یکی از

میقاتها احرام ببندند.

دهم: فح است و آن مکانی است در کنار مکّه معظمه و آن بنا بر قولی محل احرام بچه‌های نابالغ است، یعنی جائز است احرام آنان را تاخیر اندازند تا فح. ولی بنا بر قول دیگر، محل احرام آنان نیز یکی از میقاتها است و فقط تبدیل لباس دوخته آنان به لباس احرام جائز است در فح انجام شود و احوط رعایت این قول است.

یازدهم: محاذات یکی از میقاتهای پنجگانه نخست است بنا بر قول جمعی از فقهاء رضوان الله علیهم، که فرموده‌اند اگر کسی از راهی بمکه می‌رود که یکی از میقاتهای پنجگانه بر نمی‌خورد، باید محاذی میقاتی که براه او نزدیکتر است احرام ببندد، و اگر در راه، محاذی با چند میقات می‌شود بنا بر احتیاط، محاذی اولین میقات، احرام ببندد. و این عقیده از نظر ما صحیح است - بجهت صحیحه ابن سنان - لیکن چون احراز محاذات غالباً مواجه با اشکال است. بهتر است حجّاح محترم سعی کنند یکی از میقاتهای پنجگانه بروند و از آنجا احرام ببندند.

فصل دوازدهم: احکام میقاتها

مسأله ۱۵۲- تعیین محل میقات یا بعلم و یقین می‌شود و یا به شهادت دو مرد عادل و یا بشهرت در محل و شهادت اهل اطلاع بنحوی که اطمینان و وثوق حاصل شود. و ظاهراً از تابلوهای نصب شده از طرف حکومت حجاز که زیر نظر علماء آن بلاد

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۶۸

انجام شده و تاکنون شنیده نشده که تغییری را آنها صورت گرفته باشد، اطمینان حاصل می‌شود.

مسأله ۱۵۳- احرام پیش از میقات جائز نیست و اگر پیش از میقات احرام ببندد اعتبار ندارد هر چند از میقات عبور کند، بلکه باید در میقات، احرام را تجدید نماید. البته از این حکم دو صورت استثناء شده است: اول: اینکه کسی نذر کند از مکان معینی پیش از میقات مثلاً از قم یا مشهد احرام ببندد که در این صورت عمل بنذر، واجب است و احرام او صحیح می‌باشد و لازم نیست بمیقات برود یا در میقات تجدید نماید.

دوم: اینکه کسی بخواهد عمره ماه رجب را که مستحب مؤکد است درک نماید و اگر بخواهد تا میقات، صبر کند ماه رجب تمام می‌شود، پس در این صورت می‌تواند پیش از میقات احرام ببندد تا احرام او در رجب واقع شود و ثواب عمره ماه رجب را دریابد، و سرایت دادن این حکم بعمره ماههای دیگر خالی از اشکال نیست.

مسأله ۱۵۴- هم چنانکه تقدیم احرام بر میقات جائز نیست، تأخیر آن از میقات هم جائز نیست پس کسیکه قصد عمره یا حج دارد نمی‌تواند در حال اختیار، بدون احرام از میقات عبور کند.

هر چند میقات دیگری نیز در پیش داشته باشد، بلکه باید در اولین میقات، احرام ببندد. و اگر از میقات بدون احرام عبور کند باید برگردد و در میقات، احرام ببندد.

مسأله ۱۵۵- اگر کسی که قصد عمره یا حج داشت از جهت فراموشی و غفلت یا جهل به میقات یا ندانستن مسأله بدون احرام از میقات عبور کرد پس اگر می‌تواند و وقت حج، تنگ نشده باید بمیقات برگردد و از آنجا احرام ببندد چه در حرم داخل شده باشد یا نه.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۶۹

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی
و اگر نمی تواند بمیقات برگردد یا وقت حج می گذرد اگر هنوز داخل حرم نشده از همانجا احرام ببندد. و اگر داخل حرم شده و می تواند برای احرام بخارج حرم برگردد، باید برگردد و اگر نمی تواند برگردد از همانجا احرام ببندد، هر چند وارد مکه شده باشد. و در همه این صورتها بنا بر احتیاط بمقداری که می تواند، بعقب برگردد و سپس احرام ببندد و این احتیاط تا جائیکه ممکن است ترك نشود بخصوص نسبت بزین حائض.

مسئله ۱۵۶- اگر زن حائض از روی ندانستن مسأله، گمان می کرد نمی تواند در حال حیض احرام ببندد و بدون احرام از میقات عبور کرد حکم او حکم مسأله سابق است.

مسئله ۱۵۷- اگر کسی قصد عمره یا حج نداشت و برای کاری بدون احرام از میقات عبور کرد و پس از انجام کار خود فهمید مستطیع بوده است یا فعلا مستطیع شد یا مثلا طفل، بالغ شد و تصمیم گرفت عمره و حج بجا آورد، اگر می تواند و وقت تنگ نیست باید برای احرام بمیقات برگردد، و اگر نمی تواند بنا بر مشهور حکمش حکم مسأله سابق است. و ظاهرا همین صحیح است.

مسئله ۱۵۸- اگر شخص مستطیع با توجه و از روی علم و عمد بدون احرام از میقات عبور کرد، پس اگر می تواند باید به میقات برگردد و از آنجا احرام ببندد و حج و عمره او صحیح است. و اگر نمیتواند به میقات برگردد، بنا بر اقوی وقت عمره و حج او گذشته است و باید در سال بعد، حج بجا آورد، هر چند خوب است مطابق مسأله سابق عمل کند و در سال بعد نیز حج خود را اعاده نماید.

مسئله ۱۵۹- کسانی که در این زمانها با هواپیما بجهت وارد می شوند چون جده میقات نیست باید سعی کنند بیکی از میقاتها

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۷۰

بروند و از آنجا احرام ببندند، و اگر کوتاهی کنند تا وقت تنگ شود حج آنان صحیح نیست، ولی اگر کوتاهی نکردند و بهیچ وجه نمی توانند بمیقات بروند یا وقت حج تنگ شده از همانجا احرام ببندند و احتیاطا در ادنی الحل یعنی پیش از ورود بحرم خدا احرام را تجدید نمایند و حج آنان صحیح است.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۷۱

باب دوم: اعمال و شرائط و آداب عمره تمتع و آداب ورود در حرم و مکه معظمه و مسجد الحرام در پنج فصل

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۷۳

فصل اول: احرام و واجبات، شرائط، تروک و محرّمات و آداب آن

چنانچه قبلا گفته شد واجبات عمره تمتع شش چیز است:

اول: نیت عمره. دوم: احرام.

در احرام سه چیز واجب است: يك: نیت. دو:

پوشیدن لباس احرام. سه: تلبیه یعنی گفتن لبیک.

مسئله ۱۶۰- نیت، یعنی قصد محرم شدن برای انجام اعمال عمره یا حج مطابق دستور شرع قربة الی الله تعالی. و

لازم نیست در وقت نیت، اعمال را بتفصیل بدانند، بلکه قصد اجمالی کافی است، سپس با مراجعه به کتاب مناسک یا پرسیدن از افراد خیره و مورد وثوق و اطمینان يك يك اعمال را یاد می‌گیرد و عمل می‌کند. و در نیت سه چیز معتبر است: يك: قصد قربت یعنی قصد کند اعمال را برای خدا و با خلوص نیت بجا آورد مانند سایر عبادات پس اگر قصدش ریاء باشد اعمال او باطل است.

دو: اینکه نیت از اول اعمال تا آخر اجمالا تحقق داشته باشد. و از قصد خود برنگردد. سه: اینکه خصوصیات عمل را تعیین نماید. و در نیت خود مشخص کند که عمره است یا حج، عمره تمتع است یا عمره مفرده، و حج تمتع است یا افراد یا قران، و حجة الاسلام است یا مثلا حج نذری یا نیابتی یا مستحبی.

مسأله ۱۶۱- در اصل نیت و همینطور در خصوصیات آن، گفتن بزبان یا خطور دادن و گذراندن در دل لازم نیست، بلکه

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۷۴

مانند سایر عبادات و هرگونه اعمال، وجود انگیزه و داعی در اعماق دل، کافی است. ولی بهتر است خصوصا در تعیین خصوصیات عمل، آنها را در دل، خطور دهد و بهتر آن که بر زبان جاری کند.

مسأله ۱۶۲- در نیت احرام، معتبر نیست که تصمیم داشته باشد همه محرّمات و تروک احرام را از اول تا آخر ترك کند، و حتی لازم نیست شخص محرم در حال نیت، بمحرّمات احرام توجه داشته باشد، پس همین اندازه که قصد عمره یا حج کند و اولین عمل آن را که گفتن لبیک است بقصد عمره یا حج انجام دهد احرام، محقق می‌شود، یعنی با این کار، خود و اعضاء و جوارح خود را اعتبارا در حریم محترم خدائی وارد کرده است، و لزوم اجتناب از محرّمات، از جمله آثار و احکام شرعیّه آن می‌باشد. و در حقیقت، احرام يك امر اعتباری است که بوسیله گفتن لبیک محقق می‌شود. البته اگر در حال احرام، بمحرّمات احرام توجه کند و تصمیم داشته باشد محرّماتی را که رکن بوده باطل کننده عمره و حج است مانند نزدیکی کردن با زن مثلا انجام دهد، لازمه آن، عدم نیت عمره و حج است، و از این جهت احرام و عمره یا حج او باطل است. ولی تصمیم بر انجام غیر رکن موجب بطلان احرام نمی‌باشد و لذا اگر احرام را تحریم محرّمات احرام بر خود بدانیم نیز تصمیم انجام برخی محرّمات غیر رکن منافاتی با احرام ندارد.

مسأله ۱۶۳- احرام و دیگر اعمال عمره، و حج، چنانچه گذشت از عبادات است و باید بقصد قربت و اخلاص انجام شود. پس اگر عمره و حج را بقصد ریاء بجا آورد باطل است و باید در سال بعد آنها را اعاده کند. و اگر عمره تمتع را بقصد ریاء بجا آورد. پس اگر وقت برای اعاده آن هست آن را اعاده کند، و

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۷۵

اگر وقت، تنگ شده باشد، بنا بر احتیاط واجب حج افراد و پس از آن عمره مفرده بجا آورد و در سال بعد نیز عمره، و حج تمتع را بجا آورد. و همچنین است اگر عمره و حج را بعقل دیگری باطل کرد.

مسأله ۱۶۴- اگر بعضی از ارکان عمره یا حج را بسبب ریاء یا غیر آن باطل کرد، عمره یا حج او باطل می‌شود ولی اگر محل جبران آن باقی است و آن را جبران کرد عملش صحیح می‌شود هر چند بسبب ریاء معصیت کرده است.

مسأله ۱۶۵- اگر در اثر نداشتن مسأله یا غفلت، بجای نیت عمره تمتع نیت حج تمتع کرد یا برعکس، اگر نظرش

این بود که همان عملی را که خداوند، اینک بر او واجب کرده بجا آورد و همان را هم بجا آورد، منتها در نام گذاری اشتباه کرده است عمل او صحیح است، ولی بهتر است پس از توجه، نیت را تجدید نماید.

مسئله ۱۶۶- اگر در اثر نداشتن مسأله یا غفلت، گمان کرد حج تمتع بر عمره تمتع مقدم است پس در میقات بقصد حج تمتع احرام بست تا بعرفات و مشعر برود و پس از اتمام حج، عمره را بجا آورد، احرام او باطل است و باید در میقات احرام را تجدید نماید، و اگر از میقات گذشته است باید بمیقات برگردد و اگر نمی تواند برگردد پس اگر در خارج حرم است از همانجا احرام را تجدید نماید، و اگر داخل حرم شده پس اگر می تواند بخارج حرم برگردد و در خارج حرم، احرام ببندد و اگر نمی تواند برگردد، از همانجا احرام ببندد. و در همه این صورتها بنا بر احتیاط بمقداری که می تواند بعقب برگردد و سپس احرام ببندد.

دوم از واجبات احرام: پوشیدن دو جامه احرام است که یکی را ازار (لنگ) و دیگری را رداء (عباءت چیزی که بردوش

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۷۶

می افکند) می نامند. بدین صورت که مردان پس از کندن لباسهای دوخته شده خود، ازار را بصورت لنگ به کمر خود می بندند و رداء را مانند عبا بردوش خود می اندازند. پوشیدن این دو جامه هنگام احرام بر زنها واجب نیست ولی احتیاط پوشیدن است و بعدا هم می توانند آنها را در آورده به لباس معمولی خود اکتفا نمایند. چنانکه برزنها لازم نیست لباسهای دوخته را بکنند، و جائز است دو جامه احرام آنان نیز دوخته باشد.

مسئله ۱۶۷- بنا بر احتیاط واجب، لنگ باید باندازه ای باشد که اقلا از حدود ناف تا زانو را بپوشاند و لازم نیست که خود ناف و زانو را بپوشاند، و رداء را باید بشکل متعارف مانند عبا بردوش ببنداند بگونه ای که دو شانه و مقداری از پشت را بپوشاند، و زنها می توانند آن را مانند چادر بسر ببنداند.

مسئله ۱۶۸- بنا بر احتیاط واجب باید دو جامه احرام را پیش از نیت احرام بپوشند، و اگر بعد از تلبیه پوشیده اند تلبیه را دوباره بگویند.

مسئله ۱۶۹- اگر مرد از روی فراموشی یا نداشتن مسأله، بدون کندن لباس خود، احرام بست باید فوراً آنرا بکند و احرامش صحیح است و می تواند لباس احرام را در آورد تا لباس خودش را بیرون بیاورد و لازم نیست آن را از طرف پا از بدن خود در آورد. و همچنین اگر بعد از احرام بستن و تلبیه، پیراهن دوخته بپوشد احرامش صحیح است و باطل نمی شود، ولی در اینصورت باید پیراهن را از طرف پا در آورد و اگر یقه آن تنگ است باید آنرا بشکافد یا پاره کند تا از طرف پا کنده شود.

مسئله ۱۷۰- اکتفا کردن بیک جامه بلند و بزرگ بجای دو جامه احرام محل اشکال بلکه جائز نمی باشد.

مسئله ۱۷۱- پوشیدن بیش از دو جامه مثلا چندین رداء یا

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۷۷

لنگ، در اول احرام یا بعد از آن، برای جلوگیری از سرما یا غیر آن مانعی ندارد.

مسئله ۱۷۲- ازار یعنی لنگ باید بدن نما نباشد، و بنا بر احتیاط مستحب رداء نیز بدن نما نباشد. و در زنها بنا بر

احتیاط واجب باید لباس احرامشان بدن نما نباشد.

مسئله ۱۷۳- چنانچه گذشت، در بچه‌ها جائز است در آوردن لباسهای دوخته را تا فسخ که متصل بمکه است بتاخیر اندازند.

مسئله ۱۷۴- بنابر احتیاط واجب باید دو جامه احرام را بقصد قربت و اطاعت امر خدا و بقصد احرام بپوشند. و خوب است کندن لباسهای دوخته نیز بقصد قربت انجام شود.

مسئله ۱۷۵- آنچه در لباس نمازگزار شرط است، در جامه‌های احرام نیز شرط است، پس لباس احرام باید از ابریشم خالص و زربفت و از اجزاء حیوان حرام گوشت نباشد. و هم چنین باید پاك باشد مگر از نجاساتی که در حال نماز بخشیده شده است.

مسئله ۱۷۶- بنابر احتیاط واجب اگر در حال احرام- هنگام اعمال یا غیر آن- لباسهای احرام نجس شد باید آنها را تطهیر یا عوض کنند. و بدن نیز اگر نجس شد بنابر احتیاط واجب باید آن را تطهیر نمایند.

مسئله ۱۷۷- اگر بدن یا لباس را تطهیر نکنند کفاره ندارد.

مسئله ۱۷۸- لباسهای زن نیز در حال احرام باید پاك باشد و از اجزاء حیوان حرام گوشت نباشد. و بنابر احتیاط واجب از ابریشم خالص نیز نباشد، ولی ابریشم مخلوط مانعی ندارد.

مسئله ۱۷۹- باید به جامه‌های احرام، عرفا جامه و ثوب، گفته شود. هرچند از چرم و پوست و نمد باشد. ولی طوری درست شده باشد که بطور متعارف بتوان از آنها برای لباس هم

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۷۸

استفاده نمود.

مسئله ۱۸۰- واجب نیست شخص محرم همیشه دو جامه احرام را پوشیده باشد پس مانعی ندارد برای تطهیر یا شستشو یا حمام یا مانند اینها جامه‌ها را از خود دور کند یا مثلاً در گرما، رداء را از دوش خود بردارد، چنانچه عوض کردن آنها هم مانعی ندارد.

مسئله ۱۸۱- افضل بلکه احوط استحبابی این است که شخص محرم اگر جامه احرام را عوض کرده، در وقت ورود بمکه برای طواف، همان جامه‌هایی را که در آنها احرام بسته پوشیده باشد.

مسئله ۱۸۲- اقوی اینستکه، شخص محرم نباید ازار یعنی لنگ را بگردن خود گره بزند، و بنابر احتیاط مستحب رداء را هم بگردن خود و یا به لنگ گره نزند، و هم چنین دو پر جامه را با سوزن یا سنجاق یا گره به هم متصل نکنند. و اما سنگ گذاشتن در جامه احرام و بستن با نخ هیچ اشکالی ندارد. و اگر لنگ را از روی ندانستن یا فراموشی بگردن گره زد فوراً آن را باز کند ولی باحرامش ضرر نمی‌زند و کفاره هم ندارد.

مسئله ۱۸۳- اگر محرم برای رفع سرما مثلاً ناچار باشد از قبا یا پیراهن دوخته استفاده کند می‌تواند آنها را بدوش خود اندازد، بدون اینکه دست در آستین آنها کند. و قبا را باید وارونه و بالا و پائین کند. و اگر محرم، لنگ پیدا نکرد و ناچار شد می‌تواند شلوار بپوشد، ولی بنابر احتیاط کفاره بدهد.

سوم از واجبات احرام: تلبیه یعنی گفتن لبیک است بنحوی که وارد شده.

مسئله ۱۸۴- از تلبیه، آنچه وجوب آن قطعی است گفتن چهار لبیک است بدین گونه: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۷۹

«لک لَبَّيْکَ»- و بنا بر احتیاط واجب این جملات نیز در آخر آن اضافه شود: «إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمَلِكُ لَا شَرِيكَ لَكَ». و پس از این جملات خوب است یک لَبَّيْکَ نیز اضافه شود ولی واجب نیست. و بنا بر احتیاط مستحب، همزه: «إِنَّ» هم با کسر خوانده شود هم با فتح. هر چند خواندن آن با کسر، کافی است.

و خوب است کلمه: «لک» بعد از «الملک» نیز اضافه شود. ولی واجب نیست پس تلبیه کامل چنین است:

«لَبَّيْکَ اللَّهُمَّ لَبَّيْکَ، لَبَّيْکَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْکَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمَلِكُ (لَكَ) لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْکَ»

یعنی: «اجابت و اطاعت می کنم ترا، خدایا اجابت می کنم دعوت ترا، اجابت می کنم ترا، برای تو شریک نیست، اجابت می کنم ترا، بدرستی که ستایش و نعمت و پادشاهی از آن تو است، هیچ شریک نداری، اجابت می کنم ترا.» و مستحب است تلبیه های زیر نیز در آخر اضافه شود: «لَبَّيْکَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْکَ لَبَّيْکَ دَاعِيَا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْکَ لَبَّيْکَ غَفَّارِ الذَّنُوبِ لَبَّيْکَ لَبَّيْکَ أَهْلِ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْکَ لَبَّيْکَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَبَّيْکَ لَبَّيْکَ تَبْدِيءِ وَالْمَعَادِ إِلَيْكَ لَبَّيْکَ لَبَّيْکَ تَسْتَعْنِي وَ يَفْتَقِرُ إِلَيْكَ لَبَّيْکَ لَبَّيْکَ مَرْهُوبَا وَ مَرْغُوبَا إِلَيْكَ لَبَّيْکَ، لَبَّيْکَ إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْکَ، لَبَّيْکَ ذَا النِّعْمَاءِ وَ الْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَّيْکَ، لَبَّيْکَ كَشَّافِ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْکَ، لَبَّيْکَ عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ لَبَّيْکَ، لَبَّيْکَ يَا كَرِيمَ لَبَّيْکَ». تهذیب شیخ طوسی ج ۵ / ۹۱.

مسئله ۱۸۵- بر مکلف واجب است مقدار تلبیه واجب را یاد بگیرد و مانند تکبیره الاحرام نماز بطور صحیح اداء نماید، و اگر خوب یاد نگرفته دیگری، تلقین کند یعنی کلمه کلمه بگوید و او مانندش تلفظ نماید، و اگر نمی تواند درست بگوید بنا بر احتیاط بنحوی که می تواند، بگوید و ترجمه آن را نیز بگوید، و دیگری

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۸۰

هم بجای او و به نیابت او بگوید.

مسئله ۱۸۶- شخص لال که تلبیه را می داند ولی نمی تواند بگوید، باید زبان خود را به تلبیه حرکت دهد و با انگشت خود نیز به آن اشاره نماید، و بهتر است که دیگری نیز بجای او تلبیه را بگوید. و اگر آن را نمی داند و نمی تواند یاد بگیرد و تلقین هم ممکن نیست تا به آن اشاره نماید، دیگری بجای او بگوید.

مسئله ۱۸۷- بچه ممیز، خودش تلبیه را بگوید، و بجای غیر ممیز، ولی او یا دیگری باذن ولی، تلبیه را بگوید. و نسبت بکسی که در میقات بیهوش است نیز گفته شده که دیگری بجای او تلبیه را بگوید، ولی مسأله محل اشکال است. پس بنا بر احتیاط، حکم او حکم کسی است که بسبب عذری بدون احرام از میقات عبور کرده است که قبلا گفته شد.

مسئله ۱۸۸- در خصوص حج قرآن جائز است بجای تلبیه، اجرام را بوسیله اشعار یا تقلید حیوان قربانی، منعقد نمایند، ولی بنا بر احتیاط، واجب لَبَّيْکَ نیز گفته شود. و معنی حج قرآن و اشعار و تقلید سابقا گذشت.

مسئله ۱۸۹- تلبیه در احرام عمره و حج، مانند تکبیره الاحرام نماز است که نماز با آن شروع می شود. پس احرام بدون تلبیه (و در خصوص حج قرآن، احرام، بدون تلبیه یا اشعار یا تقلید) محقق نمی شود. پس کسی که نیت احرام

کرده و لباسهای احرام را نیز پوشیده ولی تلبیه را نگفته است اگر یکی از محرّمات احرام را مرتکب شود نه گناه کرده و نه کفاره، بدهکار است چون وارد احرام نشده است. و هم چنین است اگر تلبیه او به ریاء و مانند آن باطل شده باشد.

مسأله ۱۹۰- اگر تلبیه را فراموش کرد یا در اثر ندانستن مسأله آن را نگفت و از میقات عبور کرد باید به میقات برگردد و با تلبیه،

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۸۱

محرّم شود. و اگر نمی تواند برگردد و داخل حرم نشده در همانجا با تلبیه، محرّم شود. و اگر داخل حرم شده به خارج حرم برگردد و اگر نمی تواند، در همانجا محرّم شود. و بنا بر احتیاط در همه این صورتها بمقداری که می تواند بعقب برگردد و سپس محرّم شود.

مسأله ۱۹۱- در صحت احرام و تلبیه. طهارت از حدث اصغر و اکبر شرط نیست، پس می تواند بدون وضوء و در حال جنابت یا حیض یا نفاس، محرّم شود و احرام او صحیح است.

مسأله ۱۹۲- شخصی که برای احرام عمره تمتع بمیقات آمده اگر بعد از گفتن لبیک در میقات و عبور از آن، خود را در حال اعمال عمره ببیند و شك کند که در وقت نیت، نیت عمره کرده یا اشتباهاً نیت حج کرده، عمره او صحیح است، ولی خوب است احتیاطاً نیت را تجدید نماید. و هم چنین اگر بعد از احرام در مکه و رفتن به عرفات که از اعمال حج است شك کند که آیا نیت حج کرده یا اشتباهاً نیت عمره کرده، حج او صحیح است.

مسأله ۱۹۳- اگر در میقات پس از پوشیدن لباس احرام شك کند تلبیه را گفته یا نه، باید آن را بگوید. و اگر پس از گفتن تلبیه و فراغت از آن شك کند آن را صحیح اداء کرده یا غلط، اگر پس از گذشت زمانی، شك کند بنا بر صحت آن بگذارد، و اگر بلافاصله شك کند بنا بر احتیاط مستحب اعاده نماید.

مسأله ۱۹۴- تلبیه واجب بنحوی که گذشت يك بار گفتن آن کافی است، ولی مستحب است تکرار آن بخصوص پس از هر نماز واجب و مستحب و بالا رفتن برهر تپه و پائین آمدن از آن، و در هر سوار شدن و پیاده شدن، و بیدار شدن از خواب و هنگام سحرها و در برخورد با هر سوار دیگری. و در حدیث وارد شده:

«هرکس در احرامش هفتاد بار از روی ایمان و اخلاص لبیک

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۸۲

بگوید خداوند هزار هزار فرشته را وامیدارد که گواهی دهند بر برائت او از آتش دوزخ و از نفاق.» و بر مردها مستحب است لبیک را بلند بگویند، بلکه از بعضی روایات، وجوب آن استفاده می شود ولی بنا بر اقوی واجب نیست.

مسأله ۱۹۵- کسی که از مسجد شجره احرام می بندد بنا بر احتیاط واجب، تلبیه را در خود مسجد بگوید، ولی خوب است اظهار و بلند گفتن آن را، تأخیر اندازد تا بیداء که در حدود دو کیلومتری مسجد واقع شده است. و هم چنین کسانی که از میقاتهای دیگر احرام می بندند تلبیه را در وقت احرام بگویند.

ولی خوب است بلند گفتن آن را تأخیر اندازند تا کمی از راه را طی کنند. و کسی که از مکه مکرمه برای حج، احرام

می بندد خوب است بلند گفتن آن را تاخیر اندازد تا به (رقطاء) برسد.

نزدیک (ردم)، - ردم - مدعی، نزدیک مسجد (رایه) پیش از مسجد (جن) می باشد.

مسئله ۱۹۶- کسانی که برای عمره تمتع احرام بسته‌اند بنا بر احتیاط پس از مشاهده خانه‌های مکه معظمه تلبیه را قطع کنند و دیگر لبیک نگویند، و بنا بر ظاهر روایت صحیحه، مقصود از مکه در اینجا مقدار ساخته شده در صدر اسلام است. و کسانی که از خارج حرم برای عمره مفرده احرام بسته‌اند هنگام ورود در حرم، تلبیه را قطع کنند. و کسانی که در نزدیکترین منطقه به حرم برای عمره مفرده احرام بسته‌اند، پس از مشاهده کعبه معظمه تلبیه را قطع کنند. و کسانی که برای هر یک از اقسام حج، احرام بسته‌اند در ظهر روز عرفه، تلبیه را قطع نمایند.

مستحبات احرام

مسئله ۱۹۷- برای احرام چند چیز مستحب است:

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۸۳

اول: اینکه پیش از احرام خود را پاکیزه کند، ناخنهای خود را بگیرد و شارب خود را بزند و موی عانه (زیر شکم) و زیر بغل خود را بتراشد یا بانوره و غیر آن برطرف نماید.

دوم: کسیکه قصد حج دارد از اول ماه ذی‌قعدة و کسیکه قصد عمره مفرده دارد از یک ماه پیش از آن موی سر و ریش خود را رها کند و آنها را اصلاح نکند.

سوم: اینکه پیش احرام، در میقات، غسل کند، و اگر می ترسد در میقات آب پیدا نشود، جائز است پیش از رسیدن به میقات غسل کند، و اگر در میقات آب پیدا شد مستحب است آن را اعاده کند. و غسل احرام از زن حائض و نفساء نیز صحیح است. و برخی از فقهاء غسل احرام را واجب دانسته‌اند، و در اخبار معتبره نسبت به غسل احرام زیاد تاکید شده و حتی وارد شده است که اگر کسی بدون غسل یا نماز، محرم شد پس از غسل و نماز، آن را اعاده نماید. و اگر بعد از غسل احرام، لباسی را که بر محرم حرام است پوشید یا غذایی را که بر محرم حرام است خورد یا بوی خوش استعمال کرد، مستحب است غسل را اعاده نماید، و هم چنین است اگر بعد از غسل و پیش از احرام بخوابد. بلکه اگر حدث هم از او خارج شود بین غسل و احرام، خوب است بقصد رجاء، غسل را اعاده نماید. و اگر در اول روز غسل کند تا آخر روز بلکه تا آخر شب بعد، کفایت می‌کند، و هم چنین اگر اول شب غسل کند تا آخر شب بلکه تا آخر روز بعد، کافی است. و اگر نمی‌تواند غسل کند خوب است بقصد رجاء تیمم کند. چهارم: اینکه جامه‌های احرام از پنبه باشد.

پنجم: اینکه احرام بعد از نماز و خواندن دعاهای وارده، انجام شود، بدین ترتیب: در صورت امکان بعد از نماز ظهر

و

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۸۴

گرنه بعد از نماز واجب دیگر، و اگر وقت نماز واجب، نیست بعد از خواندن شش رکعت نافله و یا اقلا دو رکعت نافله که در آنها سوره‌های **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** و **قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ** را بخواند، و روایت شده که **قُلْ هُوَ اللَّهُ** را در رکعت اول و **قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ** را در رکعت دوم بخواند. و پس از نماز، حمد و ثنای الهی بجا آورد و بر پیامبر

و آل او صلوات بفرستد. و سپس بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ اسْتَجَابَ لَكَ، وَ أَمِنَ بِوَعْدِكَ وَ اتَّبَعَ أَمْرَكَ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ، لَا أَوْقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ، وَ لَا أَخْذِلُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ، وَ قَدْ ذَكَرْتَ الْحَجَّ فَاسْأَلُكَ أَنْ تَعَزِّمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ وَ سَنَةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ تَقْوِيَنِي عَلَى مَا ضَعُفْتُ وَ تَسَلِّمْ لِي مَنَاسِكِي فِي يَسْرٍ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ وَفْدِكَ الَّذِي رَضِيَتْ وَ ارْتَضِيَتْ وَ سَمِّيَتْ وَ كَتَبَتْ. اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شَقَّةٍ بَعِيدَةٍ، وَ انْفَقْتُ مَالِي ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ. اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجَّتِي وَ عَمْرَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ عَلَى كِتَابِكَ وَ سَنَةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَانْ عَرِّضْ لِي عَارِضَ يَحْبِسُنِي فَخَلْنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي بِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ اللَّهُمَّ أَنْ لَمْ تَكُنْ حِجَّةَ فَعُمْرَةٌ، أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ مَخْيِي وَ عَصَبِي مِنَ النِّسَاءِ وَ الثِّيَابِ وَ الطَّيِّبِ، ابْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ»

این دعا را کافی است یک بار بخواند و سپس احرام ببندد.

ششم: اینکه هنگام پوشیدن دو جامه احرام بنابر فرمایش شیخ صدوق علیه الرحمه، بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَ أُوَدِّي فِيهِ فِرْضِي وَ أَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي وَ انْتَهَى فِيهِ إِلَيَّ مَا أَمْرُنِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدَتْهُ فَبَلَّغْنِي وَ أَرَدَتْهُ فَاعَانَنِي وَ قَبَلْنِي وَ لَمْ يَقْطَعْ بِي وَ وَجْهَهُ أَرَدَتْ فَسَلَّمْنِي فَهُوَ حَصْنِي وَ كَهْفِي وَ حِرْزِي وَ ظَهْرِي وَ مَلَاذِي وَ رَجَائِي وَ مَنجَايَ وَ ذَخْرِي وَ عِدَّتِي فِي شِدَّتِي وَ رِخَائِي».

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۸۵

هفتم: تکرار تلبیه چنانکه قبلاً گفته شد.

مکروهات احرام

مسئله ۱۹۸- مکروهات احرام نیز چند چیز است: اول:

احرام در جامه سیاه بلکه احوط استحبابی ترک آنست. و بهتر است جامه‌ها سفید باشند. دوم: خوابیدن محرم در رختخواب و بالش زرد رنگ. سوم: احرام در جامه راه راه. چهارم: احرام در جامه چرکین، ولی اگر جامه در حال احرام چرک شود بهتر آنست آن را مادامی که در حال احرام است نشوید. پنجم: استعمال حنا پیش از احرام در صورتیکه اثر آن تا زمان احرام باقی بماند. ششم: حمام رفتن، و بهتر بلکه احوط این است که محرم، بدن خود را با کیسه و مانند آن نساید. هفتم: لبیک گفتن محرم در جواب کسی که او را صدا زند.

تروک و محرّمات احرام

بیست و نه چیز است که شخص محرم حتما یا با احتیاط واجب باید از آنها اجتناب کند، و ارتکاب بعضی از آنها سبب اعاده عمره یا حج، و ارتکاب بسیاری از آنها موجب کفاره می‌شود:

[اول: شکار حیوان و وحشی صحرائی]

اول از محرّمات احرام: شکار حیوان و وحشی صحرائی است مگر در مواردی که استثناء شده است.

مسئله ۱۹۹- در حال احرام، شکار کردن حیوان و وحشی صحرائی و کمک کردن بصیاد در صید آن و نشان دادن شکار به او هر چند با اشاره باشد حرام است، چه صیاد در حال احرام باشد یا نه. حیوان حلال گوشت باشد یا حرام گوشت. و همچنین بر محرم، حرام است حیوانی را که دیگری شکار کرده ذبح نماید.

مسئله ۲۰۰- شکار حیوان و وحشی در حرم جائز نیست هر چند

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۸۶

شکارچی در حال احرام نباشد.

مسئله ۲۰۱- خوردن گوشت شکار صحرائی، در حال احرام، حرام است، چه خودش شکار کند یا دیگری، و شکار کننده در حال احرام باشد یا نباشد، و شکار از حرم باشد یا از خارج حرم.

مسئله ۲۰۲- باعتقاد مشهور فقها، شخص محرم، اگر شکار را بکشد یا ذبح نماید در حکم میته است و حتی غیر محرم نیز بنا بر احتیاط باید از آن، اجتناب کند. و همچنین است صید حرم اگر کشته یا ذبح شود، هر چند کشته آن در حال احرام نباشد.

مسئله ۲۰۳- حیوان وحشی صحرائی اگر در خارج حرم، صید و ذبح شود خوردن گوشت آن در داخل حرم برای کسانی که در حال احرام نیستند مانعی ندارد، ولی اگر آن را زنده وارد حرم کردند ذبح آن در حرم جائز نیست بلکه باید آن را رها کنند.

مسئله ۲۰۴- پرندگان نیز جزء شکار صحرائی محسوبند و شکار آنها بر محرم حرام است. و همچنین است ملخ. و باید شخص محرم دقت کند که ملخها زیر دست و پا تلف نشوند.

مسئله ۲۰۵- محرم، جائز نیست حیوان شکار شده مانند آهو و کبوتر و سایر پرندگان را بخرد و یا آنها را حبس و نگهداری نماید. و اگر پیش از احرام در خارج حرم، آنها را شکار کرده یا خریده پس از اینکه محرم شد باید فوراً آنها را رها نماید. و اگر پرنده، پر در نیاورده یا پره‌های آن را چیده‌اند باید از آن محافظت نماید، تا پر در آورد و سپس آن را رها کند. و همینطور است حکم بچه شکار چون بره آهو. و همچنین است حکم شکار و پرنده‌ای که از خارج حرم وارد حرم کنند هر چند وارد کننده در حال احرام نباشد و نیز چنین است حکم شکار و پرندگان حرم حتی نسبت به کسی که در حال احرام نیست. ولی اگر محرم در وطن خود شکار

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۸۷

و پرنده‌ای دارد لازم نیست در وقت احرام او در میقات، آنها را رها کنند.

مسئله ۲۰۶- جائز نیست محرم، حیوانات درنده را شکار کند یا بکشد یا اذیت نماید مگر اینکه قصد او کنند یا از آنان وحشت کند و برخورد بترسد، که در این صورت کشتن آنها مانعی ندارد. و همچنین جائز است افعی و مارهای خطرناک و عقرب و موش را بکشد و در کشتن آنها کفاره نیست.

مسئله ۲۰۷- هر شکاری که بر محرم، حرام است جوجه و تخم آن حیوان نیز براو حرام است.

مسئله ۲۰۸- محرم بنا بر احتیاط واجب زنبور را نکشد مگر در صورتیکه به او حمله کند و یا اذیت نماید. بلکه بنا بر احتیاط واجب از کشتن مطلق حیوانات و حشرات که اذیت نمی‌کنند اجتناب کند.

مسئله ۲۰۹- شکار کردن حیوانات دریائی مانند ماهی و غیره در حال احرام مانعی ندارد. و اگر حیوانی هم در آب و هم در خشکی زندگی می‌کند ملاک، جای تخم و جوجه‌گذاری آن است.

مسئله ۲۱۰- ذبح و خوردن گوشت حیوانات اهلی مانند مرغ خانگی و گوسفند و گاو و شتر در حال احرام مانعی ندارد.

مسئله ۲۱۱- شکار در حال احرام کفاره دارد. و فرقی بین عمد و سهو و جهل نمی باشد. و مقدار کفاره در حیوانات مختلف است مثلاً در شتر مرغ یک شتر و در گاو وحشی یک گاو و در خرو وحشی یک شتر یا گاو و در آهو و خرگوش یک گوسفند می باشد. مسائل و فروع مربوط به شکار، و کفاره هر یک از شکارها، زیاد است، و چون برای حجّاج شهرهای دور کمتر مورد حاجت است، لذا از تفصیل آنها در اینجا صرف نظر

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۸۸

می کنیم.

[دوم: جماع]

دوم از محرمات احرام: جماع است یعنی نزدیکی کردن با زن، و در اصل حرام بودن آن فرقی بین احرام عمره تمتع و عمره مفرده و اقسام حج نیست. در عمره تمتع پس از تقصیر، و در احرام حج و عمره مفرده پس از طواف نساء، زن حلال می شود، و هم چنین است حکم زن نسبت بحلال شدن شوهر بر او.

مسئله ۲۱۲- اگر کسی در عمره تمتع از روی علم و عمد با زن خود نزدیکی کرد، اگر بعد از فراغت از سعی باشد، عمره او صحیح است و فقط کفاره بر او واجب می شود و کفاره آن بنا بر احتیاط یک شتر است مطلقاً، چه ثروتمند باشد یا نه، ولی اقوی فرق گذاشتن بین ثروتمند و غیره می باشد، یعنی اگر می تواند یک شتر و اگر نمی تواند یک گاو و اگر نمی تواند یک گوسفند ذبح کند. و اگر پیش از فراغت از سعی باشد، نیز عمره اش صحیح است. کفاره بدهد و عمره را تمام کند. ولی احتیاطاً در صورت وسعت وقت، آن را پیش از حج اعاده نماید و حج او صحیح است. و اگر نمی تواند عمره را اعاده نماید چونکه وقت حج تنگ می شود، احتیاطاً یک حج به قصد آنچه وظیفه او است، مردد بین حج تمتع و حج افراد بجا آورد، و بعد یک عمره مفرده، و در سال بعده عمره و حج تمتع را اعاده نماید.

مسئله ۲۱۳- اگر محرم در حج، پیش از وقوف بمشعر از روی علم و عمد با زن خود نزدیکی کرد کفاره آن بنا بر احتیاط یک شتر است مطلقاً- ثروتمند باشد یا نه-، گرچه تفصیل بین متمکن و غیر متمکن اقوی است و باید حج را تمام کند و سال بعد نیز آن را اعاده نماید. هر چند حج مستحبی باشد، و اگر حج را تمام نکند در احرام باقی می ماند. و زن هم اگر در احرام بوده و بعمل راضی شده حکمش همین است، و باید تا آخر حج، از یکدیگر

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۸۹

جدا شوند، یعنی تا آخر با یکدیگر خلوت نکنند بلکه شخص سومی با آنان باشد. و اگر زن راضی نبوده و مرد، او را مجبور کرده است حج زن صحیح است و مرد کفاره زن را نیز باید بدهد.

مسئله ۲۱۴- اگر محرم در حج، بعد از وقوف بمشعر و پیش از انجام پنج شوط- هر شوط یک دور کامل بدور کعبه- از طواف نساء، با زن خود از روی علم و عمد نزدیکی کرد بنا بر احتیاط، کفاره آن مطلقاً یک شتر است گرچه اینجا نیز اقوی تفصیل بین متمکن و غیر متمکن است، ولی حج او صحیح است. و اگر زن هم در حال احرام و راضی بوده حکمش همین است، و اگر مجبور شده کفاره او بعهد مرد است. و اگر پس از گذشتن پنج شوط از طواف نساء بوده حج آنان صحیح است و بنا بر اقوی کفاره هم واجب نیست.

مسأله ۲۱۵- اگر محرم در عمره مفرده پس از فراغت از سعی و پیش از تقصیر از روی علم و عمد با زن خود نزدیکی کرد عمره او صحیح است، ولی کفاره براو واجب است. و اگر پیش از سعی، نزدیکی کرد عمره او باطل می شود و باید کفاره بدهد، و بنا بر احتیاط، عمره را تمام کند و واجب است تا ماه بعد در مکه بماند و بعد بیکی از میقاتها برود و از آنجا برای عمره مفرده احرام ببندد و عمره را اعاده نماید. و کفاره در عمره مفرده مانند کفاره در عمره تمتع است بتفصیلی که گذشت.

مسأله ۲۱۶- در مسائلی که گذشت، فرق نیست بین اینکه نزدیکی در جلو زن باشد یا عقب، و زن دائم باشد یا متعه، و منی خارج شود یا نشود.

مسأله ۲۱۷- اگر با زن دیگری غیر از زن خود زنا کند یا اشتباها با او نزدیکی کند حکم آن مانند نزدیکی با زن خود

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۹۰

می باشد، بلکه ظاهرا لواط با مرد هم همین حکم را دارد.

مسأله ۲۱۸- در همه مسائلی که گذشت، نزدیکی کننده گناه کرده و باید علاوه بر کفاره از عمل خود استغفار کند.

مسأله ۲۱۹- اگر در احرام حج یا عمره با زن خود از روی غفلت و فراموشی یا ندانستن مسأله، نزدیکی کرد، عمره و حج او صحیح است، هر چند پیش از وقوف به مشعر و پیش از سعی باشد. و کفاره نیز واجب نیست.

مسأله ۲۲۰- اگر در احرام حج یا عمره از روی علم و عمد با زن خود ملاعبه کرد بدون دخول، باید استغفار کند و کفاره آن بنا بر احتیاط یک شتر است مطلقا، هر چند منی خارج نشود، ولی عمره و حج او صحیح است هر چند پیش از وقوف به مشعر و پیش از سعی باشد.

[سوم: بوسیدن زن]

سوم از محرمات احرام: بوسیدن زن است.

مسأله ۲۲۱- جائز نیست محرم، زن خود را از روی شهوت ببوسد، بلکه بنا بر احتیاط، مطلقا او را نبوسد، و چنانچه بوسید اگر از روی شهوت باشد و منی خارج شد کفاره آن یک شتر است، بلکه همچنین است بنا بر احتیاط واجب اگر منی خارج نشود، و اگر بدون شهوت بوسید کفاره آن ذبح یک گوسفند است.

و اگر زن اجنبی را ببوسد کفاره آن مثل کفاره بوسیدن زن خود می باشد. و بنا بر احتیاط واجب اگر زن، مرد را نیز ببوسد همین حکم را دارد. ولی بوسیدن مادر و امثال او از محارم از روی عاطفه و شفقت مانعی ندارد.

مسأله ۲۲۲- اگر محرم، پس از اینکه تقصیر کرد یا طواف نساء بجا آورد و زن براو حلال شد، زن خود را که هنوز در حال احرام است ببوسد، بنا بر احتیاط مستحب باید یک گوسفند

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۹۱

بکشد ولی لازم نیست و همچنین بر زن هم لازم نیست مگر اینکه با اختیار حاضر شود.

[چهارم و پنجم: لمس بدن زن و نگاه]

چهارم از محرمات احرام: لمس بدن زن و بازی با زن است.

مسأله ۲۲۳- جائز است محرم، بدن زن خود را بدون شهوت لمس کند یا او را برای سوار شدن یا پیاده شدن مثلا در

بغل بگیرد، ولی لمس بدن او یا بازی با او از روی شهوت جائز نیست و کفّاره لمس او با شهوت، ذبح يك گوسفند است. و اگر لمس و بازی را ادامه دهد تا منی خارج شود کفّاره آن مثل کفّاره نزدیکی کردن است. و بنا بر احتیاط واجب اگر زن، بدن مرد را لمس کند، حکم آن همین است. و اگر لمس حرام باشد مثل لمس بدن مرد یا زن اجنبی با شهوت بدون انزال، يك گوسفند ذبح کند.

[پنجم: نگاه به زن]

پنجم از محرمات احرام: نگاه کردن بزنی است.

مسأله ۲۲۴- جائز نیست محرم از روی شهوت حتی به زن خود نگاه کند، ولی بدون شهوت مانعی ندارد. و اگر با شهوت نگاه کرد و منی خارج شد کفّاره آن يك شتر است. و اگر با شهوت نگاه کرد ولی منی خارج نشد یا بدون شهوت نگاه کرد و تصادفاً منی خارج شد کفّاره ندارد.

مسأله ۲۲۵- اگر محرم به زن اجنبی با شهوت یا بدون شهوت نگاه کرد و منی خارج شد پس اگر متمول باشد کفّاره آن يك شتر است و اگر متوسط باشد يك گاو و اگر فقیر باشد يك گوسفند است.

و اگر منی خارج نشد کفّاره ندارد هر چند گناه کرده است. و بنا بر احتیاط واجب نگاه زن، به مرد نیز همین حکم را دارد. و همینطور نگاه با شهوت زن به زن یا مرد به مرد.

مسأله ۲۲۶- اگر محرم از روی غفلت و فراموشی یا

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۹۲

ندانستن مسأله، زن خود را ببوسد یا لمس یا نگاه کند و یا با او بازی کند، کفّاره ندارد هر چند از روی شهوت باشد و منی هم خارج گردد.

[ششم و هفتم: استمناء و عقد ازدواج]

ششم از محرمات احرام: استمناء است.

مسأله ۲۲۷- اگر محرم با آلت خود بازی کند تا منی از او خارج شود، حکم او حکم کسی است که در حال احرام عمره یا حج، نزدیکی کند بتفصیلی که گذشت. و همچنین است بنا بر احتیاط واجب اگر بنحوی دیگر (غیر از بازی با زن خود)، کاری کند که منی از او خارج شود مخصوصاً اگر با قصد خروج منی باشد. ولی اگر با زن خود از روی شهوت، بازی کند یا او را لمس نماید یا ببوسد و منی خارج شود هر چند کفّاره واجب است چنانچه گذشت ولی بطلان عمره یا حج او معلوم نیست بلکه اقوی عدم بطلان است.

هفتم از محرمات احرام: عقد ازدواج و همچنین گواه شدن بر عقد ازدواج است.

مسأله ۲۲۸- محرم جائز نیست در حال احرام برای خود زن بگیرد یا زنی را برای دیگری - محرم یا محل - عقد نماید، چه عقد دائم باشد یا متعه. و اگر زنی را برای خود یا دیگری عقد کند عقد، باطل است هر چند جاهل به مسأله باشد.

مسأله ۲۲۹- اگر در حال احرام، زنی را برای خود عقد کند با علم به مسأله، آن زن برای او همیشه حرام می شود، ولی اگر جاهل به مسأله بوده پس از تمام شدن احرام می تواند آن زن را عقد کند هر چند بهتر است او را نگیرد بخصوص اگر با او نزدیکی کرده باشد.

مسئله ۲۳۰- اگر محرم در حال احرام یا پیش از آن، کسی را وکیل کرده که برایش زن بگیرد و او در حال احرام موکل، برای او

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۹۳

زن گرفت صحّت آن عقد محل اشکال است بلکه باطل بودن آن خالی از قوت نیست. ولی اگر در حال احرام، کسی را وکیل کند که بعد از تمام شدن احرام برای او زن بگیرد مانعی ندارد.

مسئله ۲۳۱- محرم جائز نیست به عنوان شاهد و گواه در مجلس عقد ازدواج، حاضر شود هر چند آن عقد برای غیر محرم باشد.

مسئله ۲۳۲- بنا بر احتیاط، محرم در حال احرام، شهادت بر واقع شدن عقد ازدواج ندهد، هر چند پیش از احرام در مجلس عقد حاضر بوده است. و همچنین بنا بر احتیاط در حال احرام، خواستگاری نکند.

مسئله ۲۳۳- بنا بر احتیاط واجب، زنی را که در حال احرام است برای کسی عقد نکنند هر چند آن کس در حال احرام نباشد. و اگر عقد کردند آن مرد با او نزدیکی نکند بلکه احتیاطاً او را طلاق دهد، و اگر به مسأله عالم بوده هیچ وقت او را نگیرد.

مسئله ۲۳۴- اگر کسی زنی را برای مردی که در حال احرام است عقد کند و آن مرد دخول کند اگر زن و عقد کننده می دانسته اند که مرد، محرم است و هر سه عالم به مسأله بوده اند بر هر یک از سه نفر، کفّاره یک شتر واجب است. و اگر دخول نکند بر هیچکدام کفّاره نیست. و در این حکم فرق نیست بین اینکه زن و عقد کننده در حال احرام باشند یا نباشند. و اگر بعضی از آنان مسأله را می دانسته بر خصوص او کفّاره واجب است.

[هشتم: استعمال بوی خوش]

هشتم از محرّمات احرام: استعمال بوی خوش است.

مسئله ۲۳۵- استعمال چیزهای خوشبو مانند مشگ و زعفران و عنبر و عود و ورس و کافور، بخوردن یا بوئیدن یا مالیدن بدن یا لباس، بر مرد و زن در حال احرام، حرام است. و همچنین

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۹۴

است پوشیدن لباسی که از سابق اثری از بوی خوش در آن مانده باشد.

و احتیاط واجب، تعمیم حکم است نسبت به تمام اشیائی که معمولاً بمنظور استفاده از بوی خوش آنها تهیه و استعمال می شوند مانند: گلاب و انواع عطرها و ادکلن، و همچنین صابونهای عطری و شامپوهای خوشبو و معطر.

مسئله ۲۳۶- بنا بر احتیاط واجب، محرم باید از گلها و سبزیهائی که بوی خوش دارند مخصوصاً از ریحان و از گلها که از آنها گلاب و عطریات تهیه می شود و بخاطر بوی خوش تهیه یا نگهداری می شوند، اجتناب کند. بلکه بنا بر احتیاط از ادویه خوشبو مانند دارچین و هل و زنجبیل و ریشه جوز نیز اجتناب نماید، ولی از سبزیهای صحرائی خودرو که بوی خوش دارند مانند بومادران و درمنه و خزامی و اذخر و قیصوم که معمول نیست در عطریات از آنها استفاده شود اجتناب لازم نیست.

مسئله ۲۳۷- خوردن میوه های خوشبو مانند سیب و به و گلابی و پرتقال و ترنج در حال احرام مانعی ندارد هر چند

بوی خوش آنها ضمناً بمشام برسد، ولی بنابر احتیاط واجب باید از بوئیدن آنها حتی در حال خوردن آنها اجتناب نماید. و همینطور روغنهای خوش بو.

مسئله ۲۳۸- بر محرم، واجب است بینی خود را از بوی خوش بگیرد، و حرام است بینی خود را از بوی بد بگیرد. ولی تند رفتن برای نجات از بوی بد مانعی ندارد.

مسئله ۲۳۹- اگر محرم پوشیدن لباس معطر یا غذا یا دوائی که در آن چیزهای خوشبو مصرف شده ناچار شود، استعمال آن مانعی ندارد، ولی باید بینی خود را از بوی خوش آنها بگیرد، و احتیاطاً کفاره بدهد.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۹۵

مسئله ۲۴۰- خرید و فروش عطریات و چیزهای خوشبو در حال احرام مانعی ندارد، ولی نباید آنها را استعمال کند و یا برای امتحان بو بکشد.

مسئله ۲۴۱- اگر تصادفاً یا عمداً لباس محرم به زعفران یا چیزهای خوشبوی دیگر آلوده شود، باید لباس را فوراً عوض کند یا بوی خوش را از آن هر چند بشستن، برطرف نماید. ولی اگر خلوق «۱» کعبه معظمه که در آن زعفران و چیزهای دیگر بکار می‌رفته به لباس بمالد اجتناب از آن لازم نیست، لکن چون معمولاً در این زمانها کعبه را با چیزهای دیگر خوشبو می‌کنند، محرم، بنابر احتیاط واجب باید از آنها اجتناب نماید و بینی خود را از بوی آنها بگیرد.

مسئله ۲۴۲- اگر محرم چیزهای خوشبو را عمداً بخورد باید کفاره بدهد و کفاره آن ذبح یک گوسفند است. و همچنین است بنابر احتیاط واجب اگر آنها را در حال ناچاری بخورد و یا عمداً بو بکشد یا به لباس و بدن خود بمالد. ولی اگر از روی غفلت و فراموشی یا ندانستن مسئله، استعمال کرده کفاره ندارد، ولی خوب است استغفار کند. و بنابر احتیاط، چیزی هم صدقه بدهد یا مسکینی را اطعام نماید.

مسئله ۲۴۳- اگر استعمال بوی خوش را در یک جلسه ادامه داد بنابر اقوی یک کفاره کافی است، ولی اگر در چند نوبت با فاصله استعمال کرد، احوط، تعدد کفاره است. و اگر پس از استعمال، کفاره داد و دوباره استعمال کرد واجب است دوباره کفاره بدهد.

مسئله ۲۴۴- محرم اگر در احرام حج، پیش از تمام کردن

(۱) - خلوق: عطر خاصی بوده که بیشترین اجزایش زعفران بوده و در گذشته با آن، کعبه را معطر و خوشبو می‌نموده‌اند.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۹۶

سعی فوت کند نباید او را با آب کافور غسل دهند و باید بجای آن با آب خالص غسلش دهند، و همچنین نباید او را با کافور، حنوط کنند، و همچنین است حکم محرم باحرام عمره اگر پیش از تقصیر فوت کند.

[نهم: روغن مالی بدن]

نهم از محرّمات احرام: روغن مالی بدن است.

مسئله ۲۴۵- محرم نباید در حال احرام، بدن خود را روغن مالی کند، هر چند روغن، خوشبو نباشد. ولی اگر برای

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی _____
 معالجه ضرورت داشته باشد مانعی ندارد مانند پمادهائی که روی زخمها یا برای جلوگیری از عرق سوز شدن مالیده میشوند.

مسأله ۲۴۶- جائز نیست پیش از احرام، روغن خوشبوئی که بوی خوش آن تا بعد از احرام باقی می ماند بدن مالیده شود، ولی اگر بوی خوش آن باقی نمی ماند مانعی ندارد هر چند چربی آن باقی بماند.

مسأله ۲۴۷- خوردن روغن در حال احرام اگر چیز خوشبوئی در آن نباشد مانعی ندارد.

مسأله ۲۴۸- اگر محرم عمدا بدن خود روغنی که مخلوط با چیز خوشبوئی است بمالد، بنا بر احتیاط واجب باید کفاره بدهد، هر چند از روی ناچاری و برای معالجه باشد، و کفاره آن ذبح يك گوسفند است. و اگر از روی ندانستن مسأله باشد بنا بر احتیاط يك مسکین اطعام کند. و اگر روغن ذاتا خوشبو باشد بنا بر احتیاط نیز کفاره را بدهد. ولی اگر روغن، خوشبو نباشد در مالیدن آن، کفاره ثابت نیست هر چند خوب بلکه احوط است.

[دهم: سرمه کشیدن]

دهم از محرّمات احرام: سرمه کشیدن است.

مسأله ۲۴۹- سرمه کشیدن بسمه سیاه که معمولا برای زینت استعمال می شود هر چند قصد زینت نکند و همچنین بسمه هائی که در آنها چیزهای خوشبو و معطر بکار رفته برای مرد و زن در

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۹۷

حال احرام، حرام است. و بنا بر احتیاط واجب از هر سرمه ای که زینت باشد اجتناب نمایند. ولی استعمال سرمه ای که سیاه و خوشبو و زینت نباشد مانعی ندارد.

مسأله ۲۵۰- اگر برای معالجه چشم ناچار باشند سرمه بکشند، جائز است از سرمه هائی که در آنها چیزهای خوشبو بکار نرفته استفاده نمایند.

مسأله ۲۵۱- در سرمه کشیدن کفاره نیست، هر چند احوط ذبح يك گوسفند است، ولی اگر در سرمه، چیزهای خوشبو بکار رفته باشد، کفاره آن بنا بر احتیاط واجب ذبح يك گوسفند است.

[یازدهم: بدست کردن انگشتر]

یازدهم از محرّمات احرام: بدست کردن انگشتر است بقصد زینت.

مسأله ۲۵۲- بر محرم، حرام است بقصد زینت، انگشتر بدست کند، ولی اگر بقصد عمل به استحباب باشد مانعی ندارد، و همچنین برای مقاصد عقلانی دیگر مانند استفاده از خواص نگین آن یا حفظ آن یا شمردن شوطهای طواف، نیز مانعی ندارد.

مسأله ۲۵۳- در استعمال انگشتر، بقصد زینت، کفاره نیست هر چند اولی و احوط ذبح يك گوسفند است.

[دوازدهم: زینت کردن و پوشیدن زیور]

دوازدهم از محرّمات احرام: زینت کردن و پوشیدن زیور است برای زن.

مسأله ۲۵۴- جائز نیست زن در حال احرام، خود را زینت کند و یا زیورهای را بقصد زینت بپوشد، بلکه بنا بر احتیاط واجب از آنچه زینت است اجتناب نماید هر چند بقصد زینت نباشد، ولی زیورهای را که پیش از احرام، عادت بیوشیدن آنها داشته لازم نیست برای احرام بیرون آورد، و لکن باید آنها را

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۹۸

پوشاند و بهیچ مرد حتی بشوهر خود، آنها را نشان ندهد.

مسئله ۲۵۵- بر مرد و زن در حال احرام، حرام است بقصد زینت، حنا ببندند، بلکه اگر حنا بستن، زینت باشد بنا بر احتیاط واجب باید از آن، اجتناب کنند هر چند بقصد زینت نباشد. ولی اگر زینت نباشد و برای معالجه و درمان از آن استفاده کنند مانعی ندارد.

مسئله ۲۵۶- حنا بستن پیش از احرام بقره قصد باشد مانعی ندارد، ولی اگر اثر و رنگ آن تا زمان احرام باقی می ماند خوب است آن را ترك کنند، بلکه احوط است.

مسئله ۲۵۷- در زینت کردن و استعمال زیور آلات و حنا بستن کفاره نیست، هر چند اولی و احوط ذبح يك گوسفند است.

[سیزدهم: نگاه کردن در آینه]

سیزدهم از محرمات احرام: نگاه کردن در آینه است.

مسئله ۲۵۸- نگاه کردن مرد و زن در حال احرام در آینه برای آراستن خود جائز نیست بلکه بنا بر احتیاط واجب برای غیر آراستن هم در آینه نگاه نکنند، مگر اینکه بهیچ وجه صدق خودآرائی نکنند. نظیر نگاه کردن راننده در آینه برای رانندگی.

مسئله ۲۵۹- عکس گرفتن از اشخاص یا منظره‌ها مستلزم نگاه در آینه نمی باشد، بنابراین احتیاط از آن لازم نمی باشد.

مسئله ۲۶۰- اگر در اطافی که شخص محرم سکونت دارد آینه باشد و می داند که گاهی چشم او بی اختیار بآینه می افتد ظاهراً اشکال ندارد، ولی بنا بر احتیاط، آینه را بردارد یا چیزی روی آینه بیندازد.

مسئله ۲۶۱- نگاه کردن محرم باجسام صاف و صیقل داده شده که عکس انسان در آنها پیداست و هم چنین نگاه کردن در آب، مانعی ندارد مگر اینکه برای آراستن باشد.

مسئله ۲۶۲- عینک زدن اگر بعنوان آرایش و زینت باشد، در

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۹۹

حال احرام، حرام است و اگر زینت نباشد مانعی ندارد.

مسئله ۲۶۳- در نگاه کردن در آینه کفاره نیست، هر چند اولی و احوط ذبح يك گوسفند است. و مستحب است پس از نگاه کردن در آینه لبیک بگوید.

[چهاردهم: پوشیدن لباس دوخته برای]

چهاردهم از محرمات احرام: پوشیدن لباس دوخته است بر مردان.

مسئله ۲۶۴- بر مرد محرم، پوشیدن پیراهن و قبا و شلوار و زیرشلواری و جامه‌های آستین دار که معمولاً دستها را در آستین آنها می کنند، و جامه‌های دکمه دار که معمولاً دکمه‌های آنها را می اندازند حرام است. بلکه بنا بر احتیاط واجب باید از پوشیدن هر جامه دوخته شده هر چند کوچک چون کلاه و کمر بند دوخته اجتناب نماید. و همچنین از پوشیدن لباسهایی که شبیه بدوخته است مانند پیراهنها و زیر پیراهنهایی که با چرخ یا با دست میبافند، و هم چنین

پوششهایی که با پشم می‌مانند مانند کلیچه و نمدهائی که چوپانان می‌پوشند.

مسأله ۲۶۵- اگر قمقمه آب مثلا در محفظه دوخته، باشد یا وسائل سفر در ساک دوخته، باشد بنا بر احتیاط، در حال احرام، آنها را بردوش نیندازد ولی دست گرفتن آنها مانعی ندارد.

مسأله ۲۶۶- همیانی را که در آن پول خود را حفظ می‌کنند و به کمر می‌بندند برای محرم جائز است آن را به کمر خود ببندد هر چند دوخته باشد و همینطور کمر بندی که برای کمر درد و غیره بکار می‌رود.

مسأله ۲۶۷- اگر محرم، به فتق بند دوخته، نیاز پیدا کرد و ناچار شد آن را بخود ببندد جائز است آن را بخود ببندد، ولی بنا بر احتیاط کفاره آن را بدهد.

مسأله ۲۶۸- اگر محرم به لباس دوخته احتیاج پیدا کرد و

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۰۰

ناچار شد آن را بپوشد جائز است آن را بپوشد، ولی بنا بر احتیاط واجب کفاره آن را بدهد.

مسأله ۲۶۹- کفاره پوشیدن لباس دوخته اگر از روی علم و عمد باشد، ذبح يك گوسفند است. و هم چنین است بنا بر احتیاط واجب اگر از روی اضطرار و ناچاری باشد، ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد کفاره واجب نیست.

مسأله ۲۷۰- محرم جائز است هنگام خوابیدن از لحاف دوخته و روانداز دوخته استفاده کند و بدن خود را با آن بپوشاند ولی سر خود را باید نپوشاند. و بنا بر احتیاط در حال نشستن نیز، آنرا بخود نیچد.

مسأله ۲۷۱- محرم، جائز است شال ندوخته یا عمامه را دور کمر خود روی لنگ ببندد ولی بنا بر احتیاط آن را تا سینه خود بالا نبرد. بلکه خوب است بطور کلی از بستن شال و عمامه بدور کمر اجتناب نماید.

مسأله ۲۷۲- اگر محرم چند نوع لباس دوخته بپوشد، مانند پیراهن و قبا و شلوار احتیاطا برای هر کدام باید يك کفاره بدهد. و اگر چند نوع آنها را داخل یکدیگر کند و یکدفعه بپوشد باز هم بنا بر احتیاط برای هر کدام يك کفاره بدهد هر چند اقوی اینست که به نیت پوشیدن اصل لباس دوخته - بطور کلی - يك کفاره بدهد و کفایت می‌کند.

مسأله ۲۷۳- اگر محرم چند لباس دوخته از يك نوع بپوشد، مثلا چند پیراهن یا چند قبا بپوشد، چه در يك مجلس باشد یا در چند مجلس، بنا بر احتیاط برای هر کدام يك کفاره بدهد. ولی اگر در يك مجلس است و در بین کفاره نداده است اقوی کفایت يك کفاره است اگر به نیت اصل لباس دوخته بدهد.

مسأله ۲۷۴- اگر يك نوع لباس دوخته مانند پیراهن مثلا

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۰۱

پوشد و کفاره آن را بدهد و بعد پیراهن دیگر بپوشد یا آن پیراهن را در آورد و پس از دادن کفاره دوباره آن را بپوشد باید دوباره کفاره بدهد.

مسأله ۲۷۵- اگر از روی اضطرار و ناچاری چند نوع لباس دوخته بپوشد، بنا بر احتیاط باید برای هر کدام يك کفاره بدهد.

و همچنین است بنا بر احتیاط اگر چند لباس دوخته از يك نوع بپوشد. ولی اقوی کفایت يك کفاره است به نیت اصل

دوخته، اگر در يك مجلس باشد و در بين آنها كفاره داده نشده باشد.

مسأله ۲۷۶- اگر محرم لباس دوخته‌ای را از روی فراموشی یا ندانستن مسأله پوشیده است پس از توجه و علم باید فوراً آن را در آورد. اگر پیش از تلبیه آن را پوشیده است می‌تواند از طرف سر، آن را در آورد، و لازم نیست آن را از طرف پا در آورد، ولی اگر بعد از تلبیه و تحقق احرام آن را پوشیده است، باید از طرف پا آن را در آورد و اگر یقه آن تنگ است باید آن را بشکافد یا پاره کند تا از طرف پا کنده شود، و در هر دو صورت اگر در بیرون آوردن آن کوتاهی نکند كفاره واجب نیست و اگر عمدا کوتاهی کرد و بیرون آوردن آن را بتأخیر انداخت باید كفاره بدهد. و تفصیلی که در چگونگی بیرون آوردن لباس دوخته گفته شد، در صورتی که از روی علم و عمد، هم آن را پوشیده باشد جاری است.

مسأله ۲۷۷- برای زنها جائز است در حال احرام هر اندازه لازم داشته باشند، لباس دوخته بپوشند با رعایت شرائطی که در لباس احرام معتبر است و پیش از این گفته شد و كفاره نیز واجب نیست، ولی بنابر روایات معتبر، زنها در حال احرام نهی شده‌اند از پوشیدن قفازین که يك جفت دستکش زنانه بوده، که زنها برای رفع سرما بدست می‌کرده‌اند و جنبه زینت هم داشته

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۰۲

است و بنابر احتیاط از پوشیدن هر نوع دستکش در حال احرام اجتناب نمایند.

[پانزدهم: دکمه گذاشتن و گره زدن]

پانزدهم از محرمات احرام: دکمه گذاشتن و گره زدن جامه‌های احرام است.

مسأله ۲۷۸- مرد محرم نباید بجامه‌های خود دکمه بگذارد و دو طرف جامه را با دکمه بیکدیگر متصل کند. و همچنین بنابر احتیاط واجب نباید لنگ خود را به گردن خود گره بزند، بلکه بنابر احتیاط مستحب هیچیک از جامه‌های احرام را بگردن خود و بیکدیگر گره نزند. و همچنین بهتر است دو طرف جامه را با سوزن و سنجاق و گره بیکدیگر متصل نکنند، بلکه يك طرف لنگ را در طرف دیگر آن فرو کند. و می‌تواند برای حفظ رداء از افتادن، دو طرف آن را با گذاشتن سنگ در آن و پیچیدن نخ بدور آن بدون گره، بیکدیگر متصل کند.

مسأله ۲۷۹- دکمه گذاشتن و گره زدن جامه‌های احرام كفاره ندارد، هر چند اولی و احوط ذبح يك گوسفند است.

[شانزدهم: پوشیدن جوراب و چکمه]

شانزدهم از محرمات احرام: پوشیدن جوراب و چکمه است برای مردان.

مسأله ۲۸۰- بر مرد محرم پوشیدن جوراب و چکمه، و گیوه و هر چه تمام روی پا را بپوشاند حرام است ولی برای زن در حال احرام مانعی ندارد.

مسأله ۲۸۱- اگر مرد محرم ناچار شد چکمه یا جوراب و مانند اینها را بپوشد، بنابر احتیاط واجب روی آنها را شکاف دهد، بلکه خوب است ساق آنها را نیز قطع کند.

مسأله ۲۸۲- اگر مرد محرم از روی علم و عمد، چکمه و جوراب و امثال اینها را پوشید بنابر احتیاط يك گوسفند به عنوان كفاره ذبح نماید.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۰۳

مسئله ۲۸۳- اگر مرد محرم، زیر لحاف یا پتو بخوابد مانعی ندارد، هر چند روی پاهای او را بپوشانند.

مسئله ۲۸۴- در حال احرام پوشیدن نعلینی که بندهای عریض دارد ولی همه روی پاها را نمی‌گیرد مانعی ندارد، هر چند بهتر است نعلین با بندهای باریک انتخاب شود.

[هفدهم: پوشیدن سر برای مردها]

هفدهم از محرمات احرام: پوشیدن سر برای مردان است.

مسئله ۲۸۵- مرد محرم نباید در حال احرام تمام سر خود یا قسمتی از آن را با لباس یا پارچه بپوشاند. بلکه بنا بر احتیاط واجب با گل و حنا و دواء و پوشال و گذاشتن محمولات روی سر و مانند اینها نیز سر خود را نپوشاند.

مسئله ۲۸۶- مرد محرم اگر سرش را بشوید، نباید سر یا بعضی آن را با حوله و دستمال، طوری خشک کند که روی سر بیفتد و آن را یا بعضی آن را بپوشاند.

مسئله ۲۸۷- مرد محرم نباید در حال احرام کلاه گیس بر سر گذارد. ولی اگر از وی اضطرار باشد اشکال ندارد و احتیاطا کفاره بدهد.

مسئله ۲۸۸- گوشها در اینجا حکم سر را دارند، پس مرد محرم نباید آنها را بپوشاند.

مسئله ۲۸۹- محرم جائز است سر خود را با اعضاء بدن خود مانند دستها یا ذراع خود بپوشاند هر چند احوط ترك است مگر در مواقع ضرورت، مانند مسح سر یا خاراندن سر و مانند اینها.

مسئله ۲۹۰- محرم جائز است برای خواب، سر خود را روی زمین یا بالش بگذارد، چنانکه جائز است با دست یا با حوله محل مسح سر خود را برای مسح، خشک کند ولی بطوری که سر را نپوشاند و موئی هم نریزد و اگر بریزد کفاره دارد و اگر شك کند چیزی لازم نیست.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۰۴

مسئله ۲۹۱- برای محرم خوابیدن زیر پشه بند و مانند آن که بالای سر قرار می‌گیرند و سر را نمی‌پوشانند مانعی ندارد.

مسئله ۲۹۲- برای محرم گذاشتن بند مشگ آب بر سر، مانعی ندارد.

مسئله ۲۹۳- برای محرم جائز است هنگام درد سر، دستمالی را بسر ببندد، ولی احتیاطا کفاره بدهد.

مسئله ۲۹۴- محرم اگر سر خود را هنگام خواب یا زمانی دیگر از روی غفلت و فراموشی یا ندانستن مسأله پوشاند کفاره ندارد، ولی بنا بر احتیاط، لبیک بگوید، و پس از توجه، فوراً سر خود را باز کند و اگر باز نکرد و ادامه داد، بنا بر احتیاط واجب کفاره بدهد.

مسئله ۲۹۵- محرم جائز نیست در آب فرو رود بطوری که سرش زیر آب برود. و هم‌چنین نباید سر خود را زیر آب کند.

بلکه بنا بر احتیاط واجب سر خود را در مایع دیگر هم نکند، و بعضی سر را نیز زیر آب یا مایع دیگر نکند، و بنا بر احتیاط، زن نیز در حال احرام سر یا بعضی سر را زیر آب یا مایع دیگر نکند. ولی برای غسل یا شستشو، اگر آب روی سر بریزند یا زیر دوش بروند مانعی ندارد، لکن زیر آبخاری که همه سر را فرو می‌گیرد نروند.

مسئله ۲۹۶- محرم اگر سر خود را از روی علم و عمد بپوشاند یا زیر آب فرو ببرد بنا بر احتیاط واجب باید کفاره بدهد، و کفاره آن ذبح یک گوسفند است.

و بنا بر احتیاط، برای پوشاندن بعض سر و همچنین پوشاندن بجهت اضطرار و ناچاری نیز کفاره بدهد، ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد کفاره ندارد چنانچه گذشت.

مسئله ۲۹۷- مرد محرم اگر سر خود را با لباس دوخته بپوشاند، بنا بر احتیاط واجب باید دو کفاره بدهد.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۰۵

مسئله ۲۹۸- مرد محرم اگر سر خود را چند مرتبه بپوشاند، بنا بر احتیاط برای هر کدام یک کفاره بدهد، بخصوص اگر سر خود را بپوشاند و کفاره داد و بعد، دوباره بپوشاند.

مسئله ۲۹۹- مرد محرم جائز است صورت خود را بپوشاند یا برای خواب، صورت خود را روی زمین یا بالش بگذارد، ولی بنا بر احتیاط مستحب، یک مسکین را بدست خود اطعام کند.

[هیجدهم: پوشیدن صورت برای زنها]

هیجدهم از محرمات احرام: پوشیدن صورت است بر زنها.

مسئله ۳۰۰- جائز نیست زن در حال احرام صورت خود یا قسمتی از آن را بانقاب یا روبند یا پوشیه یا باد بزن یا مانند اینها بپوشاند. بلکه بنا بر احتیاط واجب صورت خود را با دوا یا حنا یا گل و مانند اینها نیز نپوشاند، ولی پوشاندن صورت بوسیله اعضاء بدن خود مانند دستها مانعی ندارد.

مسئله ۳۰۱- بنا بر احتیاط مستحب، زن در حال احرام، صورت خود را با حوله و مانند آن خشک نکند.

مسئله ۳۰۲- زن در حال احرام می تواند صورت خود را برای خوابیدن، روی زمین یا بالش بگذارد.

مسئله ۳۰۳- زن در حال احرام ناچار است سر خود را برای نماز بپوشاند و طبعاً به عنوان مقدمه این کار، لازم است قسمت کمی از صورت خود را نیز بپوشاند، ولی بنا بر احتیاط واجب بعد از نماز، فوراً آن قسمت را باز نماید.

مسئله ۳۰۴- جائز است زن در حال احرام برای رو گرفتن از مرد نامحرم پر چادر یا عبا یا جامه‌ای را که روی سر انداخته بطرف پائین، رها کند تا محاذی بینی، و در صورت احتیاج تا محاذی گردن قرار گیرد. ولی احوط و جویبی این است که با دست یا چیز دیگر، آن را از صورت خود دور نگه دارد تا به صورت

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۰۶

نچسبد. و هنگام گذاردن و برداشتن مقنعه و مانند آن هم این احتیاط را رعایت نماید.

مسئله ۳۰۵- کفاره پوشاندن صورت بنا بر احتیاط مستحب، ذبح یک گوسفند است.

[نوزدهم: سایه قرار دادن مرد، بالای سر خود]

نوزدهم از محرمات احرام: سایه قرار دادن مرد است بالای سر خود هنگام سیر و حرکت بقصد حفاظت از گرما و سرما و باد و باران و غیره یا بقصد حفظ شخصیت و عنوان بلکه با احتیاط واجب بطور کلی، حتی اگر بقصد اینها نباشد با وجود مرکب بی سقف بلکه با احتیاط واجب اگر حرج نباشد باید تحصیل مرکب بی سقف کند.

مسئله ۳۰۶- جائز نیست مرد محرم هنگام سیر و طی مسافت، خود را در زیر سقف اشیاء سایه‌دار متحرک مانند

محمل روپوش دار یا ماشین سرپوشیده یا کشتی یا هواپیما قرار دهد، و همچنین جائز نیست خود را زیر چتر و مانند آن قرار دهد خواه سواره باشد یا پیاده. بلکه بنا بر احتیاط واجب از سایه چیزی که بالای سر او نیست نیز استفاده نکند، پس نباید چتر را در طرف راست یا چپ خود قرار دهد بنحویکه از سایه آن استفاده کند.

ولی شخص پیاده اگر در کنار ماشین و مانند آن، حرکت کند بنحویکه در سایه آن واقع شود اشکال ندارد. ولی جائز است در حال سیر، از زیر پلها و در سایه دیوارها و درختها و کوهها و تونلها عبور نماید ولی اگر راه تونل را خصوصا برای سایه‌اش انتخاب کند با وجود راه دیگر در نزدیک آن، اشکال دارد.

مسئله ۳۰۷- جائز است مرد محرم در منازل بین راه و همچنین در مکه و منی و عرفات و مشعر، در خیمه یا سایبان یا اطاق و یا هر ساختمان دیگر منزل کند و زیر سایه برود و همچنین رفتن در زیر سقف مسجد شجره و مساجد بین راه و مسجد الحرام

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۰۷

و مساجد مکه و منی و محل سعی که سقف‌دار است و مغازه‌ها و بازارهای سقف‌دار مکه معظمه و امثال اینها مانعی ندارد. ولی برای رفت و آمدهای خود در منازل بین راه و در خیابان‌های مکه و منی و مشعر و عرفات بنا بر احتیاط، از چتر و ماشین سقف‌دار و امثال اینها استفاده نکند مگر در حال ضرورت و ناچاری.

مسئله ۳۰۸- در حرمت استفاده مرد محرم از ماشین سقف‌دار و هواپیما و مانند اینها بین روز و شب فرق نیست، و چنانچه در روایات مسئله اشاره شده استفاده از اینها تنها برای جلوگیری از آفتاب نیست، بلکه برای حفاظت از باد و باران و سرما نیز از اینها استفاده میشود، و سابقا برای حفظ موقعیت شخص و احترام نیز بکار می‌رفته است، و مرد محرم از این قبیل استفاده‌ها منع شده است.

مسئله ۳۰۹- جائز است مرد محرم بوسیله دست خود جلو تابش آفتاب را بر بدن خود بگیرد.

مسئله ۳۱۰- استفاده از اشیاء سقف‌دار و سایه‌دار برای زنها و بچه‌های نابالغ در حال احرام مانعی ندارد.

مسئله ۳۱۱- اگر مرد محرم از گرما یا سرما بی‌تاب می‌شود و بحد اضطرار و ناچاری رسیده در این صورت جائز است از ماشین سقف‌دار و مانند آن استفاده کند، ولی باید کفاره بدهد.

مسئله ۳۱۲- کفاره زیر سایه رفتن، ذبح یک گوسفند است و چنانچه این عمل تکرار شده و در بین آنها کفاره نداده، در هر احرام، یک کفاره کافی است یعنی یک کفاره برای احرام عمره و یک کفاره برای احرام حج، و فرقی بین حال اختیار و اضطرار نیست. هر چند نسبت بحال اختیار بهتر بلکه احوط است که برای هر روز یک کفاره بدهد. و اگر در بین آنها کفاره داد و دوباره در همان احرام، زیر سایه رفت بنا بر احتیاط واجب دوباره

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۰۸

کفاره بدهد. و اگر عمل از روی فراموشی یا ندانستن مسئله واقع شده کفاره واجب نیست.

[بیستم: فسوق]

بیستم از محرّمات احرام: فسوق است.

مسئله ۳۱۳- در قرآن کریم، فسوق از محرّمات احرام شمرده شده، و در اخبار وارده، بدروغ و دشنام و فخر کردن،

تفسیر شده است. شاید مقصود در اینجا فخر فروشی ناحق است بدین معنی که انسان فضیلت‌هایی را بدروغ، بخود نسبت دهد و از طرف مقابل خود، سلب نماید و عیب‌هایی را از خود، سلب و بطرف مقابل نسبت دهد. و در حقیقت، فخر فروشی شاخه‌ای از دروغ و دشنام است. ولی بهر حال طبق ظاهر روایات، فسوق هر سه موضوع دروغ و دشنام و مفاخره را شامل می‌شود و هر چند این سه موضوع همیشه حرام می‌باشند ولی معلوم می‌شود حرمت آنها در حال احرام شدیدتر است خواه مرتکب آنها مرد باشد یا زن.

مسأله ۳۱۴- بنا بر مشهور در فسوق، کفاره نیست، بلکه باید استغفار کند و تلبیه را اعاده نماید، ولی بنا بر احتیاط مستحب، کفاره بدهد و کفاره آن ذبح يك گاو است.

[بیست و یکم: جدال]

بیست و یکم از محرّمات احرام: جدال است.

مسأله ۳۱۵- جدال و ستیزه‌جوئی که همراه قسم خوردن بکلمه: «لا و الله» - نه بخدا - یا «بلی و الله» - بلی بخدا - باشد، در حال احرام، حرام است، خواه قسم، راست باشد یا دروغ، و محرم، مرد باشد یا زن. و بنا بر احتیاط واجب، باید هر نوع قسم بخدا را ترك کنند، خواه در حال نزاع و ستیزه‌جوئی باشند یا نه، و بکلمه: «لا و الله» یا «بلی و الله» باشد یا با لفاظی دیگر مانند:

«و الله» یا «تا الله» بدون: «لا و بلی»، همچنین است ترجمه کلمه‌های نامبرده، و قسم خوردن بدیگر نامهای خدا مانند:

«و الرحمن» یا «و الرحیم» مثلاً. ولی نزاع و ستیزه‌جوئی بدون قسم

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۰۹

و همچنین قسم خوردن بغیر خدا و نامهای خدا مثل: «بجانم قسم» یا قسم به پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام، از محرّمات احرام نیستند.

مسأله ۳۱۶- قسم بخدا در حال احرام در دو صورت مانعی ندارد: اول: اینکه برای اثبات حقی یا دفع باطلی ضرورت پیدا کند، که بخدا قسم بخورد، ولی بنا بر احتیاط اگر سه بار قسم بخورد يك گوسفند کفاره بدهد. دوم: اینکه بقصد اظهار محبت نسبت بطرف مقابل و وعده به او و یا تکریم او قسم بخورد، مثل اینکه بنا دارد بنفع طرف، کاری انجام دهد و او می‌گوید بخدا قسم این کار را نمی‌کنی، پس شخص محرم می‌گوید: بخدا قسم می‌کنم. و این قبیل قسم نه جدال است و نه کفاره دارد.

مسأله ۳۱۷- بنا بر مشهور اگر قسم محرم، راست باشد قسم اول و دوم او کفاره ندارد، و فقط باید استغفار کند، و قسم سوم، کفاره آن يك گوسفند است. و اگر قسم او دروغ باشد کفاره يك قسم يك گوسفند و دو قسم يك گاو و سه قسم يك شتر است.

ولی اثبات تفصیل مزبور در قسم دروغ، مشکل است، هر چند تا اندازه‌ای با احتیاط نزدیک است. و ظاهراً مقصود از سوم در هر دو قسم قسم، رقم سه ببالا است نسبت بموضوع واحد، بشرط اینکه در بین، کفاره نداده باشد. پس در موضوع واحد، يك قسم و دو قسم راست، کفاره ندارد و سه قسم راست ببالا هر چه باشد، کفاره آن يك گوسفند است، و کفاره يك قسم دروغ يك گوسفند و دو قسم دروغ يك گاو و سه قسم ببالا يك شتر است، ولی اگر بین

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی _____
 قسمها کفّاره گذشته را بدهد و باز بعد از کفّاره نسبت بهمان موضوع، قسم بخورد، قسم گذشته بحساب نمی‌آید و از نو باید حساب کند. و اگر قسمها نسبت بموضوعهای مختلف باشد، هر موضوعی جداگانه باید حساب شود، خواه کفّاره

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۱۰

گذشته را داده باشد یا نداده باشد، و الله العالم.

[بیست و دوم: کشتن جانوران بدن]

بیست و دوم از محرّمات احرام: کشتن جانوران بدن است.

مسأله ۳۱۸- محرم جائز نیست حشراتی چون شپش را که در بدن و لباس انسان بوجود می‌آیند و زندگی می‌کند با دست یا هر وسیله دیگر بکشد، و یا از بدن و لباس خود، آن را بدور اندازد، و یا آن را در بدن خود جابجا کند، مگر بجائی که امن تر باشد.

و بنا بر احتیاط مستحب کیک و پشه را نیز نباید بکشد مگر اینکه او را اذیت کنند ولی ظاهراً اشکالی ندارد چنانکه جائز است آنها را از بدن خود براند یا بدور اندازد، چنانچه کنه و امثال آن را نیز جائز است از بدن و لباس خود بدور اندازد.

مسأله ۳۱۹- بنا بر احتیاط واجب، برای کشتن یا بدور انداختن شپش، در حال احرام يك مشت از طعام صدقه بدهد، و بنا بر احتیاط در عمل از روی خطا نیز این کفّاره را بدهد.

[بیست و سوم: جدا کردن مو، از بدن]

بیست و سوم از محرّمات احرام: جدا کردن مو، از بدن خود یا غیر خود است.

مسأله ۳۲۰- محرم جائز نیست سرخود یا دیگری را بتراشد یا بهر شکل، موئی از بدن خود یا دیگری ازاله کند، خواه شخص دیگر در حال احرام باشد یا نباشد، و خواه ازاله مو بتراشیدن باشد، یا بکنندن یا چیدن یا ماشین کردن یا نوره کشیدن، و خواه مو، کم باشد یا زیاد حتی يك مو، هم جائز نیست از بدن خود یا دیگری بکنند، البته از این حکم، دو مورد استثناء شده است:

اول: اینکه هنگام وضوء یا غسل در اثر دست کشیدن بصورت یا بدن، مو، خود بخود و بدون قصد، از بدن جدا شود. دوم: اینکه ضرورت، تراشیدن یا کندن مو را ایجاب کند مثل اینکه مو، در پلك چشم روئیده باشد و موجب ناراحتی او باشد، یا وجود مو در سر مثلاً موجب درد سر باشد و چاره‌ای جز تراشیدن نباشد، یا

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۱۱

اینکه وجود مو، موجب کثرت شپش شده باشد و محرم از آن رنج می‌برد. البته در این مورد دوم باید کفّاره بدهد.

مسأله ۳۲۱- محرم اگر سرخود را بدون ضرورت بتراشد، باید استغفار کند و کفّاره هم بدهد، و بنا بر احتیاط واجب کفّاره آن، ذبح يك گوسفند است. و اگر بجهت ضرورت، سرخود را بتراشد واجب است کفّاره بدهد، و در کفّاره آن، مخیر است بین اینکه يك گوسفند ذبح کند یا سه روز، روزه بگیرد یا شش مسکین را اطعام کند که بهر کدام دو مدّ طعام بدهد. و خوب است به ده مسکین بهر کدام دو مدّ طعام بدهد. و مقصود از دو مدّ طعام حدود يك کیلو و

نیم مواد غذایی است مانند گندم یا آرد یا نان یا برنج. و بهتر است در نان حدود دو کیلو بدهد.

مسأله ۳۲۲- محرم اگر موی سر خود را بغیر از تراشیدن، ازاله کند، بنا بر احتیاط واجب باید کفاره تراشیدن آن را بدهد، بلکه لازم است.

مسأله ۳۲۳- محرم اگر موهای زیر هر دو بغل خود را ازاله کند کفاره آن ذبح يك گوسفند است و هم چنین است بنا بر احتیاط واجب اگر موهای زیر يك بغل خود را برطرف کند.

مسأله ۳۲۴- اگر محرم بعضی از سر خود را بتراشد بگونه‌ای که بگویند سرش را تراشیده یا قسمتی از بدن خود، غیر از سر و زیر بغل را بتراشد بنا بر احتیاط واجب حکم آن، حکم تراشیدن همه سر است و هم چنین است اگر موها را بغیر تراشیدن برطرف کند.

مسأله ۳۲۵- اگر محرم يك مو یا چند مو از ریش یا غیر ریش خود را بکند کفاره آن، صدقه دادن يك مشت طعام است، و بهتر است يك مد یا دو مشت طعام صدقه بدهد.

مسأله ۳۲۶- اگر محرم عمدا دست بسر یا ریش خود کشید

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۱۲

و خود بخود بدون قصد، موئی کنده شد باید يك مشت طعام، صدقه بدهد، ولی اگر برای وضوء یا غسل، دست بصورت یا بدن خود کشید و خود بخود موئی زائل شد کفاره واجب نیست.

مسأله ۳۲۷- جائز است محرم سر یا بدن خود را بخاراند ولی باید بگونه‌ای باشد که نه، خون خارج گردد و نه، موئی از بدن او کنده شود.

مسأله ۳۲۸- اگر محرم سر دیگری را بتراشد یا موئی از بدن او زائل کند، باید استغفار کند، ولی کفاره بدهکار نیست هر چند آن شخص اگر خودش اجازه داده باشد در صورت محرم بودن باید کفاره بدهد.

مسأله ۳۲۹- اگر محرم از روی فراموشی یا ندانستن مسأله سر خود را بتراشد یا موئی از بدن خود زائل کند کفاره واجب نیست.

مسأله ۳۳۰- در حرمت زائل کردن مو در حال احرام و در کفاره آن بین مرد و زن فرق نیست.

[بیست و چهارم: بیرون آوردن خون]

بیست و چهارم از محرمات احرام: بیرون آوردن خون است از بدن خود.

مسأله ۳۳۱- در حرمت خون آوردن بین زن و مرد فرقی نیست چنانکه در طرق خون آوردن نیز فرقی نمی باشد، بحجامت یا رگ زدن یا خاراندن و هر وسیله دیگر.

مسأله ۳۳۲- اگر در حال احرام، خون گرفتن یا حجامت کردن یا رگ زدن ضرورت پیدا کرد مانعی ندارد، و هم چنین است اگر فی المثل باز کردن دمل یا خاراندن بیماری پوستی خارش آور ضرورت پیدا کند مانعی ندارد، هر چند موجب بیرون آمدن خون باشد.

مسأله ۳۳۳- مسواک کردن در حال احرام مانعی ندارد، ولی

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۱۳

اگر میداند که موجب بیرون آمدن خون میشود بنا بر احتیاط، از آن اجتناب کند.

مسئله ۳۳۴- تزریق آمپول در حال احرام مانعی ندارد ولی اگر موجب بیرون آمدن خون میشود باید از آن اجتناب کند مگر اینکه ضرورت داشته باشد.

مسئله ۳۳۵- بنا بر احتیاط، کفاره بیرون آوردن خون از بدن، ذبح يك گوسفند است.

مسئله ۳۳۶- محرم میتواند از بدن دیگری که محرم نیست خون خارج نماید، مثل اینکه او را حجامت کند یا از او خون بگیرد یا مثلا دندان او را بکند.

[بیست و پنجم: کندن دندان]

بیست و پنجم از محرمات احرام: بنا بر احتیاط، کندن دندان است.

مسئله ۳۳۷- بنا بر احتیاط، محرم در حال احرام دندان خود را نکشد هر چند خون بیرون نیاید، و اگر کشید بنا بر احتیاط يك گوسفند ذبح نماید. و اگر دندان، او را اذیت میکند و ناراحت است مانعی ندارد آن را بکشد ولی بنا بر احتیاط، کفاره آن را بدهد. چنانچه کشیدن دندان غیر، نیز مانعی ندارد.

[بیست و ششم: ناخن گرفتن]

بیست و ششم از محرمات احرام: ناخن گرفتن است.

مسئله ۳۳۸- گرفتن ناخن یا قسمتی از آن در حال احرام جائز نیست، خواه از دست باشد یا از پا، و محرم مرد باشد یا زن، با قیچی بگیرد یا ناخن گیر یا چاقو، بلکه بنا بر احتیاط واجب با سوهان، آن را نساید و با دندان نیز آن را جدا نکند، مگر اینکه باقیماندن ناخن موجب اذیت و ضرر باشد، مثل اینکه ناخن کنده شده باشد و ماندنش موجب ناراحتی باشد پس در این صورت جائز است آن را جدا کند و کفاره آن را بدهد.

مسئله ۳۳۹- اگر محرم دست زیادی یا پای زیادی یا انگشت

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۱۴

زیادی داشته باشد بنا بر احتیاط واجب ناخن آنها را نیز نگیرد، و اگر گرفت کفاره آن را بدهد.

مسئله ۳۴۰- محرم اگر ناخن شخص دیگری را که محرم نیست بگیرد مانعی ندارد.

مسئله ۳۴۱- اگر محرم يك ناخن از دست یا پای خود بگیرد برای کفاره آن باید يك مد (۷۵۰ گرم) طعام، صدقه بدهد. و همچنین است تا ناخن نهم که برای هر ناخن باید يك مد طعام، صدقه بدهد. و اگر همه ده ناخن دستها یا پاها را بگیرد، بدون اینکه بین آنها کفاره بدهد باید برای ده ناخن، يك گوسفند ذبح کند.

مسئله ۳۴۲- اگر محرم همه ناخنهای دستها را در يك مجلس یا چند مجلس بگیرد، و بعد در مجلس دیگر همه ناخنهای پاها را بگیرد باید دو گوسفند ذبح کند، ولی اگر همه ناخنهای دستها و پاها را در يك مجلس بگیرد ذبح يك گوسفند کافی است، مگر اینکه ناخنهای دستها را مثلا بگیرد و فوراً کفاره آن را بدهد و پس از آن در همان مجلس ناخنهای پاها را بگیرد که در این صورت باید يك گوسفند دیگر ذبح نماید.

مسئله ۳۴۳- اگر محرم همه ناخنهای دستها را بگیرد و در مجلس دیگر بعضی از ناخنهای پاها را بگیرد باید برای ناخنهای دست، يك گوسفند ذبح کند و برای هر يك از ناخنهای پا، يك مد (۷۵۰ گرم) طعام بدهد. و همچنین است بنا بر احتیاط اگر همه ناخنهای دستها و بعضی از ناخنهای پاها را در يك مجلس بگیرد، هر چند کافی بودن ذبح يك

گوسفند، در این صورت اوجه می باشد.

مسأله ۳۴۴- اگر چند ناخن از دستها بگیرد، و چند ناخن از پاها باید برای هر ناخن يك مد طعام بدهد هر چند مجموع آنها ده

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۱۵

ناخن یا بیشتر باشد.

مسأله ۳۴۵- اگر محرم قسمتی از يك ناخن خود را بگیرد بنا بر احتیاط واجب، باید يك مد طعام بدهد.

مسأله ۳۴۶- اگر محرم ناچار شد ناخن یا ناخنهای خود را بگیرد بنا بر احتیاط، كفاره را مطابق آنچه گذشت بدهد هر چند محتمل است اگر بجای يك مد طعام يك مشت طعام بدهد کافی باشد.

مسأله ۳۴۷- اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله در حال احرام، ناخنهای خود را بگیرد كفاره واجب نیست.

مسأله ۳۴۸- اگر کسی برای محرم فتوی داد که جائز است ناخن خود را بگیرد و او بگفته او ناخن خود را گرفت بگونه ای که خون خارج شد بنا بر احتیاط واجب، فتوی دهنده باید يك گوسفند ذبح کند. و خوب است خود او هم يك گوسفند ذبح نماید.

[بیست و هفتم: برداشتن و حمل سلاح]

بیست و هفتم از محرّمات احرام: حمل سلاح است.

مسأله ۳۴۹- محرم جائز نیست سلاحهای جنگی مانند شمشیر و نیزه و تفنگ و کلت و امثال اینها را بدوش گیرد یا با خود حمل کند، بلکه بنا بر احتیاط از داشتن سلاح با خود بطور کلی اجتناب نماید، مگر اینکه آن را در جایی پیچیده و مخفی نماید.

ولی حمل وسائل دفاعی از قبیل زره و کلاه خود و سپر اشکال ندارد.

مسأله ۳۵۰- جائز است محرم در حال ضرورت و ترس از دشمن یا دزد، سلاح با خود حمل نماید.

مسأله ۳۵۱- اگر محرم بدون ضرورت با خود، سلاح حمل نمود بنا بر احتیاط، كفاره آن ذبح يك گوسفند است.

[بیست و هشتم: جنگ کردن و کشتی گرفتن]

گفته شده که بیست و هشتم از محرّمات احرام بنا بر

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۱۶

احتیاط: جنگ کردن و کشتی گرفتن است و بنا بر احتیاط، جنگ کردن در حال احرام هر چند در غیر حرم باشد جائز نیست و اگر دو محرم با یکدیگر جنگ کردند بنا بر احتیاط هر کدام يك گوسفند ذبح نماید. و نیز بنا بر احتیاط، محرم با کسی کشتی نگیرد زیرا در معرض جراحت یا کنده شدن مو قرار میگیرد. لیکن اقوی اینست که جنگ بنفسه موضوعیت ندارد بلکه بخاطر در برداشتن محرّمات دیگر چون جدال و فسوق و حمل سلاح و غیره اشکال دارد و کشتی گرفتن نیز بنفسه اشکال ندارد، اشکال در خون آمدن یا ازاله مو و مانند آن است.

[بیست و نهم: کندن و بریدن درخت و گیاه]

بیست و نهم از محرّمات در حال احرام: کندن و یا بریدن درخت و گیاه حرم است.

مسأله ۳۵۲- کندن و بریدن و چیدن هرچه در حرم میروید، درخت باشد یا گیاه، بر محرم و غیر محرم، مرد باشد یا زن، حرام است. و در حقیقت، این امر از محرمات حرم است.

چنانچه صید حیوانات حرم نیز حرام است حتی بر غیر محرم، هر چند ممکن است حرمت آنها نسبت به کسی که در حال احرام است شدیدتر باشد.

مسأله ۳۵۳- از حکم گذشته چند مورد استثناء شده است:

اول: گیاههایی که در اثر راه رفتن انسان و حیوانات و وسیله‌های نقلیه بدون قصد، کنده یا له میشوند. **دوم:** جائز است شتر و سایر حیوانات را رها کنند در علفها و گیاههای حرم تا بچرند.

ولی چیدن و جمع کردن علفهای حرم برای آنها اشکال دارد.

سوم: درختهای خرما و درختهای میوه که چیدن از میوه آنها اشکال ندارد ولی خود درخت را با احتیاط واجب نباید کند.

چهارم: درختها و گیاهانی که خود انسان آنها را کشت میکند هر چند در ملک دیگری باشد. **پنجم:** درختانی که در ملک یا منزل

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۱۷

انسان پس از آنکه ملک او شده است میرویند، اما درختهایی که پیش از تملک یا خریدن منزل یا ملک در زمین بوده کندن آنها جائز نیست.

ششم: اذخر و آن نام گیاهی است معروف و خوشبو.

مسأله ۳۵۴- درختی که ریشه آن در حرم و شاخه‌هایش در خارج حرم یا ریشه آن در خارج حرم و شاخه‌هایش در حرم می‌باشد حکم درخت حرم را دارد.

مسأله ۳۵۵- کندن و بریدن گیاه و درخت خارج حرم در حال احرام مانعی ندارد.

مسأله ۳۵۶- در مواردی که کندن یا بریدن گیاه و درخت در حرم جائز نیست بنا بر مشهور، کفاره کندن درخت بزرگ ذبح یک گاو، و کفاره کندن درخت کوچک، ذبح یک گوسفند است، و کفاره بریدن قسمتی از درخت، قیمت آن قسمت می‌باشد که باید آنها را صدقه بدهند و در کندن گیاه، استغفار کافی است، ولی اقامه دلیل بر این تفصیل، مشکل است و لکن در درخت بزرگ و کوچک اگر قیمت درخت، از یک گاو یا گوسفند زیادتر باشد در صورتیکه مقدار زیاده را نیز صدقه بدهند به احتیاط در مسأله عمل شده است. و در کندن گیاه، خوب است علاوه بر استغفار، قیمت آن را نیز صدقه بدهند.

مسأله ۳۵۷- حرمت کندن روئیده حرم و نیز حرمت شکار حرم اختصاص به محرم ندارد و از خصوصیات حرم خداوند می‌باشد هر چند برای غیر محرم. **سوم:** اجراء حدود و قصاص و تعزیرات بر شخصیکه در بیرون حرم جنایت کرده و بحرم پناهنده شده است، اینهم حرام است، باید باو آب و غذا ندهند و با او صحبت نکنند تا از حرم بیرون برود. و آنگاه مجازات شود.

چهارم با احتیاط واجب برداشتن چیز گمشده در حرم.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۱۸

جای ذبح و نحر کفّارات

مسأله ۳۵۸- شکار، اگر در احرام عمره واقع شد جای ذبح و نحر - کشتن شتر - کفّاره آن، مکه معظمه است، و اگر در احرام حج واقع شد جای ذبح و نحر کفّاره آن، منی است.

و همچنین است بنا بر مشهور و بنا بر احتیاط، حکم کفّاره در غیر شکار، ولی بنا بر اقوی در غیر کفّاره شکار، جائز است آن را تأخیر اندازد و در وطن خود یا جای مناسب دیگری انجام دهد. و اگر فرضاً صدقه دادن گوشت آنها در مکه یا منی مورد نداشته باشد مثل زمان ما، در این صورت احتیاط در تأخیر است. و بنا بر احتیاط، خود او از گوشت حیوان کفّاره نخورد مگر بمقدار کمی بشرط اینکه قیمت آن را صدقه دهد

مستحبات ورود به حرم

مسأله ۳۵۹- برای داخل شدن در حرم خدا چند چیز مستحب است: اول: اینکه وقتی بحرم خدا رسید پیاده شود و غسل کند و برای تواضع و فروتنی نسبت بخدای متعال، کفش خود را بدست گیرد و پا برهنه داخل حرم شود، چنانچه - برحسب روایت ابان بن تغلب - امام صادق علیه السلام چنین کرد. دوم: برحسب فرمایش شیخ صدوق علیه الرحمة هنگام دخول در حرم بگوید: «اللهم انك قلت في كتابك المنزل و قولك الحق: «و اذن في الناس بالحج يا توك رجالا و على كل ضامر ياتين من كل فج عميق.» اللهم اني ارجو ان اكون ممن اجاب دعوتك و قد جئت من شقة بعيدة و فج عميق سامعا لندائك و مستجيبا لك مطيعا لامرك. و كل ذلك بفضلك علي و احسانك الي فلک الحمد على ما وفقّنتني له ابغني بذلك الزلفة عندك و القربة إليك و المنزلة لديك و المغفرة لذنوبي و التوبة

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۱۹

علي منها بمنك. اللهم صل على محمد و آل محمد و حرم بدني على النار و آمني من عذابك و عقابك برحمتك يا أرحم الراحمين».

سوم: وقتی که داخل حرم شد مقداری از گیاه اذخر را که گیاه خوشبوئی است بجاورد تا دهان او خوشبو شود. و اگر بجای گیاه مزبور از چیز معطر دیگری هم استفاده کند رجاء خوب است.

مستحبات ورود به مکه معظمه

مسأله ۳۶۰- مستحب است حاجی برای ورود بمکه معظمه نیز غسل کند و با آرامش و وقار وارد شود، و کسانی که از راه مدینه منوره بمکه می آیند مانند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از گردنه مدینین که در بالای مکه است وارد شوند و هنگام خروج از مکه از گردنه ذی طوی خارج شوند، و در حدیث صحیح وارد شده است: «هرکس وقار و خضوع وارد مکه معظمه شود خداوند، گناهان او را می آمرزد».

آداب ورود به مسجد الحرام

مسأله ۳۶۱- مستحب است در حال ورود بمسجد الحرام با غسل باشد و با پای برهنه و آرامش و وقار و خشوع، وارد مسجد شود، و ورود او از در بنی شیبه باشد که برحسب آنچه گفته شده در امتداد باب السلام فعلی واقع شده است، و مستحب است بر درب داخلی مسجد الحرام بایستند و بگویند: «السلام عليك أيها النبي و رحمة الله و بركاته. بسم الله و بالله و من الله و ما شاء الله، و السلام على انبياء الله و رسله، و السلام على رسول الله صلی الله

عليه وآله وسلم والسلام على إبراهيم (خليل الله)، والحمد لله رب العالمين». و هنگامیکه داخل مسجد شد رو بخانه خدا بایستد و دستها را بلند کند و بگوید: «اللهم اني أسألك في مقامي هذا في أول مناسكي

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۲۰

ان تقبل توبتي و ان تجاوز عن خطيئتي و ان تضع عني وزري، الحمد لله الذي بلغني بيته الحرام. اللهم اني أشهد ان هذا بيتك الحرام الذي جعلته مثابة للناس و انا مباركا و هدى للعالمين. اللهم اني عبدك و البلد بلدك و البيت بيتك جئت اطلب رحمتك و اؤم طاعتك مطيعا لامرك راضيا بقدرك أسألك مسألة المضطر إليك الخائف لعقوبتك. اللهم افتح لي أبواب رحمتك و استعملني بطاعتك و مرضاتك».

و سپس کعبه را مخاطب قرار داده و بگوید:

«الحمد لله الذي عظمك و شرفك و كرمك و جعلك مثابة للناس و انا مباركا و هدى للعالمين».

و در روایتی دیگر وارد شده که درب مسجد بگوید:

«بسم الله و بالله و من الله و ما شاء الله و على ملة رسول الله صلى الله عليه و آله، و خير الأسماء لله، و الحمد لله و السلام على رسول الله، السلام على محمد بن عبد الله، السلام عليك أيها النبي و رحمة الله و بركاته، السلام على أنبياء الله و رسله، السلام على إبراهيم خليل الله الرحمن، السلام على المرسلين و الحمد لله رب العالمين، السلام علينا و على عباد الله الصالحين، اللهم صل على محمد و آل محمد و بارك على محمد و آل محمد و ارحم محمدًا و آل محمد كما صليت و باركت و ترحمت على إبراهيم و آل إبراهيم إنك حميد مجيد اللهم صل على محمد و آل محمد عبدك و رسولك و على إبراهيم خليلك و على أنبيائك و رسلك و سلم عليهم، و سلام على المرسلين و الحمد لله رب العالمين اللهم افتح لي أبواب رحمتك و استعملني في طاعتك و مرضاتك و احفظني بحفظ الايمان أبدا ما أبقيتني جل ثناء وجهك، الحمد لله الذي جعلني من وفده و زواره و جعلني ممن يعمر مساجده، و جعلني ممن ينجيه. اللهم اني عبدك و زائر في بيتك و على كل ما تبي حق لمن آتاه و زاره، و انت خير ما تبي و أكرم

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۲۱

مزور فأسألك يا الله يا رحمن بانك أنت الله لا إله إلا أنت وحدك لا شريك لك و بانك واحد أحد صمد لم تلد و لم تولد و لم يكن له (لك خ. ل) كفوا أحد، و ان محمداً عبدك و رسولك صلى الله عليه و على أهل بيته يا جواد يا كريم يا ماجد يا جبار يا كريم أسألك ان تجعل تحفتك إياي بزيارتي إياك أول شيء تعطيني فكاك رقبتي من النار».

سه مرتبه بگوید:

«اللهم فك رقبتي من النار».

پس بگوید:

«و أوسع علي من رزق الحلال الطيب و ادرا عني شر شياطين الجن و الإنس و شر فسقة العرب و العجم». و هنگامیکه محاذی حجر الاسود شدی بگوید:

«أشهد ان لا إله إلا الله وحده لا شريك له و أشهد ان محمداً عبده و رسوله امنت بالله و كفرت بالجبت و الطاغوت و

اللّات و العزى و عبادة الشيطان و عبادة كل ند يدعى من دون الله».

و آنگاه بفرماید شیخ صدوق علیه الرحمة نگاه بحجر الاسود نموده و متوجه آن شود و بگوید:

«الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله، سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أكبر، الله أكبر (من خلقه و الله أكبر مما أخشى و أهدر) لا إله إلا الله و حده لا شريك له، له الملك و له الحمد يحيي و يميت و يميت و يحيي و هو حي لا يموت بيده الخير و هو على كل شئ قدير. اللهم صل على محمد و آل محمد و بارك على محمد و آل كفضل ما صليت و باركت و ترحمت على إبراهيم و آل إبراهيم إنك حميد مجيد، و سلام على جميع النبيين و المرسلين و الحمد لله رب العالمين. اللهم إني أؤمن بوعدك و أصدق رسلك و أتبع كتابك».

احكام و مناسك حج و عمره، ص ۱۲۲

و در روایت صحیحه از امام صادق علیه السلام نقل شده است که:

«هنگامیکه نزدیک حجر الاسود رسیدی دستهای خود را بلند کن و حمد و ثنای خدا بجا آور و صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بفرست و از خدا بخواه از تو قبول کند پس از آن دست خود را بر حجر الاسود بکش و آن را ببوس و اگر نتوانستی ببوسی دست بکش، و اگر نشد اشاره کن به آن و بگو:

«اللهم أمانتي اديتها و ميثاقي تعاهدته لتشهد لي بالموافاة. اللهم تصديقا بكتابك و على سنة نبيك صلواتك عليه و آله اشهد أن لا إله إلا الله و حده لا شريك له، و أن محمدا عبده و رسوله امنت بالله و كفرت بالطاغوت و اللات و العزى و عبادة الشيطان و عبادة كل ند يدعى من دون الله».

و بگو:

«اللهم إليك بسطت يدي و فيما عندك عظمت رغبتني فاقبل سبحتي و اغفر لي و ارحمني، اللهم إني أعوذ بك من الكفر و الفقر و مواقف الخزي في الدنيا و الآخرة».

حدود حرم مکه و مدینه

طبق علامتهائی که برای حرم مکه معین شده است حدود آن از طرف شمال «تنعیم»، و از طرف شمال غربی «حدیبیه - شمیسی» و از طرف شمال شرقی «ثنیه» و از طرف شرق مقابل عرفه از دشت «نمره» و از طرف جنوب شرقی «جعران» و از طرف جنوب غربی «اضائه اللبن» می باشد. و برای حرم مدینه نیز حدودی مشخص شده است که از جمله کوههای «عائر» و «وعیر» و زمینهای سنگلاخ «واقم» و «لیلی» می باشد. برای حرم مدینه احرام لازم نیست ولی بریدن درخت و شکار باحتیاط واجب جائز نمی باشد.

احكام و مناسك حج و عمره، ص ۱۲۳

فصل دوم: طواف خانه خدا و اجبات، شرائط و احكام و آداب آن

اولین واجب عمره تمتع نیت، و دومین واجب آن، احرام است که شرح آن گذشت. سوم: طواف کعبه است بدین معنی که هفت مرتبه دور کعبه بگونه ای که شرحش می آید بگردند، و هر دور را یک شوط می نامند.

مسأله ۳۶۲- طواف از ارکان عمره تمتع است، چنانچه از ارکان عمره مفرده و انواع حج نیز می باشد، مگر طواف نساء که هر چند واجب است ولی جزء عمره و حج نیست.

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی
در عمره تمتع اگر طواف را عمدا ترك کند تا وقت آن فوت شود، عمره او باطل میشود و احرام او نیز خود بخود باطل می شود. و همچنین است عمره مفرده و انواع حج، خواه ترك طواف با علم بمسأله باشد یا از روی ندانستن مسأله یا ندانستن محل طواف. و جاهل در حج، علاوه بر اعاده حج، باید يك شتر نیز کفاره بدهد. و بنا بر احتیاط، عالم به مسأله نیز این کفاره را بدهد. در عمره نیز همین کفاره را احتیاطا بدهد.

و وقت فوت عمره تمتع وقتی است که اگر بخواهد آن را با باقی اعمال عمره بجا آورد از وقوف بعرفات که اولین رکن حج است باز میماند. و وقت فوت آن در انواع حج، تمام شدن ماه ذی حجه است. و وقت فوت آن در عمره مفرده و عمره در حج قران و افراد، محل اشکال است که آیا بتقصیر است یا باعراض از احرام یا بانجام ندادن باقی اعمال یا بتمام شدن ماه یا اینکه تا آخر عمر وقت آن باقی است، احتمال سوم بنظر قوی تر است لیکن بهتر است در هر صورت بقصد رجاء، تجدید احرام کند بنیت اینکه اگر آن عمره و احرامش باطل شده این احرام و عمره

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۲۴

جدیدی باشد و گرنه عملی باشد با احتمال عبادت مطلقه.

مسأله ۳۶۳- کسی که عمره تمتع را در اثر تاثیر طواف، باطل کرده هر چند محتمل بلکه ظاهر آن است که احرامش نیز باین عمل، باطل شده باشد، ولی بنا بر احتیاط مستحب نیت خود را به حج افراد برگرداند و احتیاطا احرام را نیز تجدید نماید و پس از اتمام حج، يك عمره مفرده بجا آورد، و در سال بعد نیز عمره و حج تمتع را اعاده نماید. و حکم کفاره آن در مسئله پیش گفته شد.

مسأله ۳۶۴- اگر کسی طواف را فراموش کرد عمره و حج او باطل نیست، ولی هر وقت یادش آمد باید آن را بجا آورد با نماز آن، بلکه بنا بر احتیاط واجب، سعی صفا و مروه را نیز بجا آورد هر چند آن را بجا آورده باشد. و اگر بوطن خود برگشته و می تواند بمکه برگردد، باید برگردد، و اگر ماه احرام اول، گذشته باشد باید با احرام جدید وارد مکه شود. و اگر برگشتن، برای او مقدور نیست یا مشقت دارد باید بشخص مورد اطمینانی نیابت دهد تا طواف و نماز و سعی را بنیابت او بجا آورد. و اگر در این مدت پس از توجه به ترك طواف، جماع کرده باید کفاره بدهد و کفاره آن بنا بر احتیاط واجب، يك شتر است و همچنین است بنا بر احتیاط اگر پیش از توجه، نزدیکی کرده است، آنگاه اگر طواف عمره بوده شتر را در مکه و اگر طواف حج بوده شتر را در منی قربانی کند.

مسأله ۳۶۵- محرم اگر بواسطه مرض، خودش نتواند طواف کند و تا آخرین فرصت ممکن، نیز قدرت، پیدا نکند، اگر ممکن است دیگران او را طواف دهند بنحویکه پاهایش بر زمین گذاشته شود یا بزمین کشیده شود، و اگر ممکن نیست، او را بدوش گیرند یا بر تخت گذارند و طواف دهند. و اگر بهیچ شکل، طواف دادن

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۲۵

او ممکن نیست باید برای خود، نائب بگیرد.

مسأله ۳۶۶- شخص مریض را که طواف میدهند باید همه شرائط و احکام طواف را بقدر ممکن رعایت کند.

شرائط طواف در صحیح بودن طواف، پنج چیز شرط است:

اول: نیت است، بدین معنی که باید طواف را با قصد قربت و خلوص، برای خدا بجا آورد.

مسئله ۳۶۷- لازم نیست نیت را بزبان بیاورد یا تفصیل آن را بقلب و دل بگذرانند بلکه همینکه بنا دارد عمل را برای خدا بجا آورد برای نیت کافی است. طواف و سایر عبادتها مانند سایر کارهای روزانه است که انسان با توجه و اختیار خود انجام میدهد. البته باید اعمال عبادی را برای رضای خدا و عمل بدستور او انجام دهد.

مسئله ۳۶۸- در صحیح بودن طواف و سایر عبادتها فرق نمی کند که بطور اجمال عمل را برای خدا بجا آورد، یا برای رضا و خوشنودی خدا، یا برای اطاعت امر خدا، یا برای ترس و فرار از غضب خدا و اینکه خدا او را بجهنم نبرد، یا برای ترس و فرار از غضب خدا و اینکه خدا او را بجهنم نبرد، یا برای اینکه خدا به او ثواب دهد و او را بهشت ببرد و یا برای محبت و عشق بخداوند. و یا بمقتضای ابّهت و هیبت خداوند جل و علا.

مسئله ۳۶۹- اگر در بجا آوردن طواف یا سایر اعمال عمره و حج و عبادتهای دیگر، ریاء کند، یعنی برای نشان دادن و برخ کشیدن و تحسین دیگران عمل را بجا آورد، علاوه براینکه عمل او باطل است در این کار، معصیت خدا را نیز کرده است و باید توبه کند.

مسئله ۳۷۰- اگر در عملی که برای خدا بجا می آورد مخلص

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۲۶

نباشد و رضای دیگری را نیز شرکت دهد عمل او باطل است.

مسئله ۳۷۱- اگر عمل را فقط برای خدا بجا آورد ولی پس از تمام شدن عمل، آن را به رخ دیگران بکشد و یا بازگو کند و یا عجب و خودپسندی او را بگیرد، عمل، باطل نمیشود.

دوم از شرایط طواف: طهارت از حدث است، طواف کننده باید پاک باشد هم از حدث اکبر که موجب غسل است - مانند جنابت و حیض و نفاس و مس میت - و هم از حدث اصغر که موجب وضوء است.

مسئله ۳۷۲- طهارت از حدث در طواف واجب، شرط است، خواه طواف عمره باشد یا طواف حج یا طواف نساء، حتی در عمره و حج مستحبی نیز چون پس از احرام، اتمام آنها واجب میشود طهارت در طواف آنها شرط و واجب است.

مسئله ۳۷۳- محدث (کسیکه حدث بزرگ چون جنابت یا کوچک چون بول از او سزرده) اگر طواف واجب بجا آورد باطل است، خواه از روی علم و عمد باشد یا از روی غفلت یا فراموشی یا ندانستن مسأله، مانند نماز که اگر بی طهارت بجا آورده شود در هر حال، باطل است و باید از سر گیرد.

مسئله ۳۷۴- طواف، یعنی گردش هفت شوط دور خانه کعبه مستحب مؤکد است، و هرچه انسان بتواند بنیت خود یا بنیابت دیگران طواف کند خوب است، و در این قبیل طواف که مستحب است و جزء عمره و حج نیست طهارت از حدث اصغر شرط نیست، یعنی لازم نیست با وضوء باشد، هرچند برای نماز آن باید وضوء بگیرد. ولی جنب و حائض و نفساء - زنی که خون زایمان می بیند - جائز نیست در مسجد الحرام داخل شوند، و اگر از روی نافرمانی یا فراموشی و غفلت داخل شدند و طواف مستحب بجا آوردند صحیح بودن آن محل اشکال است گرچه

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۲۷

مشهور معتقد بصحت آن هستند.

مسئله ۳۷۵- اگر در بین طواف واجب، حدث، خارج شود مسأله چهار صورت دارد:

اول: اینکه پیش از رسیدن بنصف حقیقی طواف باشد، در این صورت طواف باطل میشود و باید پس از وضوء، آن را از سر گیرد، خواه حدث با اختیار او خارج شود یا بدون اختیار. و خوب است پس از وضوء، طواف و نماز آن را تمام کند و دوباره آنها را از سر گیرد.

دوم: اینکه پس از رسیدن بنصف و پیش از تمام شدن شوط چهارم باشد، در این صورت بنا بر احتیاط واجب پس از وضوء، طواف سابق را تمام کند و نماز آن را نیز بخواند و دوباره طواف و نماز آن را از سر گیرد. و می تواند بجای این احتیاط، یک طواف کامل بقصد اعم از تتمیم طواف ناقص پیش یا طواف جدید کامل بجا آورد که اگر طواف قبلی باطل بوده این طواف کامل باشد و اگر تکمیل او لازم بوده مقداری از این تکمیل آن باشد و باقی لغو باشد. این طور احتیاط در صور دیگر نیز کافی است.

سوم: اینکه بعد از تمام شدن شوط چهارم به اختیار، خود را محدث کند، در این صورت نیز مانند صورت دوم احتیاط کند.

چهارم: اینکه پس از تمام شدن شوط چهارم بی اختیار، حدث خارج شود، در این صورت پس از وضوء یا غسل، کافی است طواف سابق را از جایی که حدث، خارج شده تمام کند.

مسئله ۳۷۶- اگر در بین طواف، حدث اکبر - مانند جنابت یا حیض یا نفاس - عارض شود باید فوراً از مسجد الحرام خارج شود، و راجع بطواف جنب، تفصیلی که در مسأله پیش گفته شد جاری است. و حکم حائض و نفساء در مسائل آینده روشن خواهد شد.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۲۸

مسئله ۳۷۷- کسیکه از وضوء یا غسل کامل، معذور است مانند کسیکه وظیفه اش وضوء یا غسل جبیره ای است یا مسلوس یا مبطون - کسیکه با درار یا غائط دائم مبتلا می باشد - باید بهمان نحوی که برای نماز عمل میکرد برای هر یک از طواف و نماز طواف نیز عمل نماید و بنا بر احتیاط برای مبطون، نائب هم بگیرند تا برای او طواف کند. زن مستحاضه هر چند بنا براقوی جائز است بدون غسل و وضوء وارد مسجد الحرام شود، ولی او نیز باید برای هر یک از طواف و نماز آن، مطابق آنچه برای نمازهای یومیّه عمل میکرد عمل نماید.

مسئله ۳۷۸- کسیکه از وضوء یا غسل بطور کلی عذر دارد، اگر امید دارد که عذرش برطرف شود و بتواند طواف را با وضوء یا غسل بجا آورد، بنا بر احتیاط واجب باید صبر کند، و اگر امید ندارد یا امید او به یأس مبدل شد، باید برای طواف واجب و نماز آن، تیمم کند.

مسئله ۳۷۹- کسیکه از تیمم نیز عذر دارد و امید هم ندارد که عذرش برطرف شود، و به اصطلاح، فاقد الطهورین است، اگر جنب یا حائض است، جائز نیست در مسجد الحرام وارد شود.

بلکه باید برای طواف، نائب بگیرد. و هم چنین کسیکه از وضوء و تیمم معذور است باید نائب بگیرد، ولی بنا بر احتیاط واجب خودش نیز بدون طهارت، طواف و نماز آن را بجا آورد.

مسئله ۳۸۰- اگر بدل از غسل، تیمم کرد و بعد، حدث اصغر از او خارج شد، در این صورت علاوه بروضوء یا تیمم بدل آن، بنا بر احتیاط، تیمم بدل از غسل را نیز اعاده نماید.

مسئله ۳۸۱- اگر در سابق، وضوء گرفته و شك كرد كه وضویش باطل شده یا نه جائز است بنا بر طهارت گذارد و لازم نیست وضوء بگیرد. و هم چنین اگر از حدث اكبر پاك بوده و شك

احكام و مناسك حج و عمره، ص ۱۲۹

كرد كه محدث شده یا نه لازم نیست غسل كند. و برعكس اگر سابقا محدث بوده و شك كرد كه وضوء یا غسل بجا آورده یا نه، باید بنا گذارد بر باقی بودن حدث، و وضوء یا غسل را بجا آورد. و خوب است در، دو صورت اول، نیز احتیاطاً وضوء یا غسل بجا آورد، تا مبدا كشف خلاف شود و از ناحیه باطل بودن طواف، بزحمت افتد.

مسئله ۳۸۲- اگر بعد از تمام شدن طواف، شك كرد كه با طهارت بوده یا نه، در هر صورت با احتمال توجه در موقع عمل، طواف او صحیح است گرچه احتیاط در اعاده است، ولی برای اعمال بعد و از جمله، نماز طواف، حتماً باید طهارت را تحصیل یا احراز نماید. و اگر در اثناء طواف، شك كند كه طواف او با طهارت بوده یا نه و یقین بطهارت سابق نیز ندارد در این صورت بنا بر احتیاط پس از تحصیل طهارت، طواف را تمام كند و نماز آن را نیز بخواند و دوباره طواف و نماز را از سر گیرد، خواه پس از شوط چهارم باشد یا پیش از آن.

مسئله ۳۸۳- زن می تواند بوسیله دارو خوردن، از آمدن خون حیض جلوگیری كند تا مانع انجام مناسك او نشود ولی لازم نیست و اگر زن در حال احرام، حائض بود، یا پس از احرام حائض شد باید صبر كند تا پاك شود و طواف خود را بجا آورد، و هم چنین است زن نفساء، و اگر در احرام عمره تمتع است و وقت تنگ شده بگونه ای كه می ترسد وقوف بعرفات را درك نکند باید نیت خود را بحج افراد برگرداند و پس از تمام شدن حج، يك عمره مفرده بجا آورد و در این صورت، وظیفه خود را انجام داده است.

مسئله ۳۸۴- اگر زن در بین طواف واجب، حائض یا نفساء شد - چنانچه گذشت - باید فوراً از مسجد الحرام خارج شود

احكام و مناسك حج و عمره، ص ۱۳۰

و صبر كند تا پاك شود. و در مسأله چند صورت است:

اول: اینکه چهار شوط از طواف را انجام داده باشد، در این صورت آنچه انجام داده صحیح است و باید پس از پاك شدن، آن را تکمیل نماید و پس از آن، نماز و سعی را بجا آورد. و اگر در احرام عمره تمتع است، و می ترسد وقوف بعرفات را درك نکند، باید سعی و تقصیر را بدون تکمیل طواف بجا آورد و برای حج، محرم شود و پس از پاك شدن، بنا بر احتیاط واجب، اول باقیمانده طواف عمره را با نماز آن بجا آورد، و پس از آن، طواف حج را، و همچنین است اگر پس از طواف و پیش از نماز طواف، حائض یا نفساء شود. یعنی طوافش صحیح است و فقط نماز آن را پس از پاکی بخواند.

دوم: اینکه پیش از انجام نصف طواف باشد، در این صورت بنا بر اقوی، طواف او باطل است اگر وقت دارد، باید صبر كند و اگر وقت تنگ شده و می ترسد وقوف بعرفات را درك نکند، باید نیت خود را بحج افراد برگرداند و پس از تمام شدن حج، يك عمره مفرده بجا آورد.

سوم: اینکه از نصف حقیقی گذشته، ولی چهار شوط تمام نشده است: در اینصورت پس از پاك شدن بنا بر احتیاط، طواف سابق را تمام کند و نماز آن را نیز بخواند و دوباره آنها را از سر گیرد. و یا همانطور که قبلاً گفتیم يك طواف کامل بنیت اعم از تام یا تتمیم قبلی انجام دهد و سپس نماز طواف بخواند. و اگر وقت تنگ شده و می ترسد وقوف را درك نکند، بنا بر اقوی مانند صورت دوم، نیت خود را بحج افراد برگرداند.

چهارم: اینکه یقین دارد که در آینده نیز قدرت طواف با طهارت را ندارد، مثل اینکه می داند کاروان او فرصت نمی دهند که او تا زمان پاك شدن و انجام طواف در مکه بماند، در اینصورت

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۳۱

باید برای طواف و نماز آن، نائب بگیرد و خودش باقی اعمال را بدون طهارت انجام دهد.

مسأله ۳۸۵- اگر زن، با احرام عمره تمتع وارد مکه شد و با اینکه فرصت طواف و سایر اعمال را داشت، عمداً و بدون عذر، تأخیر انداخت تا اینکه حائض شد و وقت هم تنگ شده است، در اینصورت بنا بر احتیاط واجب، نیت خود را بحج افراد برگرداند و احتیاطاً احرام را نیز تجدید نماید، و پس از حج، يك عمره مفرده بجا آورد، ولی با این حال، کافی بودن حج او از حجة الاسلام محل اشکال است، پس در سال آینده نیز حج را اعاده نماید.

سوم از شرائط طواف: پاك بودن بدن و لباس است از خون و سایر نجاسات.

مسأله ۳۸۶- بنا بر احتیاط واجب از نجاساتی که در نماز بخشیده شد مانند خون کمتر از درهم «۱» و نجاست لباسهای کوچکی که پوشاننده عورت نیستند، مانند جوراب و عرقچین و حتی بدست کردن انگشتر نجس نیز اجتناب شود. ولی حمل اشیاء متنجس در جیب و مانند آن مانعی ندارد هر چند احتیاط، خوب است.

مسأله ۳۸۷- خون زخم و دمل اگر شستن آن مشقت و حرج داشته باشد و تأخیر طواف هم میسر نیست، طواف با آن مانعی ندارد. ولی اگر تأخیر طواف، ممکن است و وقت، تنگ نیست، یا اینکه شستن آن مشقت ندارد و یا لباس را می تواند عوض نماید، در این موارد بنا بر احتیاط واجب با آن، طواف نکند.

مسأله ۳۸۸- اگر بعد از طواف، یقین کند بدن یا لباس او در

(۱) درهم: در اندازه درهم باختلاف سخن گفته شده است و قدر متیقن آن باندازه بند انگشت اشاره می باشد.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۳۲

حال طواف، نجس بوده است و سابقاً آن را نمی دانسته، طواف او صحیح است، گرچه احتیاط خوبست.

مسأله ۳۸۹- اگر نجس بودن بدن لباس یا لباس را می دانست، ولی فراموش کرد و پس از طواف یا در بین آن یادش آمد، با احتیاط واجب طواف را اعاده نماید.

مسأله ۳۹۰- اگر شك داشته باشد در پاکی بدن یا لباس خود، اگر حالت گذشته آن، نجاست بوده باید بنا گذارد برنجاست آن و آن را تطهیر نماید. و اگر حالت گذشته را نمی داند، یا می داند که پاك بوده، می تواند بر طهارت گذارد و شستن آن لازم نیست.

مسأله ۳۹۱- اگر در بین طواف، نجاستی بر بدن یا لباس، عارض شود، طواف را از همانجا قطع کند و پس از شستن

یا عوض کردن لباس، از همانجا ادامه دهد، بشرط اینکه موالات و پیاپی بودن عرفی بهم نخورد، و اگر موالات بهم می‌خورد، اگر بعد از شوط چهارم باشد طواف را از همانجا ادامه دهد و اعاده آن لازم نیست، هرچند خوب است و اگر پیش از تمام شدن شوط چهارم باشد، پس از تمام کردن طواف بنا بر احتیاط آن را از سر گیرد. و همچنین است اگر نجاستی را به بیند و احتمال دهد که الان عارض شده باشد.

مسأله ۳۹۲- اگر در بین طواف، نجاستی را بر بدن یا لباس ببیند و یقین کند از اول بوده است، طواف را از همانجا قطع کند و پس از شستن یا عوض کردن لباس، آن را تمام کند و نماز آن را نیز بخواند، و با احتیاط واجب، دوباره آن طواف را با نماز از سر گیرد، بخصوص اگر پیش از تمام شدن شوط چهارم باشد، یا شستن آن طول بکشد بگونه‌ای که موالات عرفی بهم نخورد.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۳۳

چهارم از شرایط طواف: ختنه است در مردها. و این شرط در زنها نیست.

مسأله ۳۹۳- مرد اگر ختنه نشده باشد، طوافش باطل است، مگر اینکه ختنه شده دنیا آمده باشد. و همچنین است، بچه ممیزی که خودش احرام و طواف را انجام می‌دهد، بلکه با احتیاط واجب، این شرط در بچه غیر ممیزی که او را طواف می‌دهند نیز باید رعایت شود، وگرنه صحت طواف و حلال شدن زن براو محل اشکال است، مگر اینکه او را ختنه کنند و طواف دهند یا پس از بزرگ شدن، خود را ختنه کند و طواف را بجا آورد و در صورت عدم امکان، نائب بگیرد.

مسأله ۳۹۴- اگر مرد ختنه نشده مستطیع شد، اگر می‌تواند، باید ختنه شود و بحج برسد و اگر وقت برای ختنه نیست خود را ختنه کند و در سال بعد بحج برود. و اگر بطور کلی ختنه برای او ضرر یا خطر دارد باید عمره و حج را بجا آورد، با احتیاط واجب هم خودش طواف و نماز آن را بجا آورد، و هم نائب بگیرد برای طواف، و پس از طواف نائب، خودش نیز نماز طواف را بجا آورد.

پنجم از شرایط طواف: پوشیدن عورت است بنا بر مشهور و احتیاط واجب.

مسأله ۳۹۵- اگر در حال طواف، عورت خود را نپوشاند صحت طواف او محل اشکال است و همچنین است اگر با پوشش غصبی، آن را بپوشاند، و بنا بر احتیاط واجب، طواف کننده، در لباس خود، همه شرایط لباس نمازگذار را رعایت کند.

واجبات طواف

در طواف، هشت چیز معتبر است:

اول و دوم: اینکه طواف از حجر الاسود شروع شود و بحجر

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۳۴

الاسود نیز ختم شود.

مسأله ۳۹۶- باید بگونه‌ای طواف کند که در عرف بگویند از حجر الاسود شروع کرده و هفت دور، طواف نموده و به آن ختم کرده است. و این مطلب عرفی است و نیازی به دقت‌های و سواس مآبانه نمی‌باشد. و لازم نیست در آخر

هر شوط بایستد و جلو و عقب برود و قصد شوط بعد نماید، بلکه در شوطهای بعد میتواند بدون توقف، دور بزند تا هفت شوط تمام شود. و بنا بر احتیاط، بگونه‌ای شروع کند که در اول طواف، همه بدن او از برابر همه حجر الاسعود عبور نماید. یعنی از اول حجر الاسود عبور کند. و برای یقین باین مطلب اگر از باب مقدمه علمیه - یعنی برای اینکه یقین بانجام وظیفه پیدا کند - مقدار خیلی کمی از پیش شروع کند بقصد اینکه از اول حجر الاسود طواف باشد کافی است. و در آخر، نیز قصد کند تا برابر نقطه شروع، جزء طواف باشد بگونه‌ای که از هفت شوط نه زیاد تر طواف کرده باشد و نه کمتر.

سوم از واجبات طواف: اینکه خانه کعبه را در همه شوطها در طرف چپ خود قرار دهد.

مسئله ۳۹۷- طواف، باید بنحو متعارف باشد و از دقتهای ناشی از وسوسه اجتناب شود، بلکه بنحوی طواف کند که در عرف بگویند در حال طواف خانه کعبه را در طرف چپ خود قرار داده است. و اگر طبعاً در گذشتن از مقابل ارکان «۱» و طواف دور

(۱) کعبه چهار رکن دارد. ۱- رکن جنوب شرقی که حجر الاسود بر آن نصب شده و رکن حجر نیز نامیده می‌شود. ۲- رکن شمال شرقی که به رکن عراقی معروف است از درب کعبه گذشته نرسیده به حجر اسماعیل واقع شده است.

۳- رکن شمال غربی که به رکن شای معروف است. از حجر اسماعیل گذشته قرار دارد. ۴- رکن جنوب غربی که به رکن یمانی معروف است پیش از حجر الاسود نرسیده به آن قرار دارد.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۳۵

حجر اسماعیل مقداری شانه او از برابر کعبه منحرف میشود مانعی ندارد. بر حسب بعضی از روایات، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در حالی که بر شتر خود سوار بودند طواف کردند و در این حال قهرا شانه از خانه کعبه منحرف میشود. ولی اگر در قسمتی از طواف خود عمداً رو بکعبه کرد برای بوسیدن ارکان، یا برای انجام کاری پشت بکعبه کرد یا در اثر فشار جمعیت بطور کلی از مسیر عادی منحرف شد، آن مقدار را از طواف حساب نکند و آن را جبران نماید. و جبران در اینگونه موارد باینستکه یا برگردد و آن مقدار را دوباره انجام دهد و یا اگر امکان برگشت نیست و یا بهر جهت دیگر نمی‌خواهد برگردد دور بزند و از آنجا که اشکال داشته صحیحاً انجام دهد.

مسئله ۳۹۸- شنیده میشود بعضی افراد برای احتیاط در امر طواف، دیگری را وادار میکنند که او را طواف دهد و خود را در اختیار او قرار میدهد و به او تکیه میکند بنحویکه اراده را از خود سلب کرده و آن شخص، او را با فشار با خود میبرد، این گونه طواف گرچه، باطل نیست ولی خلاف احتیاط است.

مسئله ۳۹۹- اگر در اثر کثرت جمعیت، انسان را بدون اختیار با خود ببرند بنحویکه حرکت انسان، باختیار و اراده خودش نباشد، این مقدار از طواف، صحیح نیست و باید این مقدار را از سر بگیرد، هر چند شانه چپ او از کعبه منحرف نشده باشد. لیکن اگر از اول با توجه باین حالت خود را در اختیار جمعیت قرار دهد اشکال ندارد گرچه احتیاط خوبست.

مسئله ۴۰۰- انسان در حال طواف میتواند آهسته برود و میتواند تند برود و یا بدود، و میتواند سواره، طواف کند، ولی خوب است حرکت او بنحو متعارف باشد و بگونه‌ای طواف کند که دیگران را اذیت نکند.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۳۶

چهارم از واجبات طواف: اینکه حجر اسماعیل را داخل محدوده طواف قرار دهد نیز، بدین معنی که دور خانه کعبه و حجر بگردد. و حجر اسماعیل علیه السلام محلی است متصل به خانه کعبه که مطابق اخبار وارده محل دفن حضرت اسماعیل علیه السلام و مادر او و جمعی از انبیاء علیهم السلام است.

مسئله ۴۰۱- اگر در طواف، داخل حجر اسماعیل شد و فقط بدور خانه کعبه گشت، طواف او باطل است و باید از سر گیرد، و اگر در بعضی از شوطها این کار را کرد، بنابر اقوی کافی است همان شوط را از سر گیرد، هر چند احوط اتمام طواف و اعاده همه آن میباشد.

مسئله ۴۰۲- اگر در بعضی از شوطها از روی دیوار حجر که دیوار کوتاهی است طواف کرد، بنابر احتیاط واجب باید مانند مسئله پیش عمل نماید. و بنابر احتیاط، در حال طواف، دست خود را روی دیوار حجر نگذارد، ولی دست گذاشتن و تماس با سطح خارج دیوار حجر مانعی ندارد.

پنجم از واجبات طواف: اینکه طواف، دور همه کعبه و خارج از خود کعبه واقع شود.

مسئله ۴۰۳- در پائین بعضی از اطراف کعبه یک نما و پیش آمدگی است که آنرا شاذروان میگویند. و بنظر مشهور فقهاء، جزء خانه کعبه است و دیوار، عقبتر از آن بناء شده است. و چون روایتی هم در این داریم لازم است رعایت شود. پس طواف کننده باید شاذروان را نیز داخل در طواف کند، و اگر روی شاذروان حرکت کند آن مقدار از طواف او باطل است و باید آن مقدار را جبران کند، و با احتیاط مستحب پس از اتمام طواف، همه طواف را نیز اعاده نماید. و بنابر احتیاط در حال طواف، دست خود را هم روی شاذروان و یا به دیوار بالای شاذروان نیز

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۳۷

نگذارد زیرا در نتیجه دست او داخل فضای کعبه شده است.

ششم از واجبات طواف:- خوبست بلکه بنابر مشهور باید- طواف، بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام واقع شود. لیکن اقوی عدم و جوب است.

مسئله ۴۰۴- بنابر مشهور، اگر پشت مقام ابراهیم علیه السلام طواف کنند که مقام نیز در محدوده طواف، واقع شود طواف باطل است.

و گفته شده که فاصله بین کعبه و مقام، بیست و شش ذراع و نصف است- هر ذراع حدود نیم متر- و این فاصله باید در همه اطراف، رعایت شود، و چون بنابر احتیاط در ناحیه حجر اسماعیل علیه السلام نیز این فاصله از خود کعبه حساب میشود، و مسافت حجر، بیست ذراع است، در نتیجه، برای طواف در ناحیه حجر فقط شش ذراع و نیم مسافت باقی میماند یعنی حدود سه متر، و برای این حکم بحديث محمد بن مسلم استدلال شده است.

و لکن برحسب حدیث معتبر حلبی طواف در پشت مقام ابراهیم نیز مانعی ندارد ولی مکروه است مگر در صورت ناچاری. و هر چند عمل بمضمون این حدیث که موافق با اطلاعات ادله طواف است، اقوی است، ولی بنابر احتیاط مستحب، اکتفاء شود بموارد ضرورت و ناچاری. البته باید کوشش کند در حال طواف از جمعیت طواف کننده متصل بکعبه زیاد فاصله نگیرد و متصل بجمعیت، طواف کند، و حدیث محمد بن مسلم علاوه بر ضعف سند، بسا

ناظر است بموردی که کسی بخواهد پشت مقام ابراهیم علیه السلام با فاصله زیاد از کعبه و از جمعیت، بتنهایی طواف کند که در عرف، طواف کعبه صادق نیست.

ضمناً یادآور میشود که فتوای منسوب به مشهور، بین قدماء از فقهاء، مشهور نیست زیرا غیر از شیخ طوسی و ابن براج در

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۳۸

کلمات دیگران مانند شیخ صدوق و شیخ مفید و سید مرتضی و ابو الصلاح یافت نشد و چون علماء غیر شیعه باین شرط قائل نیستند اگر از خصائص قطعی شیعه بود فقهاء قدیم شیعه، هم متعرض آن میشدند.

هفتم و هشتم از واجبات طواف: اینکه طواف باید هفت شوط کامل باشد نه کمتر و نه زیادت، و همچنین باید این هفت شوط عرفاً متوالی و پی در پی واقع شود بنحویکه عمل واحد شمرده شود پس نباید بین شوطها و یا اجزاء آنها فاصله زیاد پیدا شود مگر در موارد خاصی که استثناء شده باشد.

مسأله ۴۰۵- اگر از اول، عمدتاً نیت کند کمتر از هفت شوط یا بیشتر، طواف کند طوافش باطل است هر چند بالاخره هفت شوط بجا آورد، بلکه اگر از روی ندانستن مسأله یا سهو یا غفلت هم، نیت کمتر یا بیشتر کند صحت آن نیز محل اشکال است، هر چند بالاخره هفت شوط انجام دهد.

مسأله ۴۰۶- اگر در بین طواف از نیت هفت شوط برگردد و نیت کند طواف را کمتر یا بیشتر از هفت شوط انجام دهد، هر چه را با این نیت بجا آورده باطل است و باید آن را اعاده نماید. و اگر موالات عرفی بهم خورده یا با این نیت، زیادت بجا آورد، اصل طواف، باطل است و باید آن را از سر گیرد.

مسائل زیاد کردن طواف

مسأله ۴۰۷- اگر بعد از تمام شدن هفت شوط نیت کرد یک شوط دیگر زیاد کند که طواف او هشت شوط باشد و این کار را انجام داد، بنابر اقوی، طواف او باطل میشود.

مسأله ۴۰۸- اگر از اول یا در بین، نیت کند که هفت شوط طواف کند و پس از آن، یک دور، بدون قصد طواف برای تماشا

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۳۹

یا تبرک یا پیدا کردن کسی مثلاً بگردد طواف او صحیح است.

مسأله ۴۰۹- اگر در اثر ندانستن مسأله گمان کرد همین طور که هفت شوط، طواف شرعی است یک شوط، هم طواف شرعی مستحب است - چنانکه بعید هم نیست -، پس از اول یا در بین، نیت کرد هشت شوط طواف کند که هفت شوط آن طواف واجب باشد و یک شوط آن طواف مستحب جداگانه باشد، هفت شوط طواف او، صحیح است هر چند خوب است آن را از سر گیرد. و همچنین است اگر پس از تمام شدن هفت شوط با این گمان یک شوط اضافه کند.

مسأله ۴۱۰- باحتیاط واجب در طواف واجب، قران جاز نیست، یعنی جاز نیست طواف واجب را که تمام کرد بدون اینکه نماز طواف، فاصله شود یک طواف دیگر بجا آورد، آن طواف دیگر واجب باشد یا مستحب. ولی در

طواف مستحبی، قرآن بین آنها مانعی ندارد یعنی جائز است چند طواف مستحبی بدنبال هم بجا آورد و بعد، نمازهای آنها را بخواند، هر چند بنظر مشهور فقها، کراهت دارد.

مسئله ۴۱۱- اگر يك شوط یا کمتر یا بیشتر بر طواف خود اضافه کند و قصدش این باشد که زیاده را جزء طواف دیگر قرار دهد از موارد قرآن حساب میشود و حکم قرآن بر آن جاری است.

مسئله ۴۱۲- در طواف واجب اگر از اول یا در بین طواف، قصد قرآن کند با احتیاط واجب باید پس از مقداری فاصله که موالات بهم بخورد طواف را از سر گیرد، و اگر بعد از تمام شدن طواف، قصد طواف دیگر کند و آن را بجا آورد، طواف اول او صحیح است هر چند احوط، اعاده است.

مسئله ۴۱۳- اگر از روی سهو و غفلت، بر هفت شوط اضافه نمود، اگر زیاده کمتر از يك شوط است آن را رها کند،

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۴۰

طواف او صحیح است ولی خوب است اعاده کند. و اگر زیاده، يك شوط یا بیشتر است بنا بر احتیاط، طواف را ادامه دهد تا چهارده شوط شود بقصد قربت مطلقه- یعنی بدون قصد وجوب یا استحباب- و بعد دو رکعت نماز طواف بقصد طواف واجب بجا آورد بدون اینکه معین کند که واجب، طواف اول است یا دوم، و دو رکعت دیگر بعد از سعی صفا و مروه بجا آورد.

مسائل کم کردن از طواف یا قطع طواف

مسئله ۴۱۴- قطع کردن طواف مستحب هر چند بدون عذر باشد مانعی ندارد. بلکه در طواف واجب نیز دلیل مورد اعتمادی بر حرمت قطع آن نیست، هر چند احوط، ترك است مگر در ضرورت یا هرگونه حاجت عرفی.

مسئله ۴۱۵- اگر در بین طواف، عمداً آن را رها کرد، اگر منافی طواف بجا نیاورده و موالات عرفی آن نیز بهم نخورده است، میتواند همان طواف را تمام کند و طواف او صحیح است. و اگر منافی طواف بجا آورده یا موالات عرفی آن بهم خورده است، اگر پیش از نصف بوده طواف او باطل است و باید آن را از سر گیرد. و اگر بعد از نصف بوده با احتیاط واجب، آن را تمام کند و دوباره از سر گیرد.

مسئله ۴۱۶- اگر در بین طواف، خسته شد میتواند در محل طواف بمقداری که موالات عرفی طواف، بهم نخورد استراحت کند و بعد، طواف را ادامه دهد.

مسئله ۴۱۷- اگر در بین طواف واجب، عمداً آن را رها کرد و داخل کعبه معظمه شد اگر پیش از نصف طواف باشد طواف او باطل میشود و باید آن را از سر گیرد، و اگر پس از نصف باشد، با احتیاط واجب، آن را تمام کند و نماز آن را نیز بخواند ولی

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۴۱

دوباره طواف و نماز را از سر گیرد.

مسئله ۴۱۸- اگر از روی سهو و فراموشی بعضی از طواف واجب را ترك کرد و پیش از خارج شدن از مطاف «۱» و بهم خوردن موالات عرفی و حادث شدن منافیات طواف، یادش آمد، میتواند آن را تمام کند و طواف او صحیح است، و اگر از مطاف بطور کلی خارج شده یا موالات عرفی آن بهم خورده است یا بعضی از منافیات طواف،

حادث شده مسأله چند صورت دارد:

اول: اینکه مقدار باقیمانده، يك شوط یا کمتر باشد، در این صورت پس از اینکه یادش آمد باید باقیمانده را بجا آورد و طواف او صحیح است. و اگر خودش نمیتواند مثل اینکه بوطن برگشته است باید برای همان باقیمانده نایب بگیرد.

دوم: اینکه مقدار باقیمانده بیشتر از يك شوط باشد، ولی چهار شوط را تمام کرده باشد، این صورت نیز مثل صورت اول است، ولی احتیاطاً، پس از تمام کردن طواف سابق، همه طواف را نیز از سر گیرد، و این احتیاط تا ممکن است ترك نشود.

سوم: اینکه بیش از نصف طواف را بجا آورده باشد ولی چهار شرط را تمام نکرده باشد در این صورت پس از اینکه یادش آمد بنا بر احتیاط واجب، طواف سابق را تمام کند و پس از نماز آن، دوباره طواف و نماز آن را از سر گیرد. چهارم: اینکه کمتر از نصف طواف را بجا آورده باشد، در این صورت بنظر مشهور فقها و بمقتضای قاعده، طواف او باطل است، ولی احتیاطاً، مانند صورت سوم عمل نماید. و در همه این صور اگر بوطن برگشته و برگشتن بمکه برای او مشقت دارد برای خود نایب بگیرد.

مسأله ۴۱۹- اگر در بین سعی صفا و مروه متوجه شد که

(۱) مظاف: محدوده معینی که باید طواف در آن واقع شود.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۴۲

بعضی از طواف را ترك کرده است بنا بر احتیاط، نسبت بطواف، مانند مسأله پیش عمل نماید و نسبت بسعی، اگر بعد از شوط چهارم «۱» سعی بوده همان را ادامه دهد. و اگر پیش از شوط چهارم بوده، با احتیاط واجب، آن را تمام کند و دوباره بجا آورد.

مسأله ۴۲۰- اگر در بین طواف، مریض شد بگونه‌ای که نمیتواند طواف را هر چند با کمک دیگران ادامه دهد، اگر بعد از تمام شدن شوط چهارم باشد، بنا بر احتیاط لازم برای تمام کردن آن، نایب بگیرد، و اگر در مکه حالش خوب شد خودش نیز باقیمانده را بجا آورد، و بهتر است همه طواف را نیز از سر گیرد. و اگر پیش از نصف باشد طواف او باطل میشود، اگر در آینده بتواند باید خودش آن را بجا آورد هر چند دیگران او را طواف دهند، و اگر نتواند باید نایب بگیرد. و اگر بعد از نصف و پیش از تمام شدن شوط چهارم باشد بنا بر احتیاط، مانند صورت اول عمل کند و بعد، طواف را از سر گیرد، و اگر نمیتواند نایب بگیرد.

مسأله ۴۲۱- قطع کردن طواف برای انجام کارهای ضروری مربوط به خود یا دیگران مانعی ندارد بلکه در اخبار وارده نسبت بقطع طواف برای انجام خواسته‌های مؤمنین، ترغیب و تشویق نیز شده است. آنگاه اگر طواف مستحب باشد در هر صورت میتواند از جایی که قطع کرده ادامه دهد. و اگر طواف واجب باشد اگر از محل طواف، خارج نشده و موالات عرفی نیز بهم نخورده است میتواند طواف سابق را ادامه دهد و صحیح است. و اگر موالات عرفی بهم خورده است در مسأله چند صورت است:

اول: اینکه بعد از شوط چهارم، قطع شده، در این صورت باید طواف گذشته را ادامه دهد و صحیح است، ولی بنا بر

(۱) یکبار رفتن از صفا بهروه یا برعکس را یک شوط می‌گویند.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۴۳

احتیاط، پس از تمام کردن، آن را از سر گیرد.

دوم: اینکه بعد از نصف طواف و پیش از تمام شدن شوط چهارم باشد، در این صورت احتیاط کند یعنی طواف گذشته را تمام کند و بعد، آن را از سر گیرد.

سوم: اینکه پیش از نصف باشد، در این صورت طواف او باطل شده و باید آن را از سر گیرد.

مسأله ۴۲۲- اگر در اثر عارض شدن جنابت یا حیض یا نفاس یا حدث اصغر یا نجس شدن بدن یا لباس، طواف را قطع کند حکم آنها در بحث شرائط طواف، بیان شد.

مسأله ۴۲۳- اگر در بین طواف واجب، وقت نماز واجب، تنگ شد، واجب است طواف را قطع کند و نماز را بخواند.

آنگاه اگر بعد از شوط چهارم طواف بوده همان طواف را تمام کند، و اگر پیش از تمام شدن شوط چهارم بوده، بنابر احتیاط، طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند و دوباره آن را از سر گیرد. و نیز جائز، بلکه مستحب است برای درک جماعت یا فضیلت وقت، طواف واجب را قطع کند و پس از نماز، مطابق دستور فوق، عمل نماید.

مسائل شك در طواف

مسأله ۴۲۴- حفظ شماره طواف همچون رکعات نماز مهم است و باید کم و زیاد نشود و اگر شك پیش آید در چند مورد، طواف کننده بشك خود اعتناء نمی‌کند و حکم بصحت طواف او می‌شود:

اول: اینکه بعد از فراغت از هفت شوط شك کند آیا طواف را صحیح انجام داده یا نه، مثلا احتمال بدهد از طرف راست دور زده باشد، یا در حال طواف، محدث بوده، یا از داخل حجر

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۴۴

اسماعیل علیه السلام طواف کرده باشد.

دوم: اینکه بعد از فراغت از طواف و وارد شدن در واجب دیگری مثل نماز طواف یا سعی، شك کند در عدد شوطها، بشرط اینکه يك طرف احتمال او هفت شوط باشد مثلا شك کند آیا هفت شوط بجا آورده یا کمتر یا بیشتر. ولی اگر از طواف منصرف شده، و هنوز وارد واجب دیگری نشده، در عدد شوطها شك کند و احتمال نقیصه در میان باشد، صحت طواف او خالی از اشکال نیست و احوط اعاده آن است.

سوم: اینکه در آخر شوط باشد و یقین دارد که هفت شوط کامل، طواف کرده ولی نسبت به زیاده شك کند و احتمال بدهد که يك شوط یا بیشتر اضافه کرده باشد.

چهارم: کسیکه کثیر الشك و خارج از متعارف باشد، و خوب است چنین شخصی، دیگری را وادار کند تا مراقب طواف او باشد، و عدد شوطها را حفظ کند.

مسأله ۴۲۵- در چند صورت، شك در طواف موجب بطلان طواف است و باید آن را از سر گیرد، و جامع همه آنها

این است که هفت شوط، قطعی نشده باشد و احتمال نقیصه در بین باشد:

اول: اینکه همه اطراف احتمال، کمتر از هفت باشد مثل اینکه شك بین سه و چهار یا چهار و پنج یا پنج و شش باشد.

دوم: اینکه پیش از فراغت از طواف، بین هفت و کمتر شك کند.

سوم: اینکه بین کمتر از هفت و بیشتر از هفت شك کند مثلاً شك کند آیا شش شوط بجا آورده یا هشت شوط.

چهارم: اینکه بین هفت و کمتر و زیاد تر شك کند و هنوز از طواف، منصرف نشده باشد.

پنجم: اینکه پیش از رسیدن به حجرالاسود و تمام شدن

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۴۵

شوط، بین هفت و بیشتر شك کند.

مسألة ۴۲۶- گمان، در عدد شوطها و در شرائط طواف، اعتبار ندارد و حکم شك دارد.

مسألة ۴۲۷- اگر در طواف مستحب در عدد شوطها شك کند بنا بر کمتر گذارد و طواف او صحیح است.

مسألة ۴۲۸- اگر رفیق انسان که مورد اعتماد است بعدد شوطها یقین دارد اعتماد بر شماره او جائز است.

مسألة ۴۲۹- در مورد شك بین هفت و کمتر نمی تواند احتیاطاً شوط دیگر بیاورد که اگر کم بوده جبران شود و اگر

تمام بوده شوط مزبور لغو باشد یا مستحب جدا باشد بلکه باید طواف را از سر بگیرد.

مسائل متفرقه طواف

مسألة ۴۳۰- اگر در بین سعی صفا و مروه یادش آمد که طواف را بجا نیاورده یا طوافش باطل بوده است، باید سعی

را رها کند و طواف و نماز آن را بجا آورد و پس از آنها سعی را از سر گیرد. و هم چنین بنا بر احتیاط واجب اگر پس

از تمام شدن سعی، یادش آمد که طواف را بجا نیاورده یا باطل بوده پس از طواف و نماز آن، سعی را دوباره بجا

آورد.

مسألة ۴۳۱- اگر مریض یا کودکی را بدوش گرفت تا طوافش دهد میتواند برای خودش نیز قصد طواف کند و

طواف هر دو صحیح است.

مسألة ۴۳۲- در حال طواف، تکلم کردن، و خندیدن، و شعر خواندن و مانند اینها اشکال ندارد، ولی در طواف

واجب کراهت دارد، بلکه سزاوار است در هر طوافی، مشغول دعاء و ذکر خداوند و تلاوت قرآن باشد.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۴۶

مسألة ۴۳۳- آب خوردن در حال طواف و در بین آن مانعی ندارد.

مسألة ۴۳۴- لازم نیست در حال طواف، روی طواف کننده بطرف جلو باشد بلکه جائز است بطرف چپ یا راست

بلکه عقب نگاه کند یا صورت خود را بطرف راست یا چپ بگرداند. و میتواند طواف را رها کند و خانه کعبه را

ببوسد و برگردد و از همانجا طواف کند. ولی چنانچه گذشت در حال طواف باید شانه چپ او عرفاً بطرف کعبه

باشد، و لکن از دقتهای عامیانه ناشی از وسوسه باید اجتناب شود.

مسألة ۴۳۵- هرگاه در حال طواف در قسمتی از آن اشکالی پیش آمد مثل اینکه او را بی اختیار بردند- و از قصد

طواف منصرف شد- یا در کثرت و فشار جمعیت، پشت، یا رو بکعبه شد و قسمتی از طواف باین صورت انجام شد باید همان قسمت را از سر گیرد، و در صورت شك، کمی از پیش، شروع کند و قصد کند آنچه واقعا طواف نشده، طواف باشد. و اگر برگردد و از حجر الاسود بقصد طواف شروع کند محل اشکال است ولی می تواند دور بزند و از نزدیک محل اشکال بنیت جبران ناقص واقعی طواف کند. و اگر نمیتواند برگردد، میتواند بدون قصد طواف، با جمعیت دور بزند تا بجائی که از آنجا باید طواف را انجام دهد، و از آنجا قصد طواف کند. و اگر کثرت جمعیت، او را نمیرد بلکه سبب میشود باختیار خودش تندتر یا کندتر راه برود طواف او صحیح است و اعاده آن لازم نیست.

آداب و مستحبات طواف

مسألة ۴۳۶-۱- مستحب است در حال طواف بگوید: «اللهم انی اسألك باسمك الذي یمشی به علی طلل الماء، كما یمشی به علی

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۴۷

جدد الارض و اسألك باسمك الذي یهتزل له عرشك و اسألك باسمك الذي تهتزل له اقدام ملائكتك و اسألك باسمك الذي دعاك به موسى من جانب الطور، فاستجبت له و القیت علیه محبة منك و اسألك باسمك الذي غفرت به لمحمد صلی الله علیه و آله و سلم ما تقدم من ذنبه و ما تأخر و اتممت علیه نعمتك ان تفعل بی كذا و كذا». و بجای كذا و كذا حاجات خود را بطلبد.

۲- و نیز در حال طواف بگوید: «اللهم انی إليك فقیر و انی خائف مستجیر فلا تغیر جسمی ولا تبدل اسمی».

۳- و هروقت به در خانه کعبه میرسد صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و این دعا را بخواند: «سألك فقیرك مسكينك ببابك، فتصدق علیه بالجنة. اللهم البيت بيتك و الحرم حرمك و العبد عبدك و هذا مقام العائذ بك المستجیر بك من النار فأعتقنی و والدي و اهلي و ولدي و إخواني المؤمنین من النار یا جواد یا كريم»

۴- و وقتی که به حجر اسماعیل رسید پیش از رسیدن به ناودان، سر را بلند کند و در حال نگاه بناودان بگوید: «اللهم ادخلني الجنة و أجرني من النار برحمتك و عافني من السقم و أوسع علي من الرزق الحلال و ادرا عني شر فسقة الجن و الإنس و شر فسقة العرب و العجم».

۵- و وقتی که از حجر اسماعیل گذشت و به پشت کعبه رسید بگوید: «یا ذا المن و الطول یا ذا الجود و الكرم ان عملي ضعيف فضاعفه لي و تقبله مني إنك أنت السميع العليم».

۶- و وقتی که برکن یمانی رسید دست بلند کند و بگوید: «یا الله یا ولي العافية و خالق العافية و رازق العافية و المنعم بالعافية و المنان بالعافية و المتفضل بالعافية علي و علی جميع خلقك یا رحمن الدنيا و الآخرة و رحیمهما صل علی محمد و آل محمد و ارزقنا العافية و دوام

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۴۸

العافية- و تمام العافية و شكر العافية في الدنيا و الآخرة یا أرحم الراحمین».

۷- و در بین رکن یمانی و حجر الاسعود بگوید: «ربنا آتنا في الدنيا حسنة و في الآخرة حسنة و قنا عذاب النار».

۸- و در شوط هفتم و قتیکه به مستجار- که نزدیک رکن یمانی و مقابل در کعبه است- رسید دو دست خود را بر دیوار کعبه بگشاید و شکم و صورت خود را بکعبه بچسباند و بگوید: «اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَ هَذَا مَكَانُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ النَّارِ». پس از آن بگناهان خود اعتراف کند زیرا هر بنده مؤمنی در این مکان بگناهان خود اعتراف کند و طلب آمرزش نماید، که خدای منان گناهان او را میآمرزد **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** تعالی پس بگوید: «اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرْجُ وَالْعَافِيَةُ اللَّهُمَّ أَنْ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعَفَهُ لِي وَ اغْفِرْ لِي مَا اطَّلَعْتُ عَلَيْهِ مِنْي وَ خَفِيَ عَلَيَّ خَلْقُكَ». پس از آن پناه ببرد بخدا از آتش جهنم و سپس آنچه میخواهد دعا کند.

۹- رکن یمانی را استلام کند یعنی ببوسد یا لمس کند و خود را بحجر الاسود برساند و طواف را تمام کند و بگوید: «اللَّهُمَّ قَنَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَ بَارِكْ لِي فِيهَا اِتِّتَنِي».

۱۰- و مستحب است در هر شوط، ستونهای چهارگانه کعبه خصوصاً رکن یمانی و رکن حجر و نیز حجر الاسود را استلام کند و یا به آن اشاره نماید.

۱۱- و در وقت استلام حجر الاسود بگوید: «اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتَهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتَهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمَوْافَاةِ». ضمناً یادآور میشود چون سند بعضی از دعاها، مورد اعتماد نیست خوب است دعاها بقصد رجاء و امید ثواب خوانده شوند.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۴۹

فصل سوم: نماز طواف

چهارم از واجبات عمره تمتع نماز طواف است.

مسألة ۴۳۷- واجب است بعد از تمام شدن طواف واجب دو رکعت نماز مانند نماز صبح بقصد نماز طواف بخواند، خواه طواف عمره باشد یا طواف حج یا طواف نساء.

مسألة ۴۳۸- واجب است پس از تمام شدن طواف واجب بدون فاصله عرفی نماز طواف را بخواند و نباید عمداً آن را تأخیر اندازد.

مسألة ۴۳۹- نماز طواف واجب را بنا بر احتیاط واجب باید پشت مقام ابراهیم علیه السلام و نزدیک به آن بخواند بنحویکه مقام، در جلو او قرار گیرد و عرفاً گفته شود نزد مقام خوانده است. مگر اینکه در اثر کثرت جمعیت، نتواند که در این صورت، آن را پشت مقام ولی عقب تر بخواند ولی بنا بر احتیاط واجب، نزدیکترین مکان را نسبت به مقام ابراهیم علیه السلام رعایت نماید. ولی نماز طواف مستحب را در هر جای مسجد الحرام بخواند کافی است.

مسألة ۴۴۰- جائز است در نماز طواف پس از حمد، هر سوره‌ای را که میخواهد بخواند بجز سوره‌هایی که در آنها سجده واجب است. ولی مستحب مؤکد است در رکعت اول سوره:

«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و در رکعت دوم سوره: «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» را بخواند.

مسألة ۴۴۱- نماز طواف را میتواند مانند نماز صبح، بلند بخواند و میتواند مانند نماز ظهر، آهسته بخواند.

مسألة ۴۴۲- اگر در رکعتهای نماز طواف، شك کرد، نماز، باطل میشود و باید آن را از سر بگیرد. و اگر در یکی

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۵۰

از افعال یا اقوال آن شك کرد، اگر محل آن نگذشته آن را بجا آورد. و اگر محل آن گذشته بشك خود اعتنا نکند. و اگر در رکعتهای آن یا در افعال و اقوال آن بيك طرف، اطمینان پیدا کرد باطمینان خود عمل کند. و اگر در افعال گمان بيك طرف دارد بهمان عمل کند.

مسأله ۴۴۳- اگر نماز طواف واجب را فراموش کرد و در اثناء سعی یادش آمد، باید برگردد و نماز را پشت مقام بخواند و سپس سعی را از محلی که قطع نموده تمام کند.

مسأله ۴۴۴- اگر نماز طواف واجب را فراموش کرد و پس از عمره یا حج، یادش آمد اگر هنوز در مکه است باید آن را در پشت مقام بجا آورد و همچنین است اگر از مکه خارج شده ولی میتواند بمکه برگردد و برای او مشقت ندارد، و لازم نیست سعی را اعاده نماید، هر چند خوب است. و اگر برگشتن بمکه برای او حرج و مشقت دارد هر جا هست هر چند در شهر خود، آن را بخواند. و همینطور است اگر اثر جهل بمسأله آنرا نخوانده باشد یا فهمیده که نمازش باطل بوده است.

مسأله ۴۴۵- اگر نماز طوافی را که فراموش کرده یا باطل بوده یا در اثر ندانستن مسأله، نخوانده است، پیش از خواندن آن از دنیا رفت، ولی او باید آن را بجای او بخواند.

مسأله ۴۴۶- اگر عمدا و با علم به مسأله نماز طواف عمره یا حج را نخواند تا وقت تدارك آن گذشت در این صورت صحیح بودن عمره و حج او محل اشکال است، بنابر احتیاط واجب نماز را بخواند و عمره یا حج را نیز اعاده نماید.

مسأله ۴۴۷- بر هر مکلف واجب است نماز و شرائط و واجبات آن را بطور صحیح یاد بگیرد، مخصوصا کسی که میخواهد به حج برود و اگر کوتاهی کند و نماز خود را تصحیح

احکام و مناسك حج و عمره، ص ۱۵۱

نکند، صحت عمره و حج او محل اشکال است.

مسأله ۴۴۸- اگر نتوانست قرائت یا ذکرهای واجب دیگر نماز را یاد بگیرد باید کسی را وادارد تا در وقت خواندن به او تلقین کند. و اگر ممکن نیست باید به هر نحو، ممکن است خودش نماز را بخواند، و بنابر احتیاط، در مقام ابراهیم علیه السلام به شخص عادل نیز اقتداء کند و به يك نفر نیز نیابت دهد تا بجای او نماز را بخواند. و اگر اقتداء کردن مشقت دارد خودش بخواند و به يك نفر نیز نیابت دهد تا بجای او بخواند. و اگر کسی قرائت نمازش درست نیست و نمی تواند خوب یاد بگیرد جائز نیست نیابت دیگری به حج برود. مگر اینکه با قرار قبلی نیابت نماز بدیگری واگذار شود.

مسأله ۴۴۹- نماز طواف را در همه وقت، جائز است بخواند مگر اینکه موجب فوت نماز واجب یومیه شود و در این صورت، اول، نماز یومیه را بخواند.

مسأله ۴۵۰- اگر کسی نماز طواف واجب را در حجر اسماعیل علیه السلام بجا آورد و پس از نماز، متوجه اشتباه خود شد باید نماز را در پشت مقام ابراهیم علیه السلام اعاده نماید.

مسأله ۴۵۱- خواندن نماز طواف بجماعت در حال اختیار، محل اشکال است و در حال ضرورت نیز نباید به آن اکتفا کند.

مسأله ۴۵۲- اگر بین طواف واجب و نماز آن زیاد، فاصله انداخت هر چند گناه کرده است ولی لازم نیست طواف را

از سر گیرد.

مسأله ۴۵۳- اگر قرائت نماز او غلط بوده و غلط بودن آن را نمیدانسته، ولی رکنهای نماز را بجا آورده و شرائط آن را نیز رعایت کرده است اعاده نماز لازم نیست.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۵۲

مستحبات نماز طواف

مسأله ۴۵۴- بر حسب فرموده شیخ صدوق (قدس سره) مستحب است بعد از نماز طواف، حمد و ثنای خدا بجا آورد و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و از خدا بخواهد نماز او را قبول نماید و آن را آخرین عهد قرار ندهد و سپس بگوید: «الحمد لله بمحامده كلها على نعمائه كلها حتى ينتهي الحمد إلى ما يحب و يرضى. اللهم صل على محمد و آل محمد و تقبل مني و طهر قلبي و زك عملي». و آنگاه کوشش در دعاء و خواهش قبولی اعمال نماید.

۲- و بروایتی دیگر پس از نماز بگوید: «اللهم ارحمني بطواعيتي إياك و طواعيتي رسولك صلى الله عليه و آله و سلم اللهم جنبني أن أتعدى حدودك و اجعلني ممن يحبك و يحب رسولك و ملائكتك و عبادك الصالحين».

۳- و بروایتی امام صادق علیه السلام پس از نماز طواف بسجده رفت و فرمود: «سجد لك و جهي تعبدا و رقا لا إله إلا أنت حقا حقا الأول قبل كل شيء و الآخر بعد كل شيء، و ها انا ذا بين يديك ناصيتي بيدك فاغفر لي إنه لا يغفر الذنب العظيم غيرك فاغفر لي فاني مقرر بذنوبي على نفسي و لا يدفع الذنب العظيم غيرك». پس از سجده، روی آن حضرت از گریه چنین بود که گویا در آب، فرو رفته باشد.

فصل چهارم: سعی بین صفا و مروه

سعی بین صفا و مروه:

پنجم از واجبات عمره تمتع: سعی بین صفا و مروه است.

مسأله ۴۵۵- واجب است پس از نماز طواف، سعی کند بین صفا و مروه که دو کوه معروفند بدین نحو که از صفا برود بمروه و

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۵۳

از مروه برگردد بصفا. چنانکه در حج و عمره مفرده نیز واجب است.

مسأله ۴۵۶- سعی بین صفا و مروه باید هفت مرتبه باشد، و هر مرتبه را يك شوط مینامند. بدین نحو که از صفا به مروه يك شوط است و از مروه بصفا نیز يك شوط.

مسأله ۴۵۷- در سعی، واجب است از صفا شروع کند و در نتیجه، به مروه ختم میشود. پس اگر از مروه شروع کند، سعی، باطل است و باید آن را از سر گیرد.

مسأله ۴۵۸- با احتیاط واجب، در سعی، باید همه فاصله بین دو کوه را برود یعنی از اول کوه صفا از پائین آن شروع کند و تا اولین جزء کوه مروه ادامه دهد، و اگر مقداری روی کوه صفا برود و از آنجا شروع کند مانعی ندارد. چنانچه در مروه هم میتواند برای احتیاط، کمی بالای آن برود.

مسأله ۴۵۹- در سعی، جائز است در حال اختیار و بدون عذر، نیز بر حیوان یا دوچرخه و مانند آنها سوار شود، و

سواره سعی کند، هر چند پیاده رفتن افضل است.

مسأله ۴۶۰- واجب است رفت و برگشت بین صفا و مروه از راه متعارف باشد، و اگر فرضاً از داخل مسجد الحرام یا راهی دیگر بطرف مروه برود، کافی نیست، ولی لازم نیست رفت و برگشت در يك خط مستقیم باشد.

مسأله ۴۶۱- واجب است هنگام رفتن بطرف مروه متوجه مروه باشد و هنگام رفتن بطرف صفا متوجه صفا باشد، پس اگر عقب عقب، برود یا پهلوی خود را بطرف صفا و مروه کند و راه برود باطل است، ولی نگاه کردن بطرف راست یا چپ و احیاناً به پشت سر مانعی ندارد.

مسأله ۴۶۲- سعی نیز مانند طواف از عبادات است و باید آن

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۵۴

را بقصد قربت و با خلوص نیت برای خدا بجا آورد، و اگر بقصد ریاء یا مقاصد دیگر، آن را بجا آورد باطل است.

مسأله ۴۶۳- در سعی، باید در نیت معین کند که برای عمره تمتع است یا حج یا عمره مفرده.

مسأله ۴۶۴- در سعی، پوشاندن عورت و پاک بودن بدن و لباس و طهارت از حدث، معتبر نیست. پس میتواند بی وضوء یا بحال جنابت یا حیض یا نفاس، سعی را بجا آورد، هر چند خوب است تا جائیکه می تواند پاک و با وضوء باشد.

مسأله ۴۶۵- سعی، یکی از ارکان عمره و حج است مانند طواف، پس اگر عمداً آن را ترك کند تا زمانی که تدارك آن ممکن نباشد، عمره و حج او باطل است هر چند از روی ندانستن مسأله باشد. و اگر آن را فراموش کرد، هروقت یادش آمد باید آن را بجا آورد. و اگر برگشتن بمکه برای او حرج و مشقت دارد، باید برای خود، نائب بگیرد تا سعی را بجای او بجا آورد، و عمره و حج او صحیح است.

مسأله ۴۶۶- واجب است سعی را پس از طواف و نماز طواف بجا آورد و اگر عمداً آن را پیش از طواف یا نماز طواف بجا آورد باید آن را بعد از نماز طواف از سر گیرد. و اگر از روی فراموشی، سعی را جلو انداخت با احتیاط واجب پس از طواف و نماز آن، سعی را اعاده نماید.

مسأله ۴۶۷- اگر بیماری را بدوش گرفت تا او را، سعی دهد و برای خودش نیز نیت سعی کرد، سعی هردو صحیح است.

مسأله ۴۶۸- اگر کسی به هیچ گونه حتی سواره نتواند سعی را بجا آورد باید نائب بگیرد تا سعی را بجای او بجا آورد و عمره و حجش صحیح است.

مسأله ۴۶۹- پس از نماز طواف، لازم نیست فوراً و بلافاصله

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۵۵

سعی را انجام دهد بلکه میتواند بخاطر رفع خستگی یا گرمی هوا یا جهات دیگر تا شب همان روز، تأخیر اندازد. هر چند احوط عدم تأخیر است مگر بجهت عذر، از قبیل بیماری و مانند آن.

ولی تأخیر سعی، بدون عذر تا روز بعد، جائز نیست، و اگر تأخیر انداخت گناه کرده، لکن عمره و حج او صحیح است.

مسئله ۴۷۰- با احتیاط واجب، باید موالات عرفی را در سعی، رعایت کند و بین شوطهای آن و همچنین بین اجزاء يك شوط زیاد فاصله نیندازد، ولی بجهت استراحت و رفع خستگی میتواند مقدار کمی برکوه صفا یا مروه بلکه در وسط راه بنشیند.

چنانچه اگر وقت نماز واجب روزانه، داخل شد مانعی ندارد نماز را بخواند و بعد، سعی را از محل قطع آن ادامه دهد؛ هر چند بهتر است اگر شوط چهارم را تمام نکرده پس از تمام کردن سعی سابق، همه آن را نیز از سر گیرد. و اگر وقت نماز واجب، تنگ شده واجب است نماز را مقدم دارد.

مسئله ۴۷۱- اگر بین صفا و مروه را چند طبقه کنند پس هر طبقه ای که میان دو کوه واقع شده، سعی در آن مانعی ندارد، هر چند احوط سعی در همان راهی است که از قدیم متعارف بوده است و اگر بالاتر از دو کوه، واقع شده باشد نیز سعی در آن، صحیح است لیکن احتیاط در سعی در طبقات میانه است و حتی المقدور رعایت شود بهتر است.

زیاد و کم کردن در سعی

مسئله ۴۷۲- اگر عمداً زیادتر از هفت شوط سعی کند، سعی او باطل است و باید از سر گیرد. نظیر آنچه در طواف گذشت. و اگر در اثر ندانستن مسأله، زیاد کرده باشد مثل اینکه گمان میکرد در سعی باید رفت و برگشت را يك شوط حساب کند و در نتیجه

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۵۶

چهارده شوط سعی کرده است. سعی او صحیح است یعنی هفت شوط اول، سعی است، و بقیه آن زیاده ایست که موجب بطلان نیست. هر چند احوط اعاده سعی است.

مسئله ۴۷۳- اگر از روی اشتباه و فراموشی زیادتر از هفت شوط سعی کرده است، سعی او صحیح است و بهتر است زیاده را رها کند، ولی اگر زیاده، يك شوط یا بیشتر باشد جائز است آن را به هفت شوط برساند و يك سعی مستحب حساب کند هر چند سعی او بصفا ختم میشود.

مسئله ۴۷۴- اگر عمداً بعضی از شوطهای سعی یا همه آن را در عمره تمتع ترك کرد بنحویکه اگر بنخواهد بجا آورد و قوف به عرفات را درك نمیکند ظاهراً عمره و حج او باطل است. و بنا بر احتیاط، نیت خود را بحج افراد بدل کند و پس از تمام کردن حج، يك عمره مفرده بجا آورد ولی به آنها اكتفا نکند و در سال بعد، عمره و حج را اعاده نماید. و همچنین است با احتیاط واجب، اگر از روی ندانستن مسأله، بعضی از شوطهای سعی را ترك کرده باشد و وقت تدارك آن گذشته باشد، مثل اینکه خیال میکرد سعی واجب پنج شوط است.

مسئله ۴۷۵- اگر از روی فراموشی بعضی از شوطهای سعی را ترك کرده است پس اگر چهار شوط آن را بجا آورده باشد هر وقت، یادش آمد باقیمانده را بجا آورد و عمره و حج او صحیح است. و اگر بعد از ذی حجه یادش آمد بنا بر احتیاط، همه سعی را نیز از سر گیرد. و اگر بوطن خود برگشته و برگشتن بمکه برای او حرج و مشقت دارد، باید نایب بگیرد تا بجای او بجا آورد. و با احتیاط واجب، نایب پس از انجام باقیمانده، همه سعی را نیز اعاده نماید. و اگر کمتر از چهار شوط را بجا آورده است، با احتیاط واجب، باقیمانده را بجا آورد و همه سعی را نیز از سر

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۵۷

گیرد. و اگر برای او حرج و مشقت دارد، نایب بگیرد تا نایب هم باقیمانده را بجا آورد و هم سعی را از سر گیرد.

مسئله ۴۷۶- اگر از روی فراموشی بعضی از شوطهای سعی را ترك کرد و بگمان اینکه سعی را تمام کرده تقصیر نمود و از احرام خارج شد و محل شد، پس اگر با زن، نزدیکی کرده باید علاوه بر تمام کردن سعی بنحویکه در مسأله پیش گفته شد يك گاو، بعنوان كفاره ذبح نماید، بلکه هر چند نزدیکی هم نکرده باشد این حکم، جریان دارد.

شك در سعی

مسئله ۴۷۷- شك در عدد شوطهای سعی چند صورت دارد:

اول: اینکه بعد از تقصیر، شك کند آیا بمقدار واجب، سعی، انجام داده یا کمتر یا بیشتر؟ در این صورت بشك خود اعتناء نکند.

دوم: اینکه بعد از تقصیر، میدانند هفت شوط نبوده ولی میدانند آیا بیشتر بوده یا کمتر؟ در این صورت با احتیاط واجب، سعی و تقصیر را از سر گیرد.

سوم: اینکه تقصیر را هنوز بجا نیاورده، ولی در حالی که خود را خارج از محل سعی و فارغ از سعی میبیند شك کند آیا بمقدار واجب بجا آورده یا کمتر یا بیشتر، یا شك کند آیا بمقدار واجب بجا آورده یا کمتر؟ در این صورت، با احتیاط واجب، سعی را از سر گیرد.

چهارم: اینکه در حالی که خود را در مروه میبیند شك کند، آیا هفت شوط بجا آورده یا کمتر؟ در این صورت باید سعی را از سر گیرد.

پنجم: اینکه میدانند هفت شوط را کاملاً بجا آورده است،

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۵۸

ولی شك دارد آیا زیاد تر از آن بجا آورده یا نه؟ در این صورت سعی او صحیح است، خواه از محل سعی خارج شده باشد یا نه.

ششم: اینکه در بین شوط، شك در هفت یا کمتر یا بیشتر کند در اینصورت نیز باید سعی را از سر گیرد، هر چند خوب است شوط را تمام کند و بعد همه سعی را از سر گیرد. البته منظور از شك در این موارد شك ثابت است ولی اگر با تأمل شك او بر طرف شود اشکال ندارد.

مسئله ۴۷۸- اگر در روزی که طواف کرده است، فردای آن روز شك کند آیا سعی را بجا آورده است یا نه، اگر پس از تقصیر باشد، به شك خود اعتناء نکند، و اگر قبل از تقصیر باشد احتیاطاً، سعی را بجا آورد لیکن لزوم ندارد.

مسئله ۴۷۹- اگر پس از تمام شدن سعی و فراغت از آن، شك کرد آیا آن را صحیح انجام داده یا نه، بشك خود اعتناء نکند. و هم چنین، اگر شوطی یا جزئی از آن را بجا آورده و پس از داخل شدن در شوط یا جزء دیگر، شك کرد آیا آنچه را قبلاً انجام داده درست انجام داده یا نه.

مسئله ۴۸۰- اگر در حال طواف یا سعی، پول یا چیز دیگر غضبی یا مالی که خمس آن داده نشده همراه دارد بنحویکه آن پول یا آن چیز بحركات طواف و سعی، متحرك و جابجا میشود، صحت طواف و سعی او محل اشکال است.

مستحبات سعی

مسأله ۴۸۱- مستحب است پس از نماز و پیش از سعی از آب زمزم بنوشد و از آن برس و پشت و شکم خود بریزد و بگوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عَلِمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سَقَمٍ»

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۵۹

۲- و بطرف حجر الاسود برود و آن را لمس نماید و ببوسد و یا به آن بعنوان تجدید عهد اشاره نماید.
 ۳- و از دری که مقابل حجر الاسود است، با وقار بطرف کوه صفا برود و از بالای آن بخانه کعبه و ستونی که حجر الاسود در آن قرار دارد متوجه شود و به آن نگاه کند، و حمد و ثنای خدا بجا آورد و نعمتها و خوبیهای او را در حق خود بیاد آورد.

۴- و پس از آن هفت مرتبه: «اللَّهُ أَكْبَرُ» و هفت مرتبه:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» و هفت مرتبه: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید.

۵- پس سه مرتبه بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.»

۶- پس صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و سه مرتبه بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَوْلَانَا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ»

۷- پس سه مرتبه بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.»

۸- پس سه مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَ الْعَافِيَةَ وَ الْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.»

۹- پس سه مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ»

۱۰- پس صد مرتبه بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ» و صد مرتبه: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و صد مرتبه: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و صد مرتبه: «سُبْحَانَ اللَّهِ.»

۱۱- پس بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعَدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ غَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ. اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَ فِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظِلْمَةِ

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۶۰

القبر و وحشته اللَّهُمَّ أَظْلِنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ.»

۱۲- و بسیار تکرار کند؛ سپردن خود و دین و اهل خود را به پروردگار خود و از او حفاظت بخواند.

۱۳- پس بگوید: «اسْتَوْدِعِ اللَّهُ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا تَضِيْعُ وَ دَائِعُهُ، دِينِي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي، اللَّهُمَّ اسْتَعْمَلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ وَ تَوْفَّقْنِي عَلَى مِلَّتِهِ وَ أَعِزَّنِي مِنَ الْفِتْنَةِ.»

۱۴- پس سه مرتبه بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ» و دوباره این دعا را تکرار کند، پس يك تكبير بگوید و باز دعا را بخواند. و اگر همه این دعاها را نمیتواند بخواند هر قدر میتواند بخواند. نقل شده امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر خدا باندازه خواندن يك سوره بقره با تانی بر روی کوه صفا میایستادند.

۱۵- و در روایتی وارد شده: که امیر المؤمنین علیه السلام وقتی بالای کوه صفا میرفتند رو بکعبه میکردند و دستها را بلند میکردند و این دعا را میخواندند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنِبْتَهُ قَطُّ فَإِنَّ عِدَّتَ فَعَدْتُ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرَحَّمَنِي وَإِنْ تَعَذَّبَنِي فَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنِ عَذَابِي وَأَنَا مَحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ فَيَا مَنْ أَنَا مَحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ ارْحَمْنِي اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلَ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تَعَذَّبَنِي وَلَمْ تَظْلَمْنِي. أَصْبَحْتَ أَتَّقِي عَدْلَكَ وَلَا أَخَافُ جُورَكَ فَيَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا يَجُورُ ارْحَمْنِي».

۱۶- پس بگوید: «يا من لا يخيب سائله ولا ينفذ نائله صلِّ على محمد و آل محمد، و اعذني من النار برحمتك».

و در حدیث وارد شده: هر که میخواهد مال او زیاد شود، توقف بر صفا و مروه را طول دهد.

۱۷- و هنگامیکه از کوه صفا بطرف پائین حرکت کرد به پله چهارم که رسید در مقابل کعبه بایستد و بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۶۱

بك من عذاب القبر و فتنته و غربته و وحشته و ظلمته و ضيقه و ضنكه، اللَّهُمَّ أَظْلِنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ».

۱۸- پس از پله چهارم به طرف پائین برود و احرام خود را از کمر خود کنار زند و بگوید: «يا ربِّ العفو يا من أمر بالعفو يا من هو أولى بالعفو، يا من يثيب على العفو، العفو، العفو، العفو يا جواد يا كريم يا قريب يا بعيد اردد علي نعمتك و استعملني بطاعتك و مرضاتك».

۱۹- و مستحب است پیاده سعی کند، و با وقار حرکت کند تا بمناره نزدیک صفا برسد و از آنجا تا جائیکه سابقا بازار عطر فروشان- اکنون با علامت مشخص شده است- بوده با شتاب و هروله مانند دویدن شتر حرکت کند و بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمَ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ، وَ اهْدِنِي لِذِي هِيَ أَقْوَمُ. اللَّهُمَّ إِنْ عَمَلِي ضَعِيفٌ، فَضَاعِفْهُ لِي وَ تَقَبَّلْهُ مِنِّي. اللَّهُمَّ لَكَ سَعْيِي، وَ بِكَ حَوْلِي وَ قُوَّتِي تَقَبَّلْ عَمَلِي يَا مَنْ يَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَّقِينَ».

۲۰- و وقتیکه از محل بازار عطر فروشان گذشت، شتاب و هروله را ترک کند و با آرامش و وقار حرکت کند تا مروه و بگوید:

«يا ذا المنِّ و الطول و الكرم و النعماء و الجود صلِّ على محمد و آل محمد اغفر لي ذنوبي، إنه لا يغفر الذنوب إلا أنت».

۲۱- و هنگامیکه به مروه رسید، بالای آن برود و بطرف خانه کعبه متوجه شود و آنچه را در صفا بجا آورده بجا آورد و دعاهای آنجا را بخواند و از خدا بخواهد حاجات او را برآورده فرماید، پس بگوید: «اللَّهُمَّ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ يَا مَنْ يَجْزِي عَلَى الْعَفْوِ يَا مَنْ دَلَّ عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ زَيْنَ الْعَفْوِ يَا مَنْ يَثِيبُ عَلَى الْعَفْوِ يَا مَنْ يَحِبُّ الْعَفْوَ يَا مَنْ يَعْطِي عَلَى الْعَفْوِ يَا مَنْ يَعْفُو عَلَى الْعَفْوِ يَا رَبَّ الْعَفْوِ؛ الْعَفْوُ الْعَفْوُ الْعَفْوُ»

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۶۲

۲۲- و مستحب است بدرگاه الهی تضرع نماید و کوشش کند رقت قلب پیدا کرده گریه کند و اگر نمیتواند، حالت

گریه بخود بگیرد و کوشش نماید از چشمانش اشک، خارج شود هر چند بمقدار پر مگسی باشد و زیاد دعا کند.
 ۲۳- و خوب است بخواند، «اللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ حَسْنَ الظَّنِّ بِكَ عَلٰى كُلِّ حَالٍ، وَ صَدَقَ النِّيَّةَ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ».
 ۲۴- و هنگام برگشتن بطرف صفا نیز، مانند آمدن بطرف مروه عمل نماید و هم چنین پس از برگشتن، بر صفا و مروه اعمال گذاشته را تکرار نماید، البته بر زنها بطور کلی شتاب و هروله نیست.

فصل پنجم: تقصیر و احکام آن

ششم از واجبات عمره تمتع، تقصیر است، یعنی زدن مو یا ناخن.

مسأله ۴۸۲- در عمره تمتع، واجب است پس از سعی، تقصیر کند یعنی مقداری از ناخنهای دست یا پا، یا موی سر یا شارب یا ریش خود را بزند، و بهتر بلکه احوط این است که بزدن ناخن اکتفاء نکند، بلکه مقداری از مو را نیز بزند. و تراشیدن سر، کافی نیست بلکه حرام و موجب کفاره است، يك گوسفند.

مسأله ۴۸۳- کندن مو کافی نیست، و کافی بودن زدن موی عانه- زیر شکم- یا زیر بغل و امثال اینها نیز محل اشکال است.

مسأله ۴۸۴- تقصیر، باید بعد از سعی باشد، و اگر پیش از سعی، تقصیر کند کافی نیست و باید آن را بعد از سعی دوباره بجا آورد و اگر عمدا واقع شده، کفاره نیز دارد.

مسأله ۴۸۵- تقصیر نیز از عبادات است و باید آن را با نیت خالص و بقصد اطاعت خدا بجا آورد. و اگر بقصد ریاء یا

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۶۳

مقاصد دیگر بجا آورد، کافی نیست و باید آن را جبران نماید.

مسأله ۴۸۶- پس از تقصیر، آنچه به سبب احرام، حرام شده بود، حلال میشود حتی نزدیکی با زن. لیکن با احتیاط واجب، سر خود را نتراشد مگر در بعضی موارد که قبلا در محرمات احرام ذکر شد.

مسأله ۴۸۷- پس از فراغت از سعی، لازم نیست فوراً تقصیر کند بلکه میتواند آن را تأخیر اندازد و در منزل یا جای دیگر، تقصیر کند، ولی باید پیش از احرام حج، تقصیر را انجام داده باشد.

مسأله ۴۸۸- اگر عمدا تقصیر را ترك کرد تا وقت احرام حج و بدون انجام آن، محرم شد به قصد احرام حج، عمره او باطل است و احرام او با احرام حج افراد، تبدیل میشود. و با احتیاط واجب پس از حج، باید يك عمره مفرده بجا آورد، و در سال بعد نیز عمره و حج تمتع را بجا آورد.

مسأله ۴۸۹- اگر تقصیر را فراموش کرد تا وقتیکه محرم شد برای احرام حج، عمره و حجش صحیح است ولی با احتیاط واجب، يك گوسفند ذبح نماید.

مسأله ۴۹۰- اگر از روی ندانستن مسأله بعد از سعی و پیش از تقصیر، با زن خود نزدیکی کرد با احتیاط واجب، يك شتر کفاره بدهد، و حکم نزدیکی عمدی، در باب تروك و محرمات احرام گذشت. و اگر کفاره ندهد معصیت کرده ولی عمره و حج او باطل نمی شود.

مسأله ۴۹۱- در عمره تمتع طواف نساء واجب نیست، و اگر بخواهد احتیاط کند، آن را با نماز آن بقصد رجاء ثواب بجا آورد.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۶۵

باب سوم: اعمال، احکام و آداب حج تمتع در شش فصل

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۶۷

واجبات حج تمتع

سابقا گفته شد: وظیفه کسانی که از مکه معظمه دورند حج تمتع است و آن، مرکب است از دو عمل: عمره تمتع و حج تمتع.

و واجبات عمره تمتع شش چیز است، و واجبات حج تمتع چهارده چیز.

و اینک پس از بیان واجبات عمره تمتع و واجبات حج تمتع را در شش فصل بیان میکنیم.

فصل اول: احرام حج و مستحبات آن

مسئله ۴۹۲- اولین واجب حج تمتع: نیت و دومین واجب آن احرام است که در شرائط و تروک و محرّمات و واجبات و مستحبات و مکروهات، مانند احرام عمره است، فقط در نیت و محل احرام، تفاوت دارند: در احرام حج باید بنیت حج تمتع، محرم شود، و محل آن مکه معظمه است. و در هر جای مکه واقع شود کافی است ولی افضل، مسجد الحرام است و افضل مواضع آن، مقام ابراهیم علیه السلام و حجر اسماعیل علیه السلام است. و چون شهر مکه وسعت پیدا کرده است بنا بر احتیاط مستحب هر چه نزدیکتر به مسجد الحرام، محرم شود تا مطمئن شود در حدود مکه صدر اسلام، محرم شده و بهتر است حتی المقدور به این احتیاط عمل شود زیرا ممکن است از صحیحۀ معاویة بن عمار (۴۳ احرام) در باب

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۶۸

قطع تلبیه استفاده شود که اجمالا حدود مکه آن زمان، مورد توجه بوده است. ولی ظاهرا لازم نیست رعایت این احتیاط شود، حدیث مزبور در خصوص تلبیه است ولی در احرام حج از حدیث عمرو بن حریث عمومیت محل احرام استفاده می شود. و بهر حال اگر احرام از مکه میسر نیست از هر جا ممکن است باید محرم شود.

مسئله ۴۹۳- پس از انجام عمره تمتع با احتیاط واجب باید انسان در مکه بماند و خود را گرو حج بدانند مگر اینکه ناچار باشد از مکه خارج شود، و در این صورت باید احرام حج ببندد و با احرام حج از مکه خارج شود ولی اگر فرضا بدون حاجت و بدون احرام، خارج شد و پس از یکی دو روز برگشت و در مکه احرام حج بست احرام و حج او صحیح است.

مسئله ۴۹۴- پس از تمام شدن عمره تمتع لازم نیست فوراً احرام حج ببندد بلکه اجمالا وقت آن وسعت دارد، و میتواند تأخیر اندازد تا وقتیکه بتواند وقوف اختیاری عرفات را در ظهر روز نهم ذی حجة درک نماید ولی پس از آن، تأخیر جائز نیست. و اولی و احوط این است که احرام حج در روز هشتم ذی حجة واقع شود و بهتر است بعد از نماز ظهر باشد ولی مقدم داشتن بر آن مخصوصا برای افراد پیر و مریض و بخصوص تا سه روز قبل، بی اشکال است.

مسئله ۴۹۵- اگر احرام حج تمتع را فراموش کرد یا در اثر ندانستن مسأله ترك کرد و به منی یا عرفات رفت هر وقت متوجه شد باید برگردد و در مکه محرم شود. و اگر نمیتواند به مکه برگردد با احتیاط واجب به مقداری که میتواند برگردد، و اگر نمیتواند یا وقت تنگ است از همانجا احرام ببندد هر چند در عرفات باشد یا در مشعر. و اگر پس از اتمام حج، متوجه شد،

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۶۹

اگر در وقت احرام عمره اجمالا نیت آن را داشته است حج او صحیح است.

مسئله ۴۹۶- بنا بر احتیاط، در حج تمتع پس از احرام و پیش از رفتن به عرفات، طواف مستحب بجا نیامورد و اگر فرضا بجا آورد بنا بر احتیاط لبیک را تجدید نماید.

مستحبات احرام حج

مسئله ۴۹۷- چنانچه اشاره شد چیزهایی که در احرام عمره تمتع مستحب بود در احرام حج نیز مستحب است. و بعلاوه مستحب است:

- ۱- پس از اینکه در راه، مشرف بر ابطح شد به آواز بلند لبیک بگوید و چون متوجه منی شد بگوید: «اللهم ایاک ارجو، و ایاک ادعو، فبلغنی املی و اصلح لی عملی.»
- ۲- و وقتی که بمنی رسید بگوید: «الحمد لله الذی اقدمنیها صالحا فی عافیة و بلغنی هذا المكان اللهم و هذه منی و هی مما مننت به علی اولیائک من المناسک فاسألک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تمن علی فیها بما مننت علی اولیائک و اهل طاعتک، فإنما انا عبدک و فی قبضتک.»
- ۳- و شب عرفه را در منی بماند، و نماز مغرب و عشاء و صبح روز عرفه را در مسجد خیف بخواند. و بهتر است در نزد مناره وسط مسجد باشد تا سی ذراع اطراف آن، زیرا این محل، جای نماز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و انبیاء گذشته علیهم السلام است، و میتواند تا طلوع آفتاب در منی بماند، و اگر پیش از طلوع آفتاب بطرف عرفات حرکت کند مانعی ندارد ولی بهتر است قبل از طلوع آفتاب از وادی محسر نگذرد. و حد منی از گردنه عقبه است تا وادی محسر که متصل بمزدلفه (مشعر الحرام) است.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۷۰

۴- و هنگام توجه بطرف عرفات این دعا را بخواند: «اللهم الیک صمدت و ایاک اعتمدت، و وجهک اردت فاسألک ان تبارک لی فی رحلتی و ان تقضی لی حاجتی و ان تجعلنی الیوم ممن تباهی به من هو افضل منی» پس تلبیه گویان رهسپار عرفات شود.

فصل دوم: وقوف بعرفات

سوم از واجبات حج: وقوف بعرفات است.

مسئله ۴۹۸- واجب است محرم باحرام حج در ظهر روز عرفه - نهم ذی حجه - در عرفات باشد و در آنجا نیت وقوف کند و آن، رکنی است از ارکان حج که اگر عمدا آن را ترك کند حش باطل است.

مسئله ۴۹۹- وقوف بعرفات نیز مانند سایر اعمال حج از عبادات است و باید بقصد قربت و با خلوص نیت باشد.

مسئله ۵۰۰- مقصود از وقوف، توقف کردن و بودن در آن مکان است برای رضای خدا، خواه سواره باشد یا پیاده، نشسته باشد یا خوابیده یا در حال حرکت، بهر صورت باشد کافی است. ولی اگر در تمام مدت یعنی از ظهر تا مغرب خواب یا بیهوش یا بدون نیت باشد، وقوف او باطل است.

مسئله ۵۰۱- هر چند از بعضی اخبار، استفاده میشود که حجّاج میتوانند اول ظهر، نماز ظهر و عصر را در خارج عرفات بخوانند و بعد، وارد عرفات شوند، ولی بنا بر احتیاط از اول ظهر بعرفات بروند و تا مغرب شرعی که وقت نماز مغرب و عشاء است در آنجا بمانند و لازم است پیش از مغرب از عرفات خارج نشوند.

مسئله ۵۰۲- عرفات بیابانی است در خارج حرم خدا، در حدود چهار فرسخی مکه سابق، و حدود عرفات دشتهای ثویه و

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۷۱

عمره و نمره تا ذی المجاز و از مازمین که تنگه‌ای است بین عرفات و مزدلفه تا آخرین حدّ وقوف ادامه دارد و خود این حدود خارج از عرفات است، پس وقوف در آنها کافی نیست.

مسئله ۵۰۳- در عرفات، کوهی است معروف به «جبل الرحمة» که جزء عرفات است ولی مستحب است وقوف در پائین کوه، طرف چپ آن در قیاس کسیکه از مکه میاید واقع شود بلکه وقوف در بالای آن مکروه است، مگر اینکه در اثر کثرت جمعیت ناچار باشد بالای کوه برود.

مسئله ۵۰۴- هر چند واجب است از بعد از ظهر تا مغرب شرعی در عرفات باشند ولی همه آن، رکن حج نیست پس اگر بعد از ظهر بیاید و مقدار کمی هر چند يك دقیقه بقصد وقوف در آنجا بماند و قبل از مغرب شرعی برود هر چند گناه کرده، ولی حج او صحیح است.

مسئله ۵۰۵- چنانچه گفته شد اگر با علم و عمد، وقوف بعرفات را بطور کلی ترك کرد یعنی از ظهر تا مغرب شرعی روز عرفه حتی بقدر يك دقیقه هم در عرفات بقصد وقوف نماند حجش باطل است. و برای او وقوف در شب عید که وقوف اضطراری عرفات است، کافی نیست.

مسئله ۵۰۶- کسیکه در اثر فراموشی یا دیر رسیدن بمکه یا اشتباه در ماه یا ندانستن محلّ وقوف یا عذرهای موجه دیگر، وقوف اختیاری عرفات را درك نکرده لازم است مقداری از شب عید را پیش از طلوع فجر در عرفات بماند و قصد وقوف کند و این وقوف، وقوف اضطراری عرفات است، و اگر عمداً آن را ترك کرد حجش باطل است. ولی اگر در اثر یکی از عذرهایی که گفته شد وقوف اضطراری عرفات را نیز نتوانست درك کند لکن وقوف اختیاری مشعر را بعد از طلوع فجر روز عید درك کرد حج

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۷۲

او صحیح است چنانچه اگر گمان دارد که رفتن بعرفات برای وقوف اضطراری موجب ترك وقوف اختیاری مشعر است، در این صورت نیز باید بمشعر برود و وقوف اختیاری آن را درك کند و حج او صحیح است.

مسئله ۵۰۷- اگر کسی عمداً پیش از مغرب شرعی از عرفات کوچ کرد و بیرون رفت، حج او صحیح است ولی گناه کرده است و علاوه براستغفار، باید کفاره بدهد و کفاره آن کشتن يك شتر است در روز عید در منی. و اگر توانائی

آن را ندارد باید هیجده روز در مکه یا در راه یا در محل خود روزه بگیرد. و با احتیاط واجب روزه‌ها را پی در پی و پشت سرهم بگیرد. و اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله یا اشتباه در وقت پیش از مغرب از عرفات کوچ کرد کفاره ندارد. ولی اگر متوجه شد و وقت، باقی است و می‌تواند، باید برگردد، و اگر برنگشت گناه کرده ولی ثبوت کفاره در آن، محل اشکال است هر چند احوط است.

چنانکه اگر عمدا کوچ کرد ولی پشیمان شد و زود برگشت در این صورت نیز لزوم کفاره، محل اشکال است ولی احوط است.

مسأله ۵۰۸- اگر ماه، در نزد علماء و قضات اهل سنت در حجاز ثابت شد و برطبق آن، حکم کردند، اگر ما یقین برخلاف آن نداشته باشیم، باید از آنان پیروی کنیم و وقوف بعرفات و مشعر و سایر اعمال را مطابق حکم آنان انجام دهیم و حج ما صحیح است، و لازم نیست احتیاط کنیم و روز بعد را نیز بعرفات برویم بلکه اگر موجب خوف و ضرر و بروز اختلاف شود جائز نیست. ولی اگر یقین ببطلان حکم آنان پیدا کنیم و بدانیم در ماه، اشتباه کرده‌اند و مثلا وقوف بعرفات را در روز هشتم انجام داده‌اند، در این صورت کافی بودن عملی که به پیروی آنان انجام شده محل اشکال است، اگر ممکن است بدون خوف و ضرر،

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۷۳

وقوف بعرفات را هر چند اضطراری آن باشد درک کنیم، حج ما صحیح است، و گر نه احتیاطا به قصد (ما فی الذمه) حج و یا عمره مفرده اعمال را همراه آنان انجام دهد. و در سال بعد، حج را بجا آورد، ولی اقوی صحت حج اوست و نیاز باین احتیاط نیست البته یقین ببطلان حکم آنان بسیار نادر است.

مستحبات وقوف بعرفات

مسأله ۵۰۹- پس از رسیدن بعرفات مستحب است:

- ۱- هنگام ظهر پس از قطع تلبیه لا اله الا الله بگوید و حمد و ثنای خدای متعال را بجا آورد.
- ۲- غسل کند و نماز ظهر و عصر را با غسل و با يك اذان و دو اقامه بدون فاصله بجا آورد و خود را مهیای دعاء کند و بتمام معنی خود را متوجه خداوند نماید و بمردم توجه نکند.
- ۳- وقوف، در پائین کوه و در طرف چپ آن در زمینهای هموار باشد و بالای کوه نرود مگر در صورت ازدحام و کثرت جمعیت.
- ۴- در حال وقوف، با طهارت باشد.
- ۵- صد مرتبه: «الله اکبر» بگوید، و صد مرتبه: «قُلْ هُوَ اللهُ» بخواند، و آنچه می‌خواهد دعاء کند و در دعاء کوشش نماید که روز دعاء و مسألت از خدا است و از شیاطین بخدا پناه برد، که برای شیطان، غافل کردن انسان در این مکان از غافل کردن در هر جای دیگر خوشتر است.
- ۶- این دعاء را بخواند: «اللهم رب المشاعر كلها فك رقتي من النار و اوسع علي من الرزق الحلال، و ادرا عنی شر فسقة الجن و الانس، اللهم لا تمکر بی و لا تخدعنی و لا تستدرجنی یا اسمع السامعین و یا ابصر الناظرین و یا اسرع الحاسبین و یا ارحم الراحمین اسألك ان تصلى علی محمد و آل محمد و ان تفعل بی کذا و کذا»

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۷۴

و بجای کذا و کذا حاجات خود را نام ببرد.

۷- سپس دستهای خود را بطرف بالا بلند کند و بگوید: «اللَّهُمَّ حاجتی التي ان اعطيتها لم يضرني ما منعتني، و ان منعتها لم ينفعني ما اعطيتها اسألك خلاص رقبتي من النار. اللهم اني عبدك و ملك يدك و ناصيتي بيدك، و اجلي بعلمك اسألك ان توقني لما يرضيك عني و ان تسلم مني مناسكي التي اريتها ابراهيم خليلك و دللت عليها حبيبك محمدا صلى الله عليه و آله، اللهم اجعلني ممن رضيت عمله و اطلت عمره و احببته بعد الموت حياة طيبة». کافی ج ۴/۲۶۴.

۸- این دعاء را بخواند: «لا إله الا الله وحده لا شريك له، له الملك و له الحمد، يحيى و يميت، و يميت و يحيى، و هو حي لا يموت بيده الخير و هو على كل شيء قدير. اللهم لك الحمد، انت كما تقول و خير ما يقول القائلون. اللهم لك صلاتي و ديني و محياي و مماتي، و لك تراثي و بك حولي و منك قوتي. اللهم اني اعوذ بك من الفقر و من وسواس الصدر و من شتات الامر و من عذاب النار و من عذاب القبر.

اللهم اني اسألك من خير ما تأتي به الرياح و اعوذ بك من شر ما تأتي به الرياح و اسألك خير الليل و خير النهار».

۹- و بگوید: «اللهم اجعل في قلبي نورا و في سمعي (نورا) و في بصرى نورا، و في لحمي و دمي و عظامي و عروقي و مفاصلي و مقعدي و مقامي و مدخلي و مخرجي نورا، و اعظم لي نورا يا رب يوم القاءك انك على كل شيء قدير».

۱۰- رو بکعبه بایستد و صد مرتبه: «سبحان الله و صد مرتبه: «الله اكبر» و صد مرتبه: «ما شاء الله لا قوة الا بالله» و صد مرتبه: «اشهد ان لا إله الا الله وحده لا شريك له، له الملك و له الحمد، يحيى و يميت، و يميت و يحيى (و هو حي لا يموت - خ ل)، بيده الخير و هو على كل شيء قدير» بگوید.

۱۱- پس ده آیه از اول سوره بقره، و سه مرتبه «قُلْ هُوَ اللهُ»

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۷۵

أَحَدٌ و «آية الكرسي» را بخواند و سپس این آیات را بخواند: «ان ربكم الله الذي خلق السموات و الأرض في ستة ايام ثم استوى على العرش يغشى الليل النهار يطلبه حثيثا و الشمس و القمر و النجوم مسخرات بامرہ، الا له الخلق و الامر تبارك الله رب العالمين. ادعوا ربكم تضرعا و خفية انه لا يحب المعتدين. و لا تفسدوا في الارض بعد اصلاحها و ادعوه خوفا و طمعا ان رحمة الله قريب من المحسنين».

(اعراف - ۵۴ - ۵۵ - ۵۶)

۱۲- پس سوره: «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» را بخواند.

۱۳- پس حمد خدا گوید بر همه نعمتهایش، و یکایک نعمتهای خدا را که بیاد دارد ذکر کند. پس بگوید: «اللهم لك الحمد على نعمائك التي لا تحصى بعدد و لا تكافى بعمل»

و بهمه آیاتی از قرآن که در آنها حمد خدا ذکر شده خدا را حمد نماید، و به آیاتی که در آنها تسبیح ذکر شده خدا را تسبیح نماید، و آیاتی که در آنها تکبیر ذکر شده خدا را تکبیر نماید، و آیاتی که در آنها تهلیل ذکر شده خدا را تهلیل نماید، و زیاد بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد، و بهر اسمی از اسماء الله که در قرآن ذکر شده و بویژه اسمائی که در آخر سوره حشر ذکر شده خدا را بخواند، و نیز به هر اسمی از اسماء الهی که بیاد دارد خدا را بخواند.

۱۴- پس بگوید: «اسألك يا الله يا رحمن بكل اسم هو، لك، و أسألك بقوتك و قدرتك و عزتك، و بجميع ما احاط به علمك، و بجمعك و باركانك كلها، و بحق رسولك صلواتك عليه و آله و باسمك الاكبر الاكبر، و باسمك العظيم الذي من دعاك به كان حقاً عليك ان تجيبه. و باسمك الاعظم الاعظم الذي من دعاك به كان حقاً عليك ان لا تردّه و ان تعطيه ما سأل ان تغفر لي جميع ذنوبي في جميع علمك في»

احكام و مناسك حج و عمره، ص ۱۷۶

۱۵- و حاجتهای دنیائی و آخرتی خود را از خدا بخواهد، و از او بخواهد که در سال آینده و همه سالها توفیق حج بیابد، و هفتاد مرتبه، بهشت طلب کند، و هفتاد مرتبه، توبه و استغفار کند. و بگوید: «اللهم فكنى من النار و اوسع على من رزقك الحلال الطيب، و ادرا عنى شرفسقة الجن و الانس، و شرفسقة العرب و العجم.»

۱۶- و نزدیک غروب آفتاب بگوید: «اللهم انى اعوذ بك من الفقر، و من تشئت الامر، و من شر ما يحدث بالليل و النهار، امسى ظلمى مستجيراً بعفوك و امسى خوفى مستجيراً بامانك، و امسى ذلى مستجيراً بعزك، و امسى وجهى الفانى مستجيراً بوجهك الباقي، يا خير من سئل، و يا اجود من اعطى جللى برحمتك و البسنى عافيتك و اصرف عنى شر جميع خلقك.»

۱۷- و هرچه میتواند در حق برادران دینی خود دعا کند، و از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده که: هرکس در پشت سر برادر خود دعاء کند از عرش ندا میشود: از برای تو باد صد هزار برابر آن.

۱۸- و بسیار خوب است که در این روز، دعاء حضرت سید الشهداء علیه السلام و دعاء حضرت زین العابدین علیه السلام که در صحیفه کامله ذکر شده خوانده شود.

۱۹- و پس از غروب آفتاب بگوید: «اللهم لا تجعله آخر العهد من هذا الموقف و ارزقنيه ابدًا ما ابقيتنى. و اقلبنى اليوم مفلحاً منجحاً مستجاباً لى، مرحوماً مغفوراً لى بافضل ما ينقلب به اليوم احد من وفدك و حجاج بيتك الحرام، و اجعلنى اليوم من اكرم وفدك عليك، و اعطنى افضل ما اعطيت احدا منهم من الخير و البركة (و العافية) و الرحمة و الرضوان و المغفرة، و بارك لى فيما ارجع اليه من اهل، و مال او قليل او كثير، و بارك لهم فى.»

۲۰- و بسیار بگوید: «اللهم اعتقنى من النار.»

احكام و مناسك حج و عمره، ص ۱۷۷

فصل سوم: وقوف بمشعر

چهارم از واجبات حج: وقوف در مشعر است.

مسأله ۵۱۰- شخص حاج پس از انجام وقوف بعرفات، در مغرب شب عید باید بطرف مشعر الحرام- مزدلفه، کوچ کند بنحویکه نماز مغرب و عشاء را در مشعر بخواند. و آن، بیابانی است که بین مازمین (تنگه ایست بین عرفات و مشعر) و حیاض و وادی محسر واقع شده است. و خود این حدود سه گانه، خارج از مشعر است و وقوف در آنها کافی نیست مگر در صورت ازدحام و کثرت جمعیت که در این صورت وقوف در مازمین مانعی ندارد.

مسأله ۵۱۱- وقوف در مشعر نیز از ارکان حج است که اگر عمداً آن را بطور کلی ترك کند حج او باطل است، و وقت آن از طلوع فجر شب دهم است تا طلوع آفتاب، و هرچند وقوف در همه این وقت واجب است ولی آنچه رکن

است، وقوف در جزئی از این وقت میباشد، هر چند يك دقیقه باشد.

مسأله ۵۱۲- وقوف در مشعر نیز مانند وقوف در عرفات از عبادات است و باید با نیت و قصد قربت و اخلاص، آن را بجا آورد، و اگر ریاء یا برای مقاصد دیگر انجام شود، باطل است.

مسأله ۵۱۳- بنا بر احتیاط واجب، در مشعر، ذکر خدا را ترك نکند هر چند مختصر باشد، و بر پیامبر و آل او نیز صلوات بفرستد.

مسأله ۵۱۴- بنا بر احتیاط واجب باید شب دهم را نیز تا طلوع فجر در مشعر بسر برد و آن را بیتوته در مشعر مینامند، و آن هم باید با نیت و قصد قربت واقع شود، هر چند ترك آن، موجب بطلان حج نیست در صورتیکه وقوف بعد از طلوع فجر را انجام دهد.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۷۸

مسأله ۵۱۵- جائز است کمی پیش از طلوع آفتاب از مشعر، حرکت کند بطرف منی، ولی بنا بر احتیاط بنحوی حرکت کند که پیش از طلوع آفتاب وارد وادی محسر که متصل بمشعر است نشود.

مسأله ۵۱۶- جائز است برای اشخاص ضعیف و معذور، مانند زنان و بچه‌ها و پیرمردان و بیماران و کسانی که برای پرستاری و راهنمایی آنان گمارده می‌شوند و همچنین کسانی که بجهتی (مثل خوف از دشمن) از وقوف ترسناکند، وقوف در مشعر را در شب انجام دهند و شبانه بطرف منی کوچ کنند، ولی بنا بر احتیاط واجب، پیش از نصف شب حرکت نکنند، و اگر بتوانند تا جائیکه ممکن است بمانند و مانند دیگران وقوف را پس از طلوع فجر انجام دهند. البته کسانی که حجشان نیابتی است و موظفند فرائض و واجبات حج را بنحو کامل انجام دهند، مشکل است بعنوان راهنمایی و پرستاری زنان و ضعیفان، شب کوچ کنند و به وقوف اضطراری اکتفاء کنند، بلکه این اشکال، نسبت به خود ضعیفان نیز اگر حجشان نیابتی باشد جاری است.

مسأله ۵۱۷- اگر در اثر فراموشی یا عذری دیگر، وقوف از طلوع فجر تا طلوع آفتاب را بطور کلی ترك کرد کافی است از طلوع آفتاب تا ظهر روز عید هر چند مدت کمی باشد در مشعر، وقوف کند. و این، وقوف اضطراری مشعر است، و اگر این را عمدا ترك کرد، حجش باطل است.

مسأله ۵۱۸- از آنچه گذشت معلوم شد برای وقوف در مشعر سه وقت است: يك وقت اختیاری و دو وقت اضطراری، وقت اختیاری آن از طلوع فجر روز عید است تا طلوع آفتاب، و وقت اضطراری اول، شب عید است برای زنان و کودکان و ضعیفان، و وقت اضطراری دوم از اول آفتاب روز عید است تا ظهر، برای

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۷۹

کسیکه در اثر عذر، هیچیک از دو وقت اول را درك نکرده است.

مسأله ۵۱۹- چون وقوف بعرفات دو وقت دارد: اختیاری و اضطراری، و وقوف بمشعر سه وقت دارد: يك اختیاری و دو اضطراری، پس جمع آنها پنج وقت میشود، و برای شخص حاج بملاحظه درك و عدم درك آنها دوازده صورت فرض میشود: يك صورت اینکه هیچ کدام را به هیچ نحو، درك نکند، و شش صورت اینکه هر دو وقوف را بنحوی درك کند، و پنج صورت اینکه یکی از وقتهای پنجگانه را فقط درك کند. و اینک احکام صورتهای دوازده گانه را

بنحو اجمال بیان میکنیم:

اول: اینکه هیچ يك از دو وقوف را به هیچ نحو درك نکنند در این صورت بدون اشکال، حج او باطل است. و باید با همان احرام، عمره مفرده بجا آورد، و بنا بر احتیاط، نیت خود را بعمره مفرده برگرداند، و اگر گوسفند یا شتر همراه داشته آن را نیز احتیاطاً قربانی کند، و میتواند، بلکه مستحب است با حجاج در منی بحال احرام بماند و بعد، اعمال عمره مفرده را بجا آورد و از احرام خارج شود. آنگاه اگر ترك دو وقوف از روی عمد بوده، باید در سال بعد، حج را بجا آورد، و همچنین است اگر عمدی نبوده ولی استطاعت او باقی ماند یا از سالهای گذشته، حج بر او ثابت شده است. و اگر حج او حج تمتع بوده، عمره تمتع را نیز در سال بعد باید اعاده نماید. و در همه صورتهای آینده که حکم به بطلان حج میشود این دستور جاری است.

دوم: اینکه وقوف اختیاری عرفات و وقوف اختیاری مشعر را درك کند، در این صورت، حج او بدون اشکال، صحیح است.

سوم: اینکه وقوف اختیاری عرفات و اضطراری مشعر را در روز عید، درك کند، پس اگر وقوف اختیاری مشعر را عمدا ترك کرده است، حج او باطل است و گرنه صحیح است.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۸۰

چهارم: اینکه وقوف اختیاری مشعر را با اضطراری عرفات درك کند، پس اگر وقوف اختیاری عرفات را عمدا ترك کرده است حج او باطل است و الا صحیح است.

پنجم: اینکه وقوف اختیاری عرفات را با اضطراری مشعر، در شب عید درك کند، اگر ترك وقوف اختیاری مشعر با عذر بوده حج او صحیح است، و گفتیم که زنان و پیرمردان و کودکان و مریضها معذورند که میتوانند در شب، وقوف کنند و پس از نیمه شب رهسپار منی شوند، و اگر ترك وقوف اختیاری مشعر، از روی علم و عمد و بدون عذر بوده هر چند بنا بر مشهور، حج او صحیح است، ولی بنا بر احتیاط واجب اعمال حج تمتع و عمره مفرده را بقصد ما فی الذمه (از حج تمتع و یا عمره) انجام دهد، و در سال بعد نیز حج را اعاده نماید. و لازم نیست طواف و نماز و سعی و طواف نساء را تکرار کند، بلکه میتواند آنها را یکبار بقصد ما فی الذمه بجا آورد.

ششم: اینکه وقوف اضطراری عرفات را با اضطراری مشعر در روز عید درك کند، اگر وقوف اختیاری آن دو یا یکی از آنها را عمدا ترك کرده است حج او باطل است، و اگر از روی عمد نبوده، حج او صحیح است هر چند احوط اعاده حج است در سال بعد اگر شرائط آن باقی بماند یا از سالهای سابق، حج بر او ثابت شده است.

هفتم: اینکه وقوف اضطراری عرفات و اضطراری مشعر را در شب عید، درك کند، اگر از قبیل معذورین عامه یعنی زنان و کودکان و پیرمردان و بیماران باشد و وقوف اختیاری عرفات را عمدا ترك نکرده باشد ظاهراً حج او صحیح است، و اگر وقوف اختیاری عرفات را عمدا ترك کرده است، حجش باطل است. و اگر از معذورین عمومی نباشد پس اگر وقوف اختیاری عرفات را

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۸۱

عمدا ترك کرده است بدون اشکال، حج او باطل است و اگر وقوف اختیاری مشعر را عمدا ترك کرده باشد یا ترك

هیچ کدام از روی عمد نبوده، با احتیاط واجب یاد شده در صورت پنجم، عمل نماید. هشتم: اینکه فقط وقوف اختیاری عرفات را درك کند، اگر وقوف در مشعر را عمدا ترك کرده است حج او باطل است.

وگرنه احوط، تمام کردن حج و اعاده حج است در سال بعد.

نهم: اینکه فقط وقوف اضطراری عرفات را درك کند در این صورت ظاهرا حج او باطل است.

دهم: اینکه فقط وقوف اختیاری مشعر را درك کند، اگر وقوف بعرفات را عمدا ترك کرده است، حج او باطل است و گرنه صحیح است.

یازدهم: اینکه فقط وقوف اضطراری مشعر را در روز عید درك کند اگر وقوف بعرفات یا وقوف اختیاری مشعر را عمدا ترك کرده است حج او باطل است وگرنه احوط، اتمام حج و اعاده حج است هر چند صحت آن اوجه می باشد. دوازدهم: اینکه فقط وقوف اضطراری مشعر را در شب عید درك کند، پس اگر وقوف بعرفات را عمدا ترك کرده است حج او باطل است، و اگر از روی عمد نبوده، اگر از قبیل معذورین عمومی باشد، ظاهرا حج او صحیح است هر چند احوط، اعاده است، و اگر از معذورین عمومی نباشد با احتیاط مذکور، در صورت پنجم، عمل نماید.

مسأله ۵۲۰- اگر کسی در بیابانی به گمان اینکه از عرفات است وقوف کرد بعد معلوم شد از عرفات نبوده و اشتباه کرده است، اگر وقت وقوف اضطراری، باقی است، باید وقوف اضطراری را انجام دهد، و اگر وقت وقوف اضطراری نیز

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۸۲

گذشته است حکم او مانند حکم کسی است که از روی عذر، وقوف بعرفات را ترك کرده باشد. و همچنین است حکم کسی که در محلی به گمان اینکه مشعر است وقوف کرد و بعد معلوم شد اشتباه کرده است.

مسأله ۵۲۱- خدمه ای که حجشان حج نیابتی است و با زنان و معذورین عمومی پیش از طلوع فجر به منی میروند، ولی خود را پیش از طلوع آفتاب بمشعر میرسانند و وقوف بمشعر را به مقداری که رکن است درك میکنند، حج آنان صحیح است و ذمه کسی که حج برای او بجا آورده اند بریء میشود، ولی علاوه بر اینکه معصیت کرده اند در صورتیکه اجاره آنان در مقابل همه اعمال بوده است نسبت بمقداری از مال الاجاره که در مقابل وقوف ترك شده، واقع شده است مدیون میباشند.

مسأله ۵۲۲- اگر کسی غیر از معذورین عمومی در اثر ندانستن مسأله، بوقوف اضطراری مشعر در شب عید اکتفا کرد و به منی رفت، اگر میتواند بمشعر برگردد و وقوف اختیاری مشعر را درك کند باید برگردد، بلکه اگر درك وقوف اختیاری مقدور نیست ولی میتواند وقوف اضطراری مشعر را در روز عید، درك کند در این صورت نیز احتیاطا برگردد، و اگر بهیچ گونه نمیتواند برگردد، اگر وقوف اختیاری عرفات را نیز درك کرده است حج او صحیح است، و بنا بر احتیاط واجب، يك گوسفند، ذبح کند و اگر با درك وقوف اختیاری عرفات و وقوف شب عید در مشعر، از روی فراموشی پیش از طلوع فجر از مشعر کوچ کرده است، اگر می تواند برگردد، و اگر به هیچ گونه نمی تواند برگردد در این صورت نیز حج او صحیح است و ذبح گوسفند نیز واجب نیست.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۸۳

مستحبات و قوف بمشعر

مسأله ۵۲۳-۱- مستحب است با وقار و خضوع و جمع حواس و در حال استغفار از عرفات بطرف مشعر الحرام برود و وقتی که از طرف راست جاده به تل سرخ رسید بگوید: «اللهم ارحم موقفی و زد فی علمی و سلم دینی و تقبل مناسکی.»

۲- در راه رفتن، معتدل باشد و از حرکت تند یا کند پرهیزد، و مردم ضعیف و مسلمانان را آزار ندهد و بگوید: «اللهم انی اعوذ بك ان اظلم او اظلم او اقطع رحما او اوذی جارا»

۳- نماز مغرب و عشاء را تا مشعر، تأخیر اندازد هر چند از ثلث شب نیز بگذرد و بین دو نماز، جمع کند به يك اذان و دو اقامه و نافله مغرب را بعد از نماز عشاء بخواند. ولی اگر تا قبل از نصف شب نتوانست بمشعر برسد نماز مغرب و عشاء را بین راه بخواند و تا نصف شب تأخیر نیندازد.

۴- در وسط وادی (دره)، طرف راست راه گر چه در نزدیکی مشعر، پیاده شود، و برای ضروره یعنی کسیکه نخستین بار است به حج آمده مستحب است پای خود را بر زمین مشعر بگذارد.

۵- هر چه میتواند شب را به شب زنده داری و دعاء بسر برد و بگوید: «اللهم هذه جمع. اللهم انی اسألك ان تجمع لی فیها جوامع الخیر. اللهم لا تؤیسنی من الخیر الذی سألتك ان تجمعه لی فی قلبی و اطلب الیک ان تعرفنی ما عرفت اولیاءك فی منزلی هذا و ان تقینی جوامع الشر.»

۶- بعد از نماز صبح با طهارت، حمد و ثناء خدا گوید، و آنچه میتواند نعمتهای او را بیاد آورد و بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و آل او صلوات بفرستد، و این دعاء را بخواند: «اللهم رب المشعر الحرام فك ربتی من النار و اوسع علی رزقك الحلال، و ادرا عنی شر»

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۸۴

فسقة الجن و الانس. اللهم انت خیر مطلوب الیه و خیر مدعو و خیر مسئول، و لمکل وافد جائزة فاجعل جائزتی فی موطنی هذا ان تقیلنی عثرتی و تقبل معذرتی و ان تجاوز عن خطیئتی ثم اجعل التقوی من الدنیا زادی.»

۷- قوف در مشعر را با غسل شروع نماید.

۸- در حال قوف برای خود و پدر و مادر و اولاد و اهل و مال و برادران و خواهران مؤمن خود دعاء کند، و هنگام طلوع آفتاب، هفت مرتبه بگناهان خود اعتراف کند و هفت مرتبه از خدا طلب بخشش نماید.

۹- مستحب است ریگهائی را که در منی برای رمی جمرات لازم است، از مشعر جمع آوری کند و دست کم مقدار لازم، هفتاد دانه است. ولی چون ممکن است بعضی از ریگها به هدف نخورد بجاست مقدار بیشتری جمع آوری کند.

۱۰- مستحب است در کوچ کردن بطرف منی، وقتی که به وادی محسر رسید مقدار صد قدم مانند شتر، تند، حرکت کند، و اگر سواره است مرکوب خود را حرکت دهد و بگوید: «رب اغفر و ارحم و تجاوز عما تعلم انک انت الاعز لا کرم»

و بگوید: «اللهم سلم عهدی، و اقبل توبتی و اجب دعوتی و اخلفنی فیمن ترکت بعدی.»

فصل چهارم: واجبات منی در روز عید قربان

مسأله ۵۲۴- پنجم و ششم و هفتم از واجبات حج، اعمال سه گانه منی است در روز عید قربان، یعنی رمی جمره عقبه و ذبح گوسفند یا نحر شتر و تراشیدن سر و یا احیاناً تقصیر. منی مکانی است در حدود يك فرسخی مکه سابق، و واقع شده بین مکه و وادی محسر، و حد آن در طرف مکه، گردنه ایست که جمره عقبه

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۸۵

در آن قرار گرفته.

۱: رمی جمره عقبه

مسأله ۵۲۵- اولین واجب منی، در روز عید، رمی جمره عقبه «۱» است یعنی انداختن هفت ریگ به آن به پیروی از حضرت ابراهیم علیه السلام که در این مکان، شیطان را رمی کرد. و انداختن سنگهای بزرگ یا شن خیلی ریز یا کلوخ یا گل پخته یا چیزهای دیگر غیر از ریگ، کافی نیست، ولی رنگهای مختلف ریگ هر کدام باشد کافی است.

مسأله ۵۲۶- در ریگها سه شرط معتبر است:

اول: اینکه از حرم باشند، و اگر از خارج حرم جمع آوری شده باشند کافی نیست، و از هر جای حرم باشد مانعی ندارد، مگر مسجد الحرام و مسجد خیف، بلکه احتیاط این است که از مساجد دیگر نیز برداشته نشده باشند و مستحب است از مشعر جمع آوری شده باشند.

دوم: اینکه ریگها- با احتیاط واجب- بکر باشند یعنی کسی آنها را در رمی صحیح، بکار نبرده باشد هر چند در سالهای پیش و اگر شك شود که بکر هستند یا نه، اشکالی ندارد مگر اینکه قرائنی باشد که اطمینان پیدا شود که بکر نمی باشد مثل سنگهایی که پای جمره ریخته شده است.

سوم: اینکه غصبی نباشند، پس اگر از زمین غیر یا از ریگهایی که دیگری برای خودش جمع کرده، برداشته شود کافی نیست.

(۱) جمرات ستونهای سنگی است که در منی در سه محل نزدیک بیکدیگر نصب شده اند، و سمبل جاهائی است که شیطان در برابر حضرت ابراهیم علیه السلام و سوسه کرده است. و پرتاب ریگ به آنها بمعنای زدن شیطان و ایستادگی در برابر او می باشد. و جمره عقبه یکی از آنها است که در گردنه واقع شده و از همه به مکه نزدیکتر است.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۸۶

مسأله ۵۲۷- در رمی، چند چیز معتبر است:

اول: اینکه به هفت ریگ رمی کند و کمتر از آن کافی نیست، چنانچه زیادتر از آن نیز اگر بقصد رمی شرعی باشد، بدعت و حرام است.

دوم: اینکه مانند سایر اعمال حج، بقصد قربت و با نیت خالص، بدون ریاء و مقاصد دیگر انجام دهد.

سوم: اینکه ریگها را رمی کند یعنی بیندازد بجمره، پس اگر نزدیک جمره برود و ریگها را روی آن بگذارد کافی نیست.

چهارم: ریگها بجمره اصابت کند و اگر یکی از آنها اصابت نکرد، باید دوباره بزند.

پنجم: اینکه به انداختن او، به جمره برسد، اگر انداختن او در رسیدن آنها به جمره کافی نباشد و در راه، سنگ دیگران یا چیز دیگر با آن برخورد کند و فشار و کمک آنها ریگ را به جمره برساند، کافی نیست، و اگر در وسط راه به چیزی برخورد کند ولی رد شود و به همان نیروی اول به جمره برسد کافی است، ولی اگر به چیز دیگر برخورد و در اثر صلابت آن چیز، کمانه کند و تصادفاً به جمره برخورد بگونه‌ای که خوردن به جمره مستقیماً مستند بانداختن او نباشد در این صورت کافی بودن آن محل اشکال است.

ششم: اینکه ریگها را به تدریج و پشت سرهم بزند هرچند بعضی از آنها با هم به جمره بخورند، اگر همه را یا بعضی را با هم بزند کافی نیست.

مسئله ۵۲۸- وقت رمی جمره، از طلوع آفتاب روز عید است تا مغرب شرعی، و بهتر است در وقت ظهر باشد. و اگر در اثر فراموشی یا ندانستن مسئله یا جهات دیگر، آن را ترك کرد باید در روز یازدهم تا سیزدهم که ایام تشویق است، هروقت متوجه شد

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۸۷

قضاء آن را بجا آورد و اول، قضاء گذشته را به جا آورد و سپس وظیفه آن روز را. و اگر متوجه نشد تا ایام تشریق گذشت و هنوز از مکه خارج نشده، بنا بر احتیاط برگردد به منی و رمی را انجام دهد ولی بنا بر احتیاط واجب در سال آینده نیز خودش و اگر نمی‌تواند دیگری بجای او آن را در روز عید و اگر نشد در ایام تشریق - ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ذی حجه -، قضاء نماید. و اگر رمی جمره را در اثر فراموشی یا ندانستن مسئله ترك کرده و قربانی و تراشیدن سر را انجام داده لازم نیست پس از قضاء رمی جمره، قربانی و تراشیدن سر را دوباره بجا آورد.

مسئله ۵۲۹- کسانی که از رمی جمره در روز معذورند مانند اشخاص بیمار یا آنها که از دشمن یا چیز دیگری در خوف و هراسند میتوانند در شب، رمی کنند و هر وقت شب باشد مانعی ندارد. و معذورین عمومی مانند زنان و پیرمردان و کودکان و ضعیفان که شبانه از مشعر بمنی کوچ داده شده‌اند نیز جائز است در شب عید، رمی جمره عقبه را انجام دهند، و همچنین است حکم بردگان و چوپانان، ولی قربانی باید در روز عید واقع شود.

مسئله ۵۳۰- اگر احتمال دهد ریگهایی را که در حرم است از خارج حرم به حرم آورده باشند، به شك خود اعتنا نکند. و همینطور اگر شك در بکارت کند.

مسئله ۵۳۱- اگر شك کرد آنچه را برای رمی جمع‌آوری کرده «حصی» یعنی ریگ بر آنها گفته می‌شود یا نه، رمی با آنها کافی نیست و باید یقین کند «حصی» یعنی ریگ بر آنها گفته می‌شود.

مسئله ۵۳۲- اگر در عدد ریگهایی که انداخته یا در رسیدن آنها به جمره شك کرد، اگر مشغول رمی است، باید باندازه‌ای بیندازد که یقین کند هفت عدد آنها اصابت کرده است و گمان، کافی نیست. و اگر از رمی، فارغ شده و وارد واجب دیگری شده

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۸۸

مانند قربانی یا حلق و شك کرد، یا اینکه رمی، در روز واقع شده و در شب شك کرد، به شك خود اعتنا نکند.

مسئله ۵۳۳- اگر پس از فراغت از رمی بلافاصله در صحت آن شك کرد، بنا بر احتیاط، دوباره آن را بجا آورد، گرچه اقوی عدم اعتبار این شك است و اگر زمانی از آن گذشته و پیش از اینکه وارد واجب بعدی شود، شك کرد در صحت آن، به شك خود اعتنا نکند ولی در این صورت اگر در عدد آن، شك کرد احتیاطاً آن را از سر گیرد.

مسئله ۵۳۴- اگر معلوم شد ریگهائی را که انداخته، به جمره نخورده‌اند یا بعضی از آنها به جمره نخورده باید دوباره رمی کند، هر چند در حال رمی، گمان میکرد به جمره خورده‌اند. و اگر نزدیک جمره ساختمانی یا ستونی مثلاً وجود داشت و اشتباه ریگها را به آن زده است، باید دوباره رمی کند، و اگر خودش نمیتواند باید نایب بگیرد هر چند برای سال بعد.

مسئله ۵۳۵- اگر چند ریگ را با هم بزند مانعی ندارد ولی يك عدد محسوب است هر چند همه آنها به جمره بخورند.
مسئله ۵۳۶- باید ریگ را با دست بزند، پس اگر مثلاً با دهان بیندازد کافی نیست و انداختن با فلاخن و مانند آن نیز محل اشکال است.

مسئله ۵۳۷- جوائز است سواره رمی کند، ولی مستحب است پیاده باشد.

مسئله ۵۳۸- طهارت از حدث و خبث در رمی، معتبر نیست ولی مستحب است با طهارت باشد و ریگها هم لازم نیست پاک باشند، هر چند احوط است.

مسئله ۵۳۹- برای کودکان و بیماران و افراد بیهوش که قدرت رمی ندارند واجب است نایب بگیرند که بجای آنان رمی کند، و

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۸۹

هم‌چنین برای مجنون. و متصدی امر کودک، ولی شرعی او است و متصدی امر بیمار و بیهوش و کسی که درک و شعور ندارد ظاهراً همراهان او هستند و بنا بر احتیاط، بیمار را نزد جمره ببرند و در حضور او از طرف او رمی کنند مگر اینکه بردن او مشقت و حرج داشته باشد. و بنا بر احتیاط، وقتی برای بیمار یا بیهوش نایب بگیرند که از سالم شدن و موفق شدن خودش مأیوس باشند.

مسئله ۵۴۰- اگر بیمار یا بیهوش بعد از تمام شدن عمل نایب، سالم شد، بنا بر احتیاط، خودش نیز رمی کند. ولی اگر در بین عمل او، سالم شد حتماً باید خودش آن را از سر گیرد. و اکتفاء به مقدار رمی نایب، محل اشکال است.

مسئله ۵۴۱- بر رمی در طبقه دوم جمرات، ظاهراً رمی جمره صدق میکند و کافی است.

مستحبات رمی جمرات

مسئله ۵۴۲- در رمی جمرات چند چیز مستحب است: اول:

در حال رمی با وضوء باشد. دوم: پیاده باشد نه سواره. سوم:

رمی، در وقت ظهر واقع شود. چهارم: ریگها را در دست چپ نگه دارد و با دست راست بیندازد. پنجم: ریگ را بر انگشت ابهام (شصت) بگذارد و با سرانگشت سبابه - انگشت اشاره - بیندازد. ششم: وقتی که ریگها را در دست گرفت و آماده رمی شد این دعاء را بخواند: «اللهم هؤلاء حصیاتی فاحصهن لی و ارفعهن فی عملی» کافی ج ۴/ ۴۷۹. هفتم: با انداختن هر ریگ، تکبیر ذیل را بگوید: «الله اکبر، اللهم ادحر عنی الشیطان. اللهم تصدیقا بکتابک و علی سنّة نبیک صلی الله علیه و آله و سلم، اللهم اجعله حجاً مبروراً و عملاً مقبولاً و سعياً مشکوراً و ذنباً مغفوراً».

هشتم: در رمی جمره عقبه بین او و جمره، پانزده یا ده ذراع، فاصله باشد. و در رمی جمره اولی و

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۹۰

وسطی در کنار آنها بایستد. نهم: در جمره عقبه پس از رمی، توقف نکند و در دو جمره دیگر رو به قبله بایستد و دعاء کند و حمد و ثناء خدا گوید و بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و آل او صلوات بفرستد.

دهم: در رمی جمره عقبه پشت به قبله و رو به جمره بایستد.

یازدهم: پس از برگشتن بجای خود در منی بگوید: «اللهم بك و ثقت و عليك توكلت فنعم الرب و نعم المولى و نعم النصير».

دوازدهم: مستحب است ریگها از مشعر جمع آوری شده باشند و بقدر سرانگشت و ابرش (نقطه دار) باشند و کراهت دارد سیاه یا سفید یا قرمز یک دست باشند.

۳: قربانی و شرائط و مستحبات آن

مسألة ۵۴۳- دوم از واجبات منی در روز عید در حج تمتع، هدی، یعنی قربانی است.

کسیکه حج تمتع بجا میآورد، واجب است در روز عید پس از رمی جمره عقبه یک شتر یا گاو یا گوسفند قربانی نماید، و شتر از هردو و گاو از گوسفند افضل است. قربانی حیوان دیگر کافی نیست.

مسألة ۵۴۴- در شرائط عادی یک قربانی برای چند نفر کافی نیست، بلکه در حال ناچاری نیز کافی بودن آن محل اشکال است. پس اگر هر کدام به تنهایی پول یک قربانی را ندارند و تهیه آن ممکن نیست، ولی میتوانند به شرکت، یک قربانی تهیه کنند، در این صورت بنا بر احتیاط، بین شرکت در قربانی و روزه گرفتن جمع کنند و هردو را بجا آورند.

مسألة ۵۴۵- قربانی باید در منی باشد، و اگر در حال اختیار در جای دیگر قربانی کند کافی نیست.

مسألة ۵۴۶- اگر قربانگاه را در خارج منی درست کرده اند و

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۹۱

بطور کلی از ذبح در منی جلوگیری میکنند، اگر ممکن است در روز بعد تا آخر ایام تشریق بلکه تا آخر ذی حجه در منی قربانی کند، هر چند بوسیله نایب گرفتن باشد. ولی اگر بطور کلی هر چند با تأخیر و بوسیله نایب، مقدور نیست در این صورت میتواند در خارج منی قربانی کند. و در این صورت می تواند در شهر خود قربانی کند بلکه وجوب قربانی در این صورت معلوم نیست.

مسألة ۵۴۷- بنا بر احتیاط واجب قربانی باید در روز باشد حتی کسانی که معذور بوده و شب از مشعر کوچ کرده اند و رمی جمره را شبانه انجام داده اند قربانی را جائز نیست در شب انجام دهند. ولی شخص خائف (ترسناک از دشمن مثلاً)، که در روز نمیتواند قربانی کند میتواند در شب آن را انجام دهد.

مسألة ۵۴۸- بنا بر احتیاط واجب، قربانی را از روز عید تأخیر نیندازد. ولی اگر تأخیر انداخت یا در اثر فراموشی یا ندانستن مسأله یا پیدا نشدن حیوان یا عذری دیگر انجام نشد، در ایام تشریق یعنی تا سیزدهم ذی حجه بجا آورد، و اگر نتوانست چنانچه تا آخر ذی حجه آن را انجام دهد کافی است.

مسأله ۵۴۹- اعمال منی در روز عید قربان بترتیب عبارت است از رمی جمره عقبه، و قربانی، و تراشیدن سر یا تقصیر.

پس باید ترتیب را رعایت کند، ولی اگر در اثر فراموشی یا ندانستن مسأله، بعضی را بر بعضی مقدم داشت کافی است و اعاده آن لازم نیست.

مسأله ۵۵۰- قربانی نیز مانند سایر اعمال حج از عبادات است و باید بقصد قربت و با نیت خالص بدون ریاء انجام شود.

مسأله ۵۵۱- در حیوان قربانی چند شرط معتبر است: اول:

اینکه اگر شتر باشد سن آن کمتر از پنج سال نباشد، و بنابر احتیاط سن گاو و بز کمتر از دو سال و سن میش یا بره کمتر از

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۹۲

یک سال نباشد. و اگر پس از قربانی کردن معلوم شد سن آن کمتر بوده کافی نیست. دوم: اینکه تمام الاجزاء باشد و نقص نداشته باشد، اگر لنگ یا کور یا گوش بریده یا دم بریده باشد، یا شاخ داخلی آن بریده یا شکسته باشد کافی نیست، ولی اگر شاخ بزرگ خارجی آن بریده یا شکسته باشد، مانعی ندارد، چنانچه اگر گوش آن، سوراخ یا شکافته باشد نیز مانعی ندارد هر چند خلاف احتیاط است. و بنابر احتیاط اگر کوری یا لنگی آن ظاهر و روشن نیز نباشد به آن اکتفاء نشود. سوم: در نظر عرف لاغر نباشد، و برحسب روایت وارده (گرچه معتبر نیست) اگر بر کلیه‌های آن مقداری پیه باشد کافی است. ولی ملاک نظر عرف است. چهارم: بااحتیاط واجب، به هیچ نحو مریض نباشد حتی مرض پوستی و کچلی. پنجم: بااحتیاط واجب، خیلی پیر نباشد. ششم: بااحتیاط واجب، خصی یعنی اخته نباشد، بلکه بااحتیاط واجب، بیضه آن را نیز نکوبیده باشند. هفتم: بااحتیاط واجب، به حسب اصل خلقت بی دم نباشد بلکه هیچ نقص هم نداشته باشد.

مسأله ۵۵۲- اگر در روز عید، غیر از اخته یافت نمیشود ولی بعد از عید تا آخر ذی حجه یافت میشود بنابر احتیاط بین آنها جمع کند بدین معنی که اخته را در روز عید، قربانی کند و بعد هم یک غیر اخته، قربانی کند. و اگر بعد از عید، هم یافت نمیشود جمع کند بین قربانی اخته و قربانی غیر اخته در سال بعد. و همچنین است اگر حیوان کامل و سالم در روز عید یافت نمیشود ولی غیر سالم یافت میشود.

مسأله ۵۵۳- اگر بطور کلی حیوان قربانی یافت نمیشود باید پول آن را نزد شخص امینی بگذارد تا در ایام تشریق و اگر نشد تا آخر ذی حجه، بجای او بخرد و در منی قربانی کند.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۹۳

مسأله ۵۵۴- در قربانی، دست کم، یک گوسفند واجب است و هرچه بیشتر باشد بهتر است. و در اخبار حجة الوداع آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای قربانی، صد شتر با خود آورده بودند و شصت و شش یا شصت و چهار یا شصت و سه عدد آنها را برای خودشان و بقیه را برای امیر المؤمنین علیه السلام که از یمن بحج آمده بودند قربانی کردند.

مسئله ۵۵۵- اگر حیوانی را به گمان صحیح و سالم بودن، خرید و قربانی کرد و بعد معلوم شد مریض یا ناقص بوده است کافی بودن آن، محل اشکال است، ولی اگر آن را بگمان چاق بودن، خرید و قربانی کرد و بعد معلوم شد لاغر بوده کافی است، و اگر پیش از قربانی کردن، لاغر بودن آن معلوم شد کافی بودن آن خالی از اشکال نیست.

مسئله ۵۵۶- اگر حیوانی را با احتمال لاغری خرید و به امید چاق بودن با قصد قربت قربانی کرد و تصادفا معلوم شد چاق بوده است کافی است، ولی اگر بقصد قربت محقق نشد کافی نیست.

مسئله ۵۵۷- اگر بعد از قربانی کردن، شک کرد آیا حیوان، واجد شرایط بوده است یا نه و احتمال می‌دهد پیش از قربانی کردن، بررسی کرده باشد در این صورت به شک خود اعتناء نکند.

مسئله ۵۵۸- بنابر احتیاط، اگر احتمال نقص یا عیب در حیوان می‌دهد آن را بررسی کند. و به احتمال، اکتفاء نکند، مگر اینکه بسلامت آن اطمینان داشته باشد.

مسئله ۵۵۹- اگر حیوان سالمی را برای قربانی خرید و در راه قربانگاه، زمین خورد و دست و پای آن شکست یا معیوب شد کافی است همان را قربانی کند، ولی در نذر و کفاره صحیح نیست.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۹۴

مسئله ۵۶۰- لازم نیست خود انسان، ذبح کند، و جائز است نائب بگیرد، و بنابر احتیاط، هم خودش نیت کند و هم نائب، مگر اینکه خودش حضور نداشته باشد.

مسئله ۵۶۱- اگر می‌خواهد برای ذبح، نائب بگیرد باید به شخص مورد اطمینان نیابت دهد. و در این صورت اگر در صحّت عمل او شک کرد به شک خود اعتنا نکند.

مسئله ۵۶۲- اگر نائب، نیابت داشت در خرید حیوان و ذبح آن و عمدا برخلاف دستور شرع، عمل کرد ضامن است هر چند اجرتی نگرفته باشد، و باید غرامت بدهد. و هم چنین است اگر از روی اشتباه یا ندانستن مسأله بوده ولی برای عمل خود، اجرت گرفته است، و اگر اجرت نگرفته ضمانت او معلوم نیست، ولی بالاخره برای کسی که در حال احرام است کافی نیست و باید دوباره قربانی کند.

مسئله ۵۶۳- بنابر احتیاط واجب ذبح کننده اگر نیابت در ذبح و عنوان قربانی و اهداء الی الله دارد باید مؤمن باشد، و هم چنین است در ذبح و نحر کفارات. و اگر بوسیله غیر مؤمن، ذبح واقع شده بنابر احتیاط واجب، دوباره قربانی کند هر چند در اثر ندانستن مسأله یا اشتباه، این کار، انجام شده باشد. مگر اینکه نیابت او فقط در خصوص ذبح باشد نه ذبح و اهداء الی الله تعالی.

مسئله ۵۶۴- ولی بچه که او را محرم کرده است باحرام حج تمتع، باید برای او از مال خودش نه از مال بچه، قربانی کند، و اگر توانائی ندارد باید بجای آن روزه بگیرد.

مسئله ۵۶۵- بنابر احتیاط، در صورت امکان، قربانی را سه قسمت کند يك ثلث آن را به فقراء مؤمنین، صدقه دهد و يك ثلث آن را به مؤمنین اهداء کند و يك ثلث آن را برای مصرف خود و

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۹۵

اهل خود نگه دارد و کمی از آن بخورد. و میتواند برای عمل با احتیاط از فقیری و از مؤمنی وکالت بگیرد و بدون

تقسیم حیوان، نسبت به دو ثلث آن قصد صدقه و اهداء کند. و اگر حیوان را پس از ذبح از او ربودند ضامن نیست. و اگر حیوان پس از ذبح در آنجا هیچ ارزش ندارد در این صورت صدقه و اهداء لازم نیست.

روزه بجای قربانی

مسئله ۵۶۶- اگر نه قربانی دارد و نه پول آن را، واجب است ده روز، روزه بگیرد: سه روز در حج و هفت روز پس از مراجعت بوطن.

مسئله ۵۶۷- اگر بدون مشقت می تواند قرض بگیرد و چیزی دارد که قرض را با فروختن آن اداء کند باید قرض بگیرد و قربانی کند.

مسئله ۵۶۸- اگر در اثیائی که در سفر با خود دارد چیز زائدی به اندازه پول قربانی وجود دارد باید آن را بفروشد و قربانی کند، ولی لباسهای معمولی خود را لازم نیست بفروشد.

مسئله ۵۶۹- اگر قربانی و پول آن را ندارد و چیزی هم که بفروشد ندارد ولی می تواند کسب کند و پول آن را تهیه نماید واجب نیست کسب کند، ولی اگر کسب کرد و پول آن را پیدا کرد واجب است قربانی کند.

مسئله ۵۷۰- سه روز از ده روز روزه، باید در ماه ذی حجه واقع شود، و باحتیاط واجب روز هفتم و هشتم و نهم ذی حجه را اختیار کند، و اگر نشد چهاردهم و پانزدهم و شانزدهم ذی حجه را روزه بگیرد. و جائز نیست در ایام تشریق در منی روزه بگیرد، بلکه روزه در ایام تشریق در منی در هر صورت حرام است. و

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۹۶

می تواند تا آخر ذی حجه هر وقت بخواهد این سه روزه را بگیرد، هرچند احوط این است که پس از ایام تشریق بلافاصله بگیرد.

مسئله ۵۷۱- سه روز روزه باید پشت سرهم باشد، و گرفتن این سه روزه در سفر مانعی ندارد پس لازم نیست در مکه قصد اقامه کند برای روزه‌ها. و اگر کاروان مهلت ماندن در مکه را نداد می تواند آنها را در راه و یا شهر خود بگیرد.

مسئله ۵۷۲- اگر تا آخر ذی حجه این سه روزه را نگرفت دیگر روزه نتیجه ندارد و باید يك گوسفند، خودش یا نائش در منی ذبح کند.

مسئله ۵۷۳- پس از گرفتن سه روزه باید هفت روز، روزه پس از مراجعت بوطن خود بگیرد. و جائز نیست آنها را در مکه یا در راه بگیرد مگر اینکه قصد ماندن در مکه را داشته باشد که در این صورت پس از گذشت يك ماه یا گذشت مدتی که برای رسیدن بوطن لازم است، می تواند در مکه بگیرد، و باحتیاط واجب بین سه روز و هفت روز، فاصله بیندازد هرچند يك روز باشد.

مسئله ۵۷۴- باحتیاط واجب، هفت روز را نیز پشت سرهم بگیرد. و اگر روزه‌ها را گرفت و بعد قدرت خرید قربانی پیدا کرد، قربانی واجب نیست. و اگر پس از گرفتن سه روز، قدرت پیدا کرد، باحتیاط واجب قربانی کند.

مسئله ۵۷۵- اگر روزه را نگرفت و از دنیا رفت، ولی او باید سه روزه واجب در حج را بجای او بگیرد، ولی گرفتن هفت روز لازم نیست. فروع و مسائل روزه در اینجا زیاد است، ولی چون کمتر مورد ابتلاء است از تفصیل آنها صرف نظر می کنیم.

مسائل متفرقه قربانی

مسئله ۵۷۶- کسی که در حج، اجیر دیگری است می تواند

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۹۷

برای ذبح قربانی نائب بگیرد،- مگر اینکه مستاجر شرط مباشرت کرده باشد- و نائب، قربانی را به قصد جزء حجی که موکلش آن را انجام می دهد، ذبح کند.

مسئله ۵۷۷- کسی که در حال احرام است پیش از تقصیر یا تراشیدن سر، جائز است نائب دیگری شود برای ذبح یا نحر قربانی.

مسئله ۵۷۸- اگر چند نفر پول روی هم گذاشتند و به کسی وکالت دادند که برود و گوسفند بخرد و برای آنان قربانی کند، و او به شرکت به عدد آنان گوسفند خرید و برای هر کدام يك گوسفند، معین کرد و ذبح نمود در صورتیکه همه به این گونه معامله رضایت داده اند، کافی است، هر چند گوسفندها از نظر قیمت تفاوت داشته باشند.

مسئله ۵۷۹- کسی که در اثر ندانستن مسأله، گوسفند خود را برای ذبح و اهداء بخداوند به غیر مؤمن داده است و پس از ذبح، تراشیدن سر و سایر اعمال حج را بجا آورده و از احرام خارج شده، پس از توجه بنا بر احتیاط واجب باید قربانی خود را دوباره انجام دهد هر چند بوسیله نائب گرفتن باشد و اعمال و حج او صحیح است و هم چنین است اگر گمان میکرد ذبح کننده مؤمن است و به او در ذبح و اهداء الی الله، نیابت داد و بعد معلوم شد مؤمن نبوده است. ولی اگر نیابت در خصوص ذبح بوده اشکال ندارد.

مسئله ۵۸۰- اگر کسی بدون گرفتن وکالت از دیگری به گمان کافی بودن رضایت قلبی، به نیابت او قربانی کرد کافی نیست هر چند آن دیگری زن او یا از دوستان صمیمی او باشد.

مسئله ۵۸۱- احتیاطاً ذبح، باید با کارد آهنی باشد گرچه اقوی کفایت سائر فلزات است اگر در برندگی همچون آن یا بهتر باشند.

مسئله ۵۸۲- اگر به کسی در خرید حیوان و ذبح آن وکالت داد

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۹۸

و وکیل، فراموش کرد یا نتوانست انجام دهد و پس از مراجعت بوطن متوجه شد حج او صحیح است ولی قربانی به عهده او باقی است. اگر ممکن است، به کسی وکالت دهد در ذی حجه همان سال در منی برای او قربانی کند، وگرنه باید به کسی نیابت دهد در سال بعد در منی برای او قربانی کند.

مسئله ۵۸۳- اگر کسی به اعتقاد اینکه گوشتها تلف می شود و قربانی تضييع مال است قربانی نکرد و سایر اعمال حج را انجام داد و از احرام خارج شد، در صورتی که اعتقاد او از روی ندانستن حکم شرع بوده، در این صورت اعمال و حج او صحیح است و از احرام خارج شده، ولی قربانی برعهده او باقی است.

مسئله ۵۸۴- محرم می تواند پیش از ذبح قربانی خود برای دیگران ذبح کند.

مسئله ۵۸۵- قربانی را اگر از پول متعلق خمس که خمس آن را نداده بخرد، کافی نیست.

مسئله ۵۸۶- اگر برای رمی جمره عقبه نائب گرفت و به گمان اینکه نائب، رمی کرده است قربانی کرد و سر خود را

تراشید و بعد معلوم شد نائِب، رمی نکرده است قربانی و سر تراشیدن او صحیح است ولی قضای رمی را باید بجا آورد.

مسئله ۵۸۷- اگر قربانی را عمداً از روز عید تأخیر انداخت و در روزهای بعد قربانی کرد هر چند برخلاف احتیاط واجب عمل کرده ولی قربانی او صحیح است و تا زمانی که قربانی را انجام نداده نمی تواند سرخود را بتراشد یا تقصیر کند.

مستحبات قربانی در منی

مسئله ۵۸۸- در قربانی چند چیز مستحب است: ۱- شتر از گاو و گاو از گوسفند و میش از بز افضل است. ۲- خیلی فربه و

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۱۹۹

چاق باشد. ۳- شتر و گاو، ماده باشد و گوسفند، نر. ۴- در گوسفند، مستحب است قوچ چشم و گوش درشت، و دهان و چشم و دست و پا سیاه باشد. ۵- محرم، خودش نحر و ذبح را انجام دهد هر چند زن باشد، و اگر نمی تواند دست خود را روی دست ذبح کننده بگذارد. ۶- در حال نحر، شتر ایستاده باشد و دستهای آن را تا زانو بسته باشند و نحر کننده در طرف راست آن بایستد. ۷- در حال نحر یا ذبح این دعا را بخواند: «وَجْهَتْ وَجْهِي لِلذِّي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا (مسلمًا) وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي وَ نَسْكَي وَ مُحْيَاي وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِذَلِكَ أَمَرْتُ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ. اللَّهُمَّ مِنْكَ وَ لَكَ، بِسْمِ اللَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ. اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي.» کافی ج ۴ ص ۴۹۸.

۳: تقصیر یا سر تراشیدن

مسئله ۵۸۹- سوّم از واجبات منی در روز عید و هفتم از واجبات حج، تقصیر- چیدن مقداری از مو یا ناخن- یا سر تراشیدن است. حاجی باید پس از قربانی، از مو یا ناخن خود بگیرد یا سر خود را بتراشد و مخیر است بین آنها، و تراشیدن سر، از تقصیر افضل است. و جمع بین آنها افضل می باشد مگر برای چند طائفه: اول: زنها که باید تقصیر کنند و تراشیدن سر برای آنها کافی نیست بلکه جائز بودن آن نیز محل اشکال است. دوم: کسی که سال اول حج او است که بنا بر احتیاط واجب باید سر خود را بتراشد. سوم: کسی که موی سر خود را گره زده و درهم پیچیده یا بافته است، و یا بوسیله چیزی چون عسل یا صمغ- شیرۀ درخت- به هم چسبانده است که باید سر خود را بتراشد.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۰۰

مسئله ۵۹۰- خنثای مشگل- که زن و مرد بودنش قابل تشخیص نمی باشد- اگر از دو دسته اخیر نباشد باید تقصیر کند، و اگر از آنها باشد بنا بر احتیاط، جمع کند بین تقصیر و تراشیدن، و بهتر است تقصیر را مقدم بدارد.

مسئله ۵۹۱- در تراشیدن سر، با احتیاط واجب، همه سر را بتراشد. و در تقصیر، گرفتن هر مقدار از مو یا ناخن به هر وسیله که باشد کافی است هر چند بوسیله دندان باشد.

مسئله ۵۹۲- تقصیر و سر تراشیدن نیز مانند سایر اعمال حج از عبادات است و باید به قصد قربت باشد و گرنه

صحیح نیست و آنچه باید بسبب آن حلال شود حلال نمی شود.

مسئله ۵۹۳- در سر تراشیدن جائز است انسان سر خود را بتراشد و یا دیگری بتراشد و در این صورت با احتیاط واجب هر دو نیت کنند.

مسئله ۵۹۴- کسانی که باید سر خود را بتراشند اگر سرشان مو ندارد، باید تیغ را بسر خود بکشند، و بنا بر احتیاط، تقصیر را نیز انجام دهند.

مسئله ۵۹۵- کسانی که مخیرند بین تقصیر و سر تراشیدن اگر سرشان مو ندارد باید تقصیر کنند.

مسئله ۵۹۶- در تقصیر، تراشیدن ریش کافی نیست. و کفایت زدن موی زیر بغل و شکم محل اشکال است.

مسئله ۵۹۷- وقت تقصیر و تراشیدن سر، روز عید است بعد از قربانی، و جائز نیست آن را پیش از قربانی انجام دهد. و بنا بر احتیاط در حال اختیار، آن را از روز عید تأخیر نیندازد. ولی اگر بهر جهت هر چند عمداً آن را تاخیر انداخت کافی است آن را در روز بعد تا آخر ایام تشریق بجا آورد. و ظاهراً انجام آن در شبهای ایام تشریق نیز مانعی ندارد هر چند خلاف احتیاط است.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۰۱

مسئله ۵۹۸- اگر در اثر فراموشی یا ندانستن مسأله، تقصیر یا سر تراشیدن را پیش از قربانی یا پیش از رمی جمره بجا آورد، کافی است و اعاده آن لازم نیست، ولی اگر عمداً آن را جلو انداخت بنا بر احتیاط واجب دوباره آن را انجام دهد.

مسئله ۵۹۹- جای تقصیر و سر تراشیدن منی است، و جائز نیست در حال اختیار، آن را در جای دیگر انجام دهد. و اگر در اثر فراموشی یا ندانستن مسأله و یا عمداً از منی خارج شده است باید برگردد و در منی انجام دهد. و اگر نمی تواند برگردد، در هر جا هست آن را بجا آورد و موهای خود را در صورت امکان بمنی بفرستد تا در آنجا دفن شود، ولی دفن، واجب نیست.

مسئله ۶۰۰- طواف و سعی را باید پس از تقصیر یا سر تراشیدن بجا آورد. و اگر جلو انداخت، اگر عمداً این کار را کرده باید پس از تقصیر یا سر تراشیدن، طواف بلکه سعی را نیز اعاده نماید، و یک گوسفند نیز بعنوان كفاره ذبح کند، و اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله بوده كفاره ندارد ولی بنا بر احتیاط پس از تقصیر یا تراشیدن سر، طواف بلکه سعی را نیز دوباره انجام دهد.

مسئله ۶۰۱- پس از تقصیر یا سر تراشیدن، همه محرمات احرام بر او حلال میشود مگر زن و بوی خوش، و صید نیز بنا بر احتیاط، لیکن اقوی حلیت صید از نظر احرام می باشد.

مسائل متفرقه تقصیر و سر تراشیدن

مسئله ۶۰۲- اگر قربانی از روز عید، تأخیر افتاد با احتیاط واجب جائز نیست تقصیر کند و از احرام خارج شود بلکه باید صبر کند پس از قربانی، تقصیر کند. و سپس طواف و سعی را بجا آورد.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۰۲

مسئله ۶۰۳- اگر کسی را وکیل کرد برای قربانی تا زمانیکه وکیل، قربانی نکرده جائز نیست تقصیر یا تراشیدن سر را

بجا آورد، ولی اگر خیال کرد وکیل قربانی را انجام داده پس سر خود را تراشید یا تقصیر کرد، سر تراشیدن و تقصیر او صحیح است، و اگر طواف و سعی را نیز بجا آورده اعاده آنها لازم نیست.

مسئله ۶۰۴- کسانی که مخیرند بین تقصیر و تراشیدن سر، اگر بدانند تراشیدن سر، موجب خون آمدن می شود در این صورت باید تقصیر کنند و تراشیدن سر جائز نیست، ولی کسیکه وظیفه اش تنها تراشیدن سر است باید در هر صورت، سر را بتراشد.

مسئله ۶۰۵- کسیکه وظیفه اش تراشیدن سر است جائز نیست بواسطه بلندی موها اول، موها را با ماشین بزند و بعد سر را بتراشد هر چند بلافاصله باشد، و اگر عمدا این کار را کرد باید کفاره بدهد.

مسئله ۶۰۶- محرم جائز نیست پیش از سر تراشیدن یا تقصیر خودش، سر دیگری را بتراشد یا موی او را بزند ولی گرفتن ناخن دیگری مانعی ندارد.

مسئله ۶۰۷- اگر در اثر عدم امکان ذبح در منی، در کشتارگاه خارج منی قربانی کرد جائز نیست در آنجا تقصیر کند یا سر خود را بتراشد بلکه باید در منی انجام دهد. و اگر در خارج، انجام داده باید برگردد بمنی و تراشیدن سر یا تقصیر را اعاده نماید، و اگر طواف و سعی را نیز بجا آورده باید آنها را نیز اضافه نماید.

مسئله ۶۰۸- اگر بچه ممیز، تمام اعمال حج را بنحو صحیح انجام داد و سرش را هم در آخر، تراشید از سروره بودن خارج میشود و در سال بعد حکم سروره ندارد.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۰۳

مستحبات سر تراشیدن

مسئله ۶۰۹- در سر تراشیدن چند چیز مستحب است: اول:

اینکه از طرف راست جلوی سر، ابتداء کند و بسم الله بگوید و این دعاء را بخواند: اللهم اعطني بكل شعرة نورا يوم القيامة».

دوم: موی سر خود را در منی در خیمه و محل اقامت خود دفن کند. سوم: بعد از تراشیدن سر، شارب و اطراف ریش خود را اصلاح کند و ناخن خود را نیز بزند. چهارم: اگر بتراشیدن سر، عادت دارد نوبت تراشیدن بعد را حتی المقدور تأخیر اندازد.

فصل پنجم: اعمال مکه

هشتم و نهم و دهم و یازدهم و دوازدهم از واجبات حج:

طواف و نماز طواف و سعی صفا و مروه و طواف نساء و نماز آن می باشد.

مسئله ۶۱۰- بعد از انجام سه واجب منی در روز عید، واجب است بمکه برود و طواف خانه خدا و نماز طواف و سعی را بهمان گونه ای که در عمره گفته شد انجام دهد، و پس از آنها طواف نساء و نماز آن را بجا آورد، هر چند طواف نساء و نماز آن از اجزاء حج نیستند، ولی واجبند و تا زمانی که آنها را بجا نیاورده، زن براو حرام است. و بهتر است برای این اعمال در روز عید بمکه برود و یا روز یازدهم ذی حجة، هر چند تأخیر آنها تا بعد از ایام تشریق بلکه تا آخر ذی حجة مانعی ندارد، ولی بنابر احتیاط بعد از ایام تشریق بدون تأخیر، آنها را بجا آورد، و تا زمانی که آنها را انجام نداده باید از زن و بوی خوش و شکار نیز احتیاطا اجتناب کند.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۰۴

واجبات و شرائط و احکام، مانند طواف و نماز و سعی عمره است فقط در آنجا نیت عمره می‌کند و در اینجا باید نیت حج، آنها را بجا آورد. و در طواف نساء، نیت طواف نساء کند.

مسأله ۶۱۲- اعمال پنج گانه یاد شده بعد از اعمال منی انجام می‌شود، و با احتیاط واجب جائز نیست در حال اختیار، آنها را پیش از وقوف بعرفات بجا آورد.

مسأله ۶۱۳- برای چند طائفه جائز است طواف و نماز و سعی را پس از احرام حج و پیش از رفتن بعرفات انجام دهند: اول:

زنیکه بترسد در برگشتن از منی حائض یا نفساء شود و نتواند بماند تا پاك شود. دوّم: مرد یا زن پیری که نتواند بمکه برگردد یا در اثر زیاد بودن جمعیت از طواف عاجز باشد. سوّم: بیماری که بترسد پس از برگشتن در اثر کثرت جمعیت نتواند طواف کند.

چهارم: کسیکه میداند تا آخر ذی حجة از ترس چیزی یا جهاتی دیگر نمی‌تواند بمکه برگردد یا نمی‌تواند طواف و سعی را بجا آورد.

مسأله ۶۱۴- سه طائفه اول که طواف و سعی را جلو انداخته‌اند اگر بمکه برگشتند و می‌توانند، احتیاطاً سعی را دو باره بجا آورند، بلکه خوب است طواف را نیز در صورت امکان اعاده نمایند ولی این احتیاط واجب نیست. ولی طائفه چهارم اگر می‌توانند بمکه برگردند و معلوم شد مانعی که خیال می‌کردند وجود ندارد با احتیاط واجب باید طواف و سعی را اعاده نمایند.

مسأله ۶۱۵- کسیکه بجهتی از جهات می‌ترسد بمکه برگردد جائز است طواف نساء را نیز جلو بیندازد. و طوائف دیگر نیز هر چند جائز است جلو بیندازد ولی با احتیاط واجب در صورت امکان، آنرا اعاده نمایند.

مسأله ۶۱۶- اگر بعد از ورود بمکه نتوانند بعضی از اعمال

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۰۵

نامبرده را انجام دهد مثل اینکه بیمار شود و بهیچ شکل هر چند با کمک و مساعدت دیگران نتواند طواف و سعی را بجا آورد. یا زن، حائض باشد و کاروان به او مهلت ماندن را نمی‌دهد، برای آنچه مقدور او نیست باید نائب بگیرد، و آنچه را می‌تواند خودش باید انجام دهد.

مسأله ۶۱۷- تروک و محرّمات احرام حج در سه مرحله حلال میشوند:

اول: بعد از تقصیر یا تراشیدن سر، همه محرّمات، حلال میشوند غیر از نزدیکی با زن و بوی خوش. و بنا بر احتیاط مستحب از صید نیز، هر چند در خارج حرم، اجتناب نماید.

لیکن اقوی حلیت صید از نظر احرام است هر چند از نظر احترام حرم، حرام است برای محرم و محلّ، بدون فرق. و بنا بر احتیاط واجب از غیر نزدیکی، از سایر بهره بردن‌ها مانند بازی کردن و بوسیدن و نیز عقد بر زن نیز اجتناب نماید.

دوم: بعد از سعی صفا و مروه بوی خوش حلال میشود.

سوم: بعد از طواف نساء و نماز آن، زن و آنچه مربوط بزن است براو حلال میشود. البته صید کردن در حرم خدا بر همه کس حرام است هر چند در حال احرام نباشد، و صید در خارج حرم پس از خارج شدن از احرام مانعی ندارد.

مسئله ۶۱۸- برای کسانی که در اثر ترس از حیض یا مرض یا جهات دیگر طواف و سعی و طواف نساء را جلو انداخته‌اند، پس از طواف و سعی، محرّمات احرام، حلال نمیشوند، بلکه پس از تقصیر یا تراشیدن سر، حلال میشوند.

مسائل طواف نساء

مسئله ۶۱۹- طواف نساء و نماز آن در کیفیت و احکام مانند

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۰۶

طواف حج و نماز آن می‌باشند فقط در نیت باید نیت طواف نساء کند.

مسئله ۶۲۰- طواف نساء اختصاص بمرد ندارد، بلکه بر زن و خنثی و خصی (اخته) نیز واجب است که اگر زن آن را بجا نیاورد شوهر براو حلال نمیشود، و دیگران نیز اگر آن را بجا نیاورند، زناشویی و بااحتیاط واجب سایر استمتاع از زن و امور مربوط به زن نیز بر آنها حلال نمیشود.

مسئله ۶۲۱- بااحتیاط واجب، بچه ممیز که احرام بسته نیز برای حلال شدن زن یا شوهر برای او باید طواف نساء و نماز آن را بجا آورد، بلکه بنا بر احتیاط، بچه غیر ممیز را نیز اگر احرام بستند، ولی او، او را طواف دهد بطواف نساء تا بعد از بلوغ، زن یا شوهر برای او اشکال نداشته باشد.

مسئله ۶۲۲- طواف نساء و نماز آن هر چند واجبند، ولی رکن حج نیستند بلکه اصلاً جز حج نیستند و حج بدون آنها صحیح است، لکن اگر آنها را بجا نیاوردند زن یا شوهر، حلال نمیشوند. بلکه حلال شدن همه امور مربوط به زن، از قبیل خواستگاری و عقد و گواهی بر عقد نیز بااحتیاط واجب بر طواف نساء و نماز آن توقف دارد. البته اینها از آثار طواف نساء هستند و بهر حال طواف نساء يك واجب شرعی است حتی برای کسی که نخواهد از این امور استفاده کند.

مسئله ۶۲۳- در حال اختیار باید طواف نساء را پس از سعی بجا آورد چنانچه سعی را نیز باید پس از طواف حج و نماز آن بجا آورد. و اگر برخلاف ترتیب عمل کرده باید اعاده کند بگونه‌ای که ترتیب، حاصل شود.

مسئله ۶۲۴- اگر در اثر فراموشی یا ندانستن مسأله، طواف نساء و نماز آن را پیش از سعی بجا آورد بنا بر احتیاط پس از سعی،

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۰۷

آنها را اعاده نماید هر چند صحّت آنها خالی از وجه نیست.

مسئله ۶۲۵- زنی که می‌ترسد حائض شود و نتواند طواف نساء را بجا آورد بااحتیاط واجب، طواف و نماز آن را پیش از سعی بجا آورد و چنانچه حائض نشد آن را اعاده کند و اگر حائض شد نایب بگیرد.

مسئله ۶۲۶- اگر زن، حائض شد و کاروان مهلت نمی‌دهد تا پاك شود و طواف نساء را بجا آورد بااحتیاط واجب باید

نائب بگیرد. گرچه احتمال عدم وجوب خصوصا اگر چهار شوط را انجام داده باشد قوی می باشد.

مسئله ۶۲۷- در حج اجاره‌ای، نائب باید طواف نساء را بنیابت منوب عنه بجا آورد. و اگر آن را بجا نیاورد، زن برخود نائب حلال نمیشود و برای منوب عنه مشکلی نیست.

مسئله ۶۲۸- اگر کسی طواف نساء را که براو واجب بود بجا نیاورد تا از دنیا رفت، ولی او باید بجای او قضای آن را بجا آورد یا از دیگری بخواهد بجای او بجا آورد.

مسئله ۶۲۹- اگر طواف نساء را فراموش کرد یا در اثر ندانستن مسأله، آن را ترك کرد و بوطن خود برگشت اگر می تواند باید خودش برگردد و آن را بجا آورد و اگر نمی تواند یا مشقت دارد باید نائب بگیرد و تا زمانی که آن را خودش یا نائیش بجا نیاورده زن یا شوهر براو حلال نمیشود و اگر در این مدت با زن، نزدیکی کرده اگر بعد از توجه به ترك طواف نزدیکی کرده باید كفاره بدهد. و همچنین است بنا بر احتیاط اگر پیش از توجه، نزدیکی کرده. و كفاره آن با احتیاط واجب قربانی کردن يك شتر است، اگر طواف واجب در حج بوده آنرا در منی و اگر در عمره بوده آنرا در مکه قربانی کند. و وظیفه کسی که طواف واجب حج یا عمره را ترك کرده قبلا گذشت.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۰۸

مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی

مسئله ۶۳۰- آنچه برای طواف و نماز طواف و سعی در عمره، مستحب بود در اینجا نیز مستحب است. و مستحب است طواف حج را در روز یا عید یا حداقل فردای آن بجا آورد و تاخیر نیندازد و مستحب است وقتیکه بدرج مسجد رسید بایستد و بگوید: «اللهم اعني على نسكك و سلمني له و سلمه لي. أسألك مسألة العليل الذليل المعترف بذنبه أن تغفر لي ذنوبي و أن ترجعني بحاجتي. اللهم اني عبدك و البلد و البيت بيتك جئت اطلب رحمتك و اؤم طاعتك متبعاً لامرك راضياً بقدرك، أسألك مسألة المضطر إليك المطيع لامرك المشفق من عذابك الخائف لعقوبتك أن تبلغني عفوك و تجيرني من النار برحمتك».

آنگاه بطرف حجر الاسود برود و آن را استلام کند و ببوسد، و اگر نتواند پس از استلام، دست خود را ببوسد، و اگر نتوانست رو بحجر الاسود بایستد و تکبیر بگوید و آنگاه سائر آداب که در طواف عمره گذشت انجام دهد.

فصل ششم: اعمال منی در ایام تشریق (یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی حجه)

سیزدهم و چهاردهم از واجبات حج: بیتوته در منی یعنی ماندن شب در منی، و رمی جمرات سه گانه است در روز. هر چند از بعضی اخبار معتبره استفاده میشود که این دو واجب جزء حج نیستند بلکه مانند طواف نساء واجب مستقل می باشند، و در نتیجه، ترك آنها گناه است ولی موجب بطلان حج نیست.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۰۹

۱: بیتوته در منی یعنی ماندن شب در آن

مسئله ۶۳۱- بنا بر مشهور بر حجّاج، واجب است شب یازدهم و دوازدهم ذی حجه را از اول شب تا نصف شب در منی بیتوته کنند یعنی در آنجا بمانند.

مسئله ۶۳۲- بر چند طائفه واجب است در شب سیزدهم نیز در منی بمانند:

اول: کسی که در حال احرام صید کرده است. و بنا بر احتیاط واجب اگر صید را گرفته ولی آن را نکشته نیز همین حکم جاری است. ولی بر کسی که صید نکرده ولی گوشت شکار را خورده یا مثلاً صید را به صیاد نشان داده واجب نیست در شب سیزدهم بماند هر چند احوط است و تا ممکن است ترك نشود.

دوم: با احتیاط واجب کسی که در حال احرام با زن خود یا دیگری نزدیکی کرده است. ولی اگر غیر از نزدیکی کارهای دیگر مانند بوسیدن یا لمس یا عقد را انجام داده واجب نیست بماند هر چند احوط است و تا ممکن است ترك نشود.

سوم: کسی که در روز دوازدهم تا مغرب شرعی در منی مانده و از آنجا خارج نشده هر چند در صدد کوچ کردن بوده ولی موفق نشده است.

مسأله ۶۳۳- کسی که یکی از محرمات در حال احرام را غیر از آنچه گذشت انجام داده واجب نیست در شب سیزدهم در منی بماند هر چند احوط است بخصوص نسبت بمحرماتی که کفاره دارد و تا ممکن است ترك نشود.

مسأله ۶۳۴- کسی که در احرام عمره تمتع نیز از صید یا زن اجتناب نکرده باید شب سیزدهم در منی بماند.

مسأله ۶۳۵- در بیتوته در منی کافی است از مغرب شرعی تا

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۱۰

نصف شب در آنجا بماند و جائز است پس از نیمه شب از منی خارج شود. و بهتر است پیش از اذان صبح وارد مکه نشود هر چند مانعی ندارد. و احتیاطاً، شب را از غروب تا طلوع آفتاب حساب نماید. و ظاهراً می تواند پیش از غروب یا اول شب از منی بیرون برود و پیش از نصب شب بمنی برگردد و در نتیجه در بیتوته در منی نصف شب کافی است، نصف اول یا دوم، لیکن احتیاطاً طبق فتوای مشهور قدامت عمل شود و نصف اول را انتخاب کند و در منی بماند و اگر نصف دوم را برای بیتوته انتخاب نمود احتیاطاً شب را از غروب تا اذان صبح حساب کند.

مسأله ۶۳۶- بیتوته در منی مانند سایر اعمال حج از عبادات است و باید به قصد قربت انجام شود.

مسأله ۶۳۷- لازم نیست در منی بیدار بماند، بلکه جائز است پس از نیت و قصد قربت در آنجا بخوابد.

مسأله ۶۳۸- بر چند طائفه بیتوته و ماندن شب در منی واجب نیست:

اول: بیماران و پرستاران آنان که نمی توانند بمانند. و هم چنین دیگر کسانی که برای آنان حرج و مشقت دارد.

دوم: کسانی که بر جان یا ناموس یا مال خود یا بستگان خود خوف دارند در صورتیکه مال، قابل اعتناء باشد و تلف شدن آن بحال صاحبش مضر باشد.

سوم: چوپانهائی که ناچارند برای چراندن و حفظ حیوانات خود در خارج منی باشند.

چهارم: کسانی که سقایت و آب رسانی به حجاج را در بعهده دارند. بلکه عهده داری سائر امور حجاج نیز همینطور است اگر با بیتوته در منی منافات داشته باشد.

پنجم: کسانی که شب را در مکه بعبادت می گذرانند و کار

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۱۱

دیگر انجام نمی دهند بجز کارهای ضروری ماند خوردن و آشامیدن بمقدار نیاز و تجدید وضوء. ولی کفایت ماندن

در غیر مکه برای عبادت، محل اشکال است. و اگر از عبادت در مکه فارغ شد کوشش کند پیش از اذان صبح در منی باشد.

مسئله ۶۳۹- اگر بعد از ظهر روز دوازدهم از منی کوچ کرد و خارج شد ولی پس از مغرب برای کاری به منی برگشت واجب نیست شب سیزدهم را در منی بماند. ولی اگر پیش از مغرب به منی برگشت با احتیاط واجب باید شب سیزدهم را در منی بماند.

مسئله ۶۴۰- در ایام تشریق واجب نیست روزها در منی بماند مگر بمقدار رمی جمرات ولی اگر بماند خوب است.

مسئله ۶۴۱- اگر بیتوته در منی را بدون عذر، ترك کرد علاوه بر اینکه گناه کرده و باید توبه کند، باید برای هر شب نیز يك گوسفند كفاره دهد و آن را قربانی نماید. و اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله یا اضطرار و ناچاری بیتوته را ترك کرده احتیاطاً نیز كفاره آن را بدهد.

مسئله ۶۴۲- اگر اول شب در منی ماند ولی پیش از نصف شب خارج شد با احتیاط واجب كفاره را بدهد. ولی برکسیکه پس از نصف شب از منی خارج شد یا شب را در مکه معظمه بعبادت گذرانده كفاره واجب نیست. و هم چنین است اگر از منی خارج شده ولی پیش از نصف شب خود را بمنی رسانده و تا صبح در آنجا بیتوته کرده. و هم چنین کسیکه برای سقاییت حجاج ناچار بوده شب را در مکه بماند.

مسئله ۶۴۳- اگر شب را بقصد عبادت در مکه ماند ولی خوابش برد در صورتیکه خواب او طولانی شده بگونه‌ای که صدق نمی‌کند همه شب را در مکه بعبادت گذرانده در این صورت كفاره را بدهد.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۱۲

مسئله ۶۴۴- اگر در اثر اشتباه در خارج منی به گمان اینکه جزء منی است بیتوته کرد احتیاطاً، كفاره را بدهد.

مسئله ۶۴۵- اگر برای طواف و سعی بمکه رفته بود و سپس بقصد بیتوته در منی از مکه و حدود آن خارج شد ولی نرسیده بمنی در بین راه خوابید گناه نکرده و كفاره نیز ندارد.

مسئله ۶۴۶- بنا بر احتیاط، جای قربانی کردن كفارات حج، منی است. ولی اگر فرضاً قربانیها در منی ضایع میشود و به مصرف نمیرسد، در غیر كفاره صید بهتر است آنها را در وطن خود قربانی کند و بین نیازمندان تقسیم نماید. ولی قربانی عید قربان که از اعمال حج است باید در منی ذبح شود و تصور اسراف و تبذیر نسبت به آن بیجا و اجتهاد در برابر نص است. و غرض، پیروی از حضرت ابراهیم علیه السلام و بیاد آوردن اطاعت و فداکاری و روحیه تسلیم آن حضرت است. ولی اگر ذبح در منی از طرف حکومت منع شود می‌تواند در وطن خود قربانی کند.

مسئله ۶۴۷- کسانی که از منی روز دوازدهم کوچ میکنند جائز نیست پیش از ظهر کوچ کنند، ولی کسانی که روز سیزدهم کوچ میکنند جائز است پس از رمی جمرات پیش از ظهر کوچ کنند و خارج شوند.

مسئله ۶۴۸- اگر در اثر عذر شرعی، رمی جمرات را در شب دوازدهم انجام داده با احتیاط واجب پیش از ظهر آن روز کوچ نکند مگر اینکه از ماندن در منی عذر داشته باشد.

۲: رمی جمرات سه‌گانه در روزها

مسئله ۶۴۹- شبهائیکه باید در منی بیتوته کند در روز آنها واجب است جمرات سه‌گانه: (اولی و وسطی و عقبه) را به ترتیب رمی کند یعنی به هر کدام هفت ریگ بیاندازد. و اگر

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۱۳

عمداً آن را ترك کند هر چند حج او باطل نمیشود ولی گناه کرده است.

مسئله ۶۵۰- کسانی که باید شب سیزدهم را در منی بمانند در روز سیزدهم نیز باید جمرات را رمی کنند.

مسئله ۶۵۱- در هر روز باید به هر يك از جمرات سه گانه هفت ریگ بزند که مجموع آنها برای کسانی که شب

سیزدهم نیز میمانند بضمیمه رمی جمره عقبه در روز عید، هفتاد عدد، و برای غیر آنها چهل و نه عدد میباشد.

مسئله ۶۵۲- کیفیت و احکام و آداب و موارد نائِب گرفتن در رمی جمرات سه گانه، بهمان گونه ای است که در رمی جمره عقبه در روز عید گفته شد.

مسئله ۶۵۳- وقت رمی جمرات از اول آفتاب تا مغرب است. و رمی در شب یا بین اذان صبح و طلوع آفتاب برای افراد غیر معذور جائز نیست.

مسئله ۶۵۴- کسانی که میدانند در روز نمیتوانند رمی کنند مانند بیماران و معلولین و سالخوردهگان و چوپانان و کسانی که از دشمن و مانند آن ترس دارند، جائز است در شب پیش رمی کنند و اگر شب پیش رمی نکردند و در روز نیز نمیتوانند رمی کنند در شب بعد، رمی کنند.

مسئله ۶۵۵- رمی جمرات نیز از عبادات است و باید آن را با نیت و بقصد قربت انجام دهد.

مسئله ۶۵۶- رمی جمرات سه گانه باید به ترتیب واقع شود، یعنی اول، جمره اولی را رمی کند. و سپس جمره وسطی را، و در آخر، جمره عقبه را که در گردنه بین منی و مکه معظمه واقع شده رمی کند. و اگر برخلاف این ترتیب عمل کرده- هر چند از روی فراموشی یا ندانستن مسأله بوده- باطل است. و باید دوباره

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۱۴

بگونه ای که ترتیب حاصل شود رمی کند.

مسئله ۶۵۷- اگر پس از رمی جمرات متوجه شد از برخی گذشته ها سه ریگ یا کمتر باقی ماند یا به جمره اصابت نکرده، کافی است همان را تکمیل کند و در این صورت، ترتیب، ساقط است و لازم نیست دوباره جمره یا جمرات بعد را رمی کند، مثلاً اگر پس از رمی جمرات سه گانه متوجه شد سه ریگ از جمره اولی و يك ریگ از جمره وسطی را نروده است کافی است همانها را به ترتیب، تکمیل نماید.

مسئله ۶۵۸- اگر رمی همه جمرات یا بعضی از آنها را در برخی از روزها- عمداً یا از روی فراموشی یا ندانستن مسأله- ترك کرده است یا معلوم شد صحیح نبوده است، باید در روز بعد قضای آنها را بجا آورد. و هم چنین است اگر وظیفه چند روز را ترك کرده باشد. پس اگر تا روز سیزدهم اصلاً جمرات را رمی نکرده است باید در آن روز، قضای همه را بضمیمه وظیفه خود روز بجا آورد. و قضای جمره عقبه را که در روز عید واجب بوده اول بجا آورد. بلکه بنا بر احتیاط واجب همه قضاها را اول بترتیب بجا آورد، و سپس وظیفه خود روز را انجام دهد. و افضل بلکه احوط این است که بین وظیفه دو روز ساعتی فاصله بیندازد. و اگر قضا را در صبح و وظیفه خود روز را هنگام ظهر بجا آورد بهتر است.

مسئله ۶۵۹- اگر پس از مغرب متوجه شد چند عدد از هفت ریگ همه جمرات یا بعضی از آنها را نروده یا صحیح

نبوده است، باید در روز بعد قضا نماید. اگر از يك جمره چهار ریگ یا بیشتر باقیمانده باید رمی آن جمره را از سر گیرد. و اگر سه ریگ یا کمتر باقیمانده همان باقیمانده را انجام دهد. و با احتیاط واجب قضای گذشته را بروظیفه روز مقدم بدارد.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۱۵

مسأله ۶۶۰- اگر پس از مغرب یقین کرد یکی از سه جمره را رمی نکرده است یا صحیح نبوده و نمی داند کدام است بنا بر احتیاط در روز بعد قضای هر سه را بجا آورد.

مسأله ۶۶۱- اگر پس از رمی جمرات سه گانه متوجه شد سه ریگ یا کمتر، از يك جمره باقیمانده یا صحیح نبوده، اگر میدانند از کدام جمره باقیمانده بهمان بزند. و اگر نمی داند از کدام باقیمانده است باید به هر کدام از آنها مقدار باقیمانده را بزند تا یقین کند وظیفه خود را نسبت به همه انجام داده است.

مسأله ۶۶۲- اگر رمی جمرات یا برخی از آنها را عمدا یا از روی فراموشی یا ندانستن مسأله ترك کرده یا صحیح انجام نداده و بمکه معظمه کوچ کرده است، اگر ایام تشریق منقضی نشده باید برگردد و رمی را انجام دهد. و اگر منقضی شده نیز با احتیاط واجب برگردد و انجام دهد و در سال بعد نیز در ایام تشریق قضا نماید، و در هر صورت اگر خودش نمیتواند برگردد نایب بگیرد تا بجای او بجا آورد، و اگر از مکه خارج شده و در راه یا وطن خود متوجه شد، اگر خودش در سال بعد بمکه برگشت با احتیاط واجب در ایام تشریق قضای آن را بجا آورد. و اگر برگشت نایب بگیرد تا در ایام تشریق بجای او انجام دهد.

مسأله ۶۶۳- اگر بیمار شد بگونه ای که نمی تواند رمی جمرات یا برخی از آنها را انجام دهد اگر امید دارد سالم شود صبر کند. و اگر امید بهبودی ندارد باید در همان روز، نایب بگیرد تا بجای او رمی کند. و در صورت امکان، بیمار را نزد جمره ببرند و بجای او رمی کنند. و اگر پس از عمل نایب بهبودی یافت بنا بر احتیاط، خودش دوباره آن را بجا آورد.

مسأله ۶۶۴- اگر بیمار در روز نمی تواند رمی کند ولی در شب می تواند، رمی در شب، مقدم است بر نایب گرفتن هر چند

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۱۶

جمع بین هردو احوط است.

مسأله ۶۶۵- نایب باید اعمال اختیاری را انجام دهد. پس اگر در رمی، نایب شده باید آن را در روز بجا آورد، و اگر معذور است نباید نایب شود. و حتی شخص معذور نیز اگر خود نتواند باید بکسی نیابت دهد که بتواند در روز رمی را انجام دهد.

مسأله ۶۶۶- زنها که شبانه از مشعر به منی کوچ میکنند جائز است در همان شب جمره عقبه را رمی کنند، ولی رمی جمرات سه گانه در ایام تشریق را باید در روز انجام دهند مگر اینکه معذور باشند.

مسأله ۶۶۷- کسانی که به جهتی از جهات قربانی و سر تراشیدن را از روز عید عقب انداخته اند بیتوته در منی و رمی جمرات سه گانه را در ایام تشریق باید انجام دهند. و صحت آنها بر قربانی و سر تراشیدن توقف ندارد، بلکه واجب

مستقل می باشند.

مسأله ۶۶۸- اگر پس از گذشتن روز در انجام وظیفه روز یا در صحت آن شك کرد به شك خود اعتنا نکند.

مسأله ۶۶۹- اگر پس از تمام شدن رمی و گذشتن از محل آن در صحت آن شك کرد به شك خود اعتنا نکند، و اگر در حالیکه مشغول رمی است شك کرد باید آن را از سر گیرد. و هم چنین است بنا بر احتیاط اگر رمی را تمام کرده ولی بدون فاصله و گذشتن از محل در صحت آن شك کرد.

مسأله ۶۷۰- اگر پس از شروع در رمی جمره بعد، در عدد ریگهائی که به جمره پیش زده یا در رسیدن آنها به جمره شك کرد به شك خود اعتنا نکند. و اگر در حالیکه مشغول رمی جمره است در عدد ریگه شك کرد باید مقداری را که شك دارد بزند تا یقین کند هفت عدد اصابت کرده است. و گمان کافی نیست. و هم

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۱۷

چنین است بنا بر احتیاط اگر پس از فراغت از رمی و پیش از شروع در رمی جمره بعد، در عدد ریگه شك کرد. و در این صورت اگر به چهار عدد یقین دارد کافی است باقیمانده را بزند. و اگر به چهار عدد یقین ندارد و فاصله زمانی زیاد شده بگونه‌ای که بمولات ضرر میزند بنا بر احتیاط، اصل رمی را از سر گیرد.

مستحبات منی در ایام تشریق

مسأله ۶۷۱- در ایام تشریق در منی چند چیز مستحب است:

۱: در منی بماند و برای هیچ کاری حتی طواف مستحب از منی بیرون نرود، ولی اگر طواف و سعی واجب را در روز عید بجا نیاورده خوب است در روز یازدهم برای انجام آنها بمکه برود.
 ۲: در منی بعد از پانزده نماز و در جاهای دیگر بعد از ده نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید است تکبیراتی را که وارد شده بگوید.

و بعضی از علماء، واجب دانسته‌اند، و احوط عدم ترك است هر چند اقوی و مشهور استجاب آنها است. و بهتر است بدین کیفیت بگوید: «اللَّهُ اكْبَرُ، اللَّهُ اكْبَرُ، لا اِلهَ اِلاَّ اللَّهُ وَ اللَّهُ اكْبَرُ، اللَّهُ اكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُ اكْبَرُ عَلٰى مَا هَدَانَا، اللَّهُ اكْبَرُ عَلٰى مَا رَزَقْنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْاَنْعَامِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلٰى مَا اَبْلَانَا.» ۳: تا زمانیکه در منی اقامت دارد نمازهای واجب و مستحب خود را در مسجد خیف بجا آورد. در حدیث صحیح وارد شده که هزار پیغمبر در آن مسجد نماز خوانده‌اند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در نزد مناره آن، نماز می خواند.
 و در حدیث دیگر وارد شده: «هرکس در مسجد خیف پیش از اینکه از منی خارج شود صد رکعت، نماز بخواند با عبادت هفتاد سال برابر است. و هرکس در آن، صد مرتبه: «سبحان الله» بگوید ثواب آزاد کردن يك بنده برای او نوشته میشود. و هرکس صد مرتبه: «لا اله الا الله» بگوید با ثواب احیاء نفس برابر است.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۱۸

و هرکس صد مرتبه: «الحمد لله» بگوید با ثواب خراج عراقین که در راه خدا صدقه داده شود برابر است. و در حدیث دیگر شش رکعت نماز در آن مسجد وارد شده است.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۱۹

پایانه:

آداب مکه معظمه

عمره مفرده

احکام مصدود و محصور

بعضی مسائل متفرقه

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۲۱

آداب مکه معظمه

مسأله ۶۷۲- حجاج محترم اگر در روز عید قربان یا در ایام تشریق، طواف حج و سعی و طواف نساء را بطور کامل بجا آورده باشند لازم نیست پس از تمام شدن بیتوته و رمی جمرات در منی، دوباره بمکه معظمه برگردند. ولی خوب است برای برخی آداب و مستحبات و از جمله طواف وداع و عمره مفرده برگردند. و اینک قسمتهائی از آداب و مستحبات مکه و از جمله طواف وداع: ۱:

خواندن نماز و قرآن و سجده و ذکر خدا و ختم قرآن و روزه گرفتن. در احادیث وارد شده: يك نماز در مسجد الحرام افضل است از صد هزار نماز در مساجد دیگر. و گفتن يك سبحان الله در مکه افضل است از انفاق خراج عراقین در راه خدا. و کسیکه قرآن را در مکه ختم کند از دنیا نمی رود مگر اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و جای خود را در بهشت می بیند. و ثواب کسی که يك سجده در مکه بجا آورد و یا کسیکه در مکه بخوابد ثواب کسی است که در خون خود در راه خدا غلطان باشد. و ثواب يك روزه در مکه ثواب يك سال روزه است در جاهای دیگر. و کسیکه در مکه راه برود در حال عبادت خدا است. ۲: بسیار نگاه کردن به کعبه که در احادیث وارد شده: نگاه کردن به کعبه، عبادت است. و از برای خدا در اطراف کعبه صد و بیست درجه رحمت است. بیست درجه آن مخصوص نگاه کنندگان بکعبه است. ۳: آشامیدن از

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۲۲

آب زمزم که شفای دردها است و مستحب است در آن حال بگوید: «اللهم اجعله علما نافعاً، و رزقا واسعاً، و شفاه من كل داء و سقم.» و بگوید: «بسم الله، الحمد لله، الشکر لله.» ۴: در هر شبانه روز ده طواف کامل بجا آورد: سه طواف، اول شب، سه طواف، آخر شب. دو طواف، در صبح و دو طواف، بعد از ظهر، و چنانچه نقل شده، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این چنین انجام می داد.

۵: سیصد و شصت طواف کامل بعدد ایام سال بجا آورد، و اگر نمی تواند، سیصد و شصت شوط، و در آخر آنها چهار شوط اضافه کند تا پنجاه و دو طواف شود. و اگر نمی تواند باندازه توان خود طواف کند. و برای هر طواف دو رکعت نماز طواف بخواند. ۶: هر چه می تواند بنیابت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیر المؤمنین علیه

السلام و حضرت زهراء و ائمه اطهار عليهم السلام و گذشتگان و غائبین از صلحاء و مؤمنین و خویشان و دوستان خود طواف کند.

و میتواند يك طواف بنيابت چند نفر بجا آورد. و برحسب روایت وارده، شخصی از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام پرسید من زمانیکه عازم مکه میشوم بسا کسی از من می خواهد بجای او طواف بجا آورم و من فراموش می کنم و نمی دانم در جواب آنان چه گویم.

آن حضرت فرمود: «پس از انجام اعمال خود يك طواف و دو رکعت نماز بجا آور و بگو: خدایا این طواف و نماز را بنيابت پدر و مادر و همسر و اولاد و یاران و همشهریان خود بجا می آورم. و در این صورت به هر کس بگوئی: بنيابت تو طواف و نماز بجا آوردم راست گفته ای.»

۷: مستحب است داخل کعبه برود بخصوص کسیکه سفر اول او است، و پیش از داخل شدن غسل کند، و پای برهنه با وقار داخل شود و هنگام داخل شدن بگوید: «اللهم انك قلت: و من دخله كان آمناً فآمنی من عذاب النار.» آنگاه دو رکعت نماز بین

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۲۳

دو ستون کعبه بر سنگ قرمز بجا آورد، در رکعت اول پس از حمد، سوره: «حم سجده» و در رکعت دوم پس از حمد، پنجاه و پنج آیه از جاهای دیگر قرآن بخواند سپس در هر يك از چهار زاویه کعبه دو رکعت نماز بجا آورد و پس از آنها این دعا را بخواند: «اللهم من تهباً أو تعباً أو اعداً أو استعداداً لوفادة الی مخلوق رجاء رفته و جائزته و نوافله و فواضله. فالیک یا سیدی تهیتی و تعبیتی و اعدادی و استعدادی رجاء رفدک و نوافلک و جائزتك فلا تخیب الیوم رجائی. یا من لا یخیب علیه سائل و لا ینقصه نائل.

فانی لم آتک الیوم بعمل صالح قدمته، و لا شفاعة مخلوق رجوته.

و لکنی اتیتک مفراً بالظلم (بالذنوب خ) و الاسائة علی نفسی فانه لا حجة لی و لا عذر، فاسألك یا من هو كذلك ان تصلی علی محمد و آله و تعطینی مسألتي و تقیلنی عثرتی و تقبلنی (و تقبلنی خ دل) برغبتي و لا تردنی مجبوها ممنوعاً و لا خائباً یا عظیم یا عظیم یا عظیم. ارجوک للعظیم، اسألك یا عظیم ان تغفر لی الذنب العظیم لا الا اله انت.»

و هنگام خارج شدن از کعبه معظمه سه مرتبه تکبیر بگوید و سپس بگوید: «اللهم لا تجهد بلاننا ربنا، و لا تشمت بنا اعدائنا فانک انت الضار النافع.»

۸: يك طواف بعنوان طواف وداع با نماز آن بجا آورد، و در صورت امکان در هر شوطی حجر الاسود و رکن یمانی را استلام نماید، و سپس نزد مستجار برود و کارهایی را که در مستحبات طواف گفته شد انجام دهد. و آنچه می خواهد دعا کند. پس از آن حجر الاسود را استلام نماید، و شکم خود را بخانه خدا بچسباند. و يك دست بر حجر الاسود و دست دیگر را بطرف درب خانه کعبه بگذارد، و حمد و ثنای خدا گوید و صلوات بفرستد پس بگوید: «اللهم صل علی محمد عبدک و رسولک و نبیک و امینک و حبیبک و نجیک (و نجیک خ د) و خیرتک من خلقتک. اللهم

كما بلغ رسالاتك وجاهد في سبيلك وصدع بامرك و اودى في جنبك و عبدك حتى اتاه اليقين. اللهم اقلبنى مفلحا منجحا مستجابا لى بافضل ما يرجع به احد من وفدك من المغفرة و البركة و الرحمة و الرضوان و العافية. اللهم ان امتنى فاغفر لى، و ان احببته فارزقنيه من قابل. اللهم لا تجعله آخر العهد من بيتك ...».

آنگاه بطرف زمزم رود و از آب زمزم بنوشد. و در حال خارج شدن از مسجد الحرام بگوید: «آئبون تائبون عابدون، لربنا حامدون، الى ربنا راغبون، الى الله راجعون ان شاء الله.» و در مسجد الحرام يك سجده طولانى بجا آورد و از درب حناطين مقابل ركن شامى خارج شود.

۹: از خدا بخواهد که به او توفيق بازگشتن بمکه معظمه را عنایت فرماید.

۱۰: زمانیکه می خواهد از مکه خارج شود مقدار يك درهم خرما بخرد و صدقه دهد تا كفاره خلافهائی باشد که احيانا در حال احرام یا در حرم از او سر زده باشد.

۱۱: شهيد اول عليه الرحمة در دروس فرموده است: «از مستحبات مکه زیارت جاهای باشرافت مکه است: مانند زیارت زادگاه رسول خدا که الآن بصورت مسجدی است، و زیارت خانه خدیجه علیها السلام که محل سکونت آن حضرت و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بود تا زمان هجرت پیغمبر و آن هم بصورت مسجدی است. و زیارت قبر خدیجه در حجون در دامنه کوه، و مسجد ارقم که مخفی گاه پیامبر بوده در صدر اسلام، و غار حراء که عبادت گاه آن حضرت بوده و غار ثور که مخفیگاه آن حضرت هنگام هجرت بوده است.»

عمره مفرده

مسألة ۶۷۳- از جمله مستحبات مؤکده، عمره مفرده است که

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۲۵

در همه ایام سال می توان آن را بجا آورد و در روایات از آن به حج اصغر تعبیر شده. و مستحب است در هر ماه يك عمره مفرده بجا آورده شود. و بخصوص نسبت بعمره ماه رجب بسیار تأکید شده.

واجبات عمره مفرده بطور کلی هشت چیز است

اول: نیت. دوم: احرام. سوم: طواف خانه خدا. چهارم:

نماز طواف. پنجم: سعی بین صفا و مروه. ششم: تراشیدن سر یا تقصیر یعنی گرفتن مقداری از مو یا ناخن. هفتم و هشتم:

طواف نساء و نماز آن.

و در معتبر بودن فاصله زمانی بین دو عمره و مقدار این فاصله، بین فقهاء، اختلاف است. و مشهور بین فقهاء فاصله يك ماه است، ولی بجا آوردن زیاده برآن بقصد رجاء و امیدواری مانعی ندارد مخصوصا اگر ده روز فاصله شده است. بلکه ظاهرا اصلا فاصله معتبر نیست و بر فرض، فاصله معتبر باشد ظاهرا در صورتی است که همه را به نیت خودش بجا آورد. پس اگر چند عمره پشت سر هم به نیت چند نفر بجا آورد مانعی ندارد.

مسألة ۶۷۴- میقات عمره مفرده برای کسانی که در مکه تصمیم می گیرند عمره مفرده بجا آورده ادنی الحلال است. و برای کسانی که از شهرهای دور بقصد عمره مفرده حرکت کرده اند یکی از میقاتهای پنجگانه ای است که در فصل میقاتها گفته شد.

و مقصود از ادنی الحلّ نزدیکترین منطقه خارج از حرم است به حرم. پس باید از مکه بقصد احرام بخارج حرم بروند و در آنجا محرم شوند. و بهتر است به جعرانه یا حدیبیه یا تنعیم بروند، و از همه نزدیکتر به مسجد الحرام، تنعیم است. ضمناً یادآور میشود که برحسب روایت موثقه زراره حرم خدا چهار فرسخ در چهار

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۲۶

فرسخ است که مجموعاً شانزده فرسخ مربع می شود. و هرچند مکه معظمه در میان حرم واقع شده ولی همانطور که قبلاً گفته شد در وسط حقیقی آن نیست. بلکه فاصله حدود حرم نسبت به آن تفاوت دارد و از همه نزدیکتر، طرف تنعیم است.

احکام مصدود و محصور

مسأله ۶۷۵- صد بمعنی منع و حصر بمعنی حبس است و مصدود (اصطلاحاً) بکسی گفته میشود که او را به زور و ناحق از عمره یا حج، منع کرده باشند و محصور بکسی گفته میشود که در اثر بیماری و مانند آن از عمره یا حج باز مانده باشد.

مسأله ۶۷۶- کسی که بقصد عمره یا حج محرم می شود، در صورت امکان، واجب است آن را تمام کند و اگر تمام نکند در احرام باقی میماند.

۱: احکام مصدود:

مسأله ۶۷۷- اگر کسی احرام بست برای عمره تمتع یا عمره مفرده و او را به ناحق بازداشت کردند یا از رفتن بمکه معظمه منع کردند و راه دیگری جز آن راه نیست یا اگر هست مخارج آن را ندارد، می تواند در همان جائی که منع شده یک شتر یا یک گاو یا یک گوسفند به نیت خارج شدن از احرام، قربانی کند و با احتیاط واجب به همین نیت نیز تقصیر کند، یعنی مقداری از مو یا ناخن خود را بزند و در این صورت از احرام خراج میشود و همه محرمات احرام حتی زناشوئی براو حلال میگردد.

مسأله ۶۷۸- اگر کسی با احرام عمره وارد مکه معظمه شد و

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۲۷

پس از ورود، او را بناحق بازداشت کردند یا از بجا آوردن اعمال عمره یا بعضی از آنها منع کردند، اگر می تواند برای اعمال، نائب بگیرد، و احتیاطاً، جمع کند بین نائب گرفتن و عمل بوظیفه مصدود یعنی پس از عمل نائب، قربانی و تقصیر را نیز انجام دهد و از احرام خارج شود و اگر نمی تواند نائب بگیرد، بقربانی و تقصیر از احرام خارج میشود.

مسأله ۶۷۹- کسی که از عمره مفرده یا حج، منع شده برای خارج شدن از احرام می تواند بجای تقصیر، سرخود را بتراشد بلکه بهتر است و اولی و احوط جمع است. ولی کسی که از عمره تمتع منع شده پس از قربانی برای خارج شدن از احرام بنا بر احتیاط به تقصیر اکتفا کند.

مسأله ۶۸۰- اگر پس از احرام عمره یا حج، برای بدهی که دارد یا بجهت حق دیگری او را بازداشت کردند یا از انجام اعمال، منع کردند، پس اگر می تواند بدهی خود را بدهد باید بدهد و به اعمال خود ادامه دهد. ولی اگر نمی تواند بدهد، حکم مصدود براو جاری است.

مسئله ۶۸۱- اگر پس از احرام عمره یا حج برای وارد شدن در مکه یا انجام اعمال از او پولی را به ناحق مطالبه میکنند باید آن را بدهد مگر اینکه برای او حرج و مشقت داشته باشد یا مفسده خیلی مهمی بر آن مترتب باشد که در این صورت، واجب نیست بدهد و حکم مصدود بر او جاری است.

مسئله ۶۸۲- اگر پس از احرام، راه را بر او بستند، ولی راه دیگری هر چند دورتر، باز است و مخارج و امکانات آن را نیز دارد در این صورت، واجب است در احرام بماند و از آن راه برود هر چند احتمال بدهد که حج از او فوت میشود. و اگر از آن راه رفت و بر حسب انفاق، حج از او فوت شد باید با انجام يك

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۲۸

عمره مفرده از احرام خارج شود.

مسئله ۶۸۳- اگر پس از احرام حج، از وقوف بعرفات و مشعر یا یکی از آنها بگونه‌ای که سبب فوت حج میشود منع شد، و راه دیگری نیز ندارد در این صورت حکم مصدود بر او جاری است و با قربانی و تقصیر یا سر تراشیدن از احرام خارج میشود.

مسئله ۶۸۴- اگر پس از وقوف در مشعر بطور کلی از رفتن به منی و مکه معظمه منع شد و اطمینان دارد که منع ادامه دارد، اگر می‌تواند برای اعمال منی و مکه نائب بگیرد و احتیاطاً، جمع کند بین نائب گرفتن و عمل به وظیفه مصدود، بدین گونه که پس از رمی جمره عقبه و قربانی نائب، خودش تقصیر یا سر تراشیدن را انجام دهد، و پس از طواف و سعی و طواف نساء بوسیله نائب، خودش وظیفه مصدود را انجام دهد و از احرام خارج شود، و اگر نمی‌تواند نائب بگیرد، با عمل بوظیفه مصدود از احرام خارج شود. و اگر می‌تواند صبر کند و امید دارد که در ایام تشریق، منع از منی و تا آخر ذی‌حجه منع از مکه برطرف شود در این صورت احتیاطاً صبر کند و از احرام خارج نشود تا اعمال را انجام دهد و در نتیجه، حج او صحیح خواهد بود.

مسئله ۶۸۵- اگر پس از وقوف در مشعر، فقط از رفتن به منی یا انجام اعمال آن، منع شد برای رمی جمره عقبه و قربانی در منی نائب بگیرد و پس از عمل نائب، خودش تقصیر یا سر تراشیدن را انجام دهد و سپس طواف و سعی و طواف نساء را بجا آورد و حج او صحیح است. و اگر نمی‌تواند برای رمی جمره عقبه و قربانی در منی نائب بگیرد، جاری شدن حکم مصدود بر او محل اشکال است هر چند اوجه می‌باشد. بلکه ظاهراً قربانی و رمی بر او واجب نیست، باید روزه بگیرد و باقی اعمال چون حلق و تقصیر و اعمال مکه را انجام دهد و احتیاطاً سال آینده خودش یا نائیش

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۲۹

رمی کند.

مسئله ۶۸۶- اگر پس از انجام اعمال منی در روز عید از ورود بمکه یا انجام اعمال آن منع شد چنانچه می‌تواند تا اواخر ذی‌حجه صبر کند بنا بر احتیاط در احرام بماند، آنگاه اگر پیش از انقضاء ذی‌حجه مانع برطرف شد خودش طواف و سعی و طواف نساء را بجا آورد و از احرام خارج شود و حج او صحیح است و اگر مانع برطرف نشد جمع کند بین نائب گرفتن و عمل بوظیفه مصدود و هم چنین است اگر نمی‌تواند تا آخر ذی‌حجه صبر کند.

و اگر نمی تواند نائب بگیرد در این صورت جائز است بوظیفه مصدود عمل کند و از احرام خارج شود ولی حج او صحیح نیست.

مسئله ۶۸۷- اگر پس از انجام اعمال منی در روز عید و انجام اعمال مکه، فقط از اعمال منی در ایام تشریق یعنی از بیتوته در منی و رمی جمرات سه گانه منع شد حکم مصدود بر او جاری نیست و حج او صحیح است اگر می تواند، برای رمی جمرات سه گانه نائب بگیرد و اگر نمی تواند با احتیاط واجب در سال بعد، خودش یا نائبش آن را قضاء نماید.

مسئله ۶۸۸- کسی که مصدود شد اگر اطمینان یا مظنه دارد که مانع برطرف نمیشود می تواند فوراً بوظیفه مصدود عمل نماید و از احرام خارج شود و بشهر خود برگردد، ولی اگر مظنه دارد که پیش از فوت وقت حج، مانع برطرف میشود احتیاطاً صبر کند و از احرام خارج نشود، و چنانچه صبر کرد و زمانی مانع برطرف شد که وقت حج تمتع گذشته است در این صورت، حج افراد بجا آورد و پس از آن يك عمره مفرده بجا آورد و حج او صحیح است و از حجة الاسلام کافی است. و اگر وقت حج بطور کلی گذشته است در این صورت احتیاطاً، جمع کند بین عمره مفرده و

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۳۰

عمل بوظیفه مصدود، هر چند ظاهراً انجام عمره مفرده کافی است.

مسئله ۶۸۹- کسی که از انجام عمره تمتع و حج تمتع واجب، منع شده و بدستوری که گفته شد از احرام خارج شد، اگر مانع در همان سال برطرف شد و می تواند دوباره محرم شود و عمره و حج را در همان سال بجا آورد باید بجا آورد. و اگر مانع برطرف نشد، اگر عمره و حج از سالهای گذشته بر او واجب و ثابت بوده، و یا استطاعت او تا سال بعد باقی ماند باید در سال بعد، عمره و حج را بجا آورد. و اگر سال اول استطاعت او بوده و استطاعت او تا سال بعد باقی نماند لازم نیست در سال بعد، حج بجا آورد و معلوم میشود استطاعت نداشته است. ولی اگر وقت باقی است و می تواند در همانجا بکسی نیابت دهد که بجای او عمره و حج بجا آورد با احتیاط واجب این کار را انجام دهد. و هم چنین است حکم کسی که حج افراد یا حق قران یا عمره مفرده بر او واجب بوده و در حال انجام آن مصدود شد و از احرام خارج شد. و اگر در حج مستحب یا عمره مستحب مصدود شد قضاء آن در سال بعد واجب نیست هر چند خوب است.

۳: احکام محصور:

مسئله ۶۹۰- اگر کسی احرام عمره بسته و در اثر بیماری نمی تواند وارد مکه شود و می خواهد از احرام خارج شود، باید با این قصد يك قربانی دهد، و با احتیاط واجب، قربانی یا پول آن را بوسیله شخص مورد اعتمادی بمکه بفرستد، و با او قرار گذارد که در روز خاصی در ساعت معینی بنیابت او آن را ذبح کند، و پس از رسیدن ساعت تعیین شده، خودش تقصیر کند، و در نتیجه، همه محرّمات احرام بر او حلال میشود مگر زن، و بنا بر

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۳۱

احتیاط در حلال نشدن زن بین عمره تمتع و عمره مفرده فرقی نیست. و بنا بر احتیاط، ذبح کننده قربانی نیز به نیت

خارج شدن منوب عنه از احرام، آن را ذبح نماید.

مسئله ۶۹۱- اگر احرام عمره بسته و وارد مکه معظمه شده و در اثر بیماری، خودش نمی تواند طواف و سعی را بجا آورد، پس در صورت امکان او را بدوش گیرند یا بر تخت و مانند آن بخوابانند و طواف و سعی دهند، و اگر به هیچ گونه ممکن نیست او را طواف دهند، بنیابت او طواف و سعی را بجا آورند و پس از آن خودش تقصیر کند و از احرام خارج شود. و در عمره مفرده، طواف نساء را نیز در حد امکان، خودش هر چند بکمک دیگران بجا آورد و اگر ممکن نیست بنیابت او بجا آورند، و در نتیجه، همه محرّمات حتی زن بر او حلال میشود.

مسئله ۶۹۲- اگر کسی احرام حج بسته ولی در اثر بیماری نمی تواند بعرفات و مشعر برود و می خواهد از احرام خارج شود، باید با این قصد، یک قربانی بدهد، و بنابر احتیاط واجب قربانی یا پول آن را بوسیله شخص مورد اعتمادی به منی بفرستد تا در روز عید بنیابت او بقصد خارج شدن از احرام قربانی شود، پس در روز عید در ساعت تعیین شده تقصیر کند، و در این صورت همه محرّمات احرام بر او حلال میشود مگر زن بنا بر مشهور و باقتضاء احتیاط.

مسئله ۶۹۳- آنچه راجع به شخص مصدود از اعمال منی و مکه یا از اعمال مکه فقط یا از اعمال منی در روز عید یا در ایام تشریق گفته شد، و هم چنین آنچه راجع به وظیفه مصدود نسبت به انجام حج و عمره ناتمام گفته شد در محصور نیز جاری است.

هر چند بین آنها فرقهائی وجود دارد که مهم آنها دو چیز است:
اول: اینکه مصدود، قربانی خود را در جای خود ذبح میکند هر

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۳۲

چند خارج حرم باشد، ولی محصور در احرام عمره آن را بمکه معظمه و محصور در احرام حج بمنی می فرستد و برای خروج از احرام، صبر میکند تا زمان ذبح آن، چنانچه گذشت. دوم: اینکه بر مصدود پس از قربانی و تقصیر، همه محرّمات حلال میشود حتی زن، ولی در محصور در عمره مفرده و حج، زن حلال نمیشود تا در آینده وظیفه خود را بگونه ای که خواهیم گفت انجام دهد، و هم چنین است در عمره تمتع بنابر احتیاط.

مسئله ۶۹۴- چنانچه گفته شد پس از قربانی و تقصیر، زن بر محصور حلال نمیشود، پس اگر احرام او برای عمره واجب یا حج واجب بوده باید از زن اجتناب کند تا زمانیکه عمره یا حج واجب خود را انجام دهد و طواف و سعی واجب در آن را بجا آورد، البته اگر پیش از زمان حج واجب بعمره مفرده موفق شد زن بر او حلال میشود. و اگر احرام او برای حج مستحب یا عمره مستحب بوده هر چند قضاء آنها واجب نیست، ولی چنانچه برای قضاء آنها برگشت، زمانی زن بر او حلال میشود که آنها را با طواف و سعی آنها انجام دهد. و اگر برنگشت باید برای طواف نساء نائب بگیرد، و بهتر است برای مجموع طواف و سعی و طواف نساء نائب بگیرد، آنگاه بعد از عمل نائب، زن بر او حلال میشود. و اگر در حج یا عمره واجب بطور کلی عاجز شد از قضاء آنها، برای آنها نائب بگیرد، و اگر نمی تواند برای حج و عمره نائب بگیرد، برای طواف و سعی و طواف نساء نائب بگیرد.

و در این صورت نیز زن بر او حلال میشود.

مسئله ۶۹۵- اگر معلوم شد نائب شخص محصور، قربانی را انجام نداده، و محصور با اعتماد او برخی از محرّمات

احرام را مرتکب شده است، محصور گناه نکرده و کفاره نیز بدهکار نیست، ولی با احتیاط واجب، از زمانی که معلوم شد قربانی انجام

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۳۳

نشده از محرّمات احرام اجتناب کند و دوباره قربانی یا پول آن را بفرستد تا بنیابت او قربانی شود.

مسأله ۶۹۶- اگر محصور پس از فرستادن قربانی یا پول آن حالش بهتر شد بگونه‌ای که می‌تواند براه خود ادامه دهد واجب است وظیفه خود را تعقیب کند، پس اگر احرام عمره تمتع بسته باید بمکه رود و عمره و حج تمتع را بجا آورد، و اگر وقت تنگ شده بگونه‌ای که می‌ترسد حج فوت شود نیت خود را به حج افراد برگرداند، پس اگر دو وقوف یا دست کم وقوف بمشعر را درک کرد حج او صحیح است و باید پس از تمام شدن حج يك عمره مفرده بجا آورد، و از حجّه الاسلام کافی است. و اگر وقوفها را درک نکرد ولی هنوز قربانی که فرستاده بود ذبح نشده نیت خود را بعمره مفرده برگرداند و آن را تمام کند و بدین وسیله از احرام خارج شود، و هم‌چنین است بنا بر احتیاط واجب و مشهور اگر قربانی او ذبح شده باشد، و در صورتیکه حج از سالهای پیش، واجب بوده یا استطاعت او باقی ماند، در سال بعد عمره و حج تمتع را بجا آورد.

مسأله ۶۹۷- محصور اگر پیش از رسیدن قربانی بمقصد، از روی ضرورت و ناچاری سرخود را تراشید باید کفاره دهد، و کفاره آن چنانچه قبلاً گفته شد ذبح گوسفند یا سه روز روزه یا اطعام شش مسکین است که بهرکدام باید دو مدّ طعام که حدود يك کیلو و نیم طعام است بدهد. و این کفاره برای تراشیدن سر است نه برای خارج شدن از احرام.

مسأله ۶۹۸- چنانچه گفته شد زمان و مکان مقرر برای ذبح قربانی محصور در احرام حج روز عید در منی است، و در احرام عمره مکان آن مکه معظمه است، و بنا بر احتیاط، زمان آن پیش از رفتن حجاج بعرفات می‌باشد.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۳۴

مسأله ۶۹۹- اگر کسی تصادف کرد و با همان حال او را به میقات بردند و محرم شد احرام او صحیح است، پس اگر می‌تواند اعمال را هرچند با کمک دیگران و با نایب گرفتن نسبت به اعمالی که نیابت بردار است انجام دهد باید انجام دهد، و اگر احساس کرد نمی‌تواند در این صورت بوظیفه محصور عمل کند و از احرام خارج شود. و اگر می‌تواند با احرام ذکر شده عمره مفرده بجا آورد بنا بر احتیاط جمع کند بین وظیفه محصور و عمره مفرده و در این صورت، زناشویی نیز براو حلال میشود.

مسأله ۷۰۰- اگر پس از احرام در اثر مانعی غیر از منع ظالم یا بیماری مانند شکستن پا، یا گم کردن راه یا از بین رفتن مخارج راه یا تصادف یا خرابی راه یا مرکب سواری یا گرما و سرمای سخت نتواند عمره و حج خود را تمام کند حکم مصدود و محصور براو جاری است. پس می‌تواند خود را از احرام خارج کند، و احتیاطاً بوظیفه محصور عمل نماید.

مسأله ۷۰۱- مستحب است انسان هنگام احرام عمره یا حج با پروردگار خود شرط کند که هر جا در اثر مانعی نتواند اعمال را ادامه دهد خداوند او را آزاد و از احرام خارج نماید. و چون اختلاف نظر هست که آیا این شرط، فقط

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی _____ مستحب است و جنبه تشریفات دارد و یا نتیجه عملی نیز بر آن مرتب است، چنانچه جمعی از فقهاء فرموده‌اند که نتیجه شرط، خارج شدن مصدود و محصور است از احرام، بدون قربانی؟. احوط اجراء احکامی است که برای مصدود و محصور گفته شد خواه در احرام، شرط واقع شده باشد یا نه.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۳۵

برخی مسائل متفرقه

مسئله ۷۰۲- محرم نمی‌تواند بقصد رفتن بزیارت مدینه منوره یا مقاصد دیگر، احرام خود را بهم زند و اگر لباس احرام را در آورد و بنا گذارد در احرام نباشد از احرام خارج نمیشود، بلکه محرّمات احرام بر او حرام است، و آنچه را موجب کفاره است اگر مرتکب شود علاوه بر اینکه گناه کرده کفاره آن را نیز باید بدهد.

مسئله ۷۰۳- سجده نمودن بر سنگهایی که در مسجد الحرام یا مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم یا مساجد دیگر بکار رفته جائز است هر چند سنگ سیاه یا سنگ مرمر یا سایر سنگهای معدنی باشد.

مسئله ۷۰۴- شرکت در نمازهای جماعت که در مسجد الحرام یا مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم یا مساجد دیگر مسلمین منعقد میشود با رعایت احکام، مستحب مؤکد است. پس بجا است حجاج و زوار محترم از شرکت در جماعتها تخلف نکنند و بنماز جماعت اهمیت دهند و مسائل و آداب آن را بیاموزند.

مسئله ۷۰۵- اگر کسی پس از انجام عمره تمتع و خارج شدن از احرام، مریض شد بگونه‌ای که قدرت انجام حج ندارد، و می‌خواهند او را بوطن خود برگردانند اگر ممکن است بنا بر احتیاط، خودش را طواف دهند بقصد طواف نساء، و اگر ممکن نیست بکسی نیابت دهد یک طواف نساء بنیابت او بجا آورد، و چنانچه حج از سالهای پیش بر او واجب بوده یا استطاعت او تا سال بعد باقی ماند باید در سال بعد، عمره و حج تمتع را بجا آورد و عمره سال پیش کافی نیست. و اگر سال اول استطاعت او بوده و استطاعت او باقی نماند حج بر او واجب نیست، ولی اگر می‌تواند در همانجا بکسی نیابت دهد که در همان سال بنیابت او

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۳۶

عمره و حج بجا آورد بنا بر احتیاط واجب این کار را انجام دهد.

مسئله ۷۰۶- اگر زن بعد از اعمال منی در روز عید حائض شود و همراهان او مهلت نمی‌دهند تا پاک شود و طواف و سعی خود را بجا آورد و راهی برای ماندن ندارد واجب است نائب بگیرد تا طواف حج و نماز آن را بجای او بجا آورد و سپس خودش سعی را انجام دهد و پس از آن، نائب طواف نساء و نماز آن را بنیابت او بجا آورد و اعمال منی در ایام تشریق را نیز خودش انجام دهد.

مسئله ۷۰۷- اگر زن پس از انجام اعمال خود خون دید و شك کرد آیا در حال طواف حائض شده یا بعد از آن، در این صورت بشك خود اعتناء نکند و طواف و نماز او صحیح است.

مسئله ۷۰۸- برای زنها پوشیدن دو لباس احرام بعنوان لنگ و رداء لازم نیست هر چند احتیاط است و جائز است دوخته باشد و می‌توانند لباسهای دیگری را هم پوشیده باشند.

مسئله ۷۰۹- روزه گرفتن در ایام تشریق (یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذی حجه) برای کسانی که در منی هستند جائز

نیست. و روزه گرفتن در عید اضحی و عید فطر بر همه مسلمین حرام است.

مسأله ۷۱۰- قربانیهایی که بعنوان کفاره بر محرم واجب میشود باید گوشت آنها را بفقراء مسلمین صدقه دهد، و خودش نمی تواند از آن استفاده کند، و بواجب النفقة خودش نیز نباید ندهد.

مسأله ۷۱۱- کسی که به نیت عمره تمتع احرام بسته اگر بر حسب اتفاق، حج از او فوت شده نیت خود را بعمره مفرده برگرداند، و با اتمام آن از احرام خارج میشود.

مسأله ۷۱۲- اگر با عین پول یا جنسی که زکات یا خمس به آن تعلق گرفته جامه احرام بخرد و یا به خود جامه خمس تعلق گرفته

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۳۷

باشد احرام در آن جائز نیست، و هم چنین است با احتیاط واجب اگر آن را به پول کلی بخرد ولی در حین معامله بناء داشته باشد، بدهی خود را از پولی که به آن خمس تعلق گرفته یا از مال حرام دیگری بپردازد. ولی اگر آن را به پول کلی در ذمه خریده باشد، و پس از معامله بدهی خود را از مال حرام یا مالی که به آن خمس یا زکات تعلق گرفته باشد بدهد هر چند ذمه او بریء نمیشود ولی تصرف و نماز و طواف او در آن، مانعی ندارد، و حکم گوسفند قربانی در آنچه گفته شد نظیر حکم لباس احرام است.

مسأله ۷۱۳- با احتیاط واجب، لقمه حرم یعنی مالی را که صاحبش در حرم خدا گم کرده، کسی بر ندارد هر چند کمتر از درهم باشد، و اگر برداشت تا یک سال معرفی کند، و پس از معرفی و مایوس شدن از پیدا شدن صاحبش آن را صدقه دهد، و تملك نکند. و اگر صاحبش پیدا شد و مطالبه کرد قیمت آن را به او بدهد مگر اینکه صدقه را اجازه کند.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۳۹

بخش سوم: اعمال و آداب مدینه منوره و بعضی دعاهاى مأثوره در دوازده فصل

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۴۱

فصل اول در اهمیت زیارت مدینه منوره علی مشرفها آلف التحیه و السلام:

مستحب است پس از انجام حج خانه خدا، برای زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت زهراء و ائمه بقیع سلام الله علیهم اجمعین و سایر مشاهد مشرفه بمدینه منوره مشرف شوند. از امیر المؤمنین علیه السلام نقل شده: «زیارت بیت الله الحرام را بزیارت رسول خدا و زیارت قبوری که خداوند حق آنها و زیارت آنها را بر شما لازم نموده تمام کنید، شما بزیارت آن حضرت امر شده اید و ترك آن جفا است.» و از امام صادق علیه السلام نقل شده: «هر يك از شما حج بجا آورد پایان حج خود را زیارت ما قرار دهد که زیارت ما متمم حج است.» و روایات دیگر.

فصل دوم در زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و کیفیت آن

نقل است از آن حضرت که فرمودند: «هر کس بزیارت من آید، در روز قیامت شفیع او خواهم بود.» و فرمودند:

«هرکس مرا در حیات من یا پس از مرگ زیارت کند خدا را زیارت کرده است.» و فرمودند: «هرکس مرا در حیات من یا پس از مرگ زیارت کند در روز قیامت در جوار من خواهد بود.» و به امام

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۴۲

حسین علیه السلام فرمودند: «کسیکه مرا در حیات من یا پس از مرگ یا پدر ترا یا برادر ترا یا ترا زیارت کند بر من است که در روز قیامت او را زیارت کنم و از گناهانش خلاصش نمایم.»

و اما آداب زیارت بطور کلی:

کسی که می خواهد زیارت رسول خدا یا ائمه هدی سلام الله علیهم اجمعین مشرف شود مستحب است غسل کند و لباسهای پاک و پاکیزه بپوشد و قدمها را کوتاه بردارد و با وقار حرکت کند.

و در وقت رفتن بحرم مطهر زبان خود را بذکر و صلوات مشغول کند. و خوب است برای داخل شدن در حرم، اذن دخول بخواند چنانچه کفعمی علیه الرحمة در مصباح (فصل ۴۱ ص ۴۷۲) فرموده اند: هنگامی که خواستی داخل شوی بر پیامبر خدا یا یکی از مشاهد مشرفه بگو: «اللهم انی وقفت علی باب من ابواب بیوت نبیک صلواتک علیه و آله، و قد منعت الناس ان یدخلوا الا باذنه فقلت: یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوت النبیین الا ان یرزقکم». اللهم انی اعتقدت (اعتقدت) حرمة صاحب هذا المشهد الشریف فی غیته کما اعتقدها فی حضرته، و اعلم ان رسولک و خلفائک علیهم السلام احياء عندک یرزقون، یرون مقامی و یسمعون کلامی و یردون سلامی، و انک حجبت عن سمعی کلامهم و فتحت باب فهمی بلذیذ مناجاتهم، و انی استأذنک یا ربّ اولاً و استأذن رسولک صلی الله علیه و آله ثانیاً، و استأذن خلیفتک الامام المفترض علی طاعته (و در اینجا نام امامی را که زیارت میکنی و نام پدرشان را بر زبان جاری میکنی) و الملائكة الموکلین بهذه البقعة المبارکة ثالثاً. ء ادخل یا رسول الله؟ ء ادخل یا حجة الله؟ ء ادخل یا ملائكة الله المقربین المقیمین فی هذا المشهد؟ فاذن لی یا مولای فی الدخول افضل ما اذنت لاحد من اولیائک. فان لم اکن اهلا لذلك فانت اهل لذلك.»

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۴۳

پس از آن آستانه را ببوس و داخل شو و بگو:

«بسم الله و بالله و فی سبیل الله و علی ملة رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اللهم اغفر لی و ارحمنی و تب علی انک انت التواب الرحیم.»

و اما آداب زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم:

«چون خواستی داخل مسجد آن حضرت شوی بایست نزد در و بخوان آن اذن دخول را و داخل شو از در جبرئیل و مقدم بدار پای راست را در وقت دخول پس صد مرتبه: «الله اکبر» بگو پس دو رکعت نماز تحیت مسجد بگذار و برو بسمت حجره شریفه و دست بمال بر آن و ببوس آن را و بگو: «السلام علیک یا رسول الله، السلام علیک یا نبی الله، السلام علیک یا محمد بن عبد الله، السلام علیک یا خاتم النبیین. اشهد انک قد بلغت الرسالة و اقمیت الصلوة و آتیت الزکاة و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر، و عبدت الله مخلصاً حتی اتاک الیقین فصلوات الله علیک و رحمته و علی اهل بیتک الطاهرین.» بحار ج ۹۷، ط. بیروت، ص ۱۶۱.

زیارت آن حضرت به چند کیفیت وارد شده:

زیارت اول:

آنچه کافی و تهذیب بسند صحیح از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند. و شیخ صدوق علیه الرحمة نیز آن را ذکر کرده‌اند و ما آن را از کافی نقل میکنیم. حضرت فرمودند بطرف قبر پیغمبر می روی و می ایستی و برآن حضرت سلام می کنی، پس در زاویه قبر نزد سر آن حضرت در کنار ستون رو بقبله می ایستی در حالیکه شانه چپت بطرف قبر باشد و شانه راستت بطرف منبر و می گوئی:

«اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له، و اشهد ان محمدا عبده و رسوله، و اشهد انك رسول الله، و اشهد انك محمد بن عبد الله، و اشهد انك قد بلغت رسالات ربك و نصحت لامتك، و جاهدت في

احكام و مناسك حج و عمره، ص ۲۴۴

سبيل الله، و عبدت الله (مخلصا) حتى اتاك اليقين بالحكمة و الموعظة الحسنة، و اديت الذي عليك من الحق. و انك قد روفت بالمؤمنين و غلظت على الكافرين، فبلغ الله بك افضل شرف محل المكرمين. الحمد لله الذي استنقذنا بك من الشرك و الضلالة. اللهم فاجعل صلواتك و صلوات ملائكتك المقربين و عبادك الصالحين و انبيائك المرسلين و اهل السماوات و الارضين، و من سبح لك يا رب العالمين من الاولين و الآخرين، على محمد عبدك و رسولك و نبيك و امينك و نجيك و حبيبك و صفيك و خاصتك و صفوتك و خيرتك من خلقك. اللهم اعطه الدرجه و الوسيلة من الجنة. و ابعثه مقاما محمودا يغبطه به الاولون و الآخرون. اللهم انك قلت: «و لو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤك فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحيمًا». و اني اتيت نبيك مستغفرا تابا من ذنوبي، و اني اتوجه بك الى الله ربي و ربك ليغفر لي ذنوبي.»

و اگر حاجتی داری قبر آن حضرت را در پشت شانه‌های خود قرار بده و رو بقبله کن و حاجت خود را طلب کن که انشاء الله برآورده می‌شود. کافی ۴ / ۵۵۰.

و می توانی دعا کنی بگونه‌ای که از امام چهارم حضرت زین العابدین علیه السلام نقل شده که آن حضرت پشت خود را بقبر تکیه می‌داد و رو به بقبله می‌ایستاد و عرض می‌کرد: «اللهم اليك الجأت ظهري، و الي قبر محمد عبدك و رسولك اسندت ظهري، و القبلة التي رضيت لمحمد صلى الله عليه و آله و سلم استقبلت. اللهم اني اصبحت لا املك لنفسي خيرا ما ارجو، و لا ادفع عنها شرا ما احذر عليها. و اصبحت الامور بيدك و لا فقير افقر مني. اني لما انزلت الي من خيرا فقير. اللهم ارددني منك بخير فانه لا راد لفضلك. اللهم اني اعوذ بك من ان تبدل اسمي او تغير جسمي او تزيل نعمتك عني. اللهم كرمني بالتقوى و جملني (و حملني) بالنعم و اغمرني بالعافية و ارزقني شكر

احكام و مناسك حج و عمره، ص ۲۴۵

العافية.» کافی ۴ / ۵۵۱.

و روایت شده که امام صادق علیه السلام زمانیکه بقبر پیغمبر رسیدند دست برقبر گذاشتند و گفتند: «اسأل الله الذي اجبتك و اختارك و هداك و هدى بك ان يصلى عليك» سپس گفتند: «ان الله و ملائكته يصلون على النبي، يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه و سلموا تسليما.» کافی ۴ / ۵۵۲.

مرحوم مجلسی علیه الرحمة در بحار فرموده‌اند که هر چند بحسب ظاهر پشت کردن به قبر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مخالف ادب است ولی در صورتیکه با توجه بخدا باشد و غرض استمداد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم باشد مانعی ندارد. بحار ۹۷/۱۵۱ ط. بیروت.

زیارت دوم:

زیارتی است که ابراهیم بن ابی البلاد از حضرت ابی الحسن علیه السلام (ظاهرا امام هفتم باشد) نقل می‌کند. ابراهیم می‌گوید حضرت بمن فرمودند: هنگام سلام بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چه می‌گویی؟ عرض کردم: آنچه را می‌شناسم و برای ما روایت شده. فرمودند: می‌خواهی آنچه را افضل از این است به تو یاد دهم؟ عرض کردم: آری. حضرت آن را بخط خود نوشتند و بر من خواندند بدین گونه: زمانیکه در کنار قبر آن حضرت ایستادی بگو: «اشهد ان لا الا الله وحده لا شريك له، و اشهد انك محمد بن عبد الله. و اشهد انك رسول الله، و اشهد انك خاتم النبيين، و اشهد انك قد بلغت رسالة ربك و نصحت لامتك، و جاهدت في سبيل ربك و عبدته حتى اتاك اليقين و اديت الذي عليك من الحق. اللهم صل على محمد عبدك و رسولك و نجيبك و امينك و صفيك و خيرتك من خلقك افضل ما صليت على احد من انبيائك و رسلك. اللهم سلم على محمد و آل محمد كما سلمت على نوح في العالمين. و امن على محمد و آل محمد كما مننت على موسى

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۴۶

و هارون. و بارک علی محمد و آل محمد كما بارکت علی ابراهيم و آل ابراهيم انك حميد مجيد. اللهم صل على محمد و آل محمد و ترحم علی محمد و آل محمد. اللهم رب البيت الحرام، و رب المسجد الحرام. و رب الركن و المقام، و رب البلد الحرام، و رب الحل و الحرام، و رب المشعر الحرام بلغ روح محمد صلی الله علیه و آله و سلم مني السلام.» بحار ۹۷/۱۴۹.

زیارت سوم: زیارتی که بزنی از امام هشتم علیه السلام نقل کرده است:

«السلام علی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم (السلام عليك يا رسول الله - مصباح) السلام عليك يا حبيب الله. السلام عليك يا صفوة الله.

السلام عليك يا امين الله. اشهد انك قد نصحت لامتك و جاهدت في سبيل الله و عبدته حتى اتاك اليقين. فجزاك الله افضل ما جزى نبيا عن امته. اللهم صل على محمد و آل محمد افضل ما صليت على ابراهيم و آل ابراهيم انك حميد مجيد.» کافی ۴/۵۵۲.

زیارت چهارم: زیارتی که شیخ کفعمی علیه الرحمة در مصباح ذکر کرده‌اند:

«السلام علی رسول الله امين الله علی و حیه و عزائم امره، الخاتم لما سبق و الفاتح لما استقبل و المهيمن علی ذلك كله و رحمة الله و برکاته. السلام علی صاحب السکينة. السلام علی المدفون بالمدينة. السلام علی المنصور المؤید. السلام علی ابی القاسم محمد و رحمة الله و برکاته.» مصباح کفعمی فصل ۴۱/۴۷۴. البته برای آن حضرت زیارت‌های طولانی بسیاری نقل شده ولی ما برای اختصار به همین چهار زیارت اکتفا می‌کنیم.

و آنچه مهم است خضوع و خشوع و شکستن دل و ارتباط معنوی با آن بزرگواران می‌باشد. و هرکس مایل باشد می‌تواند به کتابهای مفصل از جمله بحار الانوار مرحوم مجلسی ج ۹۷ مراجعه کند.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۴۷

فصل سوم در برخی از اعمال و دعاهائی که در مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم پس از زیارت آن حضرت وارد شده:

۱: برحسب حدیث صحیح، امام صادق علیه السلام فرمودند:

«زمانیکه از دعاء نزد قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فارغ شدی بطرف منبر آن حضرت برو و دست خود را بر آن بمال، و دو قبّه پائین آن را که مانند دو انار می باشند بر صورت و چشمان خود بمال که گفته می شود در آن شفای چشم است. و در آنجا بایست و حمد و ثنای خدا را بجا آور و حاجت خود را طلب کن که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: بین منبر و خانه من باغی از باغهای بهشت است و منبر من بر دری از درهای بهشت واقع شده. پس از آن، بطرف مقام پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم میروی و هر چه خواستی در آنجا نماز می خوانی. و هنگام ورود و خروج از مسجد، صلوات بر آن حضرت بفرست و در آن مسجد بسیار نماز بخوان.» کافی ۵۵۳/۴.

۲: و برحسب آنچه مرحوم مجلسی در بحار الانوار ج ۹۷/۱۶۴ از شیخ مفید و سید بن طاووس و شهید اول و دیگران نقل کرده، پس از زیارت و دعاء نزد قبر آن حضرت یازده مرتبه: «**إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ**» بخوان پس بطرف مقام پیغمبر که بین قبر و منبر واقع شده برو و در کنار ستون پهلوی منبر بایست و منبر را در جلو خود قرار بده و چهار رکعت نماز زیارت بخوان و اگر نمی توانی دو رکعت بخوان. و پس از سلام و تسبیح بگو: «**اللَّهُمَّ هَذَا مَقَامُ نَبِيِّكَ وَ خَيْرُ تَكٍ مِنْ خَلْقِكَ جَعَلْتَهُ رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ جَنَّاتِكَ، وَ شَرَّفْتَهُ عَلَيَّ بِقَاعِ**»

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۴۸

ارضك برسولك، و فضلته به، و عظمت حرمته و اظهرت جلالته، و اوجبت على عبادك التبرك بالصلاة و الدعاء فيه. و قد اقمته في بلا حول و لا قوة كان مني في ذلك الا برحمتك. اللهم و كما ان حبيبك لا يتقدمه في الفضل خليك فاجعل استجابة الدعاء في مقام حبيبك افضل ما جعلته في مقام خليك. اللهم اني اسالك في هذا المقام الطاهر ان تصلي على محمد و آل محمد و ان تعيذني من النار و تمن علي بالجنة و ترحم موقفي و تغفر زلتي و تزكي عملي و توسع لي في رزقي و تدبم عافيتي و رشدی و تسبغ نعمتك علي، و تحفظني في اهلي و مالي، و تحرسني من كل معتد علي و ظالم لي، و تطيل عمري و توقني لما يرضيك عني، و تعصمني عما يسخطك علي. اللهم اني اتوسل اليك بنبيك و اهل بيته حججك على خلقك، و آياتك في ارضك ان تستجيب لي دعائي و تبلغني في الدين و الدنيا املي و رجائي. يا سيدي و مولاي قد سألتك فلا تخيبي، و رجوت فضلك فلا تحرمني، فانا الفقير الي رحمتك الذي ليس لي غير احسانك و تفضلك، فاسألك ان تحرم شعري و بشرى على النار. و تؤتيني من الخير ما علمت منه و ما لم اعلم، و ادفع عني و عن ولدي و اخواني و اخواتي من الشر ما علمت منه و ما لم اعلم. اللهم اغفر لي و لوالدي و لجميع المؤمنين و المؤمنات انك على كل شيء قدير.»

۳: پس نزد منبر برو و آن را با دست خود مسح کن، و دو قبّه انار شکل پائین آن را بگیر و بر صورت و چشمان خود بمال و کلمات فرج را بخوان: «**لا اله الا الله الحليم الكريم، لا اله الا الله العلي العظيم، سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضين السبع و ما فيهن و ما بينهن و رب العرش العظيم، و سلام على المرسلين و الحمد لله رب**»

العالمین» - پس بگو:

«اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له. و اشهد ان محمداً

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۴۹

رسول الله. الحمد لله الذى عقد بك عز الاسلام و جعلك مرتقى خير الانام. و مصعد الداعى الى دار السلام. الحمد لله الذى خفض بانتصابك علو الكفر و سمو الشرك. و نكس بك علم الباطل و راية الضلال، اشهد انك لم تنصب الا لتوحيد الله سبحانه و تمجيدته، و تعظيم الله و تحميدته، و لمواعظ عباد الله و الدعاء الى عفوه و غفرانه. اشهد انك قد استوفيت من رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم بارتقائه فى مراقبك و استوائه عليك حظ شرفك و فضلك و نصيب عزك و ذخرک، و نلت كمال ذكرك و عظم الله حرمتك و اوجب التمسح بك. فكم قد وضع المصطفى صلى الله عليه و آله و سلم قدمه عليك، و قام للناس خطيباً فوقك، و وحد الله و حمدته. و اثنى عليه و مجده، و كم بلغ عليك من الرسالة و ادى من الامانة و تلا من القرآن و قرأ من الفرقان و اخبر من الوحي و بين الامر و النهى، و فصل بين الحلال و الحرام، و امر بالصلاة و الصيام، و حث على الجهاد و انبا عن ثوابه فى المعاد.»

۴: پس از آن بایست در روضه که بین منبر و قبر واقع شده و بگو: «اللهم ان هذه روضة من رياض جنتك، و شعبة من شعب رحمتك التى ذكرها رسولك و ابان عن فضلها و شرف التبعّد لك فيها، فقد بلغتنيها فى سلامة نفسى فلك الحمد يا سيدى على عظيم نعمتك على فى ذلك و على ما رزقتني من طاعتك و طلب مرضاتك و تعظيم حرمة نبيك صلى الله عليه و آله و سلم بزيارة قبره و التسليم عليه و التردد فى مشاهدته و مواقفه. فلك الحمد يا مولاي حمداً ينتظم به محامد حملة عرشك و سكان سماواتك لك، و يقصر عنه حمد من مضى، و يفضل حمد من بقى من خلقك، و لك الحمد يا مولاي حمد من عرف الحمد لك و التوفيق للحمد منك. حمداً يملأ ما خلقت و يبلغ حيث ما اردت و لا يحجب عنك و لا ينقضى دونك و يبلغ اقصى رضاك، و لا يبلغ آخره اوائل محامد خلقك لك، و لك الحمد ما عرف الحمد و اعتقد و جعل

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۵۰

ابتداء الكلام الحمد. يا باقى العز و العظمة، و دائم السلطان و القدرة، و شديد البطش و القوة، و نافذ الامر و الارادة، و واسع الرحمة و المغفرة، و رب الدنيا و الآخرة، كم من نعمة لك على يقصر عن ايسرها حمدى و لا يبلغ ادناها شكرى. و كم من صنایع منك الى لا يحيط بكثرتها و همى و لا يقيدها فكرى. اللهم صل على نبيك المصطفى عين البرية طفلاً و خيرها شاباً و كهلاً، اطهر المطهرين شيمه، و اجود المستمطرين ديمة و اعظم الخلق جرثومة، الذى اوضحت به الدلالات و اقامت به الرسالات و ختمت به النبوات و فتحت به باب الخيرات، و اظهرته مظهرها و ابتعثته نبياً و هادياً اميناً مهدياً داعياً اليك و دالاً عليك و حجة بين يديك. اللهم صل على المعصومين من عترته و الطيبين من اسرته و شرف به لديك منازلهم و عظم عندك مراتبهم، و اجعل فى الرقيق الاعلى مجالسهم، و ارفع الى قرب رسولك درجاتهم، و تمم بقلائه سرورهم و وفر بمكانه انسهم.»

۵: پس بطرف مقام جبرئیل که زیر ناودانی است که هنگام خارج شدن از باب فاطمه بالای سر تو قرار می گیرد- و آن درى است که بطرف بقیع واقع شده- برو و در آنجا دو رکعت نماز بخوان و بگو: «يا من خلق السماوات و ملاها

جنودا من المسبّحين له من ملائكته و الممجدين لقدرته و عظمته، و افرغ على ابدانهم حبل الكرامات، و انطق السنتهم بضروب اللغات، و البسهم شعار التقوى، و قلدهم قلائد النهى، و جعلهم اوفر اجناس خلقه معرفة بوحديته و قدرته و جلالته و عظمته. و اكملهم علما به و اشدّهم فرقا و ادومهم له طاعة و خضوعا و استكانة و خشوعا. يا من فضل الامين جبرئيل عليه السلام بخصائصه و درجاته و منازل و اختاره لوحيه و سفارته و عهده و امانته و انزال كتبه و اوامره على انبيائه و رسله. و جعله واسطة

احكام و مناسك حج و عمره، ص ۲۵۱

بين نفسه و بينهم اسألك ان تصلى على محمد و آل محمد و على جميع ملائكتك و سكان سمواتك. اعلم خلقك بك و اخوف خلقك لك و اقرب خلقك منك و اعلم خلقك بطاعتك، الذين لا يغشاهم نوم العيون و لا سهو العقول و لا فترة الابدان، المكرمين بجوارك و المؤمنين على وحيك المجتبيين الافات و الموقنين السيئات. اللهم و اخصص الروح الامين صلواتك عليه باضعافها منك و على ملائكتك المقربين و طبقات الكروبيين و الروحانيين، و زد في مراتبه عندك و حقوقه التي له على اهل الارض بما كان ينزل به من شرايع دينك و ما بينته على السنة انبيائك من محلاتك و محرّماتك. اللهم اكثر صلواتك على جبرئيل فانه قدوة الانبياء و هادي الاصفياء و سادس اصحاب الكساء. اللهم اجعل وقوفى في مقامه هذا سببا لنزول رحمتك على و تجاوزك عني.»

پس بگو: «ای جواد ای کریم، ای قریب ای بعید اسألك ان تصلى على محمد و آل محمد و ان توفقنى لطاعتك و لا تزيل عني نعمتك، و ان ترزقني الجنة برحمتك و توسع على من فضلك و تغنيني عن شرار خلقك و تلهمني شكرك و ذكرك و لا تخيب يارب دعائي و لا تقطع رجائي بمحمد و آله.»

۶: پس دو رکعت نماز نزد ستون ابی لبابه که ستون توبه است بخوان و سپس بگو: «بسم الله الرحمن الرحيم اللهم لا تهني بالفقر، و لا تذلي بالدين، و لا تردني الى الهلكة، و اعصمني كي اعصم، و اصلحني كي انصلح، و اهدني كي اهتدي. اللهم اعني على اجتهاد نفسي، و لا تعذبني بسوء ظني، و لا تهلكني و انت رجائي. و انت اهل ان تغفر لي و قد اخطأت، و انت اهل ان تعفو عني و قد اقررت، و انت اهل ان تقبل و قد عثرت، و انت اهل ان تحسن و قد اسأت، و انت اهل التقوى و المغفرة فوفقني لما تحب و ترضى و يسر لي اليسير

احكام و مناسك حج و عمره، ص ۲۵۲

و جنبني كل عسير. اللهم اغنني بالحلال من الحرام، و بالطاعات عن المعاصي، و بالغني عن الفقر و بالجنة عن النار، و بالابرار عن الفجار. يا من ليس كمثل شئ و هو السميع البصير و انت على كل شئ قدير.» بحارج ۹۷/۱۶۶.

۷: و در مقام جبرئیل این دعاء نیز وارد شده: «یا جواد یا کریم، یا قریب غیر بعید اسألك بانك انت الله ليس كمثلك شئ ان تعصمني من المهالك، و ان تسلمني من آفات الدنيا و الآخرة و وعاء السفر و سوء المنقلب، و ان تردني سالما الى وطني بعد حج مقبول و سعي مشكور و عمل متقبل، و لا تجعله آخر العهد من حرمك و حرم نبيك صلى الله عليه و آله.» بحارج ۹۷/۱۵۹.

فصل چهارم زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هنگام وداع و خروج از مدینه:

۱: کافی و تهذیب بسند صحیح از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند: زمانیکه خواستی از مدینه کوچ کنی پس از

انجام همه کارهای غسل کن و بطرف قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم برو، و آنچه را در اول ورود انجام داده‌ای انجام بده و بگو: «اللهم لا تجعله آخر العهد من زیارة قبر نبيك فان توفيتني قبل ذلك فاني اشهد في مماتي على ما شهدت عليه في حياتي ان لا اله الا انت و ان محمدا عبدك و رسولك.» کافی ج ۴/ ۵۶۳.

۲: و کفعمی در مصباح فرموده برای وداع پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم چنین می گوئی: «اللهم لا تجعله آخر العهد من زیارة نبيك، فان توفيتني قبل ذلك فاني اشهد في مماتي على ما اشهد عليه في حياتي ان لا اله

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۵۳

الا انت و ان محمدا عبدك و رسولك و انك قد اخترته من خلقك ثم اخترت من اهل بيته الائمة الطاهرين الذين اذبت عنهم الرجس و طهرتهم تطهيرا فاحشرنا معهم و في زمرةهم و تحت لوائهم و لا تفرق بيننا و بينهم في الدنيا و الآخرة يا ارحم الراحمين.» مصباح کفعمی فصل ۴۱/ ۴۷۵.

۳: و این زیارت نیز برای وداع آن حضرت مناسب است هر چند ظاهرا در وداع از راه دور وارد شده است: «السلام عليك يا رسول الله، السلام عليك ايها البشير النذير، السلام عليك ايها السراج المنير، السلام عليك ايها السفير بين الله و بين خلقه، اشهد يا رسول الله انك كنت نورا في الاصلاب الشامخة و الارحام المطهرة لم تنجسك الجاهلية بانجاسها و لم تلبسك من مدلهمات ثيابها.

اشهد يا رسول الله اني مؤمن بك و بالائمة من اهل بيتك، موقن بجميع ما اتيت به راض مومن. و اشهد ان الائمة من اهل بيتك اعلام الهدى و العروة الوثقى و الحجة على اهل الدنيا. اللهم لا تجعله آخر العهد من زیارة نبيك، و ان توفيتني فاني اشهد في مماتي على ما اشهد عليه في حياتي انك انت الله لا اله الا انت و حدك لا شريك لك. و ان محمدا عبدك و رسولك، و ان الائمة من اهل بيته اولياؤك و انصارك و حججك على خلقك و خلفاؤك في عبادك و اعلامك في بلادك و خزان علمك و حفظة سرك و تراجمه و حيك. اللهم صل على محمد و آل محمد، و بلغ روح نبيك محمد في ساعتی هذه و في كل ساعة تحية مني و سلاما. و السلام عليك يا رسول الله و رحمة الله و بركاته، لا جعله الله آخر تسليمي عليك.» بحار ج ۹۷/ ۱۸۷.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۵۴

فصل پنجم در زیارت حضرت زهراء مرضیه علیها السلام و محل دفن آن حضرت:

قبر آن مظلومه کبری علیها السلام همچون قدر آن بزرگوار مخفی مانده، و در محل آن اختلاف است:

۱: از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده که آن حضرت در اطاق خودشان دفن شدند، و زمانی که بنی امیه مسجد پیغمبر را توسعه دادند قبر آن حضرت در مسجد واقع شد.

۲: از امام صادق علیه السلام روایت شده که: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: بین قبر من و منبر من باغی از باغهای بهشت است، زیرا قبر فاطمه علیها السلام بین قبر رسول خدا و منبر آن حضرت است» (در روضه)

۳: شیخ صدوق «قده» فرموده: «روایات در جای قبر فاطمه علیها السلام مختلف است: برخی روایت کرده‌اند آن حضرت در بقیع دفن شدند، و برخی روایت کرده‌اند بین قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و منبر دفن شدند، و اینکه پیامبر فرمودند: بین قبر من و منبر من باغی از باغهای بهشت است بر این اساس است که قبر فاطمه

علیها السلام بین قبر رسول خدا و منبر است. و برخی روایت کرده‌اند آن حضرت در اطاق خویش دفن شدند و زمانیکه بنی امیه مسجد را توسعه دادند قبر آن حضرت در مسجد واقع شد. و این قول نزد من صحیح است.» فقیه ج ۵۷۲ / ۲.

و نظیر این کلام از شیخ مفید و شیخ طوسی علیهما الرحمة نیز نقل شده. و سائل بخش مزار.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۵۵

و اما کیفیت زیارت آن حضرت:

۱: زیارت اول:

زیارت مختصری است که تهذیب آن را از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل کرده، (و ظاهراً مقصود، ابو جعفر دوم، امام نهم علیه السلام باشد.) حضرت به ابراهیم عریضی می‌فرماید: زمانیکه بقبر جدّهات فاطمه علیها السلام رسیدی بگو: «یا ممتحنة امتحنك الله الذی خلقك قبل ان یخلقك فوجدك لما امتحنك صابرة و زعمنا انا لك اولیاء و صدقون و صابرون لكل ما اتانا به ابوك صلی الله علیه و آله و سلم و اتانا به وصیه علیه السلام فاننا نسالک ان کننا صدقناک الا الحقنا بتصدقنا لهما بالبشری لبشر انفسنا بانا قد طهرنا بولایتک.» تهذیب ج ۱۰ / ۶.

۲: زیارت دوم:

زیارت مختصری است که در بحار از اقبال نقل کرده: «السلام عليك يا سيّدة نساء العالمين. السلام عليك يا والدة الحجاج على الناس اجمعين. السلام عليك ايّها المظلومة الممنوعة حقّها. اللهم صلّ على أمّتك و ابنة نبيّك و زوجة وصی نبيّك صلاة تزلّفها فوق زلفی عبادك المكرّمين من اهل السموات و اهل الارضين.»

روایت شده هرکس حضرت فاطمه علیها السلام را بدین نحو زیارت کند و استغفار کند خدا را، خداوند او را می‌بخشد و داخل بهشت می‌کند. - بحار ج ۱۹۸ / ۹۷، ط. بیروت -

۳: زیارت سوم:

زیارتی است که شیخ صدوق «قده» آن را در فقیه ج ۵۷۳ / ۲، باضافه صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام ذکر کرده و شیخ طوسی نیز در تهذیب - ج ۱۰ / ۶ - اصل زیارت را ذکر کرده و فرموده در یکی از دو محل مسجد یعنی روضه که بین قبر رسول

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۵۶

خدا صلی الله علیه و آله و سلم و منبر است، و یا جای بیت حضرت فاطمه علیها السلام می‌ایستی و می‌گوئی: «السلام عليك يا بنت رسول الله، السلام عليك يا بنت نبيّ الله، السلام عليك يا بنت حبيب الله، السلام عليك يا بنت خليل الله، السلام عليك يا بنت صفی الله، السلام عليك يا بنت امين الله، السلام عليك يا بنت خير خلق الله، السلام عليك يا بنت افضل انبياء الله و رسله و ملائکته، السلام عليك يا ابنة خير البریة، السلام عليك يا سيّدة نساء العالمين من الاولين و الآخرين، السلام عليك يا زوجة ولی الله و خير الخلق بعد رسول الله، السلام عليك يا امّ الحسن و الحسين سيّدی شباب اهل الجنة. السلام عليك ايّها الصديقة الشهيدة، السلام عليك ايّها الرضية المرضية، السلام عليك ايّها الفاضلة الزكية، السلام عليك ايّها الحورية الانسية، السلام عليك ايّها التقية التقية، السلام عليك

ايتها المحدثّة العليمة، السلام عليك ايتها المظلومة المغصوبة، السلام عليك ايتها المضطهدة المقهورة، السلام عليك يا فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ورحمة الله وبركاته. صلى الله عليك وعلى روحك و بدئك. أشهد أنك مضيت على بينة من ربك، و ان من سرّك فقد سرّ رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم، و من جفاك فقد جفا رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم، و من آذاك فقد آذا رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم، و من وصلك فقد وصل رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم، و من قطعك فقد قطع رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم، و لأنك بضعة منه و روحه التي بين جنبيه، كما قال عليه افضل سلام الله و صلواته. اشهد الله و رسله و ملائكته اني راض عمن رضيت عنه، ساخط على من سخطت عليه، متبرئ ممن تبرأت منه، موال لمن واليت، معاد لمن عاديت، مبغض لمن ابغضت، محب لمن احببت، و كفى بالله شهيدا و حسيبا و جازيا و ميثيا.»

پس بگو:

«اللهم صلّ و سلم على عبدك و رسولك محمد بن عبد الله خاتم

احكام و مناسك حج و عمره، ص ۲۵۷

النبيين، و خير الخلائق اجمعين. و صلّ على وصيه علي بن ابيطالب امير المؤمنين و امام المسلمين و خير الوصيين. و صلّ على فاطمة بنت محمد سيّدة نساء العالمين، و صلّ على سيدي شباب اهل الجنة الحسن و الحسين. و صلّ على زين العابدين علي بن الحسين، و صلّ على محمد بن علي باقر علم النبيين، و صلّ على الصادق عن الله جعفر بن محمد، و صلّ على كاظم الغيظ في الله موسى بن جعفر، و صلّ على الرضا علي بن موسى، و صلّ على التقى محمد بن علي، و صلّ على النقي علي بن محمد، و صلّ على الزكي الحسن بن علي، و صلّ على الحجة القائم ابن الحسن بن علي.

اللهم احى به العدل، و امت به الجور، و زين بطول بقائه الارض و اظهر به دينك و سنة نبيك حتى لا يستخفى بشيء من الحق مخافة احد من الخلق و اجعلنا من اعوانه و اشياعه، و المقبولين في زمرة اوليائه يا رب العالمين. اللهم صلّ على محمد و اهل بيته الذين اذهبت عنهم الرجس و طهرتهم تطهيرا.»

زيارتهاى ديگرى نيز براى آن حضرت ذكر شده ولى براى اختصار به همين سه زيارت اكتفا مى كنيم.

[نماز پس از زيارت آن حضرت]

برحسب آنچه نقل شده از سيد ابن طاووس در اقبال: پس از زيارت حضرت زهراء عليها السلام دو ركعت نماز زيارت بخوان در هر ركعت «حمد» و شصت مرتبه «قُلْ هُوَ اللهُ» و اگر نمى توانى در ركعت اول «حمد» و «قُلْ هُوَ اللهُ» و در ركعت دوم «حمد» و «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» و پس از سلام، اين دعا را بخوان: «اللهم انى اتوجه اليك بنبينا محمد صلى الله عليه وآله وسلم و باهل بيته صلواتك عليهم. و اسئلك بحق العظيم عليهم الذى لا يعلم كنهه سواك. و اسئلك بحق من حقه عندك عظيم، و باسمائك الحسنى التى امرتنى ان ادعوك بها. و اسئلك باسمك الاعظم الذى امرت به ابراهيم ان يدعوا به الطير

احكام و مناسك حج و عمره، ص ۲۵۸

فاجابته. و باسمك العظيم الذي قلت للنار كوني برداً و سلاماً على إبراهيم فكانت برداً. و باحب الاسماء اليك و اشرفها و اعظمها لديك و اسرعها اجابة و انجحها طلبه، و بما انت اهله و مستحقه و مستوجبه و اتوسل اليك و ارغب اليك و اتضرع و الح عليك. و اسئلك بكتبك التي انزلتها على انبيائك و رسلك صلواتك عليهم من التوراة و الانجيل و الزبور و القرآن العظيم فان فيها اسمك الاعظم، و بما فيها من اسمائك العظمى، ان تصلى على محمد و آل محمد. و ان تفرج عن آل محمد و شيعتهم و محبيهم و عني، و تفتح ابواب السماء لدعائي و ترفعه في عليين، و تأذن في هذا اليوم و في هذه الساعة بفرجي و اعطاء املي و سؤلي في الدنيا و الآخرة. يا من لا يعلم احد كيف هو و قدرته الا هو، يا من سد الهواء بالسماء، و كبس الارض على الماء، و اختار لنفسه احسن الاسماء، يا من سمى نفسه بالاسم الذي يقضى به حاجة من يدعوه، اسئلك بحق ذلك الاسم فلا شفيع اقوى لي منه، ان تصلى على محمد و آل محمد، و ان تقضى لي حوائجي و تسمع بمحمد و علي و فاطمة و الحسن و الحسين و علي بن الحسين و محمد بن علي و جعفر بن محمد و موسى بن جعفر و علي بن موسى و محمد بن علي و علي بن محمد و الحسن بن علي و الحجة المنتظر لإذلك، صلواتك و سلامك و رحمتك و بركاتك عليهم صوتي ليشفعوا لي اليك و تشفعهم في و لا تردني خائباً بحق لا اله الا انت.»

پس حاجات خود را از خدا بخواه که ان شاء الله برآورده می شود. بحار ج ۹۷ / ۲۰۰.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۵۹

فصل ششم زیارت ائمه بقیع

«امام حسن مجتبی و امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق» صلوات الله عليهم اجمعین که قبرشان در وسط بقیع و کنار هم قرار گرفته است:

چون خواستی بزیارت این چهار امام بزرگوار بروی آنچه را از آداب زیارت از غسل و پوشیدن لباس پاک و پاکیزه و اذن دخول قبلاً گفته شد انجام بده و بگو: «یا موالی یا ابناء رسول الله عبدکم و ابن امتکم الذلیل بین ایدیکم، و المضعف فی علو قدرکم و المعترف بحقکم جائکم مستجیراً بکم قاصداً الی حرکم متقرباً الی مقامکم متوسلاً الی الله تعالی بکم. ء ادخل یا موالی؟ ء ادخل یا اولیاء الله؟ ء ادخل یا ملائكة الله المحققین بهذا الحرم المقیمین بهذا المشهد؟» و با خضوع و خشوع و دل حزین داخل شو و پای راست را مقدم بدار و بگو: «الله اکبر کبیراً و الحمد لله کثیراً و سبحان الله بكرة و اصیلاً، و الحمد لله الفرد الصمد الماجد الاحد المتفضل المنان المتطول الحنان الذی من بطوله و سهل زیارة ساداتی باحسانه و لم يجعلنی عن زیارتهم ممنوعاً بل تطول و منح» پس نزدیک قبور آن بزرگواران برو و پشت بقبله رو بقبور مطهره کن و زیارت را بخوان.

و ما در اینجا دو زیارت را نقل می کنیم: زیارت اول را کافی و تهذیب و فقیه نقل کرده اند و ما آن را از متن فقیه نقل می کنیم. و زیارت دوم را کفعمی علیه الرحمة در مصباح نقل کرده است.

کافی ج ۴ ص ۵۵۹- تهذیب ج ۶ ص ۷۹- فقیه ج ۲ ص ۵۷۵- مصباح فصل ۴۱ ص ۴۷۵.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۶۰

زیارت اول:

«السَّلامُ علیکم یا ائمة الهدی، السَّلامُ علیکم یا اهل التَّقوی، السَّلامُ علیکم یا حجج الله علی اهل الدنیا. السَّلامُ علیکم ایها القوامون فی البریة بالقسط، السَّلامُ علیکم یا اهل الصَّفوة، السَّلامُ علیکم یا اهل النُّجوى. اشهد انکم قد بلغتُم و نصحتُم و صبرتُم فی ذات الله عزَّ و جلَّ و کذبتُم و اسیی الیکم فغفرتُم. و اشهد انکم الائمة الرَّاشدون، و ان طاعتکم مفروضة، و ان قولکم الصِّدق، و انکم دعوتُم فلم تجابوا، و امرتُم فلم تطاعوا، و انکم دعائم الدین، و ارکان الارض، لم تزالوا بعین الله ینسخکم فی اصلاب المطهرین و ینقلکم فی ارحام المطهرات، لم تدنسکم الجاهلیة الجهلاء، و لم تشرک فیکم فتن الاهواء، طبتُم و طابت منبتکم، انتم الذین من بکم علینا دیان الدین فجعلکم فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمہ، و جعل صلواتنا علیکم رحمة لنا و کفارة لذنوبنا اذا اختارکم لنا و طیب خلقنا بما من علینا من ولایتکم، و کنا عنده بفضلکم معترفین، و بتصدیقنا ایاکم مقررین. و هذا مقام من اسرف و اخطأ و استکان و اقر بما جنی، و رجا بمقامه الخلاص و ان ینتقذہ بکم مستنقذ الهلکی من النار، فکونوا لی شفعا فقد وفدت الیکم اذ رغب عنکم اهل الدنیا، و اتخذوا آیات الله هزوا، و استکبروا عنها. یا من هو قائم لا یسهو و دائم لا یلهو و محیط بكل شیء. لك المن بما وفقتنی و عرفتنی بما ائتمنتنی علیه اذ صد عنه عبادک، و جهلوا معرفتہم و استخفوا بحقہم و مالوا الی سواہم، فكانت المنة منک علی مع اقوام خصصتہم بما خصصتنی بہ. فلك الحمد اذ كنت عندك فی مقامی مكتوبا فلا تحرمنی ما رجوت و لا تخیننی فیما دعوت.»

پس دعا کن برای خود به آنچه دوست داری و هشت رکعت نماز در مسجدی که آنجا هست بجا آور. البته این هشت رکعت نماز، عبارت است از چهار دو رکعت نماز زیارت برای چهار امام، و چون فعلا در آنجا مسجدی وجود

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۶۱

ندارد مانعی ندارد بقصد رجاء پس از خروج از بقیع در جای دیگر خوانده شود.

زیارت دوم ائمه بقیع علیہم السَّلام:

«السَّلامُ علیکم یا خزَّان علم الله و حفظة سرِّه و تراجمه و حیه، ایتیکم یا بنی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم عارفا بحقکم مستبصرا بشانکم معادیا لأعدائکم، بابی انتم و امی، صلی الله علی ارواحکم و ابدانکم. اللهم انی اتولی آخرهم کما تولیت اولهم و ابرا من کل ولیجة دونهم، آمنت بالله و کفرت بالجبت و الطاغوت و اللات و العزی و کل ند یدعی من دون الله.» مصباح کفعمی، فصل ۴۱ / ۴۷۵.

فصل هفتم زیارت ائمه بقیع هنگام وداع:

۱: «السَّلامُ علیکم ائمة الهدی و رحمة الله و برکاته، استودعکم الله و اقرء علیکم السَّلام، آمنا بالله و بالرسول و بما جتتم به و دللتم علیه، اللهم فاکتبنا مع الشَّاهدین.» سپس خدا را بخوان و از خدا بخواه آخرین زیارت تو نباشد. تهذیب ۸۰ / ۶

۲: زیارتی است که در فقیه و تهذیب در ذیل زیارت جامعه بعنوان وداع ذکر کرده‌اند و ما آن را از فقیه نقل می‌کنیم: «السَّلامُ علیکم سلام مودع لا سئم و لا قال و لا مال و رحمة الله و برکاته علیکم یا اهل بیت النبوة انه حمید مجید، سلام ولیکم غیر راغب عنکم، و لا مستبدل بکم، و لا مؤثر علیکم، و لا منحرف عنکم، و لا زاهد فی قربکم، لا جعله الله آخر العهد من زیارة قبورکم، و اتیان مشاهدکم. و السَّلامُ علیکم و حشرنی الله فی زمرتکم، و اوردنی

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۶۲

حوضکم، و جعلنی فی حزبکم، و أرضاکم عنی و مکننی فی دولتکم، و أحيانی فی رجعتکم، و ملکنی فی ایامکم، و شکر سعیی بکم، و غفر ذنبی بشفاعتکم، و اقال عثرتی بمحبتکم، و اعلى کعبی بمولاتکم، و شرفنی بطاعتکم، و اعزنی بهداکم. و جعلنی ممن انقلب مفلحاً منجحاً، غانماً سالماً، معافاً غنياً فائزاً برضوان الله و فضله و کفايته بافضل ما ينقلب به احد من زوارکم و موالیکم و محبيکم و شيعتکم، و رزقنی الله العود ثم العود ابداً ما ابقانی ربی، بنية صادقة و ايمان و تقوی و اخبات و رزق واسع حلال طيب. اللهم لا تجعله آخر العهد من زیارتهم و ذکرهم و الصلاة عليهم، و اوجب لی المغفرة و الرحمة و الخير و البركة و التقوی و الفوز و النور و الايمان و حسن الاجابة، كما اوجبت لاوليائك العارفين بحقهم الموجبين طاعتهم، الراغبين فی زیارتهم المتقربين اليك و اليهم. بابی انتم و امی و نفسی و اهلی و مالی، اجعلونی فی همکم، و صیرونی فی حزبکم و ادخلونی فی شفاعتکم، و اذکرونی عند ربکم. اللهم صل علی محمد و آل محمد و ابلغ ارواحهم و اجسادهم منی السلام. و السلام علیه و عليهم و رحمة الله و بركاته. و صلی الله علی محمد و آله و سلم كثيراً، و حسبنا الله و نعم الوکیل.» تهذیب ۶/ ۱۰۱.

فصل هشتم

زیارت ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و فاطمه بنت اسد مادر حضرت امیر علیه السلام و حضرت حمزه عموی آن دو بزرگوار و سایر شهداء احد:

[زیارت ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم]

۱: ابراهیم فرزند رسول خدا بود از ماریه قبطیه که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به او بسیار علاقه داشت و نزدیک بود دو ساله شود که از

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۶۳

دنیا رفت و در بقیع دفن شد، و زیارت آن حضرت بر حسب آنچه مرحوم مجلسی در بحار الانوار از شیخ مفید و سید ابن طاووس و دیگران نقل کرده بدین نحو است: «السلام علی رسول الله، السلام علی نبی الله، السلام علی حبیب الله، السلام علی صفی الله، السلام علی نجی الله، السلام علی محمد بن عبد الله سید الانبیاء و خاتم المرسلین و خیرة الله من خلقه فی ارضه و سمائه، السلام علی جمیع انبیاء الله و رسله، السلام علی السعداء و الشهداء و الصالحین، السلام علینا و علی عباد الله الصالحین، السلام علیک ایها الروح الزاکیة، السلام علیک ایها النفس الشریفة، السلام علیک ایها السلالة الطاهرة، السلام علیک ایها النسمة الزاکیة، السلام علیک یا ابن خیر الوری، السلام علیک یا ابن النبی المجتبی، السلام علیک یا ابن المبعوث الی كافة الوری، السلام علیک یا ابن البشیر النذیر، السلام علیک یا ابن السراج المنیر، السلام علیک یا ابن المؤید بالقرآن، السلام علیک یا ابن المرسل الی الانس و الجن، السلام علیک یا ابن صاحب الرأیة و العلامة، السلام علیک یا ابن الشفیع یوم القیامة، السلام علیک یا ابن من حباه الله بالکرامة، السلام علیک و رحمة الله و بركاته، اشهد انک قد اختار الله لك دار انعامه قبل ان یتکتب علیک احکامه او یکلفک حلاله و حرامه، فنقلک الیه طیباً زاکیا مرضیا طاهراً من کل نجس، مقدساً من کل دنس، و بواک

جَنَّةِ الْمَأْوَى، و رفعتك الى الدرجات العلى، و صلى الله عليك صلاة يقرأ بها عين رسوله، و يبلغه أكبر مأموله. اللهم اجعل افضل صلواتك و ازكاهها، و انمى بركاتك و اوفهاها على رسولك و نبيك و خيرتك من خلقك محمد خاتم النبيين، و على ما نسل من اولاده الطيبين و على ما خلف من عترته الطاهرين برحمتك يا ارحم الراحمين، اللهم انى اسئلك بحق محمد صفيك و ابراهيم نجل نبيك ان تجعل سعيا بهم مشكورا، و ذنبا بهم مغفورا و حياتي بهم سعيدة، و عافيتي بهم حميدة، و حوائجي بهم مقضية،

احكام و مناسك حج و عمره، ص ۲۶۴

و افعالى بهم مرضية و امورى بهم مسعودة، و شئونى بهم محمودة، اللهم و احسن لى التوفيق، و نفس عنى كل هم و ضيق، اللهم جنبنى عقابك، و امنحنى ثوابك، و اسكننى جناتك و ارزقنى رضوانك و امانك، و اشرك فى صالح دعائى والدى و ولدى و جميع المؤمنين و المؤمنات الاحياء منهم و الاموات انك و لى الباقيات الصالحات. آمين رب العالمين.»

پس از آن حاجات خود را طلب کن و دو رکعت نماز زیارت نیز بخوان. بحار الانوار ج ۹۷ ص ۲۱۷ طبع بیروت.

[زیارت فاطمه بنت اسد]

۲: زیارت فاطمه بنت اسد مادر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در کنار ائمه بقیع علیهم السلام: «السلام على نبي الله، السلام على رسول الله، السلام على محمد سيد المرسلين، السلام على محمد سيد الاولين، السلام على محمد سيد الآخرين، السلام على من بعثه الله رحمة للعالمين، السلام عليك ايها النبي و رحمة الله و بركاته، السلام على فاطمة بنت اسد الهاشمية، السلام عليك ايها الصديقة المرضية، السلام عليك ايها التقية النقية، السلام عليك ايها الكريمة الرضية، السلام عليك يا كافلة محمد خاتم النبيين، السلام عليك يا والدة سيد الوصيين، السلام عليك يا من ظهرت شفقتها على رسول الله خاتم النبيين، السلام عليك يا من تربيتها لولى الله الامين، السلام عليك و على روحك و بدنك الطاهر، السلام عليك و على ولدك و رحمة الله و بركاته. اشهد انك احسنت الكفالة و اديت الامانة، و اجتهدت فى مرضات الله و بالغت فى حفظ رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم عارفة بحقه، مؤمنة بصدقه، معترفة بنبوته، مستبصرة بنعمته، كافلة بتربيته، مشفقة على نفسه واقفة على خدمته، مختارة رضاه. و اشهد انك مضيت على الايمان و التمسك باشراف الاديان راضية مرضية طاهرة زكية تقية نفية، فرضى الله عنك و ارضاك، و جعل الجنة منزلك و ماواك.»

احكام و مناسك حج و عمره، ص ۲۶۵

اللهم صل على محمد و آل محمد، و انفعنى بزيارتها، و ثبتنى على محبتها، و لا تحرمنى شفاعتها و شفاعاة الائمة من ذريتها، و ارزقنى مرافقتها و احشرنى معها و مع اولادها الطاهرين. اللهم لا تجعله آخر العهد من زيارتى ايها و ارزقنى العود اليها ابدما ما ابقيتنى، و اذا توفيتنى فاحشرنى فى زمرتها و ادخلنى فى شفاعتها برحمتك يا ارحم الراحمين. اللهم بحقها عندك و منزلتها لديك اغفر لى و لوالدى و لجميع المؤمنين و المؤمنات. و آتنا فى الدنيا حسنة و فى الآخرة حسنة، و قنا برحمتك عذاب النار.» پس دو رکعت نماز زیارت بجا آور و براى آنچه

[زیارت حضرت حمزه عموی پیامبر (ص)]

۳: زیارت حضرت حمزه عموی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در احد:

مرحوم محدث قمی از رساله فخریه فخر المحققین نقل میکند که: «مستحب است زیارت حمزه و سایر شهداء احد زیرا از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده: هر که زیارت کند مرا و زیارت نکند عمم حمزه را بمن جفا کرده است.» و از شیخ مفید رحمة الله علیه نقل می کند که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در زمان حیات خود امر کردند بزیارت حمزه و خودشان بزیارت آن حضرت و سایر شهداء می رفتند، و حضرت زهراء علیها السلام نیز پس از وفات پیغمبر صبحگاه و شبانگاه بزیارت حمزه می رفتند. و اما کیفیت زیارت آن حضرت: «السلام عليك يا عم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم السلام عليك يا خير الشهداء، السلام عليك يا اسد الله و اسد رسوله، اشهد انك قد جاهدت في الله عز و جل، و جدت بنفسك و نصحت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و كنت فيما عند الله سبحانه راغباً، بابي انت و امي، اتيتك متقرباً الى رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بذلك راغباً اليك في الشفاعة، ابتغى بزيارتك خلاص نفسي متعوذاً بك من نار استحقها مثلي بما جنيت على نفسي هاربا من ذنوبي التي احتطبتها على ظهري، فزعا اليك رجاء رحمة ربي،

احكام و مناسك حج و عمره، ص ۲۶۶

اتيتك من شقة بعيدة طالبا فكاك رقبتي من النار، و قد اوقرت ظهري ذنوبي و اتيت ما اسخط ربي، و لم اجد احدا افرع اليه خيرا لي منكم اهل بيت الرحمة، فكن لي شفيعا يوم فقري و حاجتي فقد سرت اليك محزوناً، و اتيتك مكروبا، و سكبت عبرتي عندك باكيا، و صرت اليك مفرداً و انت ممن امرني الله بصلته، و حثني على بره، و دلني على فضله، و هداني لجنبه، و رغبتني في الوفاة اليه و الهمني طلب الحوائج عنده، انتم اهل بيت لا يشقى من تولاكم، و يخيب من اتاكم، و لا يخسر من يهويكم و لا يسعد من عاداكم.» - پس رو به قبله بایست و دو رکعت نماز زیارت بخوان. بحار ج ۹۷ / ۲۲۰.

[زیارت سایر شهداء احد]

۴: زیارت سایر شهداء احد: «السلام على رسول الله، السلام على نبي الله، السلام على محمد بن عبد الله، السلام على اهل بيته الطاهرين، السلام عليكم ايها الشهداء المؤمنون، السلام عليكم يا اهل بيت الايمان و التوحيد، السلام عليكم يا انصار دين الله و انصار رسوله عليه و آله السلام، سلام عليكم بما صبرتم فنعم عقبى الدار، اشهد ان الله اختاركم لدينه و اصطفىكم لرسوله، و اشهد انكم قد جاهدتم في الله حق جهاده و ذبتم عن دين الله و عن نبيه و جدتم بانفسكم دونه، و اشهد انكم قتلتم على منهاج رسول الله فجزاكم الله عن نبيه و عن الاسلام و اهله افضل الجزاء، و عرفنا و جوهكم في محل رضوانه و موضع اكرامه، مع النبيين و الصديقين و الشهداء و الصالحين و حسن اولئك رفيقا. اشهد انكم حزب الله، و ان من حاربكم فقد حارب الله، و انكم لمن المقربين الفائزين، الذين هم احياء عند ربهم يرزقون، فعلى من قتلكم لعنة الله و الملائكة و الناس اجمعين، اتيتكم يا اهل التوحيد زائرا و بحقكم عارفا، و بزيارتكم الى الله متقرباً، و بما سبق من شريف الاعمال و مرضى الافعال عالما، فعليكم سلام الله و رحمته و بركاته، و على من قتلكم

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۶۷

لعنة الله و غضبه و سخطه، اللهم انفعني بزيارتهم و ثبتني على قصدهم و توفني على ما توفيتهم عليه و اجمع بيني و بينهم في مستقر دار رحمتك، اشهد انكم لنا فرط و نحن بكم لاحقون.» و بسیار «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» بخوان، و برای هر شهیدی که او را زیارت می کنی دو رکعت نماز زیارت بخوان. بحار ج ۹۷ / ۲۲۱.

فصل نهم زیارت سایر مساجد و مشاهد مدینه منوره:

بر حسب حدیث صحیح، امام صادق علیه السلام فرمودند: «رفتن به هیچ یک از مشاهد (مدینه) را ترك نکن: مسجد قبا، زیرا مسجدی است که از روز اول براساس تقوی پایه گذاری شده، و مشربه مادر ابراهیم، و مسجد فضیخ، و قبور شهداء، و مسجد احزاب که همان مسجد فتح است.» و نیز فرمودند: بما خبر رسیده پیامبر زمانیکه زیارت قبور شهداء می رفتند می فرمودند: «السلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار»

و در مسجد فتح بگو: «یا صریخ المکروبین و یا مجیب دعوة المضطربین اکشف همی و غمی و کربی کما کشف عن نبیک همه و غمه و کربه و کفیته هول عدوه فی هذا المكان.» - کافی ج ۴ / ۵۶۰ -

و در حدیث دیگر وارد شده: از امام صادق علیه السلام سؤال شد: ما زیارت مسجدها که در اطراف مدینه است می رویم بکدام از آنها ابتداء کنیم؟ فرمودند: به مسجد قبا و در آن بسیار نماز بخوان زیرا اول، مسجدی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آن نماز خوانده، پس به مشربه مادر ابراهیم برو، و در آنجا نماز بخوان که آنجا محل سکونت و نماز رسول خدا بوده. و زمانیکه از این ناحیه فارغ شدی بطرف احد برو و در مسجدی که نزدیک سنگلاخ است نماز

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۶۸

بخوان پس بطرف قبر حمزه برو و بر او سلام کن و سپس بطرف قبور سایر شهداء برو.» - کافی ج ۴ / ۵۶۰ -
به غرفه و نیز بباغچه، مشربه گفته میشود و مشربه ام ابراهیم محل سکونت ماریه قبطیه مادر ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده، و در نتیجه یکی از منازل مسکونی آن حضرت بوده، و بعد بصورت مسجد در آمده.

و مسجد فضیخ نزدیک مسجد قبا بوده، و فضیخ بمعنی درخت خرما است و چون در آن مسجد درخت خرما وجود داشته به آن مسجد فضیخ می گفته اند و روایت شده که داستان رد شمس در آن مسجد واقع شده - کافی ج ۴ / ۵۶۲ -
و از این جهت به آن مسجد رد شمس نیز می گفته اند. غیر از این مسجد، مسجد دیگری در محله بنی نضیر هست که نقل شده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ با بنی نضیر شش روز در آن جا نماز گذارده اند و به آن نیز مسجد فضیخ می گویند.

و در ناحیه احد یک مسجد نزدیک سنگلاخ مدینه واقع شده که به آن مسجد «حره» میگویند، و دیگری در کنار کوه احد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هنگام جنگ احد در آن، نماز خوانده اند. و مسجد احزاب که به آن مسجد فتح گفته می شده نیز در جنگ احزاب محل نماز آن حضرت بوده. از مساجد مشهوره مدینه، مسجد امیر المؤمنین علیه السلام در مقابل قبر حمزه و مسجد مباحله و مسجد سلمان می باشد.

در مدینه و اطراف آن بمناسبتهای مختلف مساجد بسیاری بناء شده و بیشتر آنها دارای شرافت و برکات بوده و

یادآور خاطره تاریخی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت و دیگر یاران با ارزش و فداکار اسلام و توحید می باشد. و زیارت چنین اماکن مقدس در حقیقت موجب احیاء ارزشهای معنوی فراموش شده و

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۶۹

الگو قرار دادن آن بزرگواران و تاسی به آنان می باشد. و از این جهت رفتن به آن مساجد بسیار مفید و با ارزش است. هر چند متأسفانه برخی از آنها مخروبه شده است.

و از جمله مساجدی که بسیار تاکید شده که در آن نماز خوانده شود مسجد غدیر است که در غدیر خم در وسط راه بین مکه و مدینه بوده، و در آنجا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم امیر المؤمنین علیه السلام را به امامت منصوب فرمودند. ولی چنانچه گذشت بیش از همه نسبت بنماز در مسجد قبا تاکید شده، و برحسب روایت وارده: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «هر کس بمسجد قبا آید و دو رکعت نماز در آن بجا آورد ثواب یک عمره دارد. - بحار ج ۹۷ / ۲۱۵ -

فصل دهم زیارت امین الله و زیارت وارث و دو زیارت از زیارات جامعه:

[زیارت امین الله]

۱: زیارت امین الله که برحسب حدیث معتبر، امام زین العابدین علیه السلام آن را با دعاء آن نزد قبر مولی امیر المؤمنین علیه السلام خواندند، و برحسب نقل جابر از امام پنجم می توان آن را نزد قبور سایر ائمه علیهم السلام نیز خواند (با تغییر جمله یا امیر المؤمنین) و مرحوم مجلسی آن را از صحیح ترین زیارتها شمرده اند، و ما آن را از بحار بنقل از کامل الزیارات نقل می کنیم بدین گونه که حضرت زین العابدین علیه السلام برقبر امیر المؤمنین علیه السلام ایستادند گریستند و گفتند: «السلام عليك يا امير المؤمنين و رحمة الله و برکاته، السلام عليك يا امين الله في ارضه و حجته على عباده، اشهد انك جاهدت في الله حق جهاده، و عملت بكتابه، و اتبعت سنن نبيه صلى الله عليه و آله، حتى دعاك الله الى جواره، و قبضك اليه باختياره، و الزم اعدائك الحجة في قتلهم اياك، مع ما لك من الحجج

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۷۰

البالغة على جميع خلقه، اللهم فاجعل نفسي مطمئنة بقدرك، راضية بقضائك، مولعة بذكرك و دعائك، محبة لصفوة اوليائك محبوبة في ارضك و سمائك، صابرة على نزول بلائك شاکرة لفواصل نعمائك، ذاکرة لسوابغ الآثک، مشتاقا الى فرحة لقاءك، متزودة التقوى ليوم جزائك، مستننة بسنن اوليائك، مفارقة لآخلاق اعدائك، متزودة التقوى ليوم جزائك، مستننة بسنن اوليائك، مفارقة لآخلاق اعدائك، مشغولة عن الدنيا بحمدك و ثنائك.» پس صورت خود را برقبر نهادند و گفتند: «اللهم ان قلوب المحبتين اليك والهة، و سبل الراغبين اليك شارعة، و اعلام القاصدين اليك واضحة، و افئدة العارفين منك فازعة، و اصوات الداعين اليك صاعدة، و ابواب الاجابة لهم مفتحة، و دعوة من ناجاك مستجابة، و توبة من اناب اليك مقبولة و عبرة من بكى من خوفك مرحومة، و الاغاثة لمن استغاث بك موجودة، و الاعانة لمن استعان بك مبذولة، و عداتك لعبادك منجزة، و زلل من استقالك مقالة، و اعمال العاملين لديك محفوظة، و ارزاق الخلائق من لدنك نازلة و عوائد المزيد اليهم واصلة، و ذنوب المستغفرين مغفورة و

حوائج خلقك عندك مقضية، و جوائز السائلین عندك موفّرة، و عوائد المزیّد متواترة، و موائد المستطعمین معدّة، و مناہل الظماء لديك مترعة، اللهم فاستجب دعائی، و اقبل ثنائی، و اعطنی جزائی، و اجمع بینی و بین اولیائی، بحق محمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسين علیهم السلام انك ولی نعمائی و منتهی منای و غاية رجائی فی منقلبی و مثوای، انت الهی و سیّدی و مولای اغفر لاولیائنا و كف عنا اعدائنا، و اشغلهم عن اذانا، و اظهر كلمة الحق و اجعلها العلیا و ادحض كلمة الباطل و اجعلها السفلی، انك علی كل شیء قدير.» - بحار ج ۹۷ / ۲۶۴ -

[زیارت وارث]

۲: زیارت وارث که از امام صادق علیه السلام برای زیارت امام حسین علیه السلام نقل شده. و چون این زیارت با خصوصیاتى که نقل

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۷۱

شده در کربلا بر مزار آن حضرت خوانده می شود ما در اینجا مقداری را که متعارف است از راه دور بقصد رجاء می خوانند برای استفاده حجاج محترم نقل می کنیم: «السلام عليك يا وارث آدم صفوة الله، السلام عليك يا وارث نوح نبي الله، السلام عليك يا وارث ابراهيم خليل الله، السلام عليك يا وارث موسى كلیم الله، السلام عليك يا وارث عيسى روح الله، السلام عليك يا وارث محمد حبيب الله، السلام عليك يا وارث امير المؤمنين ولى الله، السلام عليك يا بن محمد المصطفى، السلام عليك يا بن على المرتضى، السلام عليك يا بن فاطمة الزهراء، السلام عليك يا بن خديجة الكبرى، السلام عليك يا ثار الله و ابن ثاره و الوتر الموتور. اشهد انك قد اقامت الصلوة، و آتيت الزكوة، و امرت بالمعروف، و نهيت عن المنكر، و اطعت الله و رسوله حتى اتاك اليقين، فلعن الله امة قتلتك، و لعن الله امة ظلمتك، و لعن الله امة سمعت بذلك فرضيت به. يا مولای يا ابا عبد الله، اشهد انك كنت نورا فى الاصلاب الشامخة و الارحام المطهرة، لم تنجسك الجاهلية بانجاسها و لم تلبسك من مدلهمات ثيابها، و اشهد انك من دعائم الدين و ارکان المؤمنين. و اشهد انك الامام البر التقى الرضى الزكى الهادى المهدي. و اشهد ان الائمة من ولدك كلمة التقوى، و اعلام الهدى، و العروة الوثقى، و الحجّة على اهل الدنيا. و اشهد الله و ملائكته و انبيائه و رسله اني بكم مؤمن و بايا بكم. موقن بشرايع ديني و خواتيم عملي. و قلبى لقلبيكم سلم، و امرى لامركم متبع، صلوات الله عليكم، و على ارواحكم و على اجسادكم، و على اجسامكم و على شاهدكم و على غائبكم، و على ظاهرکم و على باطنكم.»

زیارت حضرت علی بن الحسین علیهما السلام:

«السلام عليك يا ابن رسول الله، السلام عليك يا ابن نبي الله،

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۷۲

السلام عليك يا ابن امير المؤمنين عليه السلام، السلام عليك يا ابن الحسين الشهيد، السلام عليك ايها الشهيد و ابن الشهيد، السلام عليك ايها المظلوم و ابن المظلوم، لعن الله امة قتلتك، و لعن الله امة ظلمتك، و لعن الله امة سمعت بذلك فرضيت به.»

زیارت سایر شهداء کربلا:

«السَّلامَ علیکم یا اولیاءَ اللّهِ و احبائه، السَّلامَ علیکم یا اصفیاءَ اللّهِ و اودائه، السَّلامَ علیکم یا انصارِ دینِ اللّهِ، السَّلامَ علیکم یا انصارِ رسولِ اللّهِ، السَّلامَ علیکم یا انصارِ امیرِ المؤمنینِ علیهِ السَّلامَ، السَّلامَ علیکم یا انصارِ فاطمةِ سیدةِ نساءِ العالمین، السَّلامَ علیکم یا انصارِ ابیِ محمدِ الحسنِ بنِ علیِّ الزَّکیِّ النَّاصِحِ، السَّلامَ علیکم یا انصارِ ابی عبد اللّهِ بابی اتم و امی، طبتم و طابت الارضُ التی فیها دفنتم، و فزتُم فوزًا عظیمًا فیما لیتنی کنت معکم فافوز معکم.» - بحار ج ۱۹۹/۹۸ -

[زیارت جامع مختصر]

۳: زیارت جامع مختصر که در کافی و فقیه و تهذیب از حضرت رضا علیه السَّلام نقل شده و برای همه ائمه علیهما السَّلام مناسب است خوانده شود، و ما آن را از فقیه نقل می کنیم: «السَّلامَ علی اولیاءِ اللّهِ و اصفیائه، السَّلامَ علی امناءِ اللّهِ و احبائه، السَّلامَ علی انصارِ اللّهِ و خلفائه، السَّلامَ علی محالِّ معرفةِ اللّهِ، السَّلامَ علی مساکنِ ذکرِ اللّهِ، السَّلامَ علی مظهری امرِ اللّهِ و نهیه، السَّلامَ علی الدَّعاةِ الی اللّهِ، السَّلامَ علی المستقرِّین فی مرضاتِ اللّهِ، السَّلامَ علی المخلصین فی طاعةِ اللّهِ، السَّلامَ علی الادلاءِ علی اللّهِ، السَّلامَ علی الذِّین من والاهم فقد والی اللّهِ، و من عاداهم فقد عادی اللّهِ، و من عرفهم فقد عرف اللّهِ، و من جهلهم فقد جهل اللّهِ، و من اعتصم بهم فقد اعتصم باللّهِ، و من تخلی منهم فقد تخلی من اللّهِ عزّ و جل. و اشهد اللّهُ انّی

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۷۳

سلم لمن سالمتم، و حرب لمن حاربتم، مؤمن بسرکم و علانیتکم، مفوض فی ذلك کله الیکم، لعن اللّهُ عدو آل محمد من الجنّ و الانس، و ابرا الی اللّهِ منهم. و صلی اللّهُ علی محمد و آل محمد.»
و این زیارت در همه زیارت‌های مشاهد مشرفه خوانده میشود، در روایت آمده که پس از زیارت بسیار صلوات بر پیغمبر و آل او یعنی ائمه علیهم السَّلام یکایک بفرست، و از دشمنان‌شان بیزاری جوی، و هر دعائی که می خواهی برای خود و همه مؤمنین و مؤمنات. - کافی ج ۴/ ۵۷۸ -

[زیارت جامعه کبیره]

۴: زیارت جامعه کبیره که در فقیه و تهذیب از امام دهم علیه السَّلام نقل شده: شیخ صدوق علیه الرحمة در فقیه از موسی بن عبد اللّهِ نخعی نقل میکند که به حضرت امام علیّ التقی علیه السَّلام عرض کردم: به من تعلیم فرمائید کلام بلیغ و کاملی را که در زیارت هر یک از شما آن را بخوانم. فرمودند: هنگامی که به درب (حرم) رسیدی بایست و در حالی که با غسل باشی شهادتین بگو، و زمانی که وارد شدی و قبر را مشاهده کردی بایست و سی مرتبه: «اللّهُ اکبر» بگو، سپس کمی راه برو در حال ادب و وقار و قدمها را کوتاه بردار پس بایست و سی مرتبه «اللّهُ اکبر» بگو، پس به قبر نزدیک شو و چهل مرتبه: «اللّهُ اکبر» بگو تا جمعا صد مرتبه شود، و سپس بگو: «السَّلامَ علیکم یا اهل بیت النبوة، و معدن الرّسالة، و مختلف الملائكة، و مهبط الوحي، و معدن الرّحمة، و خزّان العلم، و منتهی الحلم، و اصول الکرم، و قادة الامم، و اولیاء النّعم، و عناصر الابرار، و دعائم الاخیار، و ساسة العباد، و ارکان البلاد، و ابواب الايمان، و امناء الرّحمن، و سلالة النّبیین، و صفوة المرسلین، و عترة خیرة ربّ العالمین، و رحمة اللّهِ و برکاته.

السَّلامَ علی ائمة الهدی، و مصابیح الدّجی، و اعلام التّقی، و ذوی

احكام و مناسك حج و عمره، ص ٢٧٤

النهى، و اولى الحجى، و كهف الورى، و ورثة الانبياء، و المثل الاعلى، و الدعوة الحسنى، و حجج الله على اهل الدنيا و الآخرة و الاولى، و رحمة الله و بركاته. السلام على محال معرفة الله، و مساكن بركة الله، و معادن حكمة الله، و حفظة سر الله، و حملة كتاب الله و اوصياء نبي الله، و ذرية رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم، و رحمة الله و بركاته. السلام على الدعوة الى الله، و الادلاء على مرضات الله، و المستقرين فى امر الله، و التامين فى محبة الله، و المخلصين فى توحيد الله، و المظهرين لامر الله و نهيه، و عباد المكرمين، الذين لا يسبقونه بالقول و هم بامرهم يعملون، و رحمة الله و بركاته. السلام على الائمة الدعوة، و القادة الهداة، و السادة الولاة، و الذادة الحماة، و اهل الذكر و اولى الامر و بقية الله و خيرته و حزبه و عيبة علمه، و حجته و صراطه و نوره، و رحمة الله و بركاته. اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له، كما شهد الله لنفسه و شهدت له ملائكته و اولوا العلم من خلقه، لا اله الا هو العزيز الحكيم. و اشهد ان محمدا عبده المنتجب و رسوله المرتضى، ارسله بالهدى و دين الحق ليظهره على الدين كله و لو كره المشركون، و اشهد انكم الائمة الراشدون المهديون المعصومون المكرمون المقربون المتقون الصادقون المصطفون المطيعون لله، القوامون بامرهم، العاملون بارادته، الفائزون بكرامته، اصطفاكم بعلمه، و ارتضاكم لغيبه، و اختاركم لسره، و اجتبيكم بقدرته، و اعزكم بهداه، و خصكم ببرهانه، و انتجبكم لنوره، و ايدكم بروحه، و رضيكم خلفاء فى ارضه، و حججا على بريته، و انصارا لدينه، و حفظة لسره، و خزنة لعلمه، و مستودعا لحكمته، و تراجمة لوحيه، و اركاننا لتوحيد، و شهداء على خلقه، و اعلاما لعباده، و منارا فى بلاده، و ادلاء على صراطه، عصمكم الله من الزلل، و آمنكم من الفتن، و طهركم من الدنس، و اذهب عنكم الرجس (اهل البيت) و طهركم تطهيرا. فعظمت جلاله،

احكام و مناسك حج و عمره، ص ٢٧٥

و اكبرتم شأنه، و مجدتم كرمه، و ادمتم ذكره، و وكدتم ميثاقه، و احكمتم عقد طاعته، و نصحتم له فى السر و العلانية، و دعوتم الى سبيله بالحكمة و الموعدة الحسنة، و بذلتم انفسكم فى مرضاته، و صبرتم على ما اصابكم فى جنبه، و اقمتم الصلوة، و آتيتم الزكوة، و امرتم بالمعروف، و نهيتم عن المنكر، و جاهدتم فى الله حق جهاده، حتى اعلنتم دعوته، و بيئتم فرائضه، و اقمتم حدوده، و نشرتم شرايع احكامه، و سنتم سنته، و صرتم فى ذلك منه الى الرضا، و سلمتم له القضاء، و صدقتم من رسله من مضى، فالراغب عنكم مارق، و اللازم لكم لاحق، و المقصر فى حقكم زاهق، و الحق معكم و فيكم و منكم و اليكم، و انتم اهله و معدنه، و ميراث النبوة عندكم، و اياب الخلق اليكم و حسابهم عليكم، و فصل الخطاب عندكم، و آيات الله لديكم، و عزائمه فيكم، و نوره و برهانه عندكم و امره اليكم. من والاكم فقد والى الله، و من عاداكم فقد عادى الله، و من احبكم فقد احب الله، و من ابغضكم فقد ابغض الله، و من اعتصم بكم فقد اعتصم بالله. انتم الصراط الاقوم، و شهداء دار الفناء، و شعفاء دار البقاء، و الرحمة الموصولة، و الآية المخزونة و الامانة المحفوظة، و الباب المبتلى به الناس. من اتاكم نجى، و من لم ياتكم هلك، الى الله تدعون، و عليه تدلون، و به تؤمنون، و له تسلمون، و بامرهم تعملون، و الى سبيله ترشدون، و بقوله تحكمون، سعد من والاكم، و هلك من عاداكم، و خاب من جحدكم، و ضل من فارقكم، و فاز من تمسك بكم، و

امن من لجا اليكم، و سلم من صدقكم، و هدى من اعتصم بكم، من اتبعكم فالجنة ماواه، و من خالفكم فالنار مشواه، و من جحدكم كافر، و من حاربكم مشرك، و من رد عليكم، فى اسفل درك من الجحيم. اشهد ان هذا سابق لكم فيما مضى، و جار لكم فيما بقى، و ان ارواحكم و نوركم و طيبتكم واحدة، طابت

احكام و مناسك حج و عمره، ص ٢٧٦

و طهرت بعضها من بعض، خلقكم الله انوارا فجعلكم بعرضه محدقين حتى من علينا بكم، فجعلكم فى بيوت اذن الله ان ترفع و يذكر فيها اسمه، و جعل صلواتنا عليكم، و ما خصنا به من ولايتكم، طيبا لخلقنا، و طهارة لانفسنا، و تزكية لنا، و كفارة لذنوبنا، فكنا عنده مسلمين بفضلكم، و معروفين بتصديقنا اياكم، فبلغ الله بكم اشرف محل المكرمين، و اعلى منازل المقربين، و ارفع درجات المرسلين، حيث لا يلحقه لاحق، و لا يفوقه فائق، و لا يسبقه سابق، و لا يطمع فى ادراكه طامع، حتى لا يبقى ملك مقرب، و لا نبي مرسل، و لا صديق و لا شهيد، و لا عالم و لا جاهل، و لا دنى و لا فاضل و لا مؤمن صالح، و لا فاجر طالح، و لا جبار عنيد، و لا شيطان مريد، و لا خلق فيما بين ذلك شهيد الا عرفهم جلاله امركم، و عظم خطركم، و كبر شأنكم، و تمام نوركم، و صدق مقاعدكم، و ثبات مقامكم، و شرف محلكم و منزلتكم عنده، و كرامتكم عليه، و خاصتكم لديه، و قرب منزلتكم منه. بابى اتم و امى و اهلى و مالى و اسرتى. اشهد الله و اشهدكم انى مؤمن بكم و بما آتمت به، كافر بعدوكم و بما كفرتم به، مستبصر بشانكم و بضلالة من خالفكم، موال لكم و لاوليائكم، مبغض لاعدائكم و معاد لهم، سلم لمن سالمكم، (و) حرب لمن حاربكم، محقق لما حققتكم، مبطل لما ابطلتم، مطيع لكم، عارف بحقكم، مقر بفضلكم، محتمل لعلمكم، محتجب بدمتكم، معترف بكم، و مؤمن بايائكم، مصدق برجعتكم، منتظر لامركم، مرتقب لدولتكم، آخذ بقولكم، عامل بامركم، مستجير بكم، زائر لكم، لائذ عائذ بقبوركم، مستشفع الى الله عز و جل بكم، و متقرب بكم اليه، و مقدمكم امام طلبتى و حوائجى و ارادتى فى كل احوالى و امورى، مؤمن بسرکم و علانيتكم، و شاهدكم و غائبكم، و اولكم و آخركم، و مفوض فى ذلك كله اليكم، و مسلم فيه معكم، و قلبى

احكام و مناسك حج و عمره، ص ٢٧٧

لكم سلم، و رايبى لكم تبع، و نصرتى لكم معدة، حتى يحيى الله دينه بكم، و يردكم فى ايامه، و يظهركم لعدله، و يمكنكم فى ارضه، فمعكم معكم لا مع عدوكم، آمنت بكم و توليت آخركم بما توليت به اولكم، و برئت الى الله عز و جل من اعدائكم، و من الجبت و الطاغوت، و الشياطين و حزبهم الظالمين لكم، الجاحدين لحقكم، و المارقين من ولايتكم، و الغاصبين لارثكم، الشاكين فيكم، المنحرفين عنكم، و من كل وليجة دونكم، و كل مطاع سواكم، و من الائمة الذين يدعون الى النار، فثبنتى الله ابدا ما حييت على مواليتكم و محبتكم و دينكم، و وقفتى لطاعتكم، و رزقتى شفاعتكم، و جعلنى من خيار مواليتكم التابعين لما دعوتكم اليه، و جعلنى ممن يقتص آثاركم، و يسلك سبيلكم، و يهتدى بهديكم، و يحشر فى زمركم، و يكر فى رجعتكم، و يملك فى دولتكم، و يشرف فى عافيتكم، و يمكن فى ايامكم و تقر عينه غدا برويتكم.

بابى اتم و امى و نفسى و اهلى و مالى. من اراد الله بدء بكم، و من وحده قبل عنكم، و من قصده توجه بكم. موالى لا احصى ثنائكم، و لا ابغ من المدح كنهكم، و من الوصف قدركم، و انتم نور الاخيار، و هداة الابرار، و

حجج الجبار، بکم فتح الله و بکم یختم، و بکم ینزل الغیث، و بکم یمسک السماء ان تقع علی الارض الا باذنه، و بکم ینفس الهم و یکشف الضر، و عندکم ما نزلت به رسله، و هبطت به ملائکت، و الی جدکم بعث الروح الامین، (و اگر زیارت امیر المؤمنین علیه السلام باشد بگو): «و الی اخیک بعث الروح الامین». آتاکم الله ما لم یوت احدا من العالمین، طاطا کل شریف لشرفکم، و بخع کل متکبر لطاعتکم، و خضع کل جبار لفضلکم، و ذل کل شیء لکم، و اشرفت الارض بنورکم، و فاز الفائزون بولايتکم. بکم یسلك الی الرضوان، و علی من جحد و لا یتکم غضب الرحمن، بابی انتم و امی و نفسی و اهلی و مالی، ذکرکم فی

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۷۸

الذاکرین، و اسماءکم فی الاسماء، و اجسادکم فی الاجساد، و ارواحکم فی الارواح، و انفسکم فی النفوس، و آثارکم فی الآثار، و قبورکم فی القبور، فما احلی اسمائکم، و اکرّم انفسکم. و اعظم شانکم، و اجل خطرکم، و اوفی عهدکم. کلامکم نور، و امرکم رشد، و وصیتکم التقوی، و فعلکم الخیر، و عادتکم الاحسان، و سجیتکم الکرّم، و شأنکم الحقّ و الصدق و الرفق، و قولکم حکم و حتم، و رایکم علم و حلم و حزم، ان ذکر الخیر کنتم اوله، و اصله و فرعه، و معدنه، و ماواه و منتهاه. بابی انتم و امی و نفسی، کیف اصف حسن ثنائکم، و احصى جمیل بلائکم، و بکم اخرجنا الله من الذلّ، و فرج عنا غمرات الکروب، و انقذنا من شفا جرف الهلکات و من النار. بابی انتم و امی و نفسی، بموالاتکم علمنا الله معالم دیننا، و اصلح ما کان فسد من دنیانا، و بموالاتکم تمت الکلمة و عظمت النعمة و اتلفت الفرقة، و بموالاتکم تقبل الطاعة المفترضة، و لکم المودة الواجبة، و الدرجات الرفیعة، و المقام المحمود، و المقام المعلوم عند الله عزّ و جلّ، و الجاه العظیم، و الشان الکبیر، و الشفاعة المقبولة. ربنا امانا بما انزلت و اتبعنا الرسول فاکتبنا مع الشاهدین. ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب. سبحان ربنا ان کان وعد ربنا لمفعولا. یا ولیّ الله انّ بینی و بین الله عزّ و جلّ ذنوبا لا یاتى علیها الا رضاکم، فبحقّ من اتمنکم علی سرّه، و استرعاکم امر خلقه، و قرن طاعتکم بطاعته، لما استوهبتم ذنوبی، و کنتم شفعاى، فانی لکم مطیع. من اطاعکم فقد اطاع الله، و من عصاکم فقد عصی الله، و من احبکم فقد احب الله، و من ابغضکم فقد ابغض الله. اللهم انی لو وجدت شفعاء اقرب الیک من محمد و اهل بیته الاخیار، الاثمة الابرار لجعلتهم شفعاى، فبحقّهم الذی اوجبت لهم علیک، اسئلك ان تدخلنی فی جملة العارفين بهم و بحقّهم، و فی زمرة المرحومین

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۷۹

بشفاعتهم، انک ارحم الراحمین. و صلیّ الله علی محمد و آله و سلم (تسلیما) کثیرا، و حسبنا الله و نعم الوکیل.»

فصل یازدهم دعاء کمیل و دعاء امام حسین علیه السلام در عصر روز عرفه:

۱: دعاء کمیل که به آن دعاء خضر نیز می گویند:

در شب پانزدهم شعبان و شبهای جمعه خوانده میشود، و مضامین عالیّه آن بهترین گواه است بر صحت آن. مرحوم مجلسی در زاد المعاد فرموده اند: از بهترین دعاها است، و از اقبال سید بن طاووس نقل کرده که امیر المؤمنین علیه السلام به کمیل فرمودند: «در هر شب جمعه یا در هر ماه یا در هر سال یک مرتبه، یا در عمر یک مرتبه بخوان تا

کفایت شر دشمنان شود، و یاری شوی و روزی داده شوی، و البته آمرزیده شوی.» و شیخ طوسی علیه الرحمة در مصباح المتهجد فرموده‌اند، کمیل، امیر المؤمنین علیه السلام را دید در شب پانزدهم شعبان در حال سجده این دعا را می‌خواندند و این است اصل دعاء: «بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انى اسئلك برحمتك التى وسعت كل شىء، و بقوتك التى قهرت بها كل شىء، و خضع لها كل شىء، و ذل لها كل شىء، و بجروتك التى غلبت بها كل شىء، و بعزتك التى لا يقوم لها شىء، و بعظمتك التى ملات كل شىء، و بسطانك الذى علا كل شىء و بوجهك الباقي بعد فناء كل شىء و باسمائك التى ملات اركان كل شىء، و بعلمك الذى احاط بكل شىء، و بنور وجهك الذى اضاء له كل شىء. يا نور يا قدوس يا اول الاولين و يا آخر الاخرين اللهم اغفر لى الذنوب التى تهتك العصم. اللهم اغفر لى الذنوب التى تنزل النقم. اللهم اغفر لى الذنوب التى تغير النعم. اللهم اغفر لى الذنوب التى تحبس

احكام و مناسك حج و عمره، ص ٢٨٠

الدعاء. اللهم اغفر لى الذنوب التى تنزل البلاء. اللهم اغفر لى كل ذنب اذنبته، و كل خطيئة اخطاها. اللهم انى اتقرب اليك بذكرك، و استشفع بك الى نفسك، و اسألك بجودك ان تدنينى من قربك، و ان توزعنى شكرك، و ان تلهمنى ذكرك. اللهم انى اسألك سؤال خاضع متذلل خاشع: ان تسامحنى و ترحمنى و تجعلنى بقسمك راضيا قانعا، و فى جميع الاحوال متواضعا. اللهم و اسألك سؤال من اشتدت فاقته، و انزل بك عند الشدائد حاجته، و عظم فيما عندك رغبته. اللهم عظم سلطانك و علا مكانك، و خفى مكرك و ظهر امرك، و غلب قهرك، و جرت قدرتك، و لا يمكن الفرار من حكومتك. اللهم لا اجد لذنوبى غافرا، و لا لقبائحى ساترا، و لا لشىء من عملى القبيح بالحسن مبدلا غيرك. لا اله الا انت، سبحانك و بحمدك. ظلمت نفسى، و تجرأت بجهلى، و سكنت الى قديم ذكرك لى و منك على. اللهم مولاي كم من قبيح سترته و كم من فادح من البلاء اقلته و كم من عثار وقيته و كم من مكروه دفعته و كم من ثناء جميل لست اهلا له نشرته. اللهم عظم بلائى، و افرط بى سوء حالى، و قصرت بى اعمالى، و قعدت بى اغلالى، و حبسنى عن نفعى بعد املى، و خدعتنى الدنيا بغرورها، و نفسى بجنايتها.

و مطالبى، يا سيدى فاسئلك بعزتك ان لا يحجب عنك دعائى سوء عملى و فعالى. و لا تفضحنى بخفى ما اطلعت عليه من سرى، و لا تعاجلنى بالعقوبة على ما عملته فى خلواتى؛ من سوء فعلى و اسائتى و دوام تفريطى و جهالتى، و كثرة شهواتى و غفلتى. و كن اللهم بعزتك لى فى كل الاحوال رثوفا، و على فى جميع الامور عطوفا. الهى و ربى من لى غيرك اسئله كشف سرى، و النظر فى امرى؟ الهى و مولاي اجريت على حكما اتبعت فيه هوى نفسى، و لم احترس (فيه) من تزيين عدوى، فغرنتى بما هوى و اسعده على ذلك القضاء، فتجاوزت بما جرى على من ذلك، بعض حدودك، و خالفت بعض

احكام و مناسك حج و عمره، ص ٢٨١

وامرك، فلك الحمد (الحجة) على فى جميع ذلك و لا حجة لى فيما جرى على فيه قضاؤك، و الزمنى حكمك و بلاؤك. و قد اتيتك يا الهى، بعد تقصيرى و اسرافى على نفسى، معذرا نادما منكسرا مستقيلا مستغفرا منيبا مقرا مدعنا معترفا، لا اجد مفرّا مما كان منى، و لا مفرعا اتوجه اليه فى امرى؛ غير قبولك عذرى، و ادخالك اياى فى سعة رحمتك. اللهم فاقبل عذرى، و ارحم شدة ضررى، و فكنى من شد وثاقى. يا رب ارحم ضعف بدنى و رقة جلدى و

دقة عظمى. يا من بدأ خلقى و ذكرى و تربيتى و برى و تغذيتى، هبنى لابتداء كرمك و سالف برك بى. يا الهى و سيدى و ربى، اترك معذبى بنارك بعد توحيدك و بعد ما انطوى عليه قلبى من معرفتك و لهج به لسانى من ذكرك و اعتقده ضميرى من حبك و بعد صدق اعترافى و دعائى خاضعا لربوبيتك. هيهات! انت اكرم من ان تضيع من رببته، او تبعد من ادنيتته، او تشرّد من آويته، او تسلم الى البلاء من كفيته و رحمته. و ليت شعرى يا سيدى و الهى و مولاي ا تسلط النار على وجوه خرت لعظمتك ساجدة و على السن نطقت بتوحيدك صادقة و بشكرك مادحة و على قلوب اعترفت بالهيتك محققة و على ضمائر حوت من العلم بك حتى صارت خاشعة و على جوارح سعت الى اوطان تعبدك طائعة و اشارت باستغفاررك مذعنة؟! ما هكذا الظن بك و لا اخبرنا بفضلك عنك. يا كريم يا رب، و انت تعلم ضعفى عن قليل من بلاء الدنيا و عقوباتها و ما يجرى فيها من المكاره على اهلها؛ على ان ذلك بلاء و مكروه، قليل مكثه، يسير بقائه، قصير مدته. فكيف احتمالى لبلاء الآخرة و جليل وقوع المكاره فيها؟ و هو بلاء تطول مدته و يدوم مقامه و لا يخفف عن اهله، لانه لا يكون الا عن غضبك و انتقامك و سخطك و هذا ما لا تقوم له السموات و الارض. يا سيدى، فكيف لى، و انا عبدك الضعيف الذليل الحقيير المسكين المستكين؟ يا الهى و ربى و سيدى و مولاي لاي الامور

احكام و مناسك حج و عمره، ص ٢٨٢

اليك اشكو و لما منها اضح و ابكى؟ لاليم العذاب و شدته ام لطول البلاء و مدته فلئن صيرتنى للعقوبات مع اعدائك و جمعت بينى و بين اهل بلائك و فرقت بينى و بين احبائك و اوليائك. فهبنى يا الهى و سيدى و مولاي و ربى، صبرت على عذابك، فكيف اصبر على فراقك؟ و هبنى (يا الهى) صبرت على حر نارك، فكيف اصبر على النظر الى كرامتك؟ ام كيف اسكن فى النار و رجائى عفوك؟ فبعزتك يا سيدى و مولاي، اقسم صادقا لئن تركتنى ناطقا، لاضجن اليك بين اهلها ضجيج الاملين و لاصرخن اليك صراخ المستصرخين و لابكين عليك بكاء الفاقدين و لانادينك اين كنت، يا ولى المؤمنين، يا غاية آمال العارفين، يا غياث المستغيثين، يا حبيب قلوب الصادقين و يا اله العالمين، افتراك سبحانه يا الهى و بحمدك، تسمع فيها صوت عبد مسلم سجن فيها بمخالفته و ذاق طعم عذابها بمعصيته و حبس بين اطباقها بجرمه و جريرته و هو يضح اليك ضجيج مؤمل لرحمتك و يناديك بلسان اهل توحيدك و يتوسل اليك بربوبيتك. يا مولاي! فكيف يبقى فى العذاب و هو يرجو ما سلف من حلمك؟ ام كيف تولمه النار و هو يأمل فضلك و رحمتك؟ ام كيف يحرقه لهيبها و انت تسمع صوته و ترى مكانه؟ ام كيف يشتمل عليه زفيرها و انت تعلم ضعفه؟ ام كيف يتقلقل بين اطباقها و انت تعلم صدقه؟ ام كيف تزجره زبانيته و هو يناديك يا ربه؟ ام كيف يرجو فضلك فى عتقه منها، فتركه فيها؟ هيهات! ما ذلك الظن بك و لا المعروف من فضلك، و لا مشبه لما عاملت به الموحدى من برك و احسانك. فباليقين اقطع لولا ما حكمت به من تعذيب جاحديك و قضيت به من اخلاص معانديك، لجعلت النار كلها بردا و سلاما، و ما كان لاحد فيها مقرا و لا مقاما. لكنك تقدست اسمائك، اقسمت ان تملها من الكافرين، من الجنة و الناس اجمعين، و ان تخلد فيها المعاندين. و انت جل ثناوك قلت مبتدئا

احكام و مناسك حج و عمره، ص ٢٨٣

و تطوّلت بالانعام متكرّما: «أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا، كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا، لَا يَسْتَوُونَ.» الهی و سیدی فأسئلك بالقدرة التي قدرتها و بالقضية التي حتمتها و حكمتها و غلبت من عليه اجريتها، ان تهب لي في هذه الليلة و في هذه الساعة، كل جرم اجرته و كل ذنب اذنبته و كل قبيح اسررته و كل جهل عملته كتمته، او اعلنته اخفيته، او اظهرته و كل سيئة امرت باثباتها الكرام الكاتبين الذين وكلتهم بحفظ ما يكون مني و جعلتهم شهودا علي مع جوارحي، و كنت انت الرقيب علي من ورائهم، و الشاهد لما خفي عنهم، و برحمتك اخفيته و بفضلك سترته. و ان توفر حظي من كل خير انزلته، او احسان فضلتها، او بر نشرته، او رزق بسطته، او ذنب تغفره، او خطأ تستره. يا رب يا رب يا رب! يا الهی و سیدی و مولای و مالك رقی، يا من بيده ناصيتي، يا عليما بصرى و مسكتي، يا خبيراً بفقرى و فاقتي! يا رب يا رب يا رب! اسئلك بحقك و قدسك و اعظم صفاتك و اسمائك، ان تجعل اوقاتي من الليل و النهار بذكرك معمورة و بخدمتك موصولة و اعمالى عندك مقبولة، حتى تكون اعمالى و اورادى كلها وردا واحدا، و حالى فى خدمتك سرمدا. يا سیدی! يا من عليه معولى، يا من اليه شكوت احوالى! يا رب يا رب يا رب! قو على خدمتك جوارحي و اشدد على العزيمة جوانحى، و هب لي الجد في خشيتك، و الدوام في الاتصال بخدمتك، حتى اسرح اليك في ميادين السابقين و اسرع اليك في البارزين، و اشتاق الي قربك في المشتاقين، و ادنو منك دنو المخلصين، و اخافك مخافة الموقنين، و اجتمع في جوارك مع المؤمنين. اللهم و من ارادنى بسوء فارده، و من كادنى فكده، و اجعلنى من احسن عبيدك نصيبا عندك، و اقربهم منزلة منك، و اخصهم زلفة لديك، فانه لا ينال ذلك الا بفضلك و جد لي بجلودك، و اعطف علي بمجدك، و احفظني برحمتك، و اجعل لساني بذكرك لهجا، و قلبي بحبك

احكام و مناسك حج و عمره، ص ۲۸۴

متيما، و من علي بحسن اجابتك، و اقلنى عثرتى، و اغفر زلتى، فانك قضيت على عبادك بعبادتك و امرتهم بدعائك و ضمننت لهم الاجابة، فاليك يا رب نصبت وجهى، و اليك يا رب مددت يدي، فبعزتك استجب لى دعائى، و بلغنى منى، و لا تقطع من فضلك رجائى، و اكفنى شر الجن و الانس من اعدائى. يا سريع الرضا! اغفر لمن لا يملك الا الدعاء، فانك فعال لما تشاء. يا من اسمه دواء و ذكره شفاء و طاعته غنى! ارحم من رأس ماله الرجاء و سلاحه البكاء. يا سابغ النعم، يا دافع النقم، يا نور المستوحشين فى الظلم، يا عالما لا يعلم! صل على محمد و آل محمد، و افعل بى ما انت اهله، و صلى الله على رسوله و الائمة الميامين من آله و سلم تسليما كثيرا.

۳: دعاء حضرت سيد الشهداء عليه السلام در عرفات در عصر روز عرفه:

برای روز عرفه چندین دعای مفصل نقل شده که مشهورترین آنها دعاء امام حسین علیه السلام است محدث قمی فرموده‌اند: بشر و بشیر پسران غالب اسدی روایت کرده‌اند: که پسین روز عرفه در عرفات در خدت آن حضرت بودیم، پس، از خیمه خود بیرون آمدند با گروهی از اهل بیت و فرزندان و شیعیان خود با نهایت تذلل و خشوع، پس در جانب چپ کوه ایستادند و روی مبارک را بسوی کعبه گردانیدند و دستها را بر رو برداشتند مانند مسکینی که طعام طلبد و این دعا را خواندند: «بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله الذى ليس لقضائه دافع، و لا لعطائه مانع، و لا كصنعه صنع صانع، و هو الجواد الواسع فطر اجناس البديع، و اتقن بحكمته الصنائع، لا تخفى عليه الطلایع، و لا تضع عنده الودایع، جازى كل صانع، و رایش كل قانع، و راحم كل ضارع، و منزل المنافع و الكتاب الجامع بالنور الساطع، و هو

احكام و مناسك حج و عمره، ص ٢٨٥

للدعوات سامع و للكربات دافع و للدرجات رافع، و للجبابرة قانع، فلا اله غيره و لا شىء يعدله، و ليس كمثلته شىء، و هو السميع البصير اللطيف الخبير، و هو على كل شىء قدير، اللهم انى ارغب اليك، و اشهد بالربوبية لك مقراً بانك ربى، و ان اليك مردى، ابتداتنى بنعمتك قبل ان اكون شيئاً مذكوراً، و خلقتنى من التراب ثم اسكنتنى الاصلاب، انا لريب المنون و اختلاف الدهور و السنين، فلم ازل ظاعنا من صلب الى رحم فى تقادم من الايام الماضية و القرون الخاليد، لم تخرجنى لرافتك بى و لطفك لى، و احسانك الى فى دولة ائمة الكفر، الذين نقضوا عهدك و كذبوا رسلك، لكنك اخرجتنى للذى سبق لى من الهدى الذى له يسرتنى، و فيه انشأتنى، و من قبل ذلك روفت، بى بجميل صنعك و سوايغ نعمك، فابتدعت خلقي من منى يمنى، و اسكنتنى فى ظلمات ثلاث، بين لحم و دم و جلد، لم تشهدنى خلقي، و لم تجعل الى شيئاً من امرى، ثم اخرجتنى للذى سبق لى من الهدى الى الدنيا تاماً سوياً، و حفظتنى فى المهدي طفلاً صيباً، و رزقتنى من الغذاء لبناً مرياً، و عطفت على قلوب الحواضن، و كفلتنى الامهات الرواحم و كلاتنى من طوارق الجان، و سلمتنى من الزيادة و النقصان، فتعاليت يا رحيم يا رحمن، حتى اذا استهللت ناطقاً بالكلام، اتممت على سوايغ الانعام، و ربيتنى زايدا فى كل عام، حتى اذا اكتملت فطرتى، و اعتدلت مرتى، اوجبت على حجك بان الهمتنى معرفتك، و روعتنى بعجايب حكمتك، و ايقظتنى لما ذرات فى سمائك و ارضك من بدايغ خلقك، و نبهتنى لشكرك و ذكرك، و اوجبت على طاعتك و عبادتك، و فهمتنى ما جاءت به رسلك و يسرت لى تقبل مرضاتك، و مننت على فى جميع ذلك بعونك و لطفك، ثم اذ خلقتنى من خير الثرى لم ترض لى يا الهى نعمة دون اخرى، و رزقتنى من انواع المعاش و صنوف الرياش، بمنك العظيم الاعظم على، و احسانك القديم الى، حتى اذا اتممت

احكام و مناسك حج و عمره، ص ٢٨٦

على جميع النعم و صرفت عنى كل النقم لم يمنعك جهلى و جراتى عليك ان دللتنى الى ما يقربنى اليك، و وفقتنى لما يزلفننى لديك، فان دعوتك اجبتنى و ان سئلتك اعطينى، و ان اطعتك شكرتنى، و ان شكرتك زدتنى، كل ذلك اكمال لانعمك على، و احسانك الى، فسبحانك سبحانك من مبدى معيد حميد مجيد، تقدست اسمائك، و عظمت آلاؤك، فاي نعمك يا الهى احصى عددا و ذكرا، ام اى عطايك اقوم بها شكرا، و هى يا رب اكثر من ان يحصيها العادون، او يبلغ علما بها الحافظون، ثم ما صرفت و درات عنى اللهم من الضر و الضراء اكثر مما ظهر لى من العافية و السراء، و انا اشهد يا الهى بحقيقة ايمانى، و عقد عزمات يقينى، و خالص صريح توحيدى، و باطن مكنون ضميرى، و علايق مجارى نور بصرى، و اسارير صفحة جبينى، و خرق مسارب نفسى، و خذاريق مارن عرنينى و مسارب صماخ سمعى، و ما ضمت و اطبقت عليه شفتاى، و حركات لفظ لسانى، و مغرز حنك فمى و فكى، و منابت اضراسى، و مساغ مطعمى و مشربى، و حمالة ام رأسى، و بلوع فارغ حبايل عنقى، و ما اشتمل عليه تامور صدرى، و حمايل حبل وتينى و نياط حجاب قلبى، و افلاذ حواشى كبدي، و ما حوته شراسيف اضلاعى، و حفاق مفاصلى، و قبض عواملى و اطراف اناملى و لحمى و دمى و شعرى و بشرى و عصبى و قصبى و عظامى و مخى و عروقى و جميع جوارحى، و ما انتسج على ذلك ايام رضاعى، و ما اقلت الارض منى، و نومى و يقظتى و سكونى،

و حرکات رکوعی و سجودی ان لو حاولت و اجتهدت مدى الاعصار و الاحقاب، لو عمرتها ان اودى شكر واحدة من انعمك، ما استطعت ذلك الا بمنك، الموجب على به شكرك ابدًا جديدًا و ثناءً طارفاً عتيداً، اجل و لو حرصت انا و العادون من انامك، ان نحصى مدى انعامك سالفه و آنفه ما حصرناه عدداً و لا احصيناه امدًا، هيهات انى ذلك و انت المخبر فى كتابك الناطق، و

احكام و مناسك حج و عمره، ص ٢٨٧

النبا الصادق: (وَ اِنْ تَعَدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا)، صدق كتابك اللهم و انبأوك، و بلغت انبأوك و رسلك، ما انزلت عليهم من وحيك، و شرعت لهم و بهم من دينك، غير انى يا الهى اشهد بجهدى و جدى، و مبلغ طاعتى و وسعى، و اقول مؤمنا موقنا: الحمد لله الذى لم يتخذ ولداً فيكون موروثاً، و لم يكن له شريك فى ملكه فيضاده فيما ابتدع، و لا ولى من الدال فيرفده فيما صنع، فسبحانه سبحانه لو كان فيهما الهة الا الله لفسدتا و تفترا، سبحان الله الواحد الاحد الصمد الذى لم يلد و لم يولد، و لم يكن له كفوا احد، الحمد لله حمدا يعادل حمد ملائكته المقربين، و انبيائه المرسلين، و صلى الله على خيرته محمد خاتم النبيين و آله الطيبين الطاهرين المخلصين و سلم. آنگاه حضرت خواسته هایش را مطرح نموده کوشش در دعا نمود و اشک از دیده های مبارکش جاری بود و عرضه داشت:

اللهم اجعلنى اخشاك كائى اراك، و اسعدنى بتقواك، و لا تشقنى بمعصيتك و خر لى فى قضائك و بارك لى فى قدرك، حتى لا احب تعجيل ما اخرت و لا تاخير ما عجلت، اللهم اجعل غناى فى نفسى، و اليقين فى قلبى، و الاخلاص فى عملى، و النور فى بصرى، و البصيرة فى دينى، و متعنى بجوارحى، و اجعل سمعى و بصرى الوارثين منى، و انصرنى على من ظلمنى، و ارنى فيه ثارى و مآربى، و اقر بذلك عينى اللهم اكشف كربتى و استر عورتى، و اغفر لى خطيئتى، و اخسا شيطانى، و فك رهانى، و اجعل لى يا الهى الدرجه العليا فى الآخرة و الاولى، اللهم لك الحمد كما خلقتنى فجعلتنى سميعا بصيرا، و لك الحمد كما خلقتنى فجعلتنى خلقا سويا رحمة بى، و قد كنت عن خلقى غنيا، رب بما براتنى فعدلت فطرتى، رب بما انشأتنى فاحسنت صورتى، رب بما احسنت الى و فى نفسى

احكام و مناسك حج و عمره، ص ٢٨٨

عافيتنى رب بما كلاتنى و وقفتنى، رب بما انعمت على فهديتنى، رب بما اوليتنى و من كل خير اعطيتنى، رب بما اطعمتنى و سقيتنى، رب بما اغنيتنى و اقنيتنى، رب بما اعزتنى و اعزتتنى، رب بما البستنى من سترك الصافى، و يسرت لى من صنعك الكافى، صل على محمد و آل محمد، و اعنى على بوائق الدهور و صروف الليالى و الايام، و نجنى من احوال الدنيا و كربات الآخرة، و اكفى شر ما يعمل الظالمون فى الارض، اللهم ما اخاف فاكفنى، و ما احذر فقنى، و فى نفسى و دينى فاحرسنى، و فى سفرى فاحفظنى، و فى اهلى و مالى فاخلفنى، و فيما رزقتنى فبارك لى، و فى نفسى فذللى، و فى اعين الناس فعظمنى، و من شر الجن و الانس فسلمنى، و بذنوبى فلا تفضحنى، و بسريرتى فلا تخزنى، و بعملى فلا تبتلىنى، و نعمك فلا تسلبنى، و الى غيرك فلا تكلنى، الهى الى من تكلنى: الى قريب فيقطعنى، ام الى بعيد فيتجهمنى، ام الى المستضعفين لى، و انت ربى و ملك امرى، اشكو اليك غربتى و بعد دارى، و هوانى على من ملكته امرى، الهى فلا تحلل على غضبك، فان لم تكن غضبت على فلا ابالى

(سواك)، سبحانك غير ان عافيتك اوسع لى، فاسئلك يا رب بنور وجهك الذى اشرقت له الارض و السماوات، و كشفت به الظلمات، و صلح به امر الاولين و الآخرين، ان لا تميمتنى على غضبك و لا تنزل بى سخطك، لك العتبى، لك العتبى حتى ترضى قبل ذلك، لا اله الا انت، رب البلد الحرام و المشعر الحرام، و البيت العتيق، الذى احللته البركة، و جعلته للناس امنا، يا من عفا عن عظيم الذنوب بحلمه، يا من اسبغ النعماء بفضله، يا من اعطى الجزيل بكرمه، يا عدتى فى شدتى، يا صاحبى فى وحدتى، يا غياثى فى كربتى، يا ولىى فى نعمتى، يا الهى و اله آبائى ابراهيم و اسمعيل و اسحاق و يعقوب و رب جبرئيل و ميكائيل و اسرافيل، و رب محمد خاتم النبیین و اله المنتجبين، و منزل التوریه و الانجيل و الزبور

احكام و مناسك حج و عمره، ص ٢٨٩

و الفرقان، و منزل كهيعص و طه و يس و القرآن الحكيم، انت كهفى حين تعينى المذاهب فى سعتها، و تضيق بى الارض برحبها، و لو لا رحمتك لكنت من الهالكين، و انت مقيل عثرتى، و لو لا سترك اياى لكنت من المفضوحين، و انت مؤيدى بالنصر على اعدائى، و لو لا نصرك اياى لكنت من المغلوبين يا من خص نفسه بالسّموم و الرفعة، فاوليائه بعزه يعتزون، يا من جعلت له الملوك نير المذلة على اعناقهم فهم من سطواته خائفون، يعلم خائنة الاعين و ما تخفى الصدور، و غيب ما تاتى به الازمنه و الدهور، يا من لا يعلم كيف هو الا هو، يا من لا يعلم ما هو الا هو، يا من لا يعمله الا هو، يا من كبس الارض على الماء، و سد الهواء بالسّماء، يا من له اكرم الاسماء، يا ذا المعروف الذى لا ينقطع ابدا، يا مقيض الركب ليوסף فى البلد القفر و مخرجه من الجب، و جاعله بعد العبودية ملكا، يا راده على يعقوب بعد ان ابيضت عيناه من الحزن فهو كظيم، يا كاشف الضر و البلوى عن ايوب، و يا ممسك يدي ابراهيم عن ذبح ابنه بعد كبر سنه و فناء عمره، يا من استجاب لذكريا فوهب له يحيى، و لم يدعه فردا وحيدا، يا من اخرج يونس من بطن الحوت، يا من فلق البحر لبنى اسرائيل فانجاهم، و جعل فرعون و جنوده من المغرقين، يا من ارسل الرياح مبشرات بين يدي رحمته، يا من لم يعجل على من عصاه من خلقه، يا من استنقذ السحرة من بعد طول الجحود و قد غدوا فى نعمته ياكلون رزقه و يعبدون غيره، و قد جادوه و نادوه و كذبوا رسله، يا الله يا الله يا بديع لا ند لك، يا دائما لا نفاذ لك، يا حيا حين لا حى، يا محيى الموتى، يا من هو قائم على كل نفس بما كسبت، يا من قل له شكرى فلم يحرمنى، و عظمت خطيئتي فلم يفضحنى، و رانى على المعاصى فلم يشهرنى يا من حفظنى فى صغرى، يا من رزقنى فى كبرى، يا من اياديه عندى لا تحصى و نعمه لا تجازى، يا من عارضنى بالخير و الاحسان و عارضته بالاسائة و

احكام و مناسك حج و عمره، ص ٢٩٠

العصيان، يا من هدانى للايمان من قبل ان اعرف شكر الامتتان، يا من دعوته مريضا فشفانى، و عريانا فكسانى، و جايعا فاشبعنى، و عطشان فاروانى، و ذليلا فاعزنى، و جاهلا فعرّفنى، و وحيدا فكثرتنى، و غايبا فردتني، و مقلا فاغناني و منتصرا فنصرتني، و غنيا فلم يسلبني، و امسكت عن جميع ذلك فابتداني فلك الحمد و الشكر يا من اقال عثرتي و نفس كربتي و اجاب دعوتى و ستر عورتى و غفر ذنوبى و بلغنى طلبتى و نصرنى على عدوى، و ان اعدت نعمك و منك و كرايم منحك لا احصيها، يا مولاي، انت الذى مننت، انت الذى انعمت، انت الذى احسنت، انت

الَّذِي اجملت، انت الَّذِي افضل، انت الَّذِي اكملت انت الَّذِي رزقت، انت الَّذِي وفقت، انت الَّذِي اعطيت، انت الَّذِي اغنيت، انت الَّذِي اقنيت انت الَّذِي آويت، انت الَّذِي كفيت، انت الَّذِي هديت، انت الَّذِي عصمت، انت الَّذِي سترت انت الَّذِي غفرت، انت الَّذِي اقلت، انت الَّذِي مكنت، انت الَّذِي اعززت، انت الَّذِي اعنت، انت الَّذِي عضدت، انت الَّذِي ايدت، انت الَّذِي نصرت، انت الَّذِي شفيت، انت الَّذِي عافيت، انت الَّذِي اكرمت، تباركت و تعالت فلك الحمد دائما، و لك الشكر واصبا ابدًا، ثم انا يا الهى المعترف بذنوبى فاغفرها لى، انا الَّذِي اسات، انا الَّذِي اخطات انا الَّذِي هممت، انا الَّذِي جهلت، انا الَّذِي غفلت، انا الَّذِي سهوت، انا الَّذِي اعتمدت، انا الَّذِي تعمّدت، انا الَّذِي وعدت، انا الَّذِي اخلفت، انا الَّذِي نكثت، انا الَّذِي اقررت، انا الَّذِي اعترفت بنعمتك على و عندى، و ابوء بذنوبى فاغفرها لى، يا من لا تضره ذنوب عباده، و هو الغنى عن طاعتهم، و الموفق من عمل صالحا منهم بمعونته و رحمته، فلك الحمد الهى و سيدى، الهى امرتنى فعضيتك و نهيتنى فارتكبت نهيك، فاصبحت لا ذا برائة (لى) فاعتذر، و لا ذا قوة فانتصر، فباى شىء استقبلك يا مولاي، ا بسمعى ام ببصرى ام بلسانى ام بيدي ام برجلي، اليس كلها نعمك

احكام و مناسك حج و عمره، ص ٢٩١

عندى، و بكلها عصيتك يا مولاي، فلك الحجة و السبيل على، يا من سترنى من الالباء و الامهات ان يزجرونى، و من العشائر و الاخوان ان يعيرونى، و من السلاطين ان يعاقبونى، و لو اطلعوا يا مولاي على ما اطلعت عليه منى اذا ما انظرونى و لرفضونى و قطعونى، فها انا ذا يا الهى بين يديك يا سيدى خاضع ذليل حصير حقير لا ذو برائة فاعتذر، و لا ذو قوة فانتصر، و لا حجة فاحتج بها، و لا قائل لم اجترح و لم اعمل سوءا و ما عسى الجحود و لو جحدت يا مولاي ينفعنى، كيف و انى ذلك، و جوارحى كلها شاهدة على بما قد عملت، و علمت يقينا غير ذى شك انك سائلى من عظام الامور، و انك الحكم (الحكيم) العدل الَّذِي لا تجور، و عدلك مهلكى، و من كل عدلك مهربى، فان تعذبنى يا الهى فبذنوبى بعد حجتك على، و ان تعف عنى فبحلمك و جودك و كرمك، لا اله الا انت سبحانك انى كنت من الظالمين، لا اله الا انت سبحانك انى كنت من المستغفرين، لا اله الا انت سبحانك انى كنت من الموحدين، لا اله الا انت سبحانك انى كنت من الخائفين، لا اله الا انت سبحانك انى كنت من الوجلين، لا اله الا انت سبحانك انى كنت من الراجين، لا اله الا انت سبحانك انى كنت من الراغبين، لا اله الا انت سبحانك انى كنت من المهملين، لا اله الا انت سبحانك انى كنت من السائلين، لا اله الا انت سبحانك انى كنت من المسبحين، لا اله الا انت سبحانك انى كنت من المكبرين، لا اله الا انت سبحانك ربى و رب آبائى الاولين، اللهم هذا ثنائى عليك ممجدا، و اخلاصى لذلك موحدا، و اقرارى بالآثك معددا، و ان كنت مقرا انى لم احصها لكشرتها و سبوغها و تظاهرها و تقادماها الى حادث، ما لم تزل تتعهدنى به معها منذ خلقتنى و برأتنى من اول العمر من الاغناء من الفقر و كشف الضر و تسيب اليسر و دفع العسر و تفريج الكرب و العافية فى البدن و السلامة فى الدين، و لو رفدنى على قدر ذكر

احكام و مناسك حج و عمره، ص ٢٩٢

نعمتك جميع العالمين من الاولين و الآخرين، ما قدرت و لا هم على ذلك، تقدست و تعاليت من رب كريم عظيم

رحيم، لا تحصى الآؤك و لا يبلغ ثناؤك، و لا تكافى نعمائوك، صلّ على محمد و آل محمد، و اتمم علينا نعمك، و اسعدنا بطاعتك، سبحانك لا اله الا انت اللهم انك تجيب المضطرّ و تكشف السوء، و تغيث المكروب و تشفى السقيم، و تغنى الفقير، و تجبر الكسير، و ترحم الصّغير، و تعين الكبير، و ليس دونك ظهير، و لا فوقك قدير، و انت العلىّ الكبير، يا مطلق المكبلّ الاسير، يا رازق الطفل الصّغير، يا عصمة الخائف المستجير، يا من لا شريك له و لا وزير، صلّ على محمد و آل محمد، و اعطنى فى هذه العشيّة، افضل ما اعطيت و انلت احدا من عبادك من نعمة توليها، و الآء تجددّها و بليّة تصرفها و كربة تكشفها و دعوة تسمعها، و حسنة تتقبلها، و سيئة تتغمدها، انك لطيف بما تشاء خبير و على كلّ شىء قدير، اللهم انك اقرب من دعى، و اسرع من اجاب، و اكرم من عفى، و اوسع من اعطى، و اسمع من سئل، يا رحمن الدنيا و الآخرة و رحيمهما، ليس كمثلك مسؤل و لا سواك مامول، دعوتك فاجبتنى، و سنلتك فاعطيتنى، و رغبت اليك فرحمتنى، و وثقت بك فنجيتنى، و فرغت اليك فكفيتنى، اللهم فصلّ على محمد عبدك و رسولك و نبيك، و على آله الطيبين الطاهرين اجمعين و تمّم لنا نعمائك، و هنئنا عطائك، و اكتبنا لك شاكرين، و لآلائك ذاكرين، آمين آمين ربّ العالمين. اللهم يا من ملك فقدر، و قدر فقهر، و عصى فستر، و استغفر فغفر، يا غاية الطالبين الراغبين و منتهى امل الرّاجين، يا من احاط بكلّ شىء علما، و وسع المستقلين رافة و رحمة و حلما، اللهم انا نتوجه اليك فى هذه العشيّة، التى شرفتها و عظمتها بمحمد نبيك و رسولك، و خيرتك من خلقك، و امينك على وحيك، البشير النذير، السراج المنير، الذى انعمت به على المسلمين، و جعلته رحمة للعالمين، اللهم فصلّ على

احكام و مناسك حج و عمره، ص ٢٩٣

محمد و آل محمد، كما محمد اهل لذلك منك يا عظيم فصلّ عليه و على آله المنتجبين الطيبين الطاهرين اجمعين، و تغمدنا بعفوك عنا، فاليك عجت الاصوات بصنوف اللغات، فاجعل لنا اللهم فى هذه العشيّة نصيبا من كلّ خير تقسمه بين عبادك، و نور تهدي به و رحمة تنشرها، و بركة تنزلها و عافية تجلّلها و رزق تبسطه، يا ارحم الراحمين، اللهم اقبلنا فى هذا الوقت منجحين مفلحين مبرورين غانمين، و لا تجعلنا من القانطين و لا تخلنا من رحمتك، و لا تحرمننا ما نؤمله من فضلك، و لا تجعلنا من رحمتك محرومين، و لا لفضل ما نؤمله من عطائك قانطين، و لا تردنا خائبين، و لا من بابك مطرودين، يا اجود الاجودين و اكرم الاكرمين، اليك اقبلنا موقنين، و لبيتك الحرام آمين قاصدين، فاعنا على مناسكتنا، و اكمل لنا حجنا و اعف عنا و عافنا، فقد مددنا اليك ايدينا فهى بذلة الاعتراف موسومة، اللهم فاعطنا فى هذه العشيّة ما سئلك، و اكفنا ما استكفيناك فلا كافى لنا سواك، و لا رب لنا غيرك، نافذ فينا حكمك، محيط بنا علمك، عدل فينا قضاؤك، اقض لنا الخير، و اجعلنا من اهل الخير، اللهم اوجب لنا بجودك عظيم الاجر و كريم الذخر و دوام اليسر، و اغفر لنا ذنوبنا اجمعين، و لا تهلكنا مع الهالكين، و لا تصرف عنا رافتك و رحمتك يا ارحم الراحمين، اللهم اجعلنا فى هذا الوقت ممن سنلك فاعطيته، و شكرك فزدته، و ثاب اليك فقبلته، و تنصل اليك من ذنوبه كلها فغفرتها له، يا ذا الجلال و الاكرام، اللهم و نقنا و سدّدنا و اعصمنا، و اقبل تضرّعنا يا خير من سئل، و يا ارحم من استرحم، يا من لا يخفى عليه اغماض الجفون، و لا لحظ العيون، و لا ما استقرّ فى المكنون، و لا ما انطوت عليه مضمرات القلوب، الا كل ذلك قد احصاه علمك و وسعه، حلمك سبحانك و تعاليت عما يقول الظالمون علوا كبيرا، تسبح لك السموات السبع و الارضون و من فيهن، و ان من شىء الا يسبح

بحمدك، فلك الحمد و المجد و علو الجد، يا

احكام و مناسك حج و عمره، ص ۲۹۴

ذا الجلال و الاكرام و الفضل و الانعام، و الايادى الجسام و انت الجواد الكريم الرؤف الرحيم اللهم اوسع على من رزقك الحلال، و عافنى فى بدنى و دينى، و آمن خوفى و اعتق رقبتى من النار، اللهم لا تمكر بى و لا تستدرجنى، و لا تخدعنى، و ادرء عنى شر فسقة الجن و الانس،

آنگاه صورت خود را به سوى آسمان بلند كرد. در حالیکه از دیده‌های مبارکش اشک می‌ریخت با صدای بلند می‌فرمود: يا اسمع السامعين، يا ابصر الناظرين، و يا اسرع الحاسبين، و يا ارحم الراحمين، صل على محمد و آل محمد السادة الميامين، و اسئلك اللهم حاجتى التى ان اعطيتنيها لم يضرني ما منعتني، و ان منعتنيها لم ينفعني ما اعطيتني، اسئلك فكاك رقبتي من النار، لا اله الا انت وحدك لا شريك لك، لك الملك و لك الحمد و انت على كل شىء قدير يا رب يا رب».

مرحوم مجلسی در زاد المعاد دعا را تا اینجا نقل کرده، ولی محدث قمی رحمة الله عليه از اقبال سيد بن طاووس این اضافه را نیز نقل کرده: «الهي انا الفقير فى غناى فكيف لا اكون فقيرا فى فقرى، الهي انا الجاهل فى علمى فكيف لا اكون جهولا فى جهلى، الهي ان اختلاف تدبيرك و سرعة طواء مقاديرك منعا عبادك العارفين بك عن السكون الى عطاء و اليأس منك فى بلاء، الهي منى ما يلىق بلومى و منك ما يلىق بكرمك، الهي وصفت نفسك باللطف و الرافة لى قبل وجود ضعفى، ا فتمنعني منهما بعد وجود ضعفى، الهي ان ظهرت المحاسن منى فبفضلك و لك المنة على، و ان ظهرت المساوى منى فبعدلك و لك الحجة على، الهي كيف تكلمنى و قد تكفلت لى، و كيف اضام و انت الناصر لى، ام كيف اخيب و انت الحفى بى، ها انا اتوسل اليك بفقرى اليك، و كيف اتوسل اليك بما هو محال ان يصل اليك، ام كيف اشكو اليك حالى و هو لا يخفى عليك، ام كيف اترجم بمقالى و هو منك برز اليك، ام كيف تخيب آمالى و هي قد وفدت

احكام و مناسك حج و عمره، ص ۲۹۵

اليك، ام كيف لا تحسن احوالى و بك قامت، الهي ما الطفك بى مع عظيم جهلى، و ما ارحمك بى مع قبيح فعلى، الهي ما اقربك منى و ابعدى عنك، و ما ارافك بى فما الذى يحجبنى عنك، الهي علمت باختلاف الآثار و تنقلات الاطوار ان مرادك منى ان تتعرف الى فى كل شىء حتى لا اجهلك فى شىء، الهي كلما اخرسنى لومى انطقنى كرمك، و كلما آيستنى اوصافى اطمعتنى منك، الهي من كانت محاسنه مساوى، فكيف لا تكون مساويه مساوى، و من كانت حقايقه دعاوى فكيف لا تكون دعاويه دعاوى، الهي حكمك النافذ و مشيتك القاهرة لم يتركا لذى مقال مقالا، و لا لذى حال حالا، الهي كم من طاعة بنيتها، و حالة شيدتها، هدم اعتمادى عليها عدلك، بل اقالنى منها فضلك، الهي انك تعلم انى و ان لم تدم الطاعة منى فعلا جزما، فقد دامت محبة و عزم الهى كيف اعزم و انت القاهر، و كيف لا اعزم و انت الامر، الهي ترددى فى الآثار يوجب بعد المزار فاجمعنى عليك بخدمة توصلنى اليك، كيف يستدل عليك بما هو فى وجوده مفتقر اليك، اذ يكون لغيرك من الظهور ما ليس لك حتى يكون هو المظهر لك، متى غبت حتى تحتاج الى دليل يدل عليك، و متى بعدت حتى تكون الآثار هى التى توصل اليك،

عميت عين لا تراك عليها رقيبا، وخسرت صفقة عبد لم تجعل له من حبك نصيبا، الهى امرت بالرجوع الى الآثار، فارجعنى اليك بكسوة الانوار و هداية الاستبصار حتى ارجع اليك منها كما دخلت اليك منها مصون السر عن النظر اليها، و مرفوع الهمة عن الاعتماد عليها، انك على كل شىء قدير، الهى هذا ذلى ظاهر بين يديك، و هذا حالى لا يخفى عليك، منك اطلب الوصول اليك، و بك استدلل عليك، فاهدنى بنورك اليك، و اقمنى بصدق العبودية بين يديك، الهى علمنى من علمك المخزون، و صننى بستر المصون، الهى حققنى بحقايق اهل القرب و اسلك بى مسلك اهل الجذب، الهى اغننى بتديريك لى عن تديبرى و باختيارك

احكام و مناسك حج و عمره، ص ٢٩٦

عن اختيارى، و اوقفنى عن مراكز اضطرارى، الهى اخرجنى من ذل نفسى، و طهرنى من شكى و شركى قبل حلول رمسى، بك انتصر فانصرنى، و عليك اتوكل فلا تكلنى، و اياك اسئل فلا تخيننى، و فى فضلك ارغب فلا تحرمنى و بجنابك انتسب فلا تبعدى، و ببابك اقف فلا تطردنى، الهى تقدس رضاك ان تكون له علة منك، فكيف تكون له علة منى، الهى انت الغنى بذاتك ان يصل اليك النفع منك، فكيف لا تكون غنيا عنى، الهى ان القضاء و القدر يمينى، و ان الهوى بوثايق الشهوة اسرنى، فكن انت النصير لى حتى تنصرنى و تبصرنى، و اغننى بفضلك حتى استغنى بك عن طلبى، انت الذى اشرفت الانوار فى قلوب اوليائك حتى عرفوك و وحدوك، و انت الذى ازلت الاغيار عن قلوب احبابك حتى لم يحبوا سواك و لم يلجئوا الى غيرك، انت المونس لهم حيث اوحشتهم العوالم و انت الذى هديتهم حيث استبانتم لهم المعالم، ما ذا وجد من فقدك، و ما الذى فقد من وجدك، لقد خاب من رضى دونك بدلا، و لقد خسر من بغى عنك متحولا، كيف يرجى سواك و انت ما قطعت الاحسان، و كيف يطلب من غيرك و انت ما بدلت عادة الامتنان، يا من اذاق احبائه حلاوة الموانسة فقاموا بين يديه متملقين، و يا من البس اوليائه ملابس هيبته، فقاموا بين يديه مستغفرين، انت الذاکر قبل الذاکرين و انت البادى بالاحسان قبل توجه العابدين و انت الجواد بالعتاء قبل طلب الطالبين و انت الوهاب ثم لما وهبت لنا من المستقرضين، الهى اطلبنى برحمتك حتى اصل اليك، و اجذبنى بمنك حتى اقبل عليك، الهى ان رجائى لا ينقطع عنك و ان عصيتك، كما ان خوفى لا يزايلنى و ان اطعتك، فقد دفعتنى العوالم اليك و قد اوقعتنى علمى بكرمك عليك، الهى كيف اخيب و انت املى، ام كيف اهان و عليك متكلى، الهى كيف استعز و فى الذلة اركزتنى، ام كيف لا استعز و اليك نسبتنى، الهى كيف لا افتقر و انت الذى فى الفقراء

احكام و مناسك حج و عمره، ص ٢٩٧

اقتننى، ام كيف افتقر و انت الذى بجودك اغنيتنى، و انت الذى لا اله غيرك، تعرفت لكل شىء فما جهلك شىء، و انت الذى تعرفت الى كل شىء فرايتك ظاهرا فى كل شىء و انت الظاهر لكل شىء، يا من استوى برحمانيته فصار العرش غيبا فى ذاته، محقت الآثار بالآثار و محوت الاغيار بمحيطات افلاك الانوار، يا من احتجب فى سرادقات عرشه عن ان تدركه الابصار، يا من تجلى بكمال بهائه فتحقق عظمته (من) الاستواء، كيف تخفى و انت الظاهر، ام كيف تغيب و انت الرقيب الحاضر انك على كل شىء قدير، و الحمد لله وحده.

برخی از دعاهای مختصر و جامع که در هر حال و هر جا خواندن آنها مناسب است و مخصوصاً در مشاهد مشرفه و اوقات شریفه که مظان استجاب دعا است:

۱: دعائی که بر حسب نقل مرحوم مجلسی، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن را در شب پانزدهم شعبان می خواندند.

و از عوالی اللثالی نقل شده که آن حضرت همیشه این دعا را می خواندند:

«اللهم اقسّم لنا من خشيتك ما يحول بيننا وبين معصيتك، و من طاعتك ما تبلغنا به رضوانك، و من اليقين ما يهون علينا به مصيبات الدنيا، اللهم امتعنا باسماعنا و ابصارنا و قوتنا ما احببتنا، و اجعله الوارث منا و اجعل ثارنا على من ظلمنا، و انصرنا على من عادانا، و لا تجعل مصيبتنا في ديننا و لا تجعل الدنيا اكبر همنا و لا مبلغ علمنا و لا تسلط علينا من لا يرحمنا برحمتك يا ارحم الراحمين.» - زاد المعاد ص ۷۵، مفاتيح الجنان -

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۹۸

۲: دعاء منسوب به حضرت مهدی علیه السلام:

«اللهم ارزقنا توفيق الطاعة، و بعد المعصية، و صدق النية، و عرفان الحرمة، و اكرنا بالهدى و الاستقامة، و سدّد السنتنا بالصواب و الحكمة، و املاً قلوبنا بالعلم و المعرفة و طهر بطوننا من الحرام و الشبهة، و اكفف ايدينا عن الظلم و السرقة، و اغضض ابصارنا عن الفجور و الخيانة، و اسدد اسماعنا عن اللغو و الغيبة، و تفضل على علمائنا بالزهد و النصيحة، و على المتعلمين بالجهد و الرغبة، و على المستمعين بالاتباع و الموعدة، و على مرضى المسلمين بالشفاء و الراحة، و على موتاهم بالرفقة و الرحمة، و على مشايخنا بالوقار و السكينة، و على الشباب بالانابة و التوبة، و على النساء بالحياء و العفة، و على الاغنياء بالتواضع و السعة، و على الفقراء بالصبر و القناعة، و على الغزاة بالنصر و الغلبة، و على الاسراء بالخلاص و الراحة، و على الامراء بالعدل و الشفقة، و على الرعية بالانصاف و حسن السيرة، و بارك للحجاج و الزوار في الزاد و النفقة، و اقض ما اوجبت عليهم من الحجّ و العمرة بفضلك و رحمتك يا ارحم الراحمين.» - مفاتيح الجنان -

۳: دعائی که در مصباح کفعمی از امام صادق علیه السلام بعنوان تعقیب نمازها نقل می کند

ولی خواندن آن در هر حال مناسب است: «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد، اللهم انی اسالك من کلّ خير احاط به علمك، و اعوذ بك من کلّ شرّ احاط به علمك. اللهم انی اسالك عافيتك في اموري كلها، و اعوذ بك من خزي الدنيا و عذاب الآخرة، و اعوذ بوجهك الكريم و عزتك التي لا ترام و قدرتك التي لا يمتنع منها شيء، من شرّ الدنيا و الآخرة، و من شرّ الاوجاع كلها و من شرّ كلّ دابة انت آخذ بناصيتها، ان ربّي علی صراط مستقيم،

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۲۹۹

و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم. توكلت علی الحي الذي لا يموت، و الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا و لم يكن له شريك في الملك و لم يكن له ولي من الذلّ و كبره تكبيرا.» - مصباح کفعمی فصل ۵ ص ۱۹ -

۴: دعائی که شیخ طوسی علیه الرحمة در مصباح المتهدّد می فرماید:

مستحب است در شب جمعه و روز جمعه و شب عرفه و روز عرفه خوانده شود:

«اللهم من تعباً و تهيأ و اعد و استعد لوفادة الى مخلوق، رجاء رفته و طلب نائله و جائزته فاليك يا ربّ تعبتي و استعدادي رجاء عفوك و طلب نائلك و جائزتك، فلا تخيب دعائي يا من لا يخيب عليه سائل و لا ينقصه نائل، فاني لم آتک ثقة بعمل صالح عملته و لا لوفادة مخلوق رجوته. اتيتك مقراً علي نفسي بالاسائة و الظلم معترفا بان لا حجة لي و لا عذر، اتيتك ارجو عظيم عفوك الذي عفوت به عن الخاطئين (الذي علوت به على الخطائين) فلم يمنعك طول عكوفهم على عظيم الجرم ان عدت عليهم بالرحمة، فيا من رحمته واسعة و عفوه عظيم، يا عظيم يا عظيم يا عظيم، لا يرد غضبك الا حلمك، و لا ينجي من سخطك الا التضرع اليك، فهب لي يا الهی فرجا بالقدرة التي تحيي بها ميت البلاد، و لا تهلكني غماً حتى تستجيب لي و تعرفني الاجابة في دعائي، و اذقني طعم العافية الى منتهى اجلي، و لا تشمت بي عدوي، و لا تسلطه علي و لا تمكنه من عنقي. الهی ان وضعتني فمن ذا الذي يرفعني، و ان رفعتني فمن ذا الذي يضعني، و ان اهلكتني فمن ذا الذي يعرض لك في عبدك او يسالك عن امره، و قد علمت انه ليس في حكمك ظلم و لا في نعمتك عجلة، و انما يعجل من يخاف الفوت، و انما يحتاج الى الظلم الضعيف و قد تعاليت يا الهی عن ذلك علواً كبيراً، اللهم اني اعوذ بك

احكام و مناسك حج و عمره، ص ۳۰۰

فاعذني، و استجير بك فاجرنی، و استرزقك فارزقني، و اتوكل عليك فاكفني، و استنصرک علي عدوك (علي عدوي خ-د) فانصرني و استعين بك فاعني، و استغفرک فاغفر لي، آمين آمين آمين. - مصباح المتهجد، ص ۲۳۷ -
و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله علي محمد و آله الطاهرين، و لعنة الله علي اعدائهم اجمعين الي يوم الدين.

۱۵ رمضان المبارک ۱۴۱۸ - ديمه ۱۳۷۶

احكام و مناسك حج و عمره، ص ۳۰۱

فهرست اصطلاحات و اماکن

- الف -

- ۱- ابطح: نام یکی از وادیهای شنزار و مسیل گونه اطراف شهر سابق مکه است که اکنون جزء شهر شده و در خیابان مسجد الحرام پس از پل حجون و نرسیده بمیدان معابده قرار دارد.
- ۲- استلام حجر الاسود: دست کشیدن به حجر الاسود.
- ۳- احتیاط واجب: اصطلاح فقهی است و در جایی گفته میشود که مرجع، فتوای قطعی ارائه نمیدهد ولی بنظر او مسئله مربوطه دارای شبهه قوی و جوب یا حرمت میباشد و در چنین موارد، مقلد، میتواند بمرجع دیگری با مراعات شرائطش مراجعه نماید و هم با احتیاط مرجع خود عمل نماید.
- ۴- احوط ...: یعنی احتیاط چنین است، اگر چنین تعبیری همراه با فتوای مرجع برخلاف مضمون و مفاد احتیاط باشد، خواه فتوای او پیش از کلمه احوط باشد یا بعد از آن، در اینگونه موارد احتیاط کردن مستحب است و مقلد نمیتواند به فتوای غیر مرجع خود مراجعه نماید ولی اگر بدون فتوای قبل یا بعد از آن باشد نظیر مورد سوم میباشد.
- ۵- اقوی چنین است: جایی گفته میشود که حکم مسئله، نزد مرجع، روشن و قوی است و مقلد باید بان عمل نماید

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۳۰۲

مراجعه بفتوای دیگران جایز نیست.

- ۶- اصل ترکه- مجموعه دارایی میت است در مقابل ثلث آن یعنی یک سوم دارایی.
- ۷- اعتبار و امر اعتباری و اعتبارا: تقریبا به یک معنا است و در جائی گفته میشود که چیزهائی وجود حقیقی در خارج ذهن ندارند ولی بدلیل اهداف عقلائی، یک نوع وجود حقوقی و قراردادی و فرضی بین مردم و یا بین عده‌ای و یا نزد خود انسان، برای آنها تصور میشود مانند: مفاد معاملات و عقود و قراردادها و اوامر و نواهی بین افراد و نیز کلیه شخصیت‌های حقوقی رائج.
- ۸- ارکان کعبه: کعبه معظمه دارای چهار رکن میباشد که مقصود همان چهار گوشه آنست: اول: رکن حجر که حجر الاسود در آن گوشه قرار دارد. دوم: رکن عراقی است که از حجر الاسود گذشته و نرسیده به حجر اسماعیل میباشد. سوم: رکن شامی که در شمال غربی کعبه است و بعد از حجر اسماعیل قرار دارد. چهارم: رکن یمانی است که نرسیده به رکن حجر میباشد.
- ۹- استنکاف: شانه خالی کردن از انجام کار واجب یا ترك کار حرام.
- ۱۰- احراز: کسب اطمینان نسبت به کاری.
- ۱۱- اصل سلامت: اصطلاح فقهی است و مقصود، آنست که هرگاه پس از انجام معامله‌ای، نسبت به سلامت و معیوب بودن جنس مورد معامله، شك نمائیم باید بناء را بر صحت و سلامت آن گذاشت.
- ۱۲- اخبار مستفیضه: اصطلاحی است در علم الحدیث و به روایاتی گفته میشود که راویان آنها از سه نفر یعنی از سه

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۳۰۳

- طریق بیشتر باشند ولی بحدیکه موجب تواتر یعنی پیدا شدن یقین به صدور آنها از معصوم علیه السلام باشد، نرسد.
- ۱۳- ادنی الحل: نزدیکترین نقطه خارج حرم، بحرم.
 - ۱۴- استمناء: بازی کردن انسان با آلت خود یا غیر آن بحدیکه منی خارج شود.
 - ۱۵- اطلاق: شامل و عام بودن چیزی یا حکمی.

-ب-

- ۱۶- بعید نیست: در مواردی فقهاء این تعبیر را بکار میبرند که روشنی مسئله، نزد آنان در حد تمایل باظهار فتوای قطعی میباشد و در اینگونه موارد، مقلد باید بان عمل نماید و رجوع به مرجع دیگر جایز نیست.
- ۱۷- بیتوته: ماندن حجج در شب در محلی (نظیر ماندن در منی در شبهای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی حجه).
- ۱۸- یومادران: گیاهی است خوشبو و معطر، دارای ساقه‌های بلند و گل‌های سفید رنگ.

-ت-

- ۱۹- تصالح: حاضر شدن طرفین یک موضوعی که باختلاف رسیده برای مصالحه و گذشت نسبت به یکدیگر.
- ۲۰- تراضی با طرف: رضایت دادن طرفین یک موضوع مورد اختلاف.
- ۲۱- تبرع: انجام دادن کاری مجاناً.

۲۲- تبرّعی: کار و عمل مجّانی.

۲۳- بجا آوردن مجدد عمل یا جزئی از آن که فراموش شده یا درست بجا آورده نشده.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۳۰۴

۲۴- تلّ سرخ: مکانی است بین راه عرفات به مشعر در حدود مشعر (کثیب احمر).

-ج-

۲۵- جعرانه: نام یکی از حدود چهارگانه حرم خدا است که از ناحیه شرق مکه برسر راه طائف در فاصله سی کیلومتری شهر مکه قرار دارد.

۲۶- جبل الرّحمة: نام کوهی است در سرزمین عرفات.

۲۷- جحفه: نام یکی از میقاتها است که در فاصله ۱۵۶ کیلومتری شمال غربی مکه واقع شده و اهل مصر و سوریه و مغرب از آنجا احرام می بندند.

-ح-

۲۸- حجة الاسلام: بر هر شخص مستطیع واجب است حدّ اقل يك مرتبه در عمر خود بزیارت خانه خدا برود و آنرا حجة الاسلام میگویند.

۲۹- حجامت: خون گرفتن از بدن بشکل خاصی.

۳۰- حجر الاسود: سنگ سیاهی است که در رکن شرقی کعبه معظمه نصب شده است و مبدأ شروع طواف باید از برابر آن باشد.

۳۱- حجر اسماعیل: مکانی است بشکل نیم دایره با دیواری بار تفاع يك متر و سی سانت که در جانب شمالی کعبه قرار دارد.

۳۲- حدیبیه: محلی است در سمت شمال غربی مکه معظمه و یکی از حدود چهارگانه حرم خدا است.

۳۳- حرم و حدّ آن: حدود چهارگانه حرم در مسائل گذشته

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۳۰۵

بیان شده.

۳۴- حنوط: مالیدن کافور بر مواضع سجده میت.

۳۵- حائض: زنی است که در ایام قاعدگی میباشد.

-خ-

۳۶- خالی از وجه نیست: اصطلاحی است معمول در رساله‌های عملیه و در جائی گفته میشود که مرجع، در مرز فتوا دادن میباشد ولی فتوای قطعی نمیدهد. و بهر حال اگر قرینه‌ای برخلاف نباشد بحکم فتوی می باشد.

۳۷- خالی از قوّت نیست: در حکم فتوا دادن مرجع است و مقلد باید بان عمل نماید.

۳۸- خالی از اشکال نیست: نشانه نداشتن فتوای قطعی مرجع میباشد و در اینگونه موارد، مقلد منخیر است بین عمل باحتیاط و یا رجوع به فتوای مرجع دیگری با شرائطش.

۳۹- خلاف شأن: شأن، همان مجموعه حیثیت شخصی و اجتماعی يك فرد است و خلاف آن یعنی: مراعات نکردن حیثیت ذکر شده.

۴۰- خراج عراقین: خراج، نوعی مالیات بوده است که حکومت‌های اسلامی از اقشار خاصی می‌گرفته‌اند و عراقین یعنی: عراق عرب و عجم.

۴۱- خطور دادن به قلب: توجه نمودن به چیزی در قلب و مجسم نمودن آن در ذهن.

۴۲- خزامی: سبزی صحرائی خوشبوئی است.

- د -

۴۳- درمنه: سبزی صحرائی خوشبوئی است.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۳۰۶

- ر -

۴۴- رکن یمانی: (رجوع شود به ارکان کعبه).

۴۵- رقطاء: محلی است بین راه مکه به عرفات که سابقاً در نزدیکی آن سدّی بوده و اکنون داخل محدوده شهر مکه و حوالی مسجد الرّایه است.

- ص -

۴۶- صدق وطن: جائی که بان، وطن یعنی محل سکونت گفته میشود.

- ظ -

۴۷- ظاهرا: هر کجا فقیه چنین تعبیری داشته باشد نشانه فتوا دادن او است در مسئله مربوطه که باید بان عمل نمود.

- ع -

۴۸- عقبه مدنیین: سابقاً دروازه مدینه در شهر مکه بوده و اکنون جزء شهر شده و جنب، حجون و قبرستان مکه میباشد.

- ف -

۴۹- فسوق: معنای آن در مسائل گذشته بیان شده است.

۵۰- فحّ: وادی‌ای است در مدخل شهر مکه از راه جدّه و مسجد تنعیم.

- ق -

۵۱- قصد انشاء: قصد بوجود آوردن چیزهایی که وجود اعتباری

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۳۰۷

- دارند. (رجوع شود به امر اعتباری)

۵۲- قرن المنازل: محلی است در فاصله ۹۴ کیلومتری شهر مکه از ناحیه شرقی آن و میقات کسانی است که از راه طائف به مکه مکرمه میروند.

۵۳- قصد قربت مطلقه: قصد نزدیک شدن و تقرّب بخدای متعال بدون قصد واجب یا مستحب بودن عمل.

-م-

۵۴- ما فی الذمه: آنچه بعهده انسان است.

۵۵- مطاف: محدوده طواف که بنا بر مشهور حد فاصل بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام است که بنا بر مشهور باید طواف، در آن محدوده انجام شود. لیکن گفتیم که محدوده طواف گسترده تر از آنست.

۵۶- مقام ابراهیم علیه السلام: سنگی است در فاصله ۱۳ متری از کعبه بین شرق و شمال آن که در جایگاه مخصوصی قرار دارد و گفته میشود حضرت ابراهیم علیه السلام هنگام ساختن کعبه، روی آن میایستادند و یا روی آن نماز میخواندند.

۵۷- محل اشکال یا محل تأمل است: هر کجا فقیه چنین تعبیراتی دارد، نشانه نداشتن فتوای قطعی در مسئله مربوطه میباشد و مقلد، مخیر است بین احتیاط کردن در آن مسئله و یا رجوع بمرجع دیگر که فتوای قطعی دارد با مراعات شرائط آن.

۵۸- مسلوس و مبطون: شخص مبتلا به ادرار یا غائط دائم.

۵۹- مستقر: ثابت و قطعی شدن تکلیفی برعهده مکلف.

۶۰- محدث: کسی که کاری که موجب وضوء یا غسل باشد انجام داده.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۳۰۸

۶۱- مأزمین: تنگه‌ای است بین عرفات و مشعر که حد مشعر و خارج از آنست.

۶۲- مسکین: کسی است که وضع و حال او از فقیر بدتر است.

۶۳- محرم: کسی است که در حال احرام است.

۶۴- محل: کسی است که از احرام خارج شده.

۶۵- مجزی هست: کافی و موجب سقوط تکلیف میباشد.

۶۶- مزدلفه: نام دیگر مشعر الحرام میباشد.

۶۷- مد طعام: تقریباً ده سیر - ۷۵ گرم - غذای معمولی مانند گندم، آرد، برنج و غیره.

۶۸- متمکن: دارای توان و قدرت.

۶۹- مستجار: قسمت مقابل درب کعبه معظمه نزدیک رکن یمانی است.

۷۰- مسجد شجره: یکی از میقاتها است و در فاصله ۴۸۶ کیلومتری شمال مکه و دوازده کیلومتری مدینه میباشد و بان، ذو الحلیفه نیز میگویند.

۷۱- مسجد غدیر خم: در حدود ۹ کیلومتری شرق مسجد جحفه قرار دارد و در کنار آن چشمه‌ای است بنام چشمه غدیر که در اطراف آن تعدادی نخل بچشم میخورد. و نصب علی علیه السلام بخلافت بلا فصل در همانجا بوده است.

۷۲- مسجد مباحله: همان محل مسجد «اجابه» کنونی است که کنار خیابان ستین در مدینه میباشد.

۷۳- مسجد فضیخ: در جنوب شرقی مدینه انتهای خیابان عوالی (علی بن ابیطالب) حوالی سردخانه و خیابان کمربندی قرار دارد.

۷۴- مسجد ردّ الشمس (مسجد فضیخ در روایات شیعه): در جنوب مدینه، شرق و مسجد قبا انتهای خیابان قربان

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۳۰۹

(عبدالمحسن) میباشد که از بلوار طریق الهجره گذشته و به پلی در امتداد همان خیابان میرسیم روبروی پل، دست راست جاده، آثار آن مسجد باقی است.

۷۵- مسجد سلمان: در مدینه دو مسجد به این نام میباشد، یکی همان که جزء مساجد سبعة است و معروف میباشد؛ دومی در سمت جنوب شرقی مدینه بین منطقه عوالی و شرق قبا، انتهای خیابان علی بن ابیطالب، حوالی خیابان مدرسه الحسین بن علی و پمپ بنزین قرار دارد.

۷۶- مستحاضه: زنی است که خون استحاضه میبندد.

۷۷- مشربه ام ابراهیم: همان حوالی مسجد فضیخ حدود دویست متر مانده به کوچه فرعی آن مسجد، قرار دارد.

- ن -

۷۸- نفساء: زنی است که بعد از وضع حمل، خون می بیند.

- و -

۷۹- وطن: در بحث نماز و روزه مسافر بمعنای محل سکونت میباشد نه بمعنای کشور ولی در بحث حج گاهی بمعنای کشور نیز میباشد.

۸۰- ورس: گیاهی است خوشبو.

۸۱- وادی عقیق: نام یکی از میقاتها است. به قسمت اول آن، مسلخ و وسط آن، غمره و آخر آن، ذات عرق گفته میشود و در فاصله ۹۴ کیلومتری شمال شرقی مکه قرار دارد. اهل عراق و نجد و هرکس از آنرا به مکه مشرف شود از آنجا احرام می بندند.

۸۲- وادی محسر: محلی است بین راه مشعر الحرام به منی که

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۳۱۰

هم اکنون بخشی از قربانگاه در این قسمت قرار دارد.

۸۳- وقوف: ماندن در محلی است.

- ی -

۸۴- یلملم: نام کوهی است در جنوب مکه که میقات اهل یمن و هرکس از آنرا به حج برود میباشد و فاصله آن تا مکه ۸۴ کیلومتر است.

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۳۱۱

فهرست مطالب

بخش اول

بیان اجمالی اهداف معنوی و اجتماعی حج ۵

بخش دوم مشتمل بر بیان وجوب حج و عمره و شرائط، احکام، واجبات و آداب و سنن عمره و حج

۱۷

- فصل اول: وجوب فوری حجة الاسلام ۱۹
 فصل دوم: شرائط وجوب حجة الاسلام ۱۹
 استطاعت مالی ۲۲
 استطاعت بذلی ۲۹
 رجوع به کفایت ۳۰
 استطاعت بدنی و باز بودن راه و وسعت وقت ۳۱
 مسائل متفرقه استطاعت ۳۴
 فصل سوم: وصیت به حج ۳۹
 فصل چهارم: نیابت در حج ۴۲
 فصل پنجم: حج استحبابی ۵۰
 فصل ششم: اقسام عمره ۵۱
 فصل هفتم: اقسام حج ۵۴
 فصل هشتم: صورت حج تمتع بنحو اجمال ۵۶

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۳۱۲

- فصل نهم: شرائط حج تمتع ۵۸
 فصل دهم: صورت حج افراد و حج قران ۶۱
 فصل یازدهم: میقاتهای احرام ۶۳
 فصل دوازدهم: احکام میقاتها ۶۷
باب دوم اعمال و شرائط و آداب عمره تمتع و آداب ورود در حرم و مکه معظمه و مسجد الحرام

۷۱

- فصل اول: واجبات احرام و شرائط آن ۷۳
 مستحبات احرام ۸۲
 مکروهات احرام ۸۵
 تروک و محرّمات احرام ۸۵
 اول: شکار حیوان وحشی صحرائی ۸۵
 دوم: جماع ۸۸
 سوم: بوسیدن زن ۹۰
 چهارم و پنجم: لمس بدن زن و نگاه ۹۱
 ششم و هفتم: استمناء و عقد ازدواج ۹۲

هشتم: استعمال بوی خوش ۹۳

نهم: روغن مالی بدن ۹۶

دهم: سرمه کشیدن ۹۶

یازدهم: بدست کردن انگشتر ۹۷

دوازدهم: زینت کردن و پوشیدن ۹۷

سیزدهم: نگاه کردن در آینه ۹۸

چهاردهم: پوشیدن لباس دوخته برای مرد ۹۹

پانزدهم: دگمه گذاشتن و گره زدن ۱۰۲

شانزدهم: پوشیدن جوراب و چکمه ۱۰۲

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۳۱۳

هفدهم: پوشاندن سر برای مردها ۱۰۳

هیجدهم: پوشاندن صورت برای زنها ۱۰۵

نوزدهم: سایه قرار دادن مرد، بالای سر خود ۱۰۶

بیستم: فسوق ۱۰۸

بیست و یکم: جدال ۱۰۸

بیست و دوم: کشتن جانوران بدن ۱۱۰

بیست و سوم: جدا کردن مواز بدن ۱۱۰

بیست و چهارم: بیرون آوردن خون ۱۱۲

بیست و پنجم: کندن دندان ۱۱۳

بیست و ششم: ناخن گرفتن ۱۱۳

بیست و هفتم: برداشتن و حمل سلاح ۱۱۵

بیست و هشتم: جنگ کردن و کشتی گرفتن ۱۱۵

بیست و نهم: کندن و بریدن درخت و گیاه ۱۱۶

جای ذبح و نحر کفارات ۱۱۸

مستحبات ورود به حرم ۱۱۸

مستحبات ورود به مکه معظمه ۱۱۹

آداب ورود به مسجد الحرام ۱۱۹

فصل دوم: طواف خانه خدا و واجبات، و .. ۱۲۳

شرایط طواف: ۱۲۵

واجبات طواف ۱۳۳

بقیه مسائل زیاد کردن طواف ۱۳۸

- مسائل کم کردن از طواف یا قطع طواف ۱۴۰
 مسائل شك در طواف ۱۴۳
 مسائل متفرقه طواف ۱۴۵
 آداب و مستحبات طواف ۱۴۶

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۳۱۴

- فصل سوم: نماز طواف ۱۴۹
 مستحبات نماز طواف ۱۵۲
 فصل چهارم: سعی بین صفا و مروه ۱۵۲
 زیاد و کم کردن در سعی ۱۵۵
 شك در سعی ۱۵۷
 مستحبات سعی ۱۵۸
 فصل پنجم: تقصیر و احکام آن ۱۶۲
باب سوم اعمال، احکام و آداب حج تمتع
 ۱۶۵
 واجبات حج تمتع ۱۶۷
 فصل اول: احرام حج و مستحبات آن ۱۶۷
 مستحبات احرام حج ۱۶۹
 فصل دوم: وقوف بعرفات ۱۷۰
 مستحبات وقوف بعرفات ۱۷۳
 فصل سوم: وقوف بمشعر ۱۷۷
 مستحبات وقوف بمشعر ۱۸۳
 فصل چهارم: واجبات منی در روز عید قربان ۱۸۴
 ۱: رمی جمره عقبه ۱۸۵

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۳۱۵

- مستحبات رمی جمرات ۱۸۹
 ۲: قربانی و شرائط و مستحبات آن ۱۹۰
 روزه بجای قربانی ۱۹۵
 مسائل متفرقه قربانی ۱۹۶
 مستحبات قربانی در منی ۱۹۸
 ۳: تقصیر یا سر تراشیدن ۱۹۹

مسائل متفرقه تقصیر و سر تراشیدن ۲۰۱

مستحبات سر تراشیدن ۲۰۳

فصل پنجم: اعمال مکه معظمه ۲۰۳

مسائل طواف نساء ۲۰۵

مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی ۲۰۸

فصل ششم: اعمال منی در ایام تشریق ۲۰۸

بیتوته در منی یعنی ماندن شب در آن ۲۰۹

رمی جمرات سه گانه در روزها ۲۱۲

مستحبات منی در ایام تشریق ۲۱۷

پایانه ۲۱۹

آداب مکه معظمه ۲۲۱

عمره مفرده ۲۲۴

واجبات عمره مفرده بطور کلی هشت چیز است ۲۲۵

احکام مصدود و محصور ۲۲۶

۱: احکام مصدود ۲۲۶

۲: احکام محصور ۲۳۰

برخی مسائل متفرقه ۲۳۵

احکام و مناسک حج و عمره، ص ۳۱۶

بخش سوم: اعمال و آداب مدینه منوره و بعضی دعاهاى مأثوره

۲۳۹

فصل اول: در اهمیت زیارت مدینه منوره ۲۴۱

فصل دوم: در زیارت رسول خدا و کیفیت آن ۲۴۱

فصل سوم: در برخی از اعمال و دعاهائی ... ۲۴۷

فصل چهارم: زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هنگام ... ۲۵۲

فصل پنجم: در زیارت حضرت زهراء علیها السلام ۲۵۴

فصل ششم: زیارت ائمه بقیع علیهم السلام ۲۵۹

فصل هفتم: زیارت ائمه بقیع علیهم السلام هنگام وداع ۲۶۱

فصل هشتم: زیارت ابراهیم فرزند رسول خدا ۲۶۲

زیارت فاطمه بنت اسد ۲۶۴

زیارت حمزه عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۲۶

زیارت سایر شهدای احد ۲۶۶

فصل نهم: زیارت سایر مساجد و مشاهد ۲۶۷

فصل دهم: زیارت امین الله ۲۶۹

زیارت وارث ۲۷۰

زیارت سایر شهداء کربلا ۲۷۲

زیارت جامع مختصر ۲۷۲

زیارت جامعه کبیره ۲۷۳

فصل یازدهم: دعاء کمیل ۲۷۹

دعاء امام حسین علیه السلام در عصر روز عرفه ۲۸۴

فصل دوازدهم: برخی دعاهاى مختصر و جامع ۲۹۷

دعای منسوب به حضرت مهدی علیه السلام ۲۹۸

دعای شب و روز عرفه و جمعه ۲۹۹

فهرست اصطلاحات و اماکن ۳۰۱